

سورة فاتحه

۱. به نام خدای خوبِ مهربان.
۲. خدا را سپاس که صاحب اختیار جهانیان است.
۳. خوبِ مهربان است.
۴. صاحب روز جزاست. فقط تو را بندگی می‌کنیم
۵. و در این راه فقط از تو کمک می‌خواهیم.
۶. ما را به راه درست زندگی ببر:
۷. راه کسانی که به آنان نعمت ویژه داده‌ای؛ همانانی که نه گرفتار خشم تو شده‌اند و نه راه را گم کرده‌اند.

سوره بقره

به نام خدای خوبِ مهربان

الف، لام، میم. ۱

این کتاب که بدون شک از طرف خداست،^۱

آنانی را به مقصد می‌رساند که مراقب رفتارشان اند؛^۲
همان کسانی که به خدای پنهان‌از دیده‌ها ایمان می‌آورند،

نماز را با آدابش می‌خوانند، از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم
در راه خدا هزینه می‌کنند،^۳ همه راهنمایی‌های

خدا توسط تو و پیامبران قبل از تو را باور می‌کنند و
به آخرت کاملاً یقین دارند.^۴ بله، آنان کاملاً از

هدایت الهی برخوردارند و آنان همان

مردم خوشبخت‌اند.^۵

۱. به دلیل آیه ۲۳ همین سوره، اینجا را این‌طور معنا کرده‌ایم.

۲. این پنج آیه درباره مؤمنان بود. دو آیه بعد درباره سران بی‌دین است و آیه‌های هشتم تا بیستم درباره منافق‌ها.

سران بی دین و لجاجت، چه هشدار بدهی چه ندهی، فرقی به حالشان نمی‌کند: آن‌ها دیگر ایمان نمی‌آورند؛ ۶ خدا فهمشان را کور کرده؛ چون پرده غفلتی جلوی چشم‌هایشان را گرفته است. برای همین هم، عذابی بی اندازه در انتظارشان است! ۷

بعضی مردم به زبان می‌گویند: «خدا و روز قیامت را باور داریم»؛ در حالی که اصلاً باور ندارند! ۸ به خیال خودشان می‌خواهند خدا و مؤمنان را گول بزنند؛ ولی بی آنکه بفهمند، دارند خودشان را گول می‌زنند! ۹ دل‌هایشان سخت مریض شده. خدا هم مریضی‌شان را بیشتر کرده و می‌کند! و در نتیجه این همه دروغ‌گویی، گرفتار عذابی زجرآور می‌شوند. ۱۰

وقتی به آن‌ها می‌گویند: «در جامعه خراب‌کاری نکنید»، جواب می‌دهند: «ما مشغول اصلاح جامعه هستیم و بس!» ۱۱ بدانید خراب‌کارهای واقعی همان‌ها هستند؛ ولی نمی‌فهمند! ۱۲

وقتی به آن‌ها پیشنهاد می‌کنند: «آن‌طور که سایر مسلمانان خدا و روز قیامت را باور کرده‌اند، شما هم باور کنید»، جواب می‌دهند: «یعنی همان‌طور که کم‌عقل‌ها این چیزها را باور کرده‌اند، ما هم باور کنیم؟!» بدانید کم‌عقل‌های واقعی همان‌ها هستند؛ ولی خودشان خبر ندارند! ۱۳

وقتی با مسلمانان روبه‌رو می‌شوند، به مسخره می‌گویند: «خدا و روز قیامت را باور داریم»؛ ولی همین‌که با دوستان شیطان صفت خود تنها می‌شوند، می‌گویند: «ما با شما هستیم. آن‌ها را دست انداخته‌ایم!» ۱۴ اما در حقیقت، خدا آن‌ها را دست می‌اندازد و در سرکشی‌شان رها می‌کند که کوردل باقی بمانند. ۱۵

آن‌ها کسانی‌اند که گمراهی را به قیمت ازدست دادن هدایت به دست آورده‌اند؛ بنابراین، چنین تجارتی سودی برایشان ندارد و دیگر توفیقی نصیبشان نمی‌شود. ۱۶

حال این منافقان مثل حال کسانی است که آتشی روشن کرده‌اند تا در بیابان تاریک، راه را پیدا کنند؛ ولی وقتی اطرافشان را آتش روشن کند، خدا خودش روشنایی‌شان را خاموش می‌کند و در تاریکی‌هایی رهایشان می‌سازد که دیگر چشم چشم را نمی‌بینند! ۱۷ آن‌ها کرو لال و کورند؛ برای همین، راهی برای برگشت ندارند. ۱۸

یا مثل کسانی‌اند که گرفتار بارانی تند و هوایی تاریک و رعدوبرقی شدید شده‌اند و هر بار، از ترس صاعقه‌های مرگ‌بار، انگشت‌هایشان را در گوش‌هایشان فرو می‌کنند! بله، خدا بر منافق‌های بی‌دین مسلط است. ۱۹ کم مانده که برق آسمان چشم‌هایشان را کور کند! هر بار که جلوییشان را روشن می‌کند، چند قدمی راه می‌روند؛ ولی وقتی آن‌ها را تاریکی فرا می‌گیرد، در جای خود می‌خکوب می‌شوند! البته اگر خدا می‌خواست، از همان اول، شنوایی و بینایی‌شان را می‌گرفت. آخر، خدا از عهده هر کاری برمی‌آید. ۲۰

مردم! برای اینکه مراقب رفتارتان باشید، خدایی را بندگی کنید که شما و قبلی‌های شما را آفریده است؛ ۲۱ همان که زمین را فرش زیر پایتان کرده و آسمان را سقف بالای سرتان و از آسمان برف و بارانی می‌فرستد تا به برکتش، محصولات کشاورزی را برای خورد و خوراکتان پرورش دهد. پس برای خدا همتایانی قرار ندهید. خودتان هم خوب می‌دانید که خدا همتایی ندارد! ۲۲

اگر به قرآنی که بر بنده خود فرستاده‌ایم شک دارید و آن را ساخته و پرداخته‌ او می‌دانید، سوره‌ای مثلش بیاورید؛ البته اگر راست می‌گویید، برای کمک گرفتن، یاران خود را هم در برابر خدا صدا بزنید. ۲۳ پس اگر نتوانستید این کار را بکنید که هرگز هم نخواهید توانست، بترسید از آتشی که سوختش، مردم و بت‌های سنگی‌اند و برای بی‌دین‌ها آماده شده است! ۲۴

۱. این پیشنهاد خدا در آیه‌های دیگری هم با تعبیر نزدیک به این آمده است: یونس، ۳۸ (ص ۲۱۳)، هود، ۱۳ (ص ۲۲۳)، اِسْرَاء، ۸۸ (ص ۲۹۱)، طور، ۳۴ (ص ۵۲۵). این‌ها در واقع هم‌اوردطلبی خداست: اگر شما انسان‌ها فکر می‌کنید که قرآن مجید کتاب آسمانی نیست و ساخته و پرداخته خود محمد است، خب شما هم همانندش یا لاقل ده سوره و حتی اگر شده، یک سوره مثلش بیاورید! البته منظور اصلی خدا از این هم‌اوردطلبی، آوردن محتوایی عمیق از جنس حقایق و معارف قرآن است، نه فقط آوردن متنی درخشان به زبان عربی.

به مسلمانانی که کارهای خوب کرده‌اند، مژده بده باغ‌هایی پردرخت در انتظارشان است که در آن‌ها جوی‌ها روان است. هر وقت میوه‌ای از آن باغ‌ها روزی‌شان شود، می‌گویند: «این همان کار خوبی است که در دنیا روزی‌مان شده بود و الان به این صورت درآمده است!» انواع روزی‌های ممتاز برایشان می‌آورند و در آن باغ‌ها همسرانی زیبا و پاک دارند و آنجا ماندنی‌اند. ۲۵

خدا برای فهماندن واقعیتی به مردم، کسر شأن خودش نمی‌داند که از حشره‌ای مانند پشه یا حتی کوچک‌تر از آن مثال بزند. کسانی که خدا را باور دارند، می‌دانند که بیان این‌طور مثال‌ها کاملاً بجا و از طرف خداست؛ ولی نادان‌هایی که خدا و آیه‌هایش را قبول ندارند، می‌گویند: «منظور خدا از این مثال چه بوده؟!»، بله، خدا با بیان این جور مثال‌ها، خیلی‌ها را به حال خودشان رها می‌کند و دستِ خیلی‌ها را هم می‌گیرد. البته، فقط منحرف‌ها را با بیان این مثال‌ها به حال خودشان رها می‌کند. ۲۶ همان‌ها که تعهد دین‌داری را می‌شکنند؛ تعهدی که به حکم عقل و وحی داده‌اند. همچنین، رابطه‌هایی را قطع می‌کنند که خدا دستور داده برقرار باشد و در جامعه به خراب‌کاری مشغول‌اند. این‌ها ایند که سرمایه‌ عمرشان را باخته‌اند! ۲۷ چطور خدا را قبول ندارید؟! درحالی‌که بی‌جان بودید و خدا به شما زندگی بخشید. بعد از آن، شما را می‌میراند. آن وقت شما را به عالم برزخ می‌برد و دست‌آخر، روز قیامت فقط به سوی او برگردانده می‌شوید. ۲۸

اوست که هرچه در زمین است، برای شما آفریده. سپس، آسمان را برپا کرده و به صورت هفت آسمان، نظم و ترتیبش داده است. او هر چیزی را می‌داند. ۲۹

وقتی خدا به فرشتگان گفت: «من در زمین نماینده‌ای تام‌الاختیار می‌گذارم»، آنان با تعجب و نگرانی گفتند: «یعنی کسی را نماینده خود در زمین می‌کنی که در آن فساد و خون‌ریزی راه می‌اندازد؟! درحالی‌که ما تو را از سر سپاس، به پاکی یاد می‌کنیم و از هر عیبی به دور می‌دانیم.» خدا جواب داد: «من حتماً چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید!»^{۳۰}

پس از آفرینش آدم، خدا تمام اسرار عالم خلقت را به او یاد داد. بعد، توان فرشتگان را در این باره سنجید و گفت: «اگر راست می‌گویید، از این حقایق به من خبر دهید!»^{۳۱} فرشتگان گفتند: «خدایا، تو پاکی. جز آنچه تو استعداد یادگیری‌اش را به ما داده‌ای، توان بیشتری نداریم! در واقع، فقط تو دانای کاردرستی.»^{۳۲} خدا فرمود: «ای آدم، به فرشتگان نشان بده که اسرار عالم خلقت را می‌دانی.» همین‌که آدم آن را نشان‌شان داد، خدا فرمود: «مگر به شما نگفتم که من اسرار آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و می‌دانم چه‌ها مطرح می‌کنید و چه‌ها کتمان می‌کردید؟!»^{۳۳}

وقتی هم به فرشتگان فرمان دادیم: «در برابر آدم سجده کنید»، همه سجده کردند، جز ابلیس که خودداری کرد و کبر ورزید. اصلاً او چشمش را بر روی حقایق بسته بود!^{۳۴}

آن وقت، به آدم گفتیم: «تو و همسرت در این باغ ساکن شوید و از هر جا و هر چیزش که خواستید، استفاده کنید؛ نوش جانتان! ولی نزدیک این درخت نشوید و از آن نخورید؛ وگرنه به خودتان بد کرده‌اید!»^{۳۵} اما شیطان با همان درخت از راه به درشان کرد و باعث شد از نعمت‌هایی که در آن غرق بودند، محروم شوند! به آن دو و شیطان فرمان دادیم: «از این مرتبه پایین بروید، درحالی‌که دشمن هم خواهید بود. تا مدتی هم روی زمین زندگی می‌کنید و از نعمت‌های دنیا بهره‌مند می‌شوید.»^{۳۶} البته آدم از خدا حرف‌هایی یاد گرفت و توبه کرد.^{۳۷} خدا هم توبه‌اش را پذیرفت؛ زیرا فقط اوست توبه‌پذیر مهربان.^{۳۷}

۱. باغی از باغ‌های عالم برزخ.

۲. توبه حضرت آدم علیه السلام نه به خاطر ارتکاب گناه، بلکه به خاطر عمل نکردن به سفارش غیرالزام‌آور الهی بود.

بله، دستور دادیم: «همگی از این موقعیت پایین بروید. اگر راه نجاتی جلوی پایتان گذاشتم، که می‌گذارم، آن‌هایی که قدم در آن راه بگذارند نه ترسی بر آنان غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورند؛^{۳۸} ولی کسانی که نشانه‌های ما را قبول نکنند و انکارشان کنند، جهنمی‌اند و آنجا ماندنی.»^{۳۹}

آی بنی اسرائیل، نعمت‌هایم را که به شما داده‌ام به یاد آورید و به تعهدی که از شما گرفته‌ام^۳ پایبند باشید تا من هم به تعهدی که به شما داده‌ام پایبند باشم. فقط و فقط هم از من حساب ببرید. ^{۴۰} همچنین، به قرآنی ایمان بیاورید که فرستاده‌ام و تأییدکننده همان تورات و انجیلی است که در دست شماست. سردمدار در انکار آن نباشید و آیات و احکام مرا به قیمت ناچیز مادی نفروشید و در حضور من مراقب رفتارتان باشید. ^{۴۱} حق را وارونه جلوه ندهید و حقیقت را آگاهانه کتمان نکنید. ^{۴۲} نماز را با آدایش بخوانید و صدقه بدهید و با جماعت نمازگزاران رکوع کنید. ^{۴۳}

آیا مردم را به انجام دادن کارهای خوب دستور می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید، با اینکه کتاب خدا را می‌خوانید؟! پس چرا عقلتان را به کار نمی‌اندازید؟! ^{۴۴} با صبر و نماز از خدا کمک بخواهید. البته این کار سختی است، مگر برای افراد متواضع؛ ^{۴۵} همان کسانی که فکر می‌کنند با صاحب اختیار خودشان ملاقات می‌کنند و به سویش برمی‌گردند. ^{۴۶}

آی بنی اسرائیل، به خاطر آورید نعمت‌هایم را که به شما بخشیدم و اینکه شما را از مردم زمان خودتان برتر ساختم. ^{۴۷} بترسید از روزی که اصلاً کسی به درد کسی نخورد و شفاعتی درباره‌شان سودمند نباشد و برای نجاتشان از عذاب، جریمه‌ای پذیرفته نشود و کمکی به آن‌ها نشود! ^{۴۸}

۱. درباره آینده ترسی ندارند؛ چون آینده خوبی در انتظارشان است. درباره گذشته هم غصه‌ای ندارند؛ چون گذشته بدی نداشته‌اند.

۲. درباره آفرینش آدم و سجده فرشتگان، آیه‌های ۱۰ به بعد اعراف (ص ۱۵۱) و ۱۱۵ به بعد طه (ص ۳۲۰) را هم ببینید.

۳. این تعهد را خدای حکیم از راه عقل و فطرت و کتاب آسمانی و سنت پیامبران، از بنی اسرائیل گرفته است تا کارهای خوب بکنند و بدی‌ها را کنار بگذارند.

یادتان بیاید که از چنگ فرعونیان نجاتتان دادیم. آن‌ها به شدت شکنجه‌تان می‌دادند: پسرانتان را به فجیع‌ترین وضع سر می‌بردند و بانوانتان را برای بهره‌کشی نگه می‌داشتند. تمام این سختی‌ها و راحتی‌ها برایتان آزمایشی بزرگ از طرف خدا بود. ۴۹

به خاطر آورید که دریا^۱ را به محض ورودتان شکافته و نجاتتان دادیم و فرعون و دارودسته‌اش را جلوی چشمتان غرق کردیم. ۵۰

یادتان باشد که برای نزول تورات، با موسی مدت چهل شب^۲ را قرار گذاشتیم؛ اما در نبود او مشغول گوساله‌پرستی شدید. واقعاً که بد کردید! ۵۱ سپس، بعد از آن کار زشت، از سرِ تقصیراتتان گذشتیم تا شکر کنید. ۵۲

فراموش نکنید که به موسی تورات و قدرت تشخیص حق از باطل دادیم تا هدایت شوید. ۵۳

همچنین، یادتان بیاید که موسی به قوم خود گفت: «مردم! شما با گوساله‌پرستی به خودتان بد کردید. پس بیایید به سوی آفریدگار خود برگردید؛ به این صورت که گوساله‌پرست‌هایتان را بکشید. از نظر خدا، این کار برایتان بهتر است.» خدا هم، بعد از اجرای این دستور، توبه‌تان را قبول کرد. زیرا فقط اوست توبه‌پذیر مهربان. ۵۴

باز، یادتان باشد که به موسی گفتید: «تا خدا را با چشم خود نبینیم، حرفت را باور نمی‌کنیم!» پس درحالی‌که فقط تماشای صحنه بودید، صاعقه‌ای مرگ‌بار شما را فرا گرفت؛ ۵۵ آن وقت، بعد از مرگتان زنده‌تان کردیم تا شکر کنید. ۵۶ تازه، ابرها را سایه‌سرتان کردیم و برایتان گزائگین و بلدرچین فرستادیم و گفتیم: «از خوراکی‌های پاک و پاکیزه‌ای بخورید که روزی‌تان کرده‌ایم.» اما ناشکری کردند و در یک کلام: بنی اسرائیل به ما بد نمی‌کردند؛ بلکه به خودشان بد می‌کردند! ۵۷

۱. منظور از دریا در اینجا، به احتمال زیاد، خلیج سوئز است؛ یعنی همان باریکه شمال‌غربی دریای سرخ که در پایان آن، کانال سوئز قرار دارد و دریای سرخ را به دریای مدیترانه وصل می‌کند و شهر قاهره در نزدیکی آن است. در این باره، خوب است پاورقی آیه ۶۰ سوره کهف (ص ۳۰۰) را هم بخوانید.

۲. حضرت موسی علیه السلام برای مناجات با خدا و گرفتن کتاب آسمانی تورات، چهل شب در کوه سینا ماند. در این باره، آیه‌های ۱۴۲ به بعد سوره اعراف (ص ۱۶۷) خواندنی است.

یادتان بیاید که به شما گفتیم: «وارد شهر آریحا شوید و از هر جا و هر چیزی که دلتان خواست، استفاده کنید: نوش جانتان! و با نهایت تواضع، از در بزرگ شهر وارد شوید و بگوئید 'خدایا، گناهانمان را بریز' تا خطاهایتان را ببخشیم. در ضمن، درستکاران را به رشد و تعالی خواهیم رساند.» ۵۸

اما بدکارها آن حرف را تغییر دادند به حرف دیگری، غیر از آنچه به آن‌ها گفته شده بود! ما هم به سزای این همه نافرمانی شان، بلایی فراگیر از آسمان^۲ بر سرشان فرستادیم. ۵۹

در صحرای سینا، موسی برای قومش آب آشامیدنی خواست. به او وحی کردیم: «با چوب دستی‌ات به آن تخته سنگ بزن.» یک دفعه دوازده چشمه از آن جاری شد؛ طوری هم بود که هریک از گروه‌های دوازده‌گانه بنی اسرائیل می‌دانست از کدام یک آب بخورد. از روزی خدا بخورید و بنوشید و با خیره‌سری، در زمین خراب‌کاری نکنید. ۶۰

یادتان بیاید که اعتراض کردید: «موسی، اصلاً نمی‌توانیم با یک نوع غذا سر کنیم، یعنی با گرانگبین^۳ و بلدرچین^۴. پس، از خدای خودت بخواه از همین‌هایی که از زمین می‌روید، به ما بدهد: از سبزی و خیار گرفته تا سیر و عدس و پیاز.» موسی جواب داد: «یعنی به جای غذای مقوی‌تر و لذیذتری که دارید، غذای کم ارزش‌تری می‌خواهید؟! حال که این‌طور است، بروید به شهری که خواسته‌هایتان در آن تأمین است.» رفتند. اما داغ خواری و بیچارگی بر پیشانی‌شان زده شد و گرفتار خشم خدا شدند؛ برای اینکه آیه‌ها و نشانه‌های خدا را قبول نمی‌کردند و پیامبران را ناجوانمردانه به شهادت می‌رساندند. این کارها در این ریشه داشت که نافرمانی می‌کردند و سرکشی! ۶۱

۱. به جای «حَطَّة» به مسخره می‌گفتند: «جَنْطَلَّة!» شاید معادل فارسی امروزی اش این بشود که به جای «آسْتَنْغِفُ» الله، می‌گفتند: «از سقف برو بالا، یا به جای «الْعَفْوُ الْعَفْو»، می‌گفتند: «علف علف»!

۲. عذابشان مرض واگیردار طاعون بود که جان ده‌ها هزار نفر را گرفت.

۳. گرانگبین ماده‌ای شیرین است که به صورت شیره، از بوته گیاه گز تولید می‌شود.

۴. بلدرچین پرنده کوچکی است که بیشتر در مزارع گندم و بوته زارها لانه می‌کند و گوشتی چرب دارد.

البته از کسانی که اسلام آورده‌اند و یهودی‌ها و مسیحی‌ها و صابئی‌ها^۱ آن‌هایی‌شان که خدا و روز قیامت را واقعاً باور دارند^۲ و کار خوب می‌کنند، پاداششان پیش خدا محفوظ است و نه ترسی بر آنان غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورند. ۶۲

وقتی هم که کوه طور را بالای سرتان نگه داشته بودیم، از شما تعهد محکم گرفتیم و هشدار دادیم: «کتابی را که به شما داده‌ایم، جدی بگیرید و مطالبش را آویزه گوش کنید تا بتوانید مراقب رفتارتان باشید.» ۶۳ اما شما بعد از دیدن آن همه معجزه، تعهدتان را زیر پا گذاشتید؛ پس اگر لطف و بزرگواری خدا در حقتان نبود، سرمایه عمرتان را می‌باختید. ۶۴

حتماً شنیده‌اید داستان کسانی از قوم خودتان را که در روزهای شنبه از دستور الهی سرپیچی کردند. به آن‌ها گفتیم: «در نهایت ذلت به صورت بوزینه دربیابید!»^۳ ۶۵ این عذاب را مایه عبرت نسل حاضر در آن زمان و نسل‌های آینده قرار دادیم و همچنین، نصیحتی برای خودمراقبان. ۶۶

موسی به قومش گفت: «خدا به شما دستور می‌دهد که ماده‌گاو^۴ را سرببرید.» با تعجب گفتند: «مسخره می‌کنی ما را؟!» جواب داد: «خدا نکند که من بخوام بی ادب باشم.» ۶۷ گفتند: «باشد. از خدایت بخواه برایمان توضیح دهد که سن آن گاو چقدر باشد.» گفت: «خدا می‌فرماید نه پیر پیر باشد و نه جوان جوان؛ بلکه بین این باشد و آن. حالا هر چه زودتر مأموریتتان را انجام دهید!» ۶۸ دوباره گفتند: «از خدایت بخواه برای ما مشخص کند که آن گاو چه رنگی باشد.» گفت: «خدا می‌فرماید گاو^۵ باشد زرد یکدست که بینندگان را به ذوق آورد.» ۶۹

۱. درباره صابئی‌ها نمی‌توان توضیح روشنی مطرح کرد؛ زیرا نه کتاب آن‌ها دقیقاً معلوم است و نه عقایدشان، فقط در سه جای قرآن مجید، بدون هیچ‌گونه توضیحی، نامشان آمده است.

۲. ایمان واقعی یعنی: ایمان به تورات و انجیل و قرآن و نیز پیامبران گذشته و پیامبر حاضر، حضرت محمد ﷺ.

۳. داستان‌شان در آیه‌های ۱۶۳ تا ۱۶۶ سورة اعراف (ص ۱۷۱) آمده است.

۴. یک نفر از بنی اسرائیل به صورت مشکوکی کشته می‌شود. اختلاف پیش می‌آید که قاتل کیست! حل دعوا از راه‌های بشری ممکن نبود و نزدیک بود جنگ و خون‌ریزی راه بیفتد؛ پس داوری را به حضرت موسی ﷺ می‌سپارند. ایشان به کمک خدا و از راه معجزه، این مشکل را حل می‌کند: دستور می‌دهد گاو^۵ را سرببرند و قسمتی از آن را به جسد مقتول بمالند تا او زنده شود و قاتل خود را معرفی کند.

باردیگر گفتند: «از خدایت بخواه برای ما روشن کند که آن گاو دقیقاً چطور گاوی باشد. ویژگی‌های آن گاو هنوز برای ما مبهم است؛ ولی با توضیح بیشتر، ان شاء الله متوجه خواهیم شد.» ۷۰ گفت که خدا می‌فرماید: «آن گاو برای شخم زدن زمین و آبیاری مزرعه تربیت نشده است؛ اما بسیار سالم باشد و هیچ لکه و خالی هم نداشته باشد.» بنی اسرائیل گفتند: «الان حق مطلب را ادا کردی!» به هر حال، چنین گاوی را سر بریدند. چیزی نمانده بود که فرمان خدا را انجام ندهند! ۷۱

این همه، زمانی بود که کسی را کشتید و مرگش را به گردن همدیگر انداختید و خدا می‌خواست مخفی‌کاری تان را آشکار کند؛ ۷۲ پس گفتیم: «قسمتی از آن گاو سر بریده را به جسد مقتول بنزید تا زنده شود و قاتلش را معرفی کند.» خدا مرده‌ها را این‌طور زنده می‌کند و نشانه‌های قدرتش را نشانتان می‌دهد تا عقلتان را به کار بیندازید. ۷۳

ولی به جای اینکه عبرت بگیرید، دل‌هایتان مثل سنگ شد و بلکه سخت‌تر از آن! آخر، سنگ‌هایی هست که از دلشان جوی‌های پرآب جاری می‌شود یا بعضی‌هایشان می‌شکافد و قطره‌های آب از آن بیرون می‌آید. سنگ‌هایی هم هست که از ترس خدا از بالای کوه‌ها فرو می‌ریزد! البته خدا بی‌خبر نیست که شما سنگدل‌ها چه می‌کنید! ۷۴

با وجود این، آیا شما مسلمانان انتظار دارید چنین مردمی به حقانیت شما اعتراف کنند؟! با آنکه عده‌ای از آن‌ها یعنی عالمانشان سخنان خدا را می‌شنیدند و بعد از فهمیدنش به نفع خودشان توجیه و تفسیرش می‌کردند! درحالی‌که زشتی کارشان را هم می‌دانستند. ۷۵

وقتی یهودی‌ها با مسلمانان روبه‌رو می‌شوند، می‌گویند: «اسلام آورده‌ایم»؛ اما وقتی با هم تنها می‌شوند، بزرگان‌شان می‌گویند: «چرا با مسلمانان چیزهایی را در میان می‌گذارید که خدا در تورات درباره پیامبر اسلام برایتان مشخص کرده؟! نمی‌گویید در قیامت، پیش خدا، از آن‌ها به ضررتان استفاده کنند؟! پس چرا عقلتان را به کار نمی‌اندازید؟!» ۷۶

مگر نمی دانند که خدا می داند چه ها پنهان می کند و چه ها آشکار؟! ۷۷
 بعضی از یهودی ها بی سوادهایی اند که تصور می کنند معارف کتاب خدا در حد
 آرزوهای پوچ آن هاست^۱ و با خواندنش خیال می کنند به آرزوهایشان می رسند! ۷۸
 ولی وای بر عالمانشان که دست نوشته هایی آماده می کنند و آن وقت می گویند:
 «این نوشته ها از طرف خداست!» تا با فروختنش مبلغ ناچیزی به جیب بزنند.
 وای بر آن ها با این دست نوشته هایشان و وای بر آن ها با چیزی که از این راه
 به دست می آورند! ۷۹

مثلاً آن ها ادعا می کردند: «پر آتشی جهنم فقط چند روزی ما را می گیرد.»^۲ از آن ها
 پرس: «مگر قولی از خدا گرفته اید تا خدا خلافش عمل نکند؟! یا اینکه از روی
 نادانی، چیزی را به خدا نسبت می دهید؟!» ۸۰ نه که چند روز، بلکه همیشه در
 آتش اند؛ زیرا آن هایی که گناهی بکنند و گناهشان سرتاسر وجودشان را فرا بگیرد،
 جهنمی اند و آنجا ماندنی؛ ۸۱ ولی کسانی که مسلمان شوند و کارهای خوب
 بکنند، بهشتی اند و آنجا ماندنی. ۸۲

به یادشان بیاور که از بنی اسرائیل تعهد محکم گرفتیم: «جز خدا را نپرستید و تا
 می توانید در خدمت پدر و مادر باشید و در خوبی کردن به خویشاوندان و یتیمان
 و بینوایان سنگ تمام بگذارید. با مردم خوش برخورد باشید. نماز را با آدابش
 بخوانید و صدقه بدهید.» ولی بعد از مدتی، جز عده کمی، همه با بی اعتنایی، از
 این دستورها سرپیچی کردید. ۸۳

۱. می گفتند: «خدا گناهانمان را نادیده می گیرد» یا «پیامبرانمان پارتی ما خواهند شد» یا «به فرض که به جهنم برویم، فقط چند روز در آتش باقی می مانیم» یا «ما دوستان خداییم» یا «بهشت فقط مخصوص ما یهودی هاست» یا «ما نژاد برتریم؛ پس...».

۲. ادعایشان این بود: «به فرض هم که جهنمی باشیم، آتش حداکثر هفت یا چهل روز، مختصر تماسی با بدن ما خواهد داشت و دیگر هیچ!» آیه ۲۴ سوره آل عمران (ص ۵۳) هم مربوط به همین موضوع است.

یادتان بیاید که از شما بنی اسرائیل تعهد محکم گرفتیم: «خونِ هم را نریزید و همدیگر را از سرزمین خودتان بیرون نکنید.» و شما هم به این تعهد گرفتن اعتراف کردید. حالا شما یهودی‌های صدر اسلام هم به این اعتراف اجدادتان گواهی می‌دهید. ۸۴

ولی باز همین شما باید که به کشتن همدیگر ادامه می‌دهید! عده‌ای از خودتان را از خانه‌هایشان آواره می‌کنید و از روی سهل‌انگاری و تجاوز، برضد آوارگان با دشمنان یهود همدست می‌شوید! اگر هم اسیر شما شوند، آن‌ها را با اسیران خودتان مبادله می‌کنید یا با گرفتن پول، آزادشان می‌سازید! در صورتی که از اولش هم، آواره‌کردنشان بر شما حرام بود. چطور بعضی احکام تورات را می‌پذیرید و بعضی را رد می‌کنید؟! ۸۴

مجازات کسانی از شما که این روال را در پیش بگیرند، جز خفت و خواری در زندگی دنیا نیست و روز قیامت هم به سخت‌ترین عذاب گرفتار می‌شوند. البته خدا بی‌خبر نیست که چه می‌کنید. ۸۵ این‌ها همان کسانی‌اند که به قیمت از دست دادن آخرت، زندگی پست دنیا را خریدند؛ بنابراین، نه از عذابشان کم می‌شود و نه کمکی به آن‌ها می‌شود! ۸۶

به موسی کتاب تورات را دادیم و به دنبال او، پیامبران دیگری را یکی پس از دیگری فرستادیم. به عیسی بن مریم هم معجزه‌های روشن بخشیدیم و او را به واسطه روح القدس، یعنی برترین فرشته خود، توانایی دادیم. هر بار که پیامبران چیزی برایتان می‌آوردند که باب میلان نبود، پس چرا تکبر می‌کردید و عده‌ای را دروغگو می‌دانستید و عده‌ای را شهید هم می‌کردید؟! ۸۷

یهودی‌ها به بن‌بست جواب‌دادن که می‌رسیدند، می‌گفتند: «خب، پس حتماً فهم ما کور است!» نخیر! خدا برای بی‌دینی‌شان لعنتشان کرده است؛ برای همین، عده خیلی کمی از آن‌ها ایمان می‌آورند. ۸۸

۱. یعنی حرمت کشتار و آواره‌کردن همدیگر را رعایت نمی‌کنید، ولی لزوم مبادله اسرا را قبول دارید. این به اصطلاح «برخورد گرینشی» با احکام خدا، در زمان ما هم رواج دارد و متأسفانه بسیاری از ما مسلمانان هم کمابیش به آن مبتلا هستیم.

همین‌که از طرف خدا برایشان قرآنی آمد که تأییدکننده توراتشان بود، عمداً باورش نکردند؛ با اینکه قبل از آمدنش، همیشه امید داشتند که با آن بر بت پرست‌ها پیروز شوند و با اینکه قرآن و پیامبر اسلام را از قبل می‌شناختند. لعنت خدا بر چنین کسانی که حقایق را می‌پوشانند! ۸۹

آن‌ها خودشان را خیلی ارزان فروختند که از روی حسادت، آیه‌های خدا را نپذیرفتند و این‌طور اعتراض کردند: «چرا خدا فضیلت نبوت را به آن بنده‌ای که خودش دوست داشته، داده است؟!» پس بیش از پیش به خشم خدا گرفتار شدند و عذابی خفت بار نصیب چنین کسانی می‌شود که حقایق را می‌پوشانند. ۹۰

وقتی به آن‌ها پیشنهاد می‌کنند: «قرآنی را که خدا فرستاده، باور کنید»، جواب می‌دهند: «ما فقط توراتی را که بر خودمان نازل شده، باور می‌کنیم!» بله، قرآن را باور نمی‌کنند؛ با آنکه حق است و تورات آن‌ها را قبول دارد. بگو: «اگر واقعاً تورات را باور داشتید، پس چرا قبل از این، پیامبران خدا را می‌کشتید؟!» ۹۱ در حقیقت، موسی برایتان معجزه‌های روشنی آورد؛ ولی شما در نبود او مشغول گوساله پرستی شدید. واقعاً که بد کردید! ۹۲

وقتی هم که کوه طور را بالای سرتان نگه داشته بودیم، از شما تعهد محکم گرفتیم و هشدار دادیم: «کتابی را که به شما داده‌ایم، جدی بگیرید و مطالبش را آویزه گوش کنید.» به زبان گفتند: «شنیدیم» و در دل گفتند: «بی خیال!» آخر، از روی بی‌دینی‌شان، عشق به گوساله تمام وجودشان را فرا گرفته بود! بگو: «با این همه کارهای زشتتان، اگر باز خودتان را با ایمان می‌دانید، پس ایمانتان شما را به بد کارهایی وامی‌دارد!» ۹۳

۱. یهودی‌ها فکری می‌کردند که آخرین پیامبر، از نسل یعقوب و اسحاق است؛ ولی وقتی فهمیدند فضیلت نبوت به حضرت محمد ﷺ رسیده که از نسل اسماعیل است، حسادت کردند و به او ایمان نیاوردند!

۲. ترور ناجوانمردانه دانشمندان هسته‌ای این مرزوبوم به دست صهیونیست‌های نژادپرست هم می‌تواند ادامه همان سنت زشت پیامبرکشی آن‌ها باشد.

پیامبر! به یهودی‌ها بگو: «اگر واقعاً عقیده دارید که از نظر خدا بهشت فقط و فقط مال شماست و نه مردم دیگر، پس چرا معطلید؟! اگر راست می‌گویید، آرزوی مرگ کنید تا یک‌راست بروید توی بهشت!» ۹۴ ولی با کارهای زشتی که کرده‌اند، ابد آرزوی مرگ نمی‌کنند. خدا حال چنین بدکارهایی را خوب می‌داند. ۹۵ مطمئن باش که این جماعت را حریص‌ترین مردم به زندگی دنیا خواهی دید، حتی حریص‌تر از بت‌پرست‌ها؛ به طوری که هریک از آن‌ها آرزو دارد حداقل هزار سال عمر به او داده شود! غافل از اینکه عمر طولانی هم، از عذاب دورشان نمی‌کند و خدا می‌بیند که چه‌ها می‌کنند. ۹۶

هشدارشان بده که دشمن جبرئیل^۱ دشمن خداست؛ زیرا جبرئیل قرآن را به فرمان او بر قلب تو فرستاده است؛ علاوه بر آنکه قرآن تأییدکننده کتاب‌های آسمانی موجود^۲ هم هست و نیز راهنما و مؤذنه‌ای برای مؤمنان. ۹۷ هرکه با خدا، فرشتگان^۳ش، پیامبران^۴ش و جبرئیل و میکائیل دریفتد، بی‌دین است و خدا هم دشمن بی‌دین‌هاست. ۹۸ البته آیه‌هایی روشن به سویت فرستادیم و فقط افراد منحرف، آن‌ها را رد می‌کنند. ۹۹

چرا هر بار که یهودی‌ها با خدا و رسولش تعهدی بستند، عده‌ای از آن‌ها آن را زیر پا گذاشتند؟! از این بدتر: بیشترشان اصلاً ایمان ندارند! ۱۰۰
وقتی پیامبری از طرف خدا سراغشان آمد که نشانه‌هایش با نشانه‌های موجود در تورات هماهنگ بود، عده‌ای از عالمان یهود حتی به تورات پشت پا زدند؛ گویی اصلاً نمی‌دانند تورات کتاب خداست! ۱۰۱

۱. آیه‌های ۹۷ و ۹۸ همین سوره پاسخ یکی دیگر از بهانه‌جویی‌های یهودی‌هاست. به پیامبر ﷺ این‌طور ایراد می‌گرفتند: «فرشته‌ای که برای تو وحی می‌آورد، جبرئیل است، نه میکائیل. پس ما هم آورده‌هایش را نمی‌پذیریم و به تو ایمان نمی‌آوریم!»

۲. منظور، تورات و انجیل موجود در دوران صدر اسلام است.

جَنِّيَانِ شرور شایعه کردند که سلیمان حکومتش را با جادوگری اداره می‌کند! عالمان یهود این را جدی گرفتند و آلوده جادو شدند! البته سلیمان آلوده جادوگری و بی دینی نشد؛ بلکه این جَنِّيَانِ شرور بودند که بی دین شدند؛ چون به مردم جادو یاد می‌دادند. همچنین، عالمان یهود دنبال چیزهایی رفتند که بر دو فرشته هاروت و ماروت در شهر بابل^۱ نازل شده بود. آن دو فرشته قبل از یاد دادن شیوه کار جادوگرها به کسی، هشدار می‌دادند: «ما فقط وسیله آزمایشیم. نکند از این تعلیمات استفاده نابجا کنی!»؛ ولی از آن دو فرشته چیزهایی یاد می‌گرفتند که با آن بین مرد و همسرش جدایی می‌انداختند! هرچند که بی‌خواست خدا نمی‌توانستند با جادو به کسی ضرر بزنند. خلاصه، یهودی‌ها چیزهایی یاد می‌گرفتند که به آن‌ها ضرر می‌زد و فایده‌ای هم نداشت. خوب هم می‌دانستند که به جای عمل به کتاب خدا، هرکه دنباله‌رو جادو باشد، در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت. بله، خودشان را خیلی ارزان فروختند. کاش این را می‌دانستند! ۱۰۲

اگر یهودی‌ها آموزه‌های دینی را باور داشتند و از جادو دست می‌کشیدند، پاداشی از طرف خدا می‌گرفتند که برایشان خیلی بهتر بود. کاش این را هم می‌دانستند! ۱۰۳

مسلمانان! از عبارت‌های دوپهلوی استفاده نکنید، بلکه به جایش طوری حرف بزنید که مایه سوء استفاده بدخواهان نشود. ۲ این توصیه را جدی بگیرید؛ وگرنه آن‌هایی که از این دستور سرپیچی کنند، عذابی زجرآور دارند. ۱۰۴

اسلام نیاورده‌ها، یعنی اهل کتاب^۳ و بت پرست‌ها، از سرانحصارطلبی و زیاده‌خواهی علاقه‌ای ندارند که حتی ذره‌ای خیر از طرف خدا به شما برسد؛ چه رسد به فضیلت نبوت! غافل از اینکه خدا هرکس را لایق ببیند، با لطف ویژه‌اش می‌نوازد؛ زیرا خدا لطف بسیار دارد. ۱۰۵

۱. بابل از شهرهای قدیم بین‌النهرین بوده است و خرابه‌هایش در ساحل فرات، در ۱۶۰ کیلومتری جنوب شرقی بغداد، قرار دارد.

۲. برخی مسلمانان به رسول خدا ﷺ می‌گفتند: «در سخن گفتن، حال ما را رعایت کنید (راعنا) و شمرده‌تر سخن بگویید تا کلامتان را بهتر بفهمیم و آن را حفظ یا یادداشت کنیم»؛ ولی عبارت «راعنا» در زبان عبری یهودی‌ها به این معنا بود: «خوب ما را خر می‌کنی!» آن‌ها با سوءاستفاده از این مسئله، پیامبر ﷺ و مسلمانان را دست می‌انداختند. خدا به مسلمانان دستور داد که از این به بعد، به جای «راعنا» بگویند «انظرونا» تا از این شیطنت زبانی یهودی‌ها پیشگیری شود. آیه ۴۶ سوره نساء (ص ۸۶) را هم ببینید.

۳. منظور از «اهل کتاب» در اینجا، یا فقط یهودیان اند یا یهودیان و مسیحیان با هم.

هر آیه‌ای^۱ که از میان برداریم یا از یادها ببریم، بهترش یا مثلش را می‌آوریم. مگر نمی‌دانی که خدا از عهده^۲ هر کاری برمی‌آید؟! ۱۰۶ مگر نمی‌دانی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط مال خداست و جز خدا یار و یاور نداری؟ ۱۰۷

نکند قصد دارید همان چیزهایی را از پیامبران بخواهید که قبل‌ترها از موسی خواسته شد؟! ۲ هر که ایمانش را با بی‌دینی عوض کند، قطعاً راه درست را گم کرده است! ۱۰۸

خیلی از اهل کتاب، با اینکه حقانیت اسلام برایشان روشن شده بود، آرزو می‌کردند شما را بعد از اسلام آوردنتان به بی‌دینی بکشانند! این از روی حسدی بود که از وجودشان شعله می‌کشید!

شما فعلاً بگذرید و به رویشان نیاورید تا وقتی خدا فرمانش را بفرستد. آخر، خدا از عهده^۳ هر کاری برمی‌آید. ۱۰۹ نماز را هم با آدایش بخوانید و صدقه بدهید. هر کار خوبی که برای خودتان جلو بفرستید، آن را پیش خدا خواهید دید! بله، خدا کارهایتان را می‌بیند. ۱۱۰

یهودی‌ها و مسیحی‌ها، هر کدامشان جدا جدا، ادعا می‌کردند: «غیر از گروه ما، کسی به بهشت نمی‌رود!» چنین ادعاهایی، همه، خیالات خام آن‌هاست. بگو: «اگر راست می‌گویید، دلالتان را بیاورید.» ۱۱۱ نخیر! بهشت در انحصار کسی نیست. آنانی که خودشان را با تمام وجود تسلیم خدا کنند و نیکوکار باشند،^۴ پاداششان پیش خدا محفوظ است و نه ترسی بر آنان غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورند. ۱۱۲

۱. «آیه» در اینجا یعنی هر چیزی که نشانه خدا باشد: نشانه‌های آفرینش، کتاب‌های آسمانی و آیه‌های قرآن، دستوره‌های دینی، معجزه‌های پیامبران، وجود پیامبر و امام معصوم علیه السلام، عالمان وارسته و... .

۲. درخواست‌های نامعقول تازه مسلمانان یا یهودی‌ها یا بت‌پرستان مکه یکی دو تا نبود: «کتابی جلد شده از سوی خدا برای ما بیاور!» یا «فرشته‌ای که با چشمان ما دیده شود، پیش تو بیاید تا او را ببینیم!» یا «برای ما از زمین چشمه‌ای بجوشان!» یا «خدا و فرشتگان را حاضر کن و به ما نشانان بده!» یا «از آسمان بالا برو و کتابی برای ما بیاور!» یا... .

۳. آیه ۶۲ همین سوره و پانوشت دومش را ببینید.

یهودی‌ها می‌گفتند: «مسیحی‌ها عددی نیستند!» مسیحی‌ها هم می‌گفتند: «یهودی‌ها عددی نیستند!» جالب اینکه هر دویشان کتاب آسمانی می‌خواندند! بت پرست‌های نادان هم شبیه حرف‌های آن‌ها را بیان می‌کردند: «مسلمان‌ها عددی نیستند!» خدا روز قیامت درباره هر چیزی که سرش اختلاف داشته و دارند، بینشان داوری می‌کند. ۱۱۳

چه کسانی بدکارتر از آن‌هایی‌اند که از ذکر نام خدا در مکان‌های عبادی منع می‌کنند و در تضعیف و تخریب آن‌ها می‌کوشند؟! آن‌ها حق ورود به این مکان‌ها را ندارند. اگر هم احیاناً وارد شوند، نباید بتوانند فعالیت‌های مخرب خود را به راحتی پیش ببرند. این افراد در دنیا با خفت و خواری زندگی می‌کنند و در آخرت هم عذابی بی‌اندازه در انتظارشان است. ۱۱۴

شرق و غرب عالم مال خداست؛ پس به هر سو که رو کنید، همان سو جلوه خداست؛^۱ زیرا خدا همه جا هست و همه چیز را می‌داند. ۱۱۵
ادعا می‌کردند: «خدا برای خودش فرزندخوانده انتخاب کرده است!» او منزه از این حرف‌هاست؛ بلکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال اوست و همه گوش به فرمان اویند. ۱۱۶ او مجموع نظام آفرینش را با نوآوری و بدون الگوی قبلی آفریده است. وقتی هم چیزی را بخواهد، فقط تا فرمان بدهد: «باش»، به سرعت به وجود می‌آید. ۱۱۷

بت پرست‌های نادان اعتراض می‌کنند: «خدا چرا خودش با ما حرف نمی‌زند یا برای ما لااقل معجزه‌ای نمی‌آید؟!». کسانی هم که قبل از آن‌ها زندگی می‌کردند، مثل همین حرف‌ها را می‌زدند. دل‌هایشان مثل هم است و سرورته یک کرباس‌اند! البته ما معجزات روشن بسیاری فرستاده‌ایم برای گروهی که دنبال یقین‌اند. ۱۱۸
پیامبر! ما تو را بر اساس حکمت فرستادیم تا مژده‌رسان و هشداردهنده باشی. در قبال جهنمی‌ها تو مسئول نیستی! ۱۱۹

۱. روی خدا (وَجْهَ اللَّهِ) همان فیض بی‌حد و اندازه و همگانی اوست که با همه چیز بوده و در همه چیز هست؛ اما خود آن‌ها نیست و رنگ هیچ چیز به خود نمی‌گیرد. برای همین، همه چیز از بین رفتنی است؛ اما وَجْهَ اللَّهِ از بین نمی‌رود. در این باره، آیه‌های ۲۶ و ۲۷ سوره الزمّن (ص ۵۳۲) هم خواندنی است.

یهودی‌ها هیچ وقت از تورا ضی نمی‌شوند؛ مگر اینکه دنباله‌رو دینشان شوی! مسیحی‌ها هم همین‌طور. به آن‌ها بگو: «فقط راهنمایی خدا راهنمایی واقعی است.» اگر بعد از اینکه این حقایق به دستت رسیده تابع میلشان شوی، دیگر از طرف خدا هیچ یاری و حمایتی نخواهی شد. ۱۲۰ البته کسانی که کتاب آسمانی داده شده از طرف ما به خودشان را به دقت بخوانند و حقیقت را ادا کنند بالاخره به تو و کتابت ایمان می‌آورند و اگر هم احیاناً به آن ایمان نیاورند، سرمایه‌ی عمرشان را باخته‌اند! ۱۲۱ آی بنی اسرائیل، نعمت‌هایم را که به شما بخشیدیم به خاطر بیاورید و اینکه شما را از مردم زمان خودتان برتر ساختیم. ۱۲۲ بترسید از روزی که اصلاً کسی به درد کسی نخورد و برای نجاتشان از عذاب، جرمه‌ای پذیرفته نشود و شفاعتی درباره‌شان سودمند نباشد و کمکی به آن‌ها نشود! ۱۲۳

وقتی خدا ابراهیم را با حوادثی مهم امتحان کرد و وی را در امتحان‌ها موفق ساخت، فرمود: «من تو را راهبر مردم می‌کنم.»^۲ گفت: «از بچه‌ها و نسلم چطور؟» فرمود: «البته این جایگاه حساس به بدکارها نمی‌رسد و به معصومان، آری.» ۱۲۴ یادتان بیاید که خانه‌ی کعبه را محل رفت و آمد مردم و جایی امن کردیم و دستور دادیم: «برای نماز طواف، جایی پشت مقام ابراهیم^۳ بایستید.» به ابراهیم و اسماعیل هم سفارش کردیم: «برای طواف گزاران، اعتکاف‌کنندگان، رکوع‌کنندگان و سجده‌گزاران، خانه‌ام را از هرچه رنگ‌وبوی بت‌پرستی دارد، پاک کنید.» ۱۲۵ وقتی ابراهیم گفت: «خدایا، این سرزمین را شهرامنی کن و به هریک از اهالی اش که خدا و قیامت را باور دارد، از انواع میوه‌ها و محصولات کشاورزی روزی کن»، خدا فرمود: «البته کسی را هم که بی‌دینی کند، از دنیای ناچیز^۴ بهره‌مندش می‌کنم؛ ولی دست‌آخر او را به عذاب جهنم می‌کشانم و آن، بدسرانجامی است!» ۱۲۶

۱. امتحان‌های دشوار ابراهیم متعدد بود: مبارزه با بت‌پرستی، مواجهه با نمرد، بت‌شکنی، انداخته شدن در آتش، هجرت از وطن، قربانی کردن اسماعیل و ...

۲. امامت، در اینجا، به معنای امامت ظاهری و رهبری جامعه یا الگو بودن یا راهنمایی در احکام دینی نیست؛ بلکه به معنای هدایت باطنی و امامت ملکوتی و دست‌گیری و رساندن مردم به کمال است؛ یعنی، نه صرف نشان دادن راه، بلکه راه‌بردن و رساندن به سرمنزل مقصود.

۳. مقام ابراهیم سنگی است که اثر پاهای حضرت ابراهیم علیه السلام معجزه‌وار بر آن نقش بسته و اکنون در فاصله حدود بیست متری خانه‌ی خدا نصب است.

۴. اگر انسان بی‌دین در سراسر زندگی در راه کامل هم باشد، تمام داشته‌هایش در برابر نعمت‌های همیشگی آخرت، کم است! چند سال دنیای محدود و زودگذر کجا و هزاران هزار سال آخرت ابدی و جاودانی کجا!

ابراهیم و اسماعیل، وقتی دیوارهای خانه خدا را بالا می‌بردند،^۱ زمزمه می‌کردند: «خدا، از ما بپذیر که تنها تویی شنوا و دانا. ۱۲۷ خدا، ما را با تمام وجود تسلیم محض خودت کن و از نسلمان هم جامعه‌ای بساز تسلیم محض خودت. نشانمان بده که اعمال و آداب دینی‌مان را چطور انجام دهیم و دست نوازشت را بر سرمان بکش که فقط تویی نوازشگر مهربان. ۱۲۸ خدا، در بین آنان، پیامبری از خودشان بفرست که آیه‌هایت را به دقت برایشان بخواند و کتاب آسمانی و حکمت^۲ یادشان بدهد و جانشان را از آلودگی‌ها پاک کند؛ چون فقط تویی که به شایستگی از عهده این کار برمی‌آیی.» ۱۲۹

جز آدم‌های کم‌عقل، چه کسی از دین توحیدی ابراهیم رو برمی‌گرداند؟! ابراهیم را در دنیا انتخاب کردیم و در آخرت هم جزو شایستگان برتر^۳ خواهد بود؛ ۱۳۰ زیرا تا خدا به او فرمود: «تسلیم شو»، گفت: «با همه وجود، تسلیم صاحب جهانیان شدم.» ۱۳۱ ابراهیم و بعداً یعقوب بچه‌های خود را به همان دین سفارش کردند: «بچه‌های من! خدا این دین را برایتان انتخاب کرده است؛ پس نکند از این دنیا بروید و تسلیم محض خدا نباشید!» ۱۳۲

وقتی مرگ سراغ یعقوب آمد، مگر شما یهودی‌ها و مسیحی‌ها حاضر بودید؟! همان وقتی که یعقوب از بچه‌هایش پرسید: «بعد از مردن من چه کسی را می‌پرستید؟» جواب دادند: «معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می‌پرستیم که معبودی یکتاست و ما تسلیم محض اویم.» ۱۳۳

به هر حال، دوران آن جوامع به سر رسید. کارهای آن‌ها به خودشان مربوط بود و کارهای شما هم به خودتان مربوط است! شما پاسخ‌گوی کارهای آن‌ها نخواهید بود. ۱۳۴

۱. خانه کعبه را حضرت آدم علیه السلام ساخت. حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام بازسازی‌اش کردند. بیش از چهارهزار سال از آن بازسازی می‌گذرد. آیه ۹۶ سوره آل عمران (ص ۶۲) را هم ببینید.

۲. قرآن از باوره‌های عقلی و پندهای اخلاقی و دستوره‌های فقهی و نیز بصیرت‌های راهگشا، به خاطر «محکم» بودنشان با نام «حکمت» یاد می‌کند: یکتاپرستی، خوبی به پدر و مادر، رعایت حقوق مردم و به ویژه خویشان، کمک به نیازمندان، پرهیز از اسراف، دوری از بخل، زندگی به سبک دین، نکشتن انسان‌های بی‌گناه، پرداختن به یتیمان و... در آیه‌های ۲۲ تا ۳۹ سوره اِسْرَاء برخی سفارشات حکمت‌آموز آمده است.

۳. منظور از شایستگان برتر، محمد و آل محمد علیهم السلام هستند؛ وگرنه حضرت ابراهیم و سایر پیامبران علیهم السلام به گواهی آیه ۸۵ سوره انعام (ص ۱۳۸) در همین دنیا جزو شایستگان بوده‌اند.

یهودی‌ها به مسلمانان پیشنهاد کردند: «یهودی باشید تا هدایت شوید!» و مسیحی‌ها هم پیشنهاد کردند: «مسیحی باشید تا هدایت شوید.» بگو: «نه، بلکه دنباله‌رو دین ابراهیم میانه‌رو هستیم و او هرگز بت پرست نبود.» ۱۳۵

مسلمانان، بگویند: «ایمان آورده‌ایم به خدا و به آنچه به سوی ما فرستاده شده، به آنچه به سوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از نسل یعقوب^۱ فرستاده شده، به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به بقیه پیامبران از طرف خدا داده شده است. در اصل نبوت، بین هیچ کدامشان فرق نمی‌گذاریم و در برابر خدا تسلیمیم...» ۱۳۶ پس اگر آن‌ها هم ایمان آوردند به آنچه شما به آن ایمان آورده‌اید، قطعاً هدایت شده‌اند؛ اما اگر سرپیچی کردند، فقط در فکر ایجاد جدایی و اختلاف‌اند و به همین زودی‌ها خدا شَرشان را از سر تو کم می‌کند. آخر، او شنوای داناست. ۱۳۷ «... در ضمن، به جای غسل تعمید^۲ و این جور مسائل سطحی و من‌درآوردی، به ایمانمان رنگ خدایی می‌دهیم؛ و چه کسی بهتر از خدا به دل‌ها رنگ می‌دهد؟! و ما فقط خدا را بندگی می‌کنیم.» ۱۳۸

بگو: «آیا درباره کارهای خدا با ما چون و چرا می‌کنید با آنکه او هم خدای ماست و هم خدای شما؟! و با وجود اینکه آداب و اعمال دینی ما با آداب و اعمال دینی شما فرق می‌کند، ولی این ما هستیم که فقط خدا را از ته دل می‌پرستیم! ۱۳۹ حالا باز هم شما یهودی‌ها ادعا می‌کنید که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اَسباط یهودی‌اند؟! و شما مسیحی‌ها هم می‌گویید مسیحی‌اند؟!» بگو: «شما بهتر می‌دانید یا خدا؟!» خدا در کتاب‌های آسمانی بر تسلیم محض بودن این پیامبران گواهی داده است و چه کسانی بدکارتر از آن‌هایی‌اند که این را مخفی می‌کنند؟! خدا بی‌خبر نیست که چه می‌کنید! ۱۴۰

همان‌طور که گفته شد، دوران آن جوامع به سر رسید. کارهای آن‌ها به خودشان مربوط بود و کارهای شما هم به خودتان مربوط است! شما پاسخ‌گوی کارهای آن‌ها نخواهید بود. ۱۴۱

۱. «اَسباط» یعنی نوه‌ها. به قبایل دوازده‌گانه بنی‌اسرائیل اَسباط می‌گفتند، به دلیل نسبتی که با دوازده فرزند یعقوب علیه السلام داشتند. از فرزندان او فقط یوسف علیه السلام پیغمبر شد و بعدها هم از نسل یعقوب علیه السلام عده‌ای به پیامبری انتخاب شدند.

۲. در بین مسیحیان رسم است که فرزندان خود را «غسل تعمید» می‌دهند و گاهی ماده مخصوص زرد رنگی هم به آب اضافه می‌کنند. آن‌ها بر این باورند که این غسل باعث پاک‌شدن نوزادانشان از گناه ذاتی به‌ارث برده از حضرت آدم علیه السلام می‌شود!

بعضی مردم کم عقل اعتراض خواهند کرد: «چه شد که مسلمانان از قبله‌ای برگشتند که به طرفش می‌ایستادند؟!»^۱ جواب بده: «شرق و غرب عالم مال خداست و او هرکه را شایسته ببیند، به راه درست زندگی می‌برد.»^{۱۴۲}

همان‌طور که شما مسلمانان را با تغییر قبله به راه درست می‌بریم، از بینتان گروهی را انتخاب می‌کنیم تا شاهد کارهای مردم باشند و پیامبر هم شاهد کارهای آنان.^۲ قبله‌ای را که قبلاً به طرف آن رو می‌کردی، فقط برای این قرار داده بودیم که پیروان واقعی پیامبر را از آن‌هایی که عقب‌گرد می‌کنند، جدا کنیم. البته موضوع قبله امتحان سختی بود؛ مگر برای کسانی که خدا دستشان را گرفت. در ضمن، خدا بنا ندارد نمازهای گذشته شما^۳ را بی‌اثر کند. آخر، خدا در حق مردم، دلسوزی مهربان است.^{۱۴۳}

نگاه‌های انتظارآمیزت به سوی آسمان را به وضوح می‌بینیم! اکنون، تو را به سوی قبله‌ای برمی‌گردانیم که دوستش داری. پس، برای خواندن نماز، به طرف مسجد الحرام برگرد و شما مسلمانان هم هر جا که بودید، به طرف مسجد الحرام برگردید. اهل کتاب می‌دانند که این تغییر قبله کار درستی از طرف خداست. خدا هم از کارهایشان بی‌خبر نیست.^{۱۴۴}

برای اهل کتاب هرگونه دلیل و مدرکی هم بیاوری، باز به قبله تو تن نمی‌دهند! تو هم دیگر تن به قبله آن‌ها نده. تازه، آن‌ها خودشان هم تن به قبله هم‌دیگر نمی‌دهند! اگر بعد از اینکه این حقایق به دستت رسیده، تابع میلشان شوی، آن وقت تو هم قطعاً جزو بدکارها خواهی شد!^{۱۴۵}

۱. این آیه و ده آیه بعدی داستان تغییر قبله مسلمانان را از بیت المقدس به کعبه توضیح می‌دهد. آنان سیزده سال در مکه به سوی بیت المقدس نماز می‌خواندند؛ اما چند ماهی بعد از هجرت به مدینه، قبله به دستور الهی تغییر کرد.

۲. آیه ۴۱ نساء (ص ۸۵)، ۸۸ نحل (ص ۲۷۷) و ۷۸ حج (ص ۳۴۱) هم در این باره است.

۳. یعنی نمازهایی که طی سیزده سال در مکه و چند ماه در مدینه به طرف بیت المقدس خوانده بودند.

اهل کتاب محمد را همان قدر خوب می‌شناسند که بچه‌هایشان را می‌شناسند! ولی عدهٔ زیادی از آن‌ها عمداً این حقیقت را مخفی می‌کنند. ۱۴۶ آنچه دربارهٔ پیامبری محمد یا تغییر قبله گفته می‌شود، همه از طرف خداست؛ پس حتی برای لحظه‌ای، شک به دلت راه نده. ۱۴۷

هر گروهی به هر حال، قبله‌ای دارد که به طرف آن رو می‌کند؛ پس بیشتر از این، دربارهٔ تغییر قبله بحث نکنید و به جایش در کارهای خوب از همدیگر سبقت بگیرید! که هر کجا هستید و هر کسی باشید، خدا برای روز قیامت احضارتان می‌کند. آخر، خدا از عهدهٔ هر کاری برمی‌آید. ۱۴۸

پیامبر، هر جا رفتی، برای خواندن نماز به طرف مسجد الحرام بایست... در ضمن، این دستور قطعاً از طرف خداست و دیگر تغییر نمی‌کند و خدا بی‌خبر نیست که چه می‌کنید. ۱۴۹... بله، هر جا رفتی، برای خواندن نماز به طرف مسجد الحرام بایست و شما مسلمانان نیز هر جا که بودید، برای خواندن نماز به طرف مسجد الحرام بایستید تا مردم هیچ دلیل و اعتراضی برضد شما نداشته باشند. البته افراد بهانه‌جو هیچ وقت از بهانه‌جویی دست برنمی‌دارند؛ پس، از آن‌ها ترسید و فقط از من حساب ببرید.

بله، قبله را تغییر دادم تا هم نعمتم را بر شما کامل کنم و هم با خیالی راحت نماز بخوانید؛ ۱۵۰ همان طوره که میانتان پیامبری از خودتان فرستادیم تا آیه‌های مان را به دقت برایتان بخواند و جان‌هایتان را از آلودگی‌ها پاک کند و قرآن و حکمت^۱ یادتان بدهد و نیز چیزهایی را یادتان بدهد که از شما برنمی‌آید بگیرید. ۱۵۱ بنابراین، به یاد من باشید؛ من هم به یاد شما هستم و مرا شکر کنید و ناسپاسی ام نکنید. ۱۵۲

مسلمانان! با صبر و نماز از خدا کمک بخواهید که خدا در کنار اهل صبر است. ۱۵۳

۱. برای توضیح حکمت، پاورقی آیهٔ ۱۲۹ همین سوره (ص ۲۰) را بخوانید.

از روی بی‌اطلاعی یا بی‌ادبی، به آنان که در راه خدا شهید می‌شوند، مرده نگویید؛ بلکه به‌طور ویژه زنده‌اند؛ ولی شما درک نمی‌کنید. ۱۵۴

حتماً و حتماً با مشکلات امنیتی و اقتصادی مختصری امتحانتان می‌کنیم و نیز با ضررهای مالی و جانی و زراعی. البته به اهل صبر مژده بده؛ ۱۵۵ همان کسانی که هرگاه مصیبتی برایشان پیش بیاید، می‌گویند: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ ۱۵۶ درودهای خدا و لطفش همیشه شامل حالشان می‌شود و همین‌ها هدایت یافته واقعی‌اند. ۱۵۷

صفا و مروه^۲ از نشانه‌های بندگی خداست؛ بنابراین هرکه حج یا عمره انجام می‌دهد، باید سعی صفا و مروه به‌جا آورد. البته هرکه کار خوبی را با اشتیاق انجام دهد، خدا قدرشناسی داناست. ۱۵۸

کسانی که دلیل‌های روشن و راهنمایی‌های^۳ ما را مخفی می‌کنند، با آنکه آن‌ها را در کتاب‌های آسمانی برای مردم توضیح داده‌ایم، خدا لعنتشان می‌کند و همه لعنت‌کنندگان هم لعنتشان می‌کنند! ۱۵۹ مگر آن‌هایی که توبه علنی کنند و خطاهایشان را جبران سازند و پنهان‌کاری‌هایشان را آشکار کنند. در این صورت است که من هم به آن‌ها لطف می‌کنم و توبه‌شان را می‌پذیرم و منم آن نوازشگر مهربان. ۱۶۰

کسانی هم که بی‌دین بمانند و در حال بی‌دینی بمیرند، لعنت خدا و همه فرشتگان و مردم بر آن‌ها! ۱۶۱ همیشه از رحمت خدا دورند؛ نه از عذابشان کم می‌کنند و نه مهلت فرار به آن‌ها می‌دهند! ۱۶۲

معبود شما معبود بیگانه‌ای است که غیر او کسی شایسته‌ی بندگی نیست و خوب مهربان است. ۱۶۳

۱. ما از خداییم و به سوی او برمی‌گردیم.

۲. صفا و مروه نام دو کوه کوچک در کنار مسجدالحرام است، با فاصله حدوداً چهارصد متر از هم که الان اثر کمی از این دو کوه به‌جا مانده است. در «سعی صفا و مروه»، حاجیان هفت بار این مسیر را طی می‌کنند.

۳. «دلیل‌های روشن» همان اصول دین‌اند و «راهنمایی‌ها» همان فروع دین.

نشانه‌هایی از بکتایی خدا: آفرینش آسمان‌ها و زمین، رفت و آمد شب و روز، کشتی‌هایی که در دریاها برای منافع انسان‌ها عبور و مرور می‌کنند، برف و بارانی که خدا از آسمان می‌فرستد تا به برکتش زمین را بعد از مردنش زنده کند، گونه‌های جانوری که در سرتاسر زمین پراکنده است و گردش باده‌ها و ابرهای معلق بین آسمان و زمین. این نشانه‌ها برای مردمی است که عقلشان را به کار می‌اندازند. ۱۶۴

با این حال، بعضی مردم همتیانی برای خدا انتخاب می‌کنند و آن‌ها را به جای او می‌پرستند و همان قدر دوستشان دارند که باید خدا را دوست داشت! ولی مسلمانان خدا را بیشتر و بهتر از هر چیزی دوست دارند. کاش بت‌پرست‌های بدکار در همین دنیا عذاب جهنم را به چشم خودشان می‌دیدند و متوجه می‌شدند که قدرت‌ها یکسره دست خداست و اینکه عذاب الهی چقدر شدید است! ۱۶۵

روز قیامت، پیشوایان باطل درحالی که عذاب جهنم را می‌بینند و دستشان از همه جا کوتاه شده است، هرگونه ارتباطی را با پیروانشان انکار می‌کنند! ۱۶۶ پیروان هم تأسف می‌خورند: «کاش یک بار دیگر به دنیا برمی‌گشتیم تا همان طور که آن‌ها داشتند هرگونه ارتباطی را با ما انکار می‌کنند، ما هم از آن‌ها دوری می‌کردیم!» بله، خدا کارهایشان را این طور مایه حسرتشان قرار می‌دهد و دیگر راه خروجی از آتش جهنم ندارند! ۱۶۷

مردم! از چیزهایی در زمین استفاده کنید که حلال و پاکیزه است و پا جای پای شیطان نگذارید که او دشمن علنی شماست. ۱۶۸ او شما را فقط به بدی‌ها و زشتی‌ها فرمان می‌دهد و به اینکه ندانسته، حرف‌هایی به خدا نسبت دهید! ۱۶۹

وقتی به بت پرست‌ها می‌گویند: «از دستورهایی پیروی کنید که خدا فرستاده است»، می‌گویند: «نه، بلکه فقط از چیزهایی تقلید می‌کنیم که دیدیم پدرانمان دنبال آن‌اند.» حتی اگر پدرانشان اصلاً عقلشان را به‌کار نینداخته و در راه درست نبوده‌اند، آیا باز هم باید دنباله‌رو آن‌ها باشند؟! ۱۷۰ حال تو در دعوت سران بی‌دین، مثل حال کسی است که یاسین به گوش خر می‌خواند! این‌ها کر و لال و کورند و برای همین، عقلشان را به‌کار نمی‌اندازند. ۱۷۱

مسلمانان! از نعمت‌های پاک و پاکیزه‌ای بخورید که روزی تان کرده‌ایم و اگر فقط خدا را بندگی می‌کنید، فقط او را شکر کنید. ۱۷۲

خدا فقط خوردن چیزهای نجس و نامطبوع را بر شما حرام کرده است، مثل: حیوان مرده، خون، گوشت خوک و حیوان حلال‌گوشتی که وقت سربریدنش نام غیرخدا را بر آن برده‌اند. البته هرکه برای حفظ جان‌ش، آن‌هم با بی‌میلی و به‌اندازهٔ ضرورت، مجبور به خوردنشان شود، سهل‌انگاری نکرده؛ چون خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۱۷۳

کسانی که مطالب کتاب خدا را مخفی می‌کنند و آن را به‌قیمت ناچیز مادی می‌فروشند، جز آتش چیزی در شکم‌هایشان فرو نمی‌کنند و خدا روز قیامت با آن‌ها محبت آمیز حرف نمی‌زند. علاوه بر این، در این دنیا توفیق پاک‌سازی از گناهان به آن‌ها نمی‌دهد و در آخرت هم دچار عذابی زجرآور می‌شوند. ۱۷۴

این‌ها کسانی‌اند که گمراهی را به‌قیمت از دست دادن هدایت به‌دست آورده‌اند. عجب صبری در برابر آتش دارند! ۱۷۵ آن‌همه عذاب برای این است که خدا کتابش را حساب شده و هدف‌دار فرستاده و کسانی که با آن مخالفت کنند، خیلی از واقع دورند! ۱۷۶

خوبی فقط این نیست که برای عبادت، به طرف شرق یا غرب عالم بایستید؛ بلکه خوبی اصل کاری این است که انسان‌ها خدا، روز قیامت، فرشتگان، کتاب‌های آسمانی و پیامبران را باور کنند و اموالشان را با همه علاقه‌ای که به آن دارند، برای خویشان، یتیمان، درماندگان، درراه‌مانده‌ها، فقیران و در راه آزادی بردگان^۱ مصرف کنند و نماز را با آدابش بخوانند و زکات بدهند و وقتی قول می‌دهند، سر قولشان بمانند و به‌ویژه در سختی‌ها و خسارت‌ها و در میدان جنگ، صبور باشند. همین‌ها ایند که صداقت دارند و خودمراقبان واقعی‌اند. ۱۷۷

اگر در جامعه اسلامی قتلی رخ بدهد، شما مسلمانان باید برای اجرای قصاص^۲ تلاش کنید؛ بدین صورت که شخص آزاد به جای شخص آزاد قصاص شود، برده به جای برده و زن به جای زن.

اگر حق قصاص را خانواده مقتول به نفع قاتل بخشید، قاتل باید ممنون این بزرگواری باشد و خون بها را بی معطلی به خانواده مقتول بپردازد. این حکم، نوعی تخفیف و لطف از طرف خداست. بعد از قصاص یا دادن دیه، اگر هریک از طرفین زیاده روی کند، عذابی زجرآور در انتظار اوست. ۱۷۸

قانون قصاص حقیقتاً مایه دوام زندگی شماست، ای مردم عاقل، تا جامعه را از گسترش قتل و خون‌ریزی حفظ کنید. ۱۷۹

مستحب است که وقتی مرگ یکی از شما نزدیک است و چیز به درد خوری از خود باقی گذاشته است، یک سومش را به نحوی آبرومندانه برای پدر و مادر و خویشاوندان وصیت^۳ کند که این کار در شأن خودمراقبان است. ۱۸۰

آن‌هایی که بعد از دانستن وصیت تغییرش دهند، این سهل‌انگاری فقط متوجه همان‌هایی است که تغییرش می‌دهند. خدا شنوای داناست. ۱۸۱

۱. آزادسازی زندانیان یا اسیران هم ممکن است از مصادیق آن باشد. نگاه کنید پانوشه آیه ۱۳ سوره بلد را (ص ۵۹۴).
 ۲. قصاص یا خون خواهی حقی است که خدا به بازماندگان مقتول داده است تا حششان را از قاتل بگیرند. البته آن‌ها می‌توانند یکی از دو راه را انتخاب کنند: قصاص قاتل یا گرفتن دیه و خون بها.
 ۳. وصیت یا کتبی است یا شفاهی و نیز گاهی واجب است و گاهی، مانند دستور این آیه، مستحب.

البته اگر کسی نگران این باشد که وصیت‌کننده در وصیتش دچار اشتباهی شده یا احیاناً سهل‌انگاری کرده است و آن وقت به قصد سازش بین وارثان تغییرش دهد، گناهی مرتکب نشده است و در لغزش‌های احتمالی اش، خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۱۸۲

مسلمانان! همان‌طور که بر مردمان پیش از شما اصل روزه واجب بوده، بر شما هم واجب است تا خودمراقب شوید. ۱۸۳ البته شما در روزهایی مشخص، یعنی ماه رمضان، روزه بگیرید. هر کدامتان هم که مریض یا در سفر هستید، روزهای دیگری به جایش روزه بگیرید.

کسانی که روزه برایشان طاقت فرساست،^۱ به جای هر روز به فقیری یک وعده غذا بدهند و البته اگر داوطلبانه روزه بگیرند، برایشان بهتر است. در کل، اگر بخواهید بدانید، روزه گرفتن برایتان آثار و برکات فراوانی به همراه دارد. ۱۸۴ ماه رمضان ماهی است که در آن، قرآن برای راهنمایی مردم فرستاده شده است و قرآن نشانه‌هایی روشن برای هدایت دارد و معیار تشخیص حق از باطل است. پس، هر کدامتان که وارد این ماه شدید، باید آن را روزه بگیرید؛ ولی آن‌هایی که مریض یا در سفرند، روزهای دیگری را به جایش روزه بگیرند تا یک ماه کامل شود. خدا راحتی‌تان را می‌خواهد. سختی‌تان را که نمی‌خواهد! بله، خدا توفیق روزه گرفتن به شما داد تا برای اینگونه هدایت‌هایش، به بزرگی یادش کنید و شکرش را به جا آورید. ۱۸۵

وقتی بندگانم به‌ویژه روزه‌داران دربارهٔ من از تو می‌پرسند، از قول من بگو: «نزدیکم من!^۲ همیشه هم دعای دعاکننده را وقتی فقط از من بخواهد، سریع جواب می‌دهم. پس در مقابل، آنان هم دعوت‌م را بپذیرند و مرا باور داشته باشند تا در مسیر رشد قرار بگیرند.» ۱۸۶

۱. پیرمردان و پیرزنان و کسانی که تشنگی و گرسنگی شدید به آن‌ها دست می‌دهد و روزه گرفتن برایشان طاقت فرساست، می‌توانند روزه نگیرند؛ ولی به جای هر روز روزه نگرفتن، به یک فقیر به اندازهٔ یک وعده غذا بدهند و دیگر قضای روزه واجب نیست.

۲. نزدیکی خدا به ما نزدیکی مکانی نیست؛ زیرا خدا جسم ندارد تا در مکان یا زمان خاصی باشد. او با علم و قدرت و سایر صفاتش به ما نزدیک است.

در شب‌های روزه‌داری، هم‌بستری با همسرانتان برایتان حلال شده است؛ چون‌که در واقع، شما مثل یک روحید در دو بدن. خدا می‌دانست که شما ممنوعیت هم‌بستری در شب‌های روزه‌داری را رعایت نمی‌کنید؛ پس به شما لطف کرد و از شما درگذشت. اما از الان و با تغییر قانون، در شب‌های روزه‌داری، تا اذان صبح می‌توانید با آن‌ها زناشویی کنید و بچه‌های شایسته‌ای که خدا برایتان در نظر گرفته است، از او بخواهید.

تا وقتی باریکه نور سحر از افق تاریک شب سر بزند، یعنی تا اذان صبح، می‌توانید بخورید و بنوشید. بعدش، روزه را تا مغرب ادامه دهید.

در ضمن، وقتی در مساجد اعتکاف می‌کنید، با همسرانتان زناشویی نکنید. این‌ها خط‌قرمزهای خداست. نزدیک این خط‌قرمزها نشوید. خدا آیات و احکام خود را این‌طور برای مردم روشن می‌کند تا مراقب رفتارشان باشند. ۱۸۷

اموال همدیگر را با کلاهبرداری و از راه نامشروع به جیب نزنید. همچنین به قاضی‌ها رشوه ندهید تا با گرفتن احکام ظالمانه، بخشی از اموال مردم را بالا بکشید. خودتان هم می‌دانید که این کار چقدر زشت است! ۱۸۸

پیامبر! درباره فایده شکل‌های مختلف ماه از تو می‌پرسند. بگو: «آن‌ها تقویم طبیعی برای مردم است و تعیین‌کننده زمان حج.» خوبی آن نیست که لقمه را دور سر بچرخانید؛ بلکه خوبی آن است که مراقب رفتارتان باشید. پس در هر کاری، از

راهش وارد شوید و در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید تا خوشبخت شوید. ۱۸۹
در راه خدا، با بت‌پرست‌هایی بجنگید که با شما سر جنگ دارند؛ ولی از خط‌قرمزها عبور نکنید! چون‌که خدا دوست ندارد آن‌هایی را که از خط‌قرمزها بگذرند. ۱۹۰

۱. اشاره به یک سنت جاهلی است که مردم آن زمان درحالی‌که برای انجام مناسک حج، لباس اِحرام پوشیده بودند، سرخود بعضی کارها را، بیشتر از آنچه در سنت ابراهیمی رعایتش لازم بود، بر خود ممنوع می‌کردند، مثل همین چیزی که آیه به آن اشاره دارد: در حالت اِحرام از درِ خانه وارد خانه نمی‌شدند، بلکه پشت خانه را سوراخ می‌کردند و از آنجا وارد خانه می‌شدند!

هر جا پیدایشان کردید، بکشیدشان و از مکه بیرونشان کنید، همان طور که از آنجا بیرونشان کردند. فتنه‌گری آن‌ها خیلی بدتر است از کشته شدنشان به دست شما! البته در محدوده مسجد الحرام با آن‌ها نجنگید؛ مگر آنکه بخواهند با شما در آنجا بجنگند. بله، اگر با شما در آنجا جنگیدند، بی معطلی آن‌ها را بکشید که سزای بی‌دین‌ها همین است. ۱۹۱ ولی اگر از جنگ با شما در محدوده مسجد الحرام دست برداشتند، خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۱۹۲

با این فتنه‌گرها آن قدر بجنگید تا دیگر فتنه‌ای در عالم نباشد و دین الهی عالم‌گیر شود؛ ولی اگر از فتنه‌گری دست برداشتند، دیگر کاری به کارشان نداشته باشید؛ زیرا فقط با کسانی که از فتنه‌گری دست نمی‌کشند، باید دشمنی را ادامه داد. ۱۹۳

جنگ در ماه‌های محترم^۲ در برابر جنگ در ماه‌های محترم. بله، حرمت شکنی‌ها را می‌توانید تلافی کنید: هر که به حقوق و حریم شما دست‌درازی کرد، شما هم به همان مقدار تلافی کنید. البته در این کار زیاده‌روی نکنید و بدانید خدا در کنار کسانی است که مراقب رفتارشان باشند. ۱۹۴ در راه تقویت ثنیهٔ دفاعی امت اسلامی هزینه کنید و با کوتاهی‌کردن در این مسئله، خودتان را به نابودی نکشاند. بله، کار درست و حساب شده انجام دهید که خدا درستکاران را دوست دارد. ۱۹۵

حج و عمره را برای رضای خدا به پایان برسانید. پس اگر به خاطر بیماری یا ترس از دشمن وارد مکه نشدید، بسته به توان مالی‌تان شتر یا گاو یا گوسفند قربانی کنید و تا آن حیوان در قربانگاه قربانی نشده، سرهایتان را تراشید. در ضمن، هر کدامتان سردرد دارید یا مرض پوستی و ناچارید سرتان را زودتر تراشید، به جایش باید روزه‌ای بگیرید یا صدقه‌ای بدهید یا گوسفندی بکشید. حالا اگر از بیماری یا خطر دشمن در امان بودید و قصد حج تمتع کردید، بسته به توان مالی‌تان قربانی کنید. اگر هم توان مالی برای تهیهٔ قربانی نداشتید، به جایش سه روز در سفر حج و هفت روز بعد از برگشتن از حج، روی هم ده روز، روزه بگیرید. حج تمتع وظیفهٔ آنانی است که ساکن مکه و اطرافش نباشند. بترسید از اینکه حج تمتع را قبول نداشته باشید و بدانید مجازات خدا شدید است! ۱۹۶

۱. ریشه‌کن کردن «فتنه‌گری» در همه‌جای دنیا وظیفهٔ حتمی همهٔ مسلمانان و حاکمان اسلامی است، ولی منظور این نیست که جز مسلمان کسی حق حیات در روی زمین ندارد؛ بلکه اهل کتاب، منافق و بی‌دین هم با شرایطی می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند. شرط اصلی‌اش همان است که گفته شد: فتنه‌گری و توطئه نکند و اذیت‌وآزاری نرسانند.

۲. چهار ماه از سال قمری ماه‌های محترم هستند. توضیح بیشتر در پارواری آیهٔ ۲۱۷ همین سوره.

مراسم حج در ماه‌های معینی^۱ انجام می‌شود. هرکس در این ماه‌ها با پوشیدن لباس احرام، حج را بر خود واجب کند، هم بسترش‌دن، گفتن دروغ و ناسزا و نیز قسم خوردن به خدا ممنوع است.^۲

در ضمن، هر کار خوبی بکنید، خدا آن را می‌داند. پس برای سفر آخرت زادوتوشه بردارید که بهترین زادوتوشه مراقبت از رفتار است و یک نمونه‌اش هم انجام حج است. بله، در حضور من مراقب رفتارتان باشید ای مردم عاقل.^۳ ۱۹۷

برایتان اشکالی ندارد که در سفر حج با کارهای تجاری دنبال روزی حلال الهی باشید. وقتی هم از عرفات برگشتید، در مَشْعَرُ الْحَرَام خدا را یاد کنید. بله، یادش کنید، به شکرانهٔ اینکه هدایتان کرد که بدون شک قبل از آن گمراه بودید. ۱۹۸

بعد، از همان جایی که مردم به طرف مینا سرازیر می‌شوند، شما هم سرازیر شوید و از خدا آمرزش بخواهید که خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۱۹۹

وقتی اعمال حجتان را تمام کردید، خدا را همان طور یاد کنید که پدران‌تان را به رسم جاهلیت یاد می‌کردید و بلکه بهتر از آن. بعضی دعاکنندگان این طور دعا می‌کنند: «خدایا، به ما فقط در همین دنیا بده!» آن‌ها دیگر در آخرت بهره‌ای ندارند! ۲۰۰

اما عده‌ای دیگر این طور دعا می‌کنند: «خدایا، هم در این دنیا به ما خوبی بده و هم در آخرت و از عذاب جهنم حفظمان کن.» ۲۰۱

البته همهٔ دعاکنندگان تأثیر دعوای خود را به اندازهٔ کار و تلاش‌شان می‌بینند؛ زیرا خدا به همهٔ خواسته‌ها کاملاً اِشْرَاف دارد. ۲۰۲

۱. شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه. حج تمتع دو بخش دارد: عمرهٔ تمتع و حج تمتع. بخش اول را می‌شود از اولین روز شوال انجام داد. بخش دوم را هم از نهم ذی‌حجه.

۲. بعضی کارهایی که در حال احرام ممنوع است، حتی در حال عادی ممنوع است، مثل دروغ و ناسزاگویی، با این فرق که ارتکاب آن‌ها در حال احرام، علاوه بر گناه داشتن بیشتر، کفاره هم دارد.

۳. تقوا درجات مختلفی دارد: تقوا به سبب ترس از جهنم، تقوا از سر شوق به بهشت و تقوا به خاطر خود خدا. آخری یعنی انسان مراقب گفتار و رفتارش باشد، نه از ترس جهنم و نه به شوق بهشت، بلکه فقط از روی دوست داشتن خدا. در وجود همهٔ ما از هر سه قسم تقوا کمابیش هست. البته بزرگان دین به تقویت سومی بیشتر سفارش کرده‌اند.

دو یا سه روز در منا باشید و خدا را یاد کنید؛ البته هر حاجی باتقوایی، چه بعد از دو روز به مکه برگردد و چه احياناً بعد از سه روز، در هر صورت نه تنها گناهی نکرده بلکه گناهانش آمرزیده می‌شود. در ضمن، در حضور خدا مراقب رفتار تان باشید و بدانید شما را دسته جمعی به محضرش می‌برند. ۲۰۳

لابه‌لای مردم، منافق‌هایی هستند که از ظاهر و محتوای حرف‌هایشان درباره زندگی خوب در دنیا، خوشت می‌آید. تازه، خدا را بر چیزی که در دل دارند، شاهد می‌گیرند! در حالی که آن‌ها دشمن سرسخت اسلام‌اند. ۲۰۴ وقتی به مقام و منصبی برسند، همه تلاششان را به کار می‌بندند تا نظم جامعه را برهم بزنند و نظام خانواده را از هم بپاشند. البته معلوم است که خدا این افسارگسیختگی را دوست ندارد. ۲۰۵ وقتی به آن‌ها بگویند: «بترسید از خدا و دست بردارید از این کارها»، حس جاه‌طلبی باعث ادامه کارهای زشتشان می‌شود؛ پس حَقشان همان جهنم است و آن واقعاً که بدجایی است! ۲۰۶

بین مردم، کسانی هم هستند که برای به دست آوردن رضایت خدا جانشان را تقدیم می‌کنند و خدا با آفریدن چنین افرادی، نشان داده که دلسوز بندگانش است. ۲۰۷

مسلمانان! همگی تسلیم محض خدا باشید و پا جای پای شیطان نگذارید که او دشمن علنی شماست. ۲۰۸ بعد از این همه دلیل‌های روشن اگر دچار لغزش شدید، بدانید خدا در انتقام‌گیری از شما شکست‌ناپذیرِ کاردرست است! ۲۰۹
خطا کارها نکنند فقط منتظر این‌اند که خدا و فرشتگان عذاب، در پوشش ابرهای تیره و تار، سراغشان بیایند و کارشان یکسره شود؟! البته که همه کارها به خدا ختم می‌شود. ۲۱۰

۱. تهدید و ترور، جنگ روانی، تهاجم فرهنگی، تبلیغات دروغین، ترفندهای رسانه‌ای، شایعه‌پراکنی در فضای مجازی، جوسازی علیه مسئولان دلسوز جامعه، آمارسازی و تحلیل‌های به‌ظاهر کارشناسی، گرفتن قیافه حق‌به‌جانب، دلسوزی‌های موزیانه، به‌هم‌ریختن بازار ارز و طلا، اخلال در تولید و کسب‌وکار، تخریب محیط زیست، ارتباط‌گیری مرموزانه و چندلایه با بیگانگان... و این یعنی «سازمان مجاهدین خلق ایران» همان منافقان مفلوک و منحوسی که در حال حاضر مقرر رسمی‌شان در کشور آلبانی است. آیات ابتدایی همین سوره و سوره منافقون (ص ۵۵۴) را هم ببینید.

۲. مخالفان دین همدست شدند تا پیامبر اسلام را شبانه بکشند. حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید تا او بتواند مخفیانه راهی مدینه شود. ماندگاری اسلام نتیجه از خودگذشتگی‌های چنین افرادی است.

از بنی اسرائیل^۱ پیرس که چه نعمت‌ها و معجزه‌های روشنی به آن‌ها دادیم؛ ولی نمک‌شناسی کردند! هرکه نعمت‌های خدادادی را نابجا استفاده کند، بدانند که مجازات خدا شدید است. ۲۱۱

زندگی پست دنیا در نظری دین‌ها رنگ‌ولعاب داده شده است. برای همین، مسلمانان فقیر را مسخره می‌کنند؛ درحالی که روز قیامت، مسلمانانی که مراقب رفتارشان بوده‌اند، از آن‌ها برترند. البته، خدا به هرکه مصلحت بداند، فراوان روزی می‌دهد. ۲۱۲

انسان‌های نخستین^۲ گروهی ساده و یکدست بودند که کم‌کم دچار اختلاف شدید شدند. خدا پیامبران اولوالعزم را فرستاد تا مژده‌رسان و هشداردهنده باشند و همراهشان کتاب‌های دادگستر فرستاد تا دربارهٔ چیزهایی که مردم سرش اختلاف داشتند، بینشان داوری کنند؛ ولی این عالمان زیاد خواه بودند که با وجود این همه دلیل‌های روشن، اختلاف نظر در معارف دین را باب کردند. خدا هم به خواست خودش به مؤمنان لطف کرد و در کوران اختلاف‌ها و تفرقه‌ها، راه را از چاه نشان داد. بله، خدا هرکه را شایسته ببیند، به راه درست زندگی می‌برد. ۲۱۳

نکند خیال کرده‌اید بی آنکه مثل گذشتگان قبل از خودتان سختی بکشید، به بهشت می‌روید؟! بله، آنان با سختی‌ها و رنج‌های فراوانی دست‌وپنجه نرم کردند و تا جایی به هول و هراس افتادند که نزدیک بود پیامبران و پیروانشان بگویند:

«یاری خدا پس کی می‌آید؟!» بدانید کمک خدا نزدیک است! ۲۱۴

از تو می‌پرسند که چه چیزی انفاق کنند. بگو: «چیزهای به درد خور انفاق کنید و بهتر است آن را به پدر و مادر، خویشان، یتیمان، فقیران و درراه‌مانده‌ها بدهید. معلوم است که هر کار خیری می‌کنید، خدا آن را می‌داند.» ۲۱۵

۱. اسرائیل، به معنای برگزیدهٔ خدا و بندهٔ خدا و قدرت خدا، لقب حضرت یعقوب پیامبر علیه السلام است. بنی اسرائیل یا فرزندان اسرائیل، هم مردم یهودی را شامل می‌شود و هم مردم مسیحی را؛ زیرا همهٔ آن‌ها فرزندان یعقوب‌اند. البته، در زمان ما، عده‌ای بی‌دین و غارتگر که به صهیونیست مشهورند، خود را یهودی می‌نامند. این‌ها در سال ۱۳۲۷ شمسی کشور اسلامی فلسطین را اشغال کردند و با وقاحت تمام و آواره کردن مردمش، در سرزمین آنان شهرک‌سازی به‌راه انداختند. همچنین، نام اسرائیل را بر فلسطین گذاشتند!

۲. منظور مردمی است که از زمان حضرت آدم علیه السلام تا زمان حضرت نوح علیه السلام زندگی می‌کرده‌اند.

جنگ با دشمن بر شما واجب است، هر چند برایتان ناخوشایند است! شاید چیزی را دوست نداشته باشید؛ اما به نفعتان باشد. شاید هم چیزی را دوست داشته باشید؛ اما به ضررتان باشد. سود و زیان واقعی‌تان را خدا می‌داند. شما که نمی‌دانید! ۲۱۶

پیامبر، از تو دربارهٔ جنگ در ماه‌های محترم^۱ می‌پرسند. پاسخ بده: «جنگ در ماه‌های محترم گناه بزرگی است؛ اما انجام ندادن عبادت خدا، بلکه بدتر، مانع شدن از عبادت خدا مثل جلوگیری از ورود مردم به مسجد الحرام و اخراج مسلمانان از مکه، از نظر خدا گناهی بزرگ‌تر است. در واقع، فتنه‌گری از آدم‌کشی هم بدتر است!»

آن‌ها آن قدر با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند، شما را از دینتان برگردانند. هر کدامتان که از دین خودش برگردد و در حال بی‌دینی بمیرد، کارهای خوبی هم که احتمالاً کرده است، در دنیا و آخرت هدر می‌رود. این جور آدم‌ها جهنمی‌اند و آنجا ماندنی. ۲۱۷

البته مسلمانان واقعی و کسانی که در راه خدا مهاجرت کرده و جنگیده‌اند، به لطف خدا امیدوارند؛ زیرا خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۲۱۸

پیامبر! از تو دربارهٔ شراب و قمار می‌پرسند. بگو: «آن‌ها ضرر فراوانی دارند. البته منافع کم و کاذبی^۲ هم برای مردم دارند؛ ولی ضررشان از سودشان بیشتر است.» همچنین، از تو می‌پرسند که چه چیزی انفاق کنند. بگو: «مازاد بر نیاز خودتان را.» خدا آیات و احکامش را این‌طور برایتان روشن می‌کند تا دربارهٔ دنیا و آخرت، خوب فکر کنید.

۱. چهار ماه از سال قمری ماه‌های محترم هستند و جنگ کردن در آن‌ها حرام است: رجب و ذی‌قعدة و ذی‌حجه و محرم. اگر دشمن در ماه محترم با ما بجنگد، جنگیدن با او برای دفاع و تلافی اشکالی ندارد.

۲. اگرچه تهیه و توزیع مشروبات الکلی و دایر نمودن مراکز قمار و قماربازی برای عده‌ای ایجاد شغل می‌کند یا سرگرمی و خوشی‌های زودگذری به وجود می‌آورد و شاید حتی در برخی موارد نادر، مصرف مشروبات الکلی خاصیت مختصر طبی داشته باشد، ولی در برابر زیان‌های خیلی زیاد جسمی و روحی و آثار سوء اخلاقی و اجتماعی، همهٔ این فواید اصلاً به حساب نمی‌آید.

همچنین از تو دربارهٔ یتیمان می پرسند. بگو: «سروسامان دادن به زندگی آنان، با مدیریت صحیح اموالشان، بهتر از این است که کلاً به حال خود رهایشان کنید. اگر آنان را جزو زندگی خودتان هم کردید، خب انگار اعضای خانوادهٔ شما هستند! البته خدا مال یتیم خور را از کسی که غم خوار مال یتیم است خوب تشخیص می دهد.» اگر خدا می خواست، شما را در این باره به زحمت می انداخت. ^۱ بله، خدا شکست ناپذیر کار درست است. ۲۲۰-۲۱۹

بازن های بت پرست، تا مسلمان نشده اند، ازدواج نکنید. یقیناً کنیز مسلمان بهتر از زن آزاد بت پرست است؛ هرچند از او خوشتان بیاید! به مردهای بت پرست هم، تا مسلمان نشده اند، زن ندهید. به یقین، بردهٔ مسلمان بهتر از مرد آزاد بت پرست است؛ هرچند از او خوشتان بیاید! آخر، بت پرست ها به آتش جهنم دعوتتان می کنند؛ اما خدا با دستورها و توفیق های خودش به بهشت و آمرزش دعوتتان می کند. همچنین، آیات و احکامش را برای مردم روشن می کند تا به خود بیایند. ۲۲۱

از تو دربارهٔ عادت ماهانه می پرسند. بگو: «این حالت ناراحتی و اذیتی به همراه دارد، آن هم بیشتر برای زنان! پس در دورهٔ عادت ماهانه به طرف همسرانتان نروید؛ یعنی با آنان نزدیکی نکنید تا پاک شوند. وقتی هم غسل کردند، می توانید مطابق سفارش خدا با آنان هم بستر شوید. ^۲ اگر هم احیاناً در دورهٔ عادت ماهانه نزدیکی کرده اید، توبه کنید که خدا توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد.» ۲۲۲

بانوانتان باغ و بوستان شما؛ پس هرطور که می خواهید و از راه معمول، وارد باغ و بوستانتان شوید و با تربیت بچه های شایسته، برای آخرت خود کاری کنید! در حضور خدا، مراقب رفتارتان با اعضای خانواده باشید و بدانید که دست آخر، خدا را ملاقات می کنید. این ملاقات را به مؤمنان اهل رعایت مژده بده! ۲۲۳

در هر کاری فوراً به خدا قسم نخورید، تا توفیق پیدا کنید کارهای خوب انجام دهید، مراقب رفتارتان باشید و بین مردم آشتی برقرار کنید. خدا شنوای داناست. ۲۲۴

۱. خدا می توانست دستور بدهد که در عین سرپرستی از یتیمان، دارایی تان را از دارایی شان کاملاً جدا کنید. آن وقت کار خیلی سخت می شد!

۲. البته بنا به روایات، هم بستری با زنان بعد از عادت ماهانه و قبل از غسل، مکروه است، نه حرام.

البته برای قسم‌هایتان به خدا از روی لقلقهٔ زبان، خدا به شما سخت نمی‌گیرد؛ ولی برای قسم‌های جدی‌تان بازخواستتان خواهد کرد.^۱ خدا آمرزندهٔ بردبار است. ۲۲۵
مردانی که به رسم جاهلیت قسم می‌خورند که هم‌بستری با زنانشان را ترک کنند، چهار ماه فرصت دارند: اگر با آن‌ها آشتی کردند، خدا آمرزندهٔ مهربان است ۲۲۶ و اگر تصمیم به طلاقشان گرفتند، خدا شنوای داناست. ۲۲۷

زنان طلاق داده شده باید تا سه بار پاکی، از ازدواج خودداری کنند^۲ و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند، نباید حاملگی‌شان را مخفی کنند. اگر شوهرانشان قصد ازسرگیری زندگی را دارند، در مدت این سه پاکی می‌توانند آنان را برگردانند.^۳
زنان در برابر وظایفی که به عهده دارند، حقوق بایسته و شایسته‌ای هم دارند؛ البته مدیریت خانواده با مرد خانه یعنی شوهر است.^۴ خدا شکست‌ناپذیر کاردرست است. ۲۲۸
طلاق رجعی دو بار مجاز است. پس مردی که زنش را طلاق رجعی داده است، باید در مدت عده، با او به خوشی آشتی کند یا در انتهای عده، به خوبی از او جدا شود. در این نوع طلاق، حق ندارید چیزی از آنچه به زنان داده‌اید، پس بگیرید. اما وقتی زن طلاق بخواهد یا هر دویشان، اگر خودشان یا اطرافیان یا دادگاه بترسند که آن‌ها از خط‌قرمزهای الهی بگذرند، اشکالی ندارد که زن در عوض طلاق، از مهریه‌اش بگذرد یا حتی بیشتر از آن به شوهر بپردازد.^۵ این‌ها خط‌قرمزهای الهی است. آن‌ها را زیر پا نگذارید؛ چون آن‌هایی که خط‌قرمزهای الهی را زیر پا بگذارند، واقعاً بدکارند! ۲۲۹
در طلاق رجعی، اگر مرد برای بار سوم طلاقش داد، دیگر آن زن برایش حلال نیست؛ مگر اینکه زن با مرد دیگری ازدواج کند. حال، اگر شوهر بعدی طلاقش داد، اشکالی ندارد که زن و آن شوهر قبلی دوباره ازدواج کنند؛ البته در صورتی که امیدوار باشند حقوق زناشویی را رعایت کنند. این‌ها خط‌قرمزهای الهی است که خدا برای مردم خوش‌فهم بیان‌شان می‌کند. ۲۳۰

۱. به آیهٔ ۸۹ سورهٔ مائده (ص ۱۲۲) هم نظری ببیندازید.

۲. در بیشتر انواع طلاق، زن طلاق گرفته واجب است عده نگه دارد؛ یعنی مدتی صبر کند و بعد اگر خواست، با مرد دیگری ازدواج کند.

۳. در طلاق «رجعی» شوهر سابق می‌تواند در زمان عده و بدون خواندن عقد، زندگی با زن طلاق داده‌اش را ازسر بگیرد.

۴. مدیریت خانواده با دو شرط به دست مرد خانه است. آیهٔ ۳۴ سورهٔ نساء (ص ۸۴) را ببینید.

۵. در طلاق «خُلَع» زن نمی‌خواهد با شوهرش زندگی کند و هر دو می‌ترسند که با ادامهٔ زندگی، به گناه بیفتند. در این صورت، مرد می‌تواند در عوض طلاق زن، مهریه یا حتی بیشتر از آن را از او بگیرد. در طلاق «مبارات» زن و شوهر هر دو از هم متنفرند و می‌ترسند که با ادامهٔ زندگی، به گناه بیفتند. در این حال، مرد فقط مهریه را می‌تواند بگیرد و نه بیشتر.

بله، وقتی زنان را طلاق رجعی دادید و آنان به پایان عده خود نزدیک شدند، به خوشی با آن‌ها آشتی کنید یا به خوشی از آن‌ها جدا شوید. به قصد اذیت و آزار هم نگهشان ندارید تا حقوقشان را زیر پا بگذارید. هر که این طور کند، یقیناً به خودش بد کرده است!

قوانین خدا را به مسخره نگیرید! به یاد آورید نعمت‌های خدا را در حقتان و به‌ویژه قرآن و حکمتی^۱ را که برایتان فرستاده و با آن‌ها پندتان می‌دهد. در حضور خدا، مراقب رفتارتان باشید و بدانید خدا همه چیز را می‌داند. ۲۳۱

در ضمن، بعد از اینکه زنان را طلاق دادید و عده آن‌ها به پایان رسید، در صورت توافق با شوهر مناسب، مانع ازدواجشان نشوید. از این دستور فقط آسانی پند می‌گیرند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند. این‌گونه برخورد به رشد و پاکی تان بیشتر کمک می‌کند. خیر و صلاحتان را خدا می‌داند. شما که نمی‌دانید! ۲۳۲

مادران حتی طلاق داده شده باشند، حق دارند بچه‌هایشان را دو سال تمام قمری شیر دهند. البته این برای مادرانی است که دوست دارند دوران شیرخوارگی کودکانشان را کامل کنند.

خوراک و پوشاک مادر در مدت شیردهی، در حد معمول، به عهده پدر است و در صورت مرگ پدر، بر عهده پدر و مادر پدر. کسی بیشتر از توانش وظیفه ندارد. هیچ مادر یا پدری هم نباید به خاطر بچه‌اش آسیب ببیند.^۲

در ضمن، اشکالی ندارد که پدر و مادر کودک با رضایت و مشورت هم، او را زودتر از دو سال از شیر بگیرند.

همچنین، ایرادی ندارد که برای شیردادن بچه‌هایتان دایه بگیرید؛ به شرط آنکه مزدی را که قرار است به او بدهید، محترمانه بپردازید. در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید و بدانید خدا کارهایتان را می‌بیند. ۲۳۳

۱. توضیح حکمت در پاورقی آیه ۱۲۹ همین سوره آمد.

۲. این قسمت از آیه دو معنای دیگر هم دارد: ۱. پدر و مادر نباید به دلیل اختلافات بین خودشان، به کودکان آسیب برسانند؛ ۲. مادر کودک نباید به بهانه کودکش، پدر او را بیازارد و پدر هم نباید به بهانه کودکش، مادر او را اذیت کند.

زنانی که شوهرانشان می‌میرند، باید چهار ماه و ده روز عده نگه دارند^۱ و وقتی عده خود را به پایان رساندند و خواستند با شوهر مناسبی ازدواج کنند، شما حق ندارید دخالت کنید. خدا از کارهایتان آگاه است. ۲۳۴

برایتان اشکالی ندارد که از زنان در عده، با گوشه‌وکنایه خواستگاری کنید^۲ یا فکر ازدواج با آن‌ها را در دل‌هایتان بپروانید! خدا می‌داند که شما حتماً به یادشان می‌افتید. ولی با آن‌ها قول و قرار پنهانی نگذارید؛ مگر اینکه حرف‌های کلی بزنید. به هر حال، تا عده آنان به پایان نرسیده است، صیغه عقد نخوانید و بدانید خدا می‌داند آنچه در سرهایتان می‌گذرد؛ پس بترسید از مخالفت با او و بدانید خدا آمرزنده بردبار است. ۲۳۵

طلاق دادن زنانی که با آنان تماس جنسی نداشته‌اید یا برایشان مهریه‌ای مشخص نکرده‌اید، اشکالی ندارد؛ ولی زنان بی‌مهریه را قبل از طلاق دادن، با هدیه مناسبی راضی کنید: توانگر به اندازه توان خودش و تنگ دست هم به اندازه توان خودش. این کار وظیفه‌ای است بر عهده درستکاران. ۲۳۶

اگر هم قبل از تماس جنسی، زنانتان را طلاق دهید، در صورتی که برایشان مهریه‌ای مشخص کرده‌اید، واجب است نصفش را به آن‌ها بدهید؛ مگر آنکه خودشان از آن بگذرند یا کسی که اختیار عقد دست اوست، بگذرد.^۳ اینکه گذشت کنید، البته با تقوا سازگارتر است. بزرگواری کردن را در بین خودتان فراموش نکنید که خدا کارهایتان را می‌بیند. ۲۳۷

۱. پاورقی آیه ۲۲۸ همین سوره درباره معنای عده است.

۲. البته زنی که در عده طلاق «رجعی» است، در حکم زن شوهردار است و هر لحظه امکان دارد شوهرش برگردد و زندگی را با وی از سر بگیرد؛ بنابراین خواستگاری از این زن مطلقاً حرام است، حتی خواستگاری سربسته!

۳. این هدیه برای زنان بی‌مهریه‌ای که بعد از تماس جنسی طلاق داده می‌شوند، به اندازه مهرالمثل است؛ یعنی مهریه‌ای معادل مهریه زنان شبیه به آن‌ها.

۴. منظور ولی دختر است که ممکن است پدر یا وصی یا وکیل یا حاکم اسلامی باشد.

حتی در کوران مشکلات، کاملاً مراقب نمازها به ویژه نماز ظهر، باشید و به خاطر خدا و با فروتنی، به نماز بایستید. ۲۳۸ حال، اگر نگران دشمن یا خطر دیگری بودید، هرطور که می‌توانید، نماز بخوانید؛ مثلاً پیاده یا سواره. ۱. وقتی هم فضا برایتان امن شد، با خواندن نماز به طور معمول، خدا را یاد کنید؛ به شکرانه آنکه چیزهایی را یادتان داد که نمی‌توانستید یاد بگیرید. ۲۳۹

مردانی که مرگشان نزدیک است و همسر دارند، خوب است که برای همسرانشان وصیت کنند؛ هزینه زندگی شان تا یک سال پرداخت شود و از خانه شوهر هم بیرونشان نکنند؛ ولی اگر به اختیار خودشان بیرون رفتند و برای زندگی خودشان تصمیم مناسبی گرفتند، دیگر مسئولیتی به عهده‌تان نیست. خدا شکست‌ناپذیرِ کاردرست است. ۲۴۰
به همه زنان طلاق داده شده هدیه مناسبی بدهید که این کار سزاوار مردانی است که مراقب رفتارشان باشند. ۲ ۲۴۱ خدا آیات و احکامش را این‌طور برایتان بیان می‌کند تا عقلتان را به کار بیندازید. ۲۴۲

مگر ندیدی آن جمعیت بیش از ده هزار نفری را که از ترس مرگ^۳ از خانه و کاشانه خودشان خارج شدند؟! پس خدا فرمان مرگشان را صادر کرد: «بمیرید!» بعد، زندگی دوباره به آن‌ها بخشید. بله، خدا به مردم خیلی لطف دارد؛^۴ ولی بیشتر مردم شکر نمی‌کنند! ۲۴۳ بله، در راه خدا با دشمنانتان بجنگید و از خودتان دفاع کنید و بدانید خدا شنوای داناست. ۲۴۴ چه کسی حاضر است کارهای خوبی مثل اهدای جان و مال، پیش خدا پس انداز کند تا وقت برگرداندن، خدا برایش چندین برابرشان کند؟ فقط خدا روزی بندگان را کم و زیاد می‌کند و دست آخر هم فقط به سوی او برگردانده می‌شوید. ۵ ۲۴۵

۱. آیه ۱۰۱ سوره نساء و پاورقی اش (ص ۴۹) را هم ببینید.

۲. پرداخت هدیه به زنان طلاق داده شده مهریه دار مستحب است (بقره، ۲۴۱) و به زنان بی مهریه‌ای که قبل از هم بستری طلاق داده شوند، واجب (بقره، ۲۳۶). بسیاری از این احکام نورانی اسلام که به نفع بانوان است، متأسفانه اجرا نمی‌شود!

۳. احتمالاً از ترس مقابله با دشمنی که به شهرشان حمله کرده بود.

۴. لطف خدا به این بود که با زنده کردن مردم آن شهر، دو مسئله را برای همگان ثابت کند: ۱. رجعت، یعنی زنده کردن مردگان در همین دنیا؛ ۲. معاد، یعنی زنده کردن مردگان در روز قیامت.

۵. این‌طور آیه‌ها در حکم آگهی مزایده خداست! خدا خریدار جان و مال و آبروی ماست و در واقع باید آگهی «منافسه» بدهد؛ اما این خریدار آن قدر بزرگوار است که آگهی «مزایده» می‌دهد؛ یعنی مال و جان و آبرو و تمام کارهای خوب ما را به بیشترین قیمت می‌خرد! این بنده‌نوازی در دعای ۴۵ صحیفه سجادیه نیز آمده است. به پاورقی اول آیه ۱۲ سوره مانده (ص ۱۰۹) هم نظری بیندازید.

مگر ندیدی خواص و بزرگان بنی اسرائیل بعد از موسی را که به پیامبر زمانشان^۱ پیشنهاد کردند: «از خدا بخواه فرماندهی برایمان منصوب کند تا در راه خدا بجنگیم.» پیامبرشان هشدار داد: «اگر فرمان جنگ صادر شود، مطمئنید که سرپیچی نمی‌کنید و می‌جنگید؟!» گفتند: «مگر چه مان است که در راه خدا نجنگیم؟! با آنکه از خانه و کاشانه خودمان اخراج شده‌ایم و از زن و بچه‌هایمان جدایمان کرده‌اند!» ولی همین که فرمان جنگ صادر شد، جز عده کمی، همگی سرپیچی کردند! خدا حال بدکارهایی چون شما را خوب می‌داند. ۲۴۶

پیامبرشان به آن‌ها خبر داد: «باید بدانید خدا طالوت را به فرماندهی تان انتخاب کرده است.» با اعتراض گفتند: «چطور فرماندهی مان را او به عهده بگیرد، با آنکه ثروت چندانی ندارد؟! برای این مقام، ما از او لایق‌تریم!» پیامبرشان تأکید کرد: «خدا او را برایتان انتخاب کرده و از نظر نبوغ نظامی و نیروی بدنی، بر شما برتری اش داده است. بله، خدا فرمانروایی خودش را به هرکس لایق ببیند، می‌دهد؛ چون خدا دستش باز است و می‌داند به چه کسی بدهد.» ۲۴۷

آن وقت پیامبرشان به آن‌ها مژده داد: «نشانه‌ خدایی بودن فرماندهی طالوت، صندوق مقدسی^۲ است که پیش شما می‌آید تا دلگرمی و آرامشی از طرف خدا باشد. بعضی یادگارهای خاندان موسی و هارون در آن هست و فرشتگان حملش می‌کنند! این معجزه نشانه خوبی است برای شما در پی بردن به حقانیت طالوت، اگر واقعاً ایمان داشته باشید.» ۲۴۸

۱. نام او احتمالاً ساموئیل بوده است.

۲. این همان صندوقی است که خدا برای مادر موسی فرستاد تا او را در آن قرار دهد و به رود بیندازد. برای همین، از نظر قوم بنی اسرائیل گرامی بود. حضرت موسی علیه السلام نزدیک وفاتش، تورات و زره و عصا و تمام نشانه‌های دیگر پیامبری‌اش را در آن گذاشت و نزد وصی خود، یوشع، به امانت سپرد. این صندوق همیشه میان بنی اسرائیل بود و موجب دلگرمی و آرامش خاطرشان... تا اینکه کم‌کم به گناه آلوده شدند و به آن بی‌احترامی کردند. خدا هم تنبیهشان کرد و این صندوق را از آن‌ها گرفت... تا وقتی طالوت را به فرماندهی نظامی‌شان برگزید. در آخرالزمان هم حضرت مهدی علیه السلام آن را به صحنه خواهد آورد.

طالبوت همین‌که با لشکریانش راه افتاد، این‌طور هشدار داد: «خدا با نهر آبی امتحانتان می‌کند: هرکه از آن بنوشد، دنباله‌رو من نیست و هرکه اصلاً به آن لب نزند، دنباله‌رو واقعی من است؛ البته هرکه کف دستی بنوشد، اشکالی ندارد.» جز عده کمی، همگی از آن نوشیدند و از سپاه جدا شدند!

همین‌که طالبوت با مؤمنان همراهش از آن نهر آب عبور کردند و به راه خود ادامه دادند، آن‌هایی که کف دستی از آب نوشیده بودند، گفتند: «در حال حاضر، ما قدرت مقابله با جالوت و سپاهیان‌ش را نداریم!» اما کسانی که اصلاً لب به آب نزنده بودند و آرزوی شهادت را در دل می‌پروراندند، گفتند: «چه گروه‌های کم‌تعدادی بوده‌اند که به خواست خدا، بر گروه‌های پرتعداد پیروز شده‌اند. بله، خدا در کنار اهل صبر است.» ۲۴۹

همین‌ها، وقتی با جالوت و سپاهیان‌ش روبه‌رو شدند، این‌طور دعا کردند: «خدایا، از صبر و استقامت سرشارمان کن، قدم‌هایمان را محکم کن و بر این جماعت بی‌دین پیروزمان فرما.» ۲۵۰ پس به خواست خدا شکستشان دادند و داوود جالوت را کشت.

خدا به داوود حکومت و حکمت^۱ داد. مهارت‌هایی هم که صلاح می‌دانست، یادش داد.

به فرض، خدا جلوی زیاده‌خواهی‌ها و خراب‌کاری‌های بعضی مردم را به دست بعضی دیگر نگیرد، همه جای زمین را هرج و مرج فرا می‌گیرد؛ ولی خدا در حق جهانیان بسیار بزرگوار است. ۲۵۱

این داستان‌های واقعی نشانه علم و قدرت و اراده خداست که مختصر و مفید برای تو می‌خوانیم و به یقین، تو جزو پیامبرانی. ۲۵۲

۱. برای توضیح «حکمت»، پاورقی آیه ۱۲۹ همین سوره را ببینید.

البته پیامبران را با ویژگی‌هایی برهمدیگر برتری دادیم: خدا با برخی‌شان به‌طور ویژه حرف زد و درجات برخی دیگر را بالا برد؛ مثلاً به عیسی بن مریم معجزه‌های روشن بخشیدیم و او را به واسطه روح القدس، یعنی برترین فرشته خود، توانایی دادیم.^۱

اگر خدا به‌زور می‌خواست، مردمی که بعد از پیامبران آمدند با همدیگر نمی‌جنگیدند، آن‌هم بعد از آن‌همه دلیل‌های روشن! ولی آن‌ها دچار اختلاف شدند: عده‌ای ایمان آوردند و عده‌ای بی‌دین شدند. بله، اگر خدا می‌خواست، با هم نمی‌جنگیدند؛ ولی خدا هرچه بخواهد، می‌کند.^۲ ۲۵۳

مسلمانان! از هر چیزی که روزی‌تان کرده‌ایم، در راه خدا هزینه کنید؛ قبل از آنکه روزی برسد که نه خرید و فروشی در کار است و نه رفاقتی و نه شفاعتی. کسانی که از هزینه کردن در راه خدا طفره می‌روند، واقعاً بدکارند! ۲۵۴

جز خدا هیچ معبودی نیست. همیشه‌زنده است و پاینده. نه چرت می‌زند، نه خوابش می‌گیرد. آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال اوست. چه کسی در برابر او بی‌اجازه‌اش حق شفاعت دارد؟! آینده و گذشته همه موجودات را می‌داند. جز به مقداری که او بخواهد، به چیزی از علمش دست پیدا نمی‌کنند. علم و رحمتش آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته است و نگهداری‌شان برایش مشکل نیست. او بلندمرتبه بزرگ است. ۲۵۵

دین‌داری واجب است؛ اما دیگران را نمی‌توان و نباید به‌زور دین‌دار کرد؛ چون که راه از چاه کاملاً مشخص است. پس هر که در زندگی از آنچه در تعارض با خداست، دوری کند و خدا را باور داشته باشد، به چنان تکیه‌گاه مطمئنی پناه برده است که هیچ زلزلی در آن راه ندارد. خدا شنوای داناست. ۲۵۶

۱. خدای کاردرست پیامبران را دو جور برهمدیگر برتری داده است: اول: بعضی را از همه نظر برتری داده بر دیگران، مثل برتری پیامبران اولوالعظم بر سایر پیامبران. دوم: به‌رغم داشتن همه ویژگی‌های ارزشی، بعضی از آنان را در یک یا چند ویژگی برجسته‌تر کرده است. این آیه بیشتر در صدد بیان برتری نوع دوم است.

۲. یعنی خدا خودش خواسته که انسان‌ها در زندگی‌شان «اختیار» داشته باشند؛ حال یا دین‌داری را برگزینند یا بی‌دین باقی بمانند. البته این اختیار داشتن به معنای پاسخگو نبودن در برابر انتخاب بی‌دینی یا دین‌داری نیست و همگان باید منتظر عواقب مثبت و منفی انتخابشان باشند.

خدا کس و کار مسلمانان است. آنان را از تاریکی های اعتقادی و اخلاقی، به طرف نور معرفت و پاکی بیرون می کشد؛ اما کسانی که بی دینی می کنند، کس و کارشان طاغوت هایی اند که آن ها را از روشنایی خداجویی به سوی تاریکی های بی خدایی می کشانند. آن ها جهنمی اند و آنجا ماندنی. ۲۵۷

اکنون، سه مثال: ندیدی نمود پادشاه را که، مغرور از قدرتی که در اصل خدا به او داده بود، با ابراهیم درباره خدا چون و چرا می کرد؟ وقتی ابراهیم به او جواب داد: «صاحب اختیار من همان است که به دنیا می آورد و از دنیا می برد»، نمود گفت: «خب، من هم به دنیا می آورم و از دنیا می برم!» ابراهیم مثال روشن تری زد: «خدا خورشید را از مشرق بیرون می آورد. تو بیا و از مغرب دریاورش!» اینجا بود که آن بی دین، در برابر این منطق، مات و مبهوت ماند! بله، خدا دست چنین جماعت بدکاری را نمی گیرد. ۲۵۸

همین طور، ندیدی آن کسی^۲ را که از شهر ویرانه ای عبور می کرد که ساکنانش مرده بودند. با تعجب، به خودش گفت: «مردم این شهر را بعد از مردنشان خدا چطور در روز قیامت زنده می کند؟! پس خدا جانش را برای مدت یک صد سال گرفت. بعد، زنده اش کرد و پرسید: «چند سال در حال مرگ ماندی؟» جواب داد: «یک روز مانده ام یا کمتر از یک روز.» فرمود: «نه، بلکه یک صد سال مرده بودی! بین خوردنی و نوشیدنی ات، بعد از این همه مدت، فاسد نشده؛ اما بین الاغت چطور متلاشی و پوسیده شده است! این ماجرا را ترتیب دادیم تا زنده شدن تو را نشانه قدرتمان برای مردم قرار دهیم و... حالا به استخوان های الاغت نگاه کن که چطور سرهمشان می کنیم و گوشت و پوست بر آن ها می رویانیم!» همین که چگونگی زنده شدن مردگان برایش روشن شد، اعتراف کرد: «بله، می دانم که خدا از عهده هر کاری برمی آید.» ۲۵۹

۱. دو زندانی را آوردند. دستور داد یکی شان را آزاد کنند و دیگری را بکشند تا ثابت کند مرگ و زندگی دست اوست، نه خدا!

۲. او عَزِیر یا ارمیا بود، بنده ای صالح یا یکی از پیامبران الهی.

حال، دقت کن در این ماجرا که ابراهیم درخواست کرد: «خدایا، نشانم بده مرده‌ها را چطور زنده می‌کنی.» خدا پرسید: «مگر این را باور نداری؟!» جواب داد: «چرا؛ ولی دوست دارم با انجامش به دست خودم، دلم آرام بگیرد.» فرمان داد: «چهار نوع پرنده بگیر و بعد از سر بریدن، ریزریز و مخلوطشان کن! بعد، هر تکه‌ای از آن را بر سر یک بلندی بگذار. سپس، صدایشان بزن تا به سرعت پیشت بیایند! بدان که خدا شکست ناپذیر کار درست است.» ۲۶۰

موقعیت کسانی که اموالشان را در راه خدا هزینه می‌کنند، مثل موقعیت دانه‌ای است که هفت خوشه از آن بروید و در هر خوشه صد دانه باشد! تازه، خدا برای هرکه لایق ببیند، چندین برابرش می‌کند! آخر، خدا روزی گستر دانا است. ۲۶۱

کسانی که اموالشان را در راه خدا هزینه می‌کنند و به دنبال بخشش خود، منتی نمی‌گذارند و تحقیری نمی‌کنند، پاداششان پیش خدا محفوظ است و نه ترسی بر آنان غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورند. ۲۶۲

به علاوه، رد کردن موبانه گدایان و گذشت از بددهنی‌شان، بهتر از دادن صدقه‌ای است که تحقیری به دنبالش باشد. آخر، خدا بی‌نیاز بردبار است. ۲۶۳

مسلمانان! صدقه‌های خودتان را با منت گذاشتن و تحقیر کردن خراب نکنید؛ درست مثل آن‌هایی که دارایی‌شان را برای خودنمایی به مردم می‌بخشند و خدا و روز قیامت را باور ندارند!

وضع چنین اشخاص ریاکاری مانند وضعیت تخته سنگ صافی است که رویش، لایه نازکی از خاک نشسته و بذری در آن است. آن وقت، باران شدیدی بر آن می‌بارد: خاک را می‌شوید و سطح سنگ را صاف می‌گذارد! بله، منت‌گذارها و تحقیرکننده‌ها سودی از کارهایشان نمی‌برند؛ چون که خدا دست این جور ریاکارهای بی‌دین را نمی‌گیرد. ۲۶۴

از آن طرف، موقعیت کسانی که اموالشان را برای به دست آوردن رضایت خدا و دل‌کندن از مال دنیا، در راه خدا هزینه می‌کنند، مانند موقعیت باغی است که روی تپه‌ای قرار دارد. آن وقت، باران شدیدی بر آن می‌بارد و آن باغ دوچندان میوه می‌دهد! حتی اگر باران شدیدی بر آن نیارد، نم‌نم باران برایش کافی است. بله، خدا کارهایتان را می‌بیند. ۲۶۵

آیا هیچ کدامتان دوست دارد باغ خرما و انگوری داشته باشد که زیر درختانش جوی‌ها روان است و برایش در آن باغ میوه‌های متنوع دیگری هم هست و آن وقت، درحالی‌که دوران پیری‌اش فرا رسیده و فرزندان خردسال دارد، ناگهان گردبادی سوزان آن باغ را به تلی از خاکستر تبدیل کند؟! خدا آیات و احکامش را این‌طور برایتان توضیح می‌دهد تا به فکر فرو روید! ۲۶۶

مسلمانان! از دسترنجتان و از محصولات و معادنی که برایتان از دل خاک بیرون آورده‌ایم، مرغوبش را برای زکات و صدقه بدهید؛ نه اجناس بُنجلی را که خودتان هم قبول نمی‌کنید، مگر با بی‌میلی و از روی ناچاری! البته حواستان باشد که خدا در عین بی‌نیازی، قدرتان بخشش‌های به‌دردخورتان هست. ۲۶۷

شیطان، با ترساندن از فقر، شما را از کمک به نیازمندان باز می‌دارد و به کارهای زشتی چون بخل تشویقتان می‌کند؛ ولی خدا، با وعدهٔ آمرزش خودش و افزایش روزی‌اش، به کمک به نیازمندان تشویقتان می‌کند. آخر، خدا روزی‌گستر داناست. ۲۶۸

خدا به انفاق‌کنندگان با اخلاص حکمت^۱ می‌دهد و به هرکس حکمت داده شود، در حقیقت به او خیر فراوانی داده شده است؛ البته فقط مردم عاقل متوجه این نکته می‌شوند. ۲۶۹

۱. کسی هم که کمک‌های خود به دیگران را با خودنمایی و تحقیر همراه کند، در واقع، اعمالش را نابود ساخته است و دیگر راه جبرانی ندارد!

۲. برای توضیح «حکمت»، باورقی آیهٔ ۱۲۹ همین سوره را ببینید.

هر چیزی در راه خدا هزینه کنید یا هر نذری به عهده بگیرید، خدا می‌داند. کسانی هم که در این باره کوتاهی می‌کنند، هیچ یآوری ندارند. ۲۷۰

اگر صدقه‌ها را آشکارا و البته با اخلاص بدهید، خوب کاری کرده‌اید! ولی اگر آن را مخفیانه به فقیران آبرومند بدهید، برایتان بهتر است و در هر دو حالت، بخشی از گناهانتان را به تناسب انفاقتان، محو می‌کند؛ زیرا خدا از کارهایتان آگاه است. ۲۷۱

البته به عهده تو نیست که مجبورشان کنی چطور در راه خدا هزینه کنند؛ بلکه خدا به هر کس که شایسته ببیند، راه درست این کار را نشان می‌دهد. چیزهای به درد خوری که در راه خدا هزینه می‌کنید، در واقع به سود خودتان است؛ البته در صورتی که فقط برای رضای خدا انفاق کنید. هر چیز به درد خوری را که در راه خدا هزینه کنید، در قیامت به شما کامل پس می‌دهند و حقی از شما ضایع نمی‌شود. ۲۷۲

بهتر است کمک‌هایتان را به نیازمندی بدهید که به خاطر خدمت در راه خدا، در تنگنای مالی‌اند و برای کسب درآمد نمی‌توانند دوندگی کنند. از بس که آبرومندند و صورتشان را با سیلی سرخ نگه می‌دارند، شخص بی‌اطلاع خیال می‌کند وضعیتشان خوب است! ولی تواز حال و روزشان اینان را می‌شناسی. اینان با اصرار و سماجت از مردم گدایی نمی‌کنند. خدا کمک‌هایی را که به این عده می‌کنید، می‌داند. ۲۷۳

کسانی که اموالشان را شب و روز و پنهان و آشکار در راه خدا هزینه می‌کنند، پاداششان پیش خدا محفوظ است و نه ترسی بر آنان غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورند. ۲۷۴

۱. علنی کردن کمک‌ها به مراکز و مؤسسات خیریه، به خاطر فواید فراوان اجتماعی‌اش، مطلوب است: تشویق دیگران، دلگرمی نیازمندان، خوشحالی دوستان و ناراحتی دشمنان، الگوگیری کوچکترها از بزرگترها و ...

از طرف دیگر، رباخوارها دیوانه وار دنبال برهم زدن بازار کسب و کارند. این برای آن است که حتی ادعا می کنند: «خرید و فروش هم دقیقاً مثل ریاست!» در حالی که خدا خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام.

هرکس دستور پندآمیزی از طرف خدا به او برسد و از آن به بعد از کار زشتش دست بردارد، آن دستور شامل گذشته های او نمی شود؛ البته عاقبت کارش دست خداست. ولی آن هایی که بر ادامه آن کار زشت پافشاری کنند، جهنمی اند و آنجا ماندنی. ۲۷۵ خدا ربا را کم کم نابود و بی برکت می کند و صدقات را چند برابر و بابرکت. ۱ خدا هیچ رباخوار ناسپاس و سهل انگاری را دوست ندارد. ۲۷۶

مسلمانانی که حرف های گفته شده در بالا را باور کنند و کارهای خوب بکنند و نماز را با آدابش بخوانند و صدقه بدهند، پاداششان پیش خدا محفوظ است و نه ترسی بر آنان غلبه می کند و نه غصه می خورند. ۲۷۷

مسلمانان! در حضور خدا حقوق مالی دیگران را رعایت کنید و اگر واقعاً مؤمنید، باقی مانده ربایی را که می گرفتید، از بدهکارهایتان نگیرید. ۲۷۸ اگر چنین نکردید و به رباخواری ادامه دادید، در واقع به خدا و رسولش اعلام جنگ کرده اید؛ اما اگر توبه کنید و از رباخواری دست بکشید، اصل سرمایه هایتان برای خودتان است: در این حال، نه حق کسی را ضایع می کنید و نه کسی حقتان را ضایع می کند. ۲۷۹

حالا اگر بدهکاری توان پرداخت اصل سرمایه را هم ندارد، تا وقت توانایی مهلتش بدهید. به شرط آنکه همه تلاش خود را در پرداخت بدهی اش به کار ببندد. اگر هم اصلاً توان پرداخت نداشت، بخشیدنش برایتان بهتر است؛ البته اگر ارزش این دو کار را بدانید. ۲۸۰

بترسید از روزی که به سوی خدا برتان می گردانند! بعد، در عدالت محض، کارهای هرکس را کامل به او پس می دهند. ۲ ۲۸۱

۱. کمک کردن و صدقه دادن مایه همدلی و مهربانی می شود و امنیت روانی را در جامعه گسترش می دهد و از رواج دزدی و فساد پیشگیری می کند. بنابراین، ثروت انسان های خیرخواه حتی در زندگی دنیا فراوان و بابرکت می شود. در مقابل، ربا باعث سنگدلی و بدگمانی می شود و امنیت و آرامش را از جامعه می گیرد و حس انتقام جویی را در میان مردم گسترش می دهد. بنابراین، درآمد رباخواران آن ها را به نابودی و ورشکستگی می کشد.

۲. این آخرین آیه ای است که بر پیامبر ﷺ فرستاده شد و به دستور الهی، در اینجا قرار گرفت.

مسلمانان! در قراردادهای مدت دار،^۱ تعهدات مالی تان به همدیگر را بنویسید.^۲ اگر سواد خواندن و نوشتن ندارید، باید نویسنده‌ای در حضور شما آن را با دقت بنویسد. نویسنده هم به شکرانهٔ اینکه خدا به او توفیق سوادآموزی داده است، نباید از نوشتن خودداری کند.

بدهکار باید در حضور خدا، یعنی صاحب اختیارش، میزان بدهی‌اش را بدون کم‌وکاست دیکته کند و نویسنده هم بنویسد.

در ضمن، اگر بدهکار به هر علتی، مثل کم‌عقلی^۳ یا ضعف^۴ یا ناتوانی در تکلم، توانایی دیکته‌کردن ندارد، سرپرست او به درستی دیکته کند.

علاوه بر نوشتن بدهی، دو مرد مسلمان معتمد و در صورت نبودن دو مرد، یک مرد و دو زن مسلمان معتمد را بر این بدهی شاهد بگیرید تا اگر یکی از آن دو زن احیاناً بعضی جزئیات قرارداد را فراموش کرد، آن یکی به یادش بیاورد. وقتی شاهدان را برای شهادت دادن دعوت می‌کنند، نباید از این کار خودداری کنند.

در نوشتن مبلغ و مدت بدهی، چه کم باشد چه زیاد، تنبلی نکنید؛ چون که از نظر خدا، نوشتن تعهدات عادلانه تر است. همچنین محکمه‌پسندتر است و برای اینکه کارتان به اختلاف و دعوا نکشد، بهتر.

از طرف دیگر، اگر معامله نقدی بود و جنس و پول را درجا دست به دست کردید، اشکالی ندارد که آن را ننویسید؛ ولی به هر حال، در معاملات مهم شاهدگرفتن خوب است.

همچنین، برای نویسنده و شاهد نباید ایجاد مزاحمتی شود که اگر چنین کنید، منحرف شده‌اید و در واقع به خودتان بد کرده‌اید. در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید. خداست که احکام دین را یادتان می‌دهد. آخر، او هر چیزی را می‌داند. ۲۸۲

۱. قرض، نسیه، پیش‌فروش، اجاره، شراکت، مضاربه، مصالحه و ...

۲. این آیه که به «آیهٔ تدائین» معروف است، طولانی‌ترین آیهٔ قرآن است که حدود بیست موضوع مهم تجاری اقتصادی را بیان می‌کند.

۳. «سفیه» را در پاروقی آیهٔ ۵ سورهٔ نساء (ص ۷۷) توضیح داده‌ایم.

۴. کم‌سن‌وسال باشد (هرچند به سن بلوغ رسیده باشد) یا پیرفروت باشد یا مریض باشد.

اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای پیدا نکردید، چیزی به عنوان گرو از بدهکار بگیرید و اگر به هم اطمینان دارید، گروگرفتن لازم نیست. پس بدهکاری که به او اعتماد شده باید بدهی‌اش را در موعد مقرر بپردازد و در حضور خدا، یعنی صاحب اختیارش، مراقب رفتارش باشد.

بدهی‌تان را انکار نکنید! هرکه بدهی‌اش را انکار کند، واقعاً که سهل‌انگار است. بله، خدا می‌داند که چه می‌کنید. ۲۸۳

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال خداست؛ بنابراین، عقاید و اخلاق و نیت‌های زشتی که دارید، چه آشکارش کنید و چه پیش خودتان نگه دارید، خدا شما را بابت آن‌ها حسابرسی می‌کند: بعد، هرکه را لایق ببیند، می‌آموزد و هرکه را مستحق عذاب ببیند، مجازات می‌کند؛ چون که خدا از عهده هر کاری برمی‌آید. ۲۸۴

پیامبر آنچه را از طرف خدا برایش فرستاده شده، باور کرد و مؤمنان همراهش هم آن را باور کردند. همگی شان خدا، فرشتگانش، کتاب‌هایش و پیامبرانش را باور کردند و گفتند: «در اصل نبوت، بین هیچ‌یک از پیامبران خدا فرق نمی‌گذاریم.» همچنین گفتند: «گوش شنوا داشتیم و اطاعت کردیم. خدایا، از تو آمرزش می‌خواهیم و به سوی توست سرانجام همه...» ۲۸۵

خدا هرکس را فقط به اندازه توانش مسئول می‌داند. هر کار خوبی بکند، به سود خودش است و هر کار بدی هم بکند، به زیان خودش.

«... خدایا، اگر فراموش کردیم یا مرتکب خطا شدیم، به ما سخت نگیر! خدایا، هیچ تکلیف سنگینی بر دشمنان نگذار، آن‌طور که بر دوش کسانی که قبل از ما بودند گذاشتی، به خاطر کارهای زشتشان. خدایا، بابت عواقب گناهانمان، کارهای طاقت‌فرسا بر دوش ما نگذار. از گناهان ما چشم‌پوش و آن‌ها را پبوشان و با محوکردنشان به ما رحم کن! تو همه‌کاره مایی؛ پس بر جماعت بی‌دین پیروزمان کن.» ۲۸۶

سوره آل عمران به نام خدای خوب مهربان

الف، لام، میم. ۱

جز خدا هیچ معبودی نیست. همیشه زنده است و پاینده. ۲ او قرآن را حساب شده و هدف دار بر تو فرستاد. قرآن تأییدکننده کتاب های آسمانی موجود است؛ البته خدا قبل از قرآن، تورات و انجیل را برای راهنمایی مردم فرستاده بود. بله، قرآن جداکننده حق از باطل را فرستاد. کسانی که آیه ها و نشانه های خدا را باور نکنند، عذاب سختی در پیش دارند؛ چون خدا شکست ناپذیر انتقام گیر است. ۳ ۴ یقیناً در زمین و آسمان چیزی از خدا پوشیده نمی ماند. ۵ او کسی است که هرطور صلاح بداند، شما را در شکم مادرانتان شکل و شمایل می دهد. جز او معبودی نیست. شکست ناپذیر کار درست است. ۶ هم اوست کسی که قرآن را بر تو فرستاد. بخشی از آن، آیه های «محکم» است که پایه قرآن اند و بخشی دیگر آیه های «متشابه» و چند پهلوست. کسانی که در دل هایشان انحراف هست، به این قصد دنبال آیه ای متشابه می روند که به میل خودشان تفسیرش کنند و فتنه به پا سازند! به هر حال، تحقق عینی قرآن را خدا می داند و بس!

اما عالمان ثابت قدم می گویند: «به آیه های متشابه ایمان داریم. تمام قرآن، چه محکم چه متشابه، همه را خدا فرستاده است...»^۲ البته جز مردم عاقل، کسی به خود نمی آید. ۷

آن عالمان ادامه می دهند: «... خدایا، بعد از آنکه راهنمایی مان کردی، دل هایمان را از حق منحرف نکن و خودت توفیق شناخت قرآن را به ما بده. آخر، تنها تو بخشنده ای. ۸ خدایا، در روزی که جای هیچ شک و شبهه ای در آمدنش نیست، مردم را جمع می کنی.» بله، خدا برخلاف وعده اش عمل نمی کند. ۹

۱. منظور، تورات و انجیل موجود در دوران صدر اسلام است.

۲. البته معصومان بزرگوار علیهم السلام که مصداق کامل «عالمان ثابت قدم» هستند، علاوه بر ایمان داشتن به آیه های متشابه، به کمک خدای کار درست، عالم به آن ها هم هستند.

از اموال و اولاد بی‌دین‌ها در برابر خشم خدا هیچ کاری ساخته نیست و اتفاقاً خودشان هم سوخت آتش جهنم‌اند! ۱۰ رفتارشان مثل رفتار قبلی‌هایشان به‌ویژه فرعونیان است: آیه‌ها و نشانه‌های ما را دروغ دانستند. خدا هم به‌سزای گناهانشان گریبانشان را گرفت. آخر، مجازات خدا شدید است! ۱۱

به بی‌دین‌ها هشدار بده: «به‌همین زودی‌ها شکست سختی می‌خورید. روز قیامت هم، دسته‌جمعی به جهنم برده می‌شوید و آنجا بد جایگاهی است!» ۱۲ در جنگ بدر، وقت رودرروشدن دو لشکر، کمک خدا به شما مثل روز، روشن بود: یک طرف، مسلمان بودند و در راه خدا می‌جنگیدند و طرف دیگر بی‌دین‌هایی بودند که به‌وضوح، تعداد مسلمانان را دو برابر می‌دیدند! خدا هرکه را شایسته ببیند، با کمک خود تأیید می‌کند. بله، این ماجرا مایهٔ عبرت افراد روشن‌بین است. ۱۳

علاقهٔ شدید به برخی چیزها، در چشم مردم، رنگ‌ولعاب داده شده است: زنان زیبارو، فرزندان زیاد، پس‌انداز بی‌رویهٔ طلا و نقره، وسایل نقلیهٔ لوکس و گران‌قیمت، گله‌های دام و مزارع وسیع. این‌ها خوشی‌های ناچیز و زودگذر زندگی دنیاست؛ درحالی‌که عاقبت به‌خیری فقط دست خداست. ۱۴

بپرس: «می‌خواهید خیلی بهتر از این‌ها را به شما معرفی کنم؟ کسانی که مراقب رفتارشان باشند و گرفتار چرب‌وشیرین دنیا نشوند، پیش خدا باغ‌هایی پردرخت خواهند داشت که در آن‌ها جوی‌ها روان است و آنجا ماندنی‌اند. همچنین، همسرانی زیبا و پاک دارند و از رضایت خدا برخوردارند. خدا حال و روز بندگان را می‌بیند.» ۱۵

اینان همیشه می‌گویند: «خدایا، ما ایمان آوردیم. تو هم گناهانمان را ببوشان و از عذاب جهنم حفظمان کن.» ۱۶ اینان اهل صبرند، اهل راستگویی اند، اهل فروتنی اند و اهل کمک اند. به وقت سحر هم اهل استغفارند. ۱۷

خدا که برپادارندهٔ عدل و داد است، گواهی می‌دهد که هیچ معبودی جز او نیست و فرشتگان و عالمان راستین هم گواهی می‌دهند. بله، جز او معبودی نیست. او شکست‌ناپذیر کار درست است. ۱۸

از نظر خدا، دین صحیح یعنی تسلیم شدن در برابر او؛ ولی این عالمان زیاده‌خواه بودند که با وجود این همه آموزه‌ها، اختلاف نظر در معارف دین را باب کردند. هرکسی آیه‌های خدا را قبول نداشته باشد، خدا به زودی به حسابش می‌رسد؛ زیرا خدا حسابرسی سریع است. ۱۹ پس، اگر بزرگان مسیحیان نجران با تو دربارهٔ حقانیت دین اسلام چون و چرا کردند، جواب بده: «من و پیروانم همهٔ وجودمان را به خدا سپرده‌ایم.» و کلاً به کسانی مانند یهودی‌ها و مسیحی‌ها که کتاب آسمانی دارند و نیز به بت‌پرست‌هایی که با کتاب آسمانی آشنا نیستند، بگو: «شما هم اسلام آورده‌اید؟! اگر که واقعاً اسلام آورده‌اند، راه درست را در پیش گرفته‌اند و اگر سرپیچی کردند، نگران‌شان نباش؛ چون که وظیفهٔ تو فقط رساندن پیام الهی است و خدا حال و روز بندگانش را می‌بیند. ۲۰

به کسانی که آیه‌ها و نشانه‌های خدا را قبول ندارند و پیامبران الهی و توصیه‌کنندگان به عدالت را ناجوانمردانه به شهادت می‌رسانند، مژدهٔ عذابی زجرآور بده! ۲۱

از این قماش افراد، اگر احیاناً کارهای خوبی هم سرزده باشد، در دنیا و آخرت به هدر می‌رود و آن‌ها دیگر هیچ یآوری نخواهند داشت! ۲۲

۱. معصومان بزرگوار (علیهم‌السلام) به ما سفارش کرده‌اند که وقتی شب‌ها می‌خواهیم بخوابیم، این آیه‌ها را بخوانیم: ۲۵۵ تا ۲۵۷ بقره (ص ۴۲)، ۱۸ و ۱۹ و نیز ۲۶ و ۲۷ آل عمران (ص ۵۲ و ۵۳)، ۵۴ تا ۵۶ اعراف (ص ۱۵۷)، ۱۰۹ و ۱۱۰ کهف (ص ۳۰۴)، ۱۸ تا آخر حشر (ص ۵۴۸).

مگر ندیدی یهودی‌هایی که بهره‌ کمی از تورات برده‌اند، برای حل اختلافاتشان به کتاب الهی دعوت می‌شوند تا میانشان داوری کند، ولی عده‌ای از آن‌ها با بی‌اعتنایی، از احکام صادرشده رو برمی‌گردانند؟! ۲۳ این روگردانی برای آن است که به خیال خودشان می‌گفتند: «پر آتش جهنم فقط چند روزی ما را می‌گیرد.»^۱ از قضا، همان دروغ‌هایی که سر هم می‌کردند، آن‌ها را در دینشان گول زد. ۲۴ در آن روزی که جمعشان می‌کنیم، حالشان چطور خواهد بود؟! همان روزی که جای هیچ شک و شبهه‌ای درآمدنش نیست و در عدالت محض، کارهای هرکس را کامل به او پس می‌دهند! ۲۵

بگو: «خدا یا، ای اختیاردار همهٔ سلطه‌ها،^۲ مقام و موقعیت را به هرکه صلاح بدانی، می‌دهی و از هرکه صلاح بدانی، پس می‌گیری. هرکه را لایق ببینی، عزیز و گرامی می‌داری و هرکه را نالایق ببینی، خواروار می‌کنی! همهٔ خوبی‌ها دست توست و تو از عهدهٔ هر کاری برمی‌آیی. ۲۶ در طول سال، مدتی شب‌ها را بلند و روزها را کوتاه می‌کنی و مدتی روزها را بلند و شب‌ها را کوتاه.^۳ همچنین، موجود زنده را از دل مادهٔ بی‌جان بیرون می‌کنی و مادهٔ بی‌جان را از موجود زنده. به هرکه هم مصلحت بدانی، فراوان روزی می‌دهی!» ۲۷

بنابراین، مسلمانان نباید به جای دوستی با مسلمانان، با بی‌دین‌ها طرح دوستی بریزند. هرکه چنین ارتباطی با آن‌ها برقرار کند، دیگر هیچ رابطه‌ای با خدا نخواهد داشت؛ مگر آنکه بخواهید از شرشان در امان بمانید.^۴ خدا دربارهٔ عذابش به شما هشدار می‌دهد و به او ختم می‌شود آخر عاقبت همه. ۲۸ بگو: «آنچه را در دل هایتان است، چه پیش خودتان نگه دارید چه آشکارش کنید، خدا آن را می‌داند و در واقع، آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، می‌داند. آخر، خدا از عهدهٔ هر کاری برمی‌آید. ۲۹

۱. پاورقی آیه ۸۰ سوره بقره (ص ۱۲) را ببینید.

۲. خدا دهنده و گیرندهٔ همهٔ سلطه‌های دنیایی و آخرتی است: تمام اقتدارهای مادی و معنوی، تک‌تک قدرت‌های تکوینی و تشریحی، تمامی ولایت‌های نبوی و علوی، یک‌یک چیرگی‌های علمی و فنی و همهٔ سمت‌ها و مقام‌های اعتباری و سازمانی.

۳. پاورقی آیه ۲۹ سوره لقمان (ص ۴۱۴) را ببینید.

۴. نام این ارتباط مصلحتی «تقیه» است. در تقیه، باطن انسان خوب است و ظاهرش نه. برعکس «نفاق» که در آن، باطن انسان خراب است و ظاهرش پسندیده. دربارهٔ برقراری روابط حسنه با سایر کشورها آیه‌های ۸ و ۹ سوره ممتحنه (ص ۵۵) را هم ببینید.

به یاد روزی باش که هرکس تمام کارهای خوب و بدی را که کرده است، جلوی چشمش می بیند و آرزو می کند که بین او و کارهای بدش فاصله ای دورودراز باشد! بله، خدا درباره عذابش به شما هشدار می دهد؛ چون خدا دلسوز بندگان است.» ۳۰ پیامبر، بگو: «اگر خدا را دوست دارید، دنباله رو من باشید تا خدا هم دوستان داشته باشد و گناهانتان را ببامرزد؛ چون که خدا آمرزنده مهربان است.» ۳۱ همچنین، تأکید کن: «از خدا و پیامبر اطاعت کنید.» اگر سرپیچی کنند، خدا قطعاً چنین بی دین های نافرمانی را دوست ندارد. ۳۲

خدا آدم و نوح و خانواده ابراهیم و خانواده عمران^۱ را انتخاب کرد و بالادست مردم جهان نشانند. ۳۳ نسلی که در پاکی و درستی، همه از یک جنس اند. خدا شنوای داناست. ۳۴

حنّا، همسر عمران، نجوا کرد: «خدایا، بچه ای را که در شکم دارم، وقف تو کرده ام تا فارغ از هر مشغله ای در خدمت دین تو باشد. از من بپذیر که تو فقط شنوای دانایی.» ۳۵ همین که بچه اش را به دنیا آورد، با حسرت گفت: «خدایا، بچه ام دختر است!» البته خدا بهتر می دانست که او چه بچه مهمی به دنیا آورده است! پسری که او می خواست، به اهمیت دختری نبود که به او دادیم! بعد ادامه داد: «نامش را مریم گذاشتم. او و بچه هایش را از شر شیطان رانده شده از خوبی ها به تو می سپارم.» ۳۶

خدا هم مریم را به شایستگی پذیرفت و زمینه را برای رشد مناسبش چید و زکریا^۲ را سرپرستش کرد. هر بار که زکریا برای دیدن مریم به عبادتگاه او می رفت، خوراکی های خوب و خوشمزه در کنارش می دید! روزی پرسید: «مریم، این ها از کجا برایت می آید؟!» مریم جواب داد: «این ها از طرف خداست. خدا به هرکه صلاح بداند، فراوان روزی می دهد.» ۳۷

۱. در اینجا منظور از «عمران» پدر حضرت مریم علیها السلام است و آل عمران یعنی مریم علیها السلام و مادرش حنّا و حضرت عیسی علیه السلام و سلسله بعد از آنان.

۲. حضرت زکریا علیه السلام شوهرخاله حضرت مریم علیها السلام بود.

اینجا بود که زکریا امیدوارانه خدا را صدا زد: «خدایا، خودت به من هم فرزندی صالح ببخش که تو مستجاب‌کنندهٔ دعایی.» ۳۸

بعد، درحالی‌که زکریا در عبادتگاهش مشغول نماز بود، فرشتگان خطابش کردند: «خدا مژده‌ات می‌دهد به ولادت پسری به نام یحیی که پیامبری مخلوق ویژهٔ خدا یعنی عیسی را به جان می‌پذیرد و خیلی هم آقا و پاک دامن است و پیامبری است جزو شایستگان.» ۳۹

زکریا با کنج‌کاوی پرسید: «خدایا، چطور ممکن است پسر دار شوم؟! دوران پیری ام رسیده و همسر هم که نازاست!» خدا فرمود: «بله، همین طور است؛ ولی خدا هر کاری بخواهد، می‌کند.» ۴۰

زکریا که بی‌قرار دانستن زمان بچه‌دار شدنش بود، گفت: «خدایا، نشانه‌ای برابرم بگذار.» فرمود: «نشانه‌اش این است که تا سه شبانه‌روز نمی‌توانی با مردم حرف بزنی، جز با رمز و اشاره! به‌شکرانهٔ این نعمت، خیلی به یاد خدا باش و صبح و شب به پاکی یادش کن.» ۴۱

فرشتگان به مریم گفتند: «خدا انتخاب کرده و از آلودگی‌های ظاهری و باطنی و تهمت‌های ناروای مردم، تو را پاک ساخته و از بین بانوان دنیا، تو را برای مادر شدن بدون همسر انتخاب کرده است! ۴۲ مریم! در برابر خدا فروتن باش و با جماعت نمازگزاران سجده و رکوع کن.» ۴۳

ای پیامبر، این ماجراها جزو خبرهای غیبی است که به تو وحی می‌کنیم؛ وگرنه تو که پیش آن‌ها نبودى: نه وقتی قرعه‌کشی می‌کردند که سرپرستی مریم را کدامشان به عهده بگیرد و نه وقتی که اولش، دربارهٔ سرپرستی مریم کارشان به دعوا کشید! ۴۴

باز، فرشتگان گفتند: «مریم، خدا مژده‌ات می‌دهد به تولد مخلوق ویژه‌ای از طرف خودش: نامش عیسی بن مریم است و لقبش مسیح. او در دنیا و آخرت آبرومند است و از بندگان خیلی نزدیک خدا به‌شمار می‌آید.» ۴۵

در نوزادی هم، مثل بزرگ سالی اش، عاقلانه و پیامبرانه با مردم حرف می زند و جزو شایستگان است...» ۴۶

مریم پرسید: «خدا یا، چطور ممکن است بچه دار شوم؟! با اینکه مردی با من ازدواج نکرده!»

جبرئیل فرمود: «بله، همین طور است؛ ولی خدا هر چه بخواهد، می آفریند؛ یعنی وقتی چیزی را بخواهد، فقط تا فرمان بدهد: 'باش'، به سرعت به وجود می آید.» ۴۷

«... همچنین، به عیسی کتاب آسمانی و حکمت و تورات و انجیل یاد می دهد. ۴۸ در شروع کار، او را به سوی بنی اسرائیل می فرستد تا به آن ها بگوید: 'من از طرف خدا برایتان معجزه هایی روشن آورده ام: از گل چیزی می سازم شبیه پرندۀ واقعی. بعد در آن فوت می کنم. پس با اجازه خدا پرندۀ ای جاندار می شود! تازه، با اجازه خدا، کور مادرزاد و جُزّامی را هم شفا می دهم و مرده ها را زنده می کنم! همین طور، می توانم به شما بگویم که در خانه هایتان چه می خورید و چه ذخیره می کنید! این کارها نشانه خوبی است برای شما در پی بردن به حقانیت من، اگر واقعاً ایمان داشته باشید. ۴۹ آمده ام تا کتاب آسمانی موجود یعنی تورات را تأیید کنم و در عین حال، بعضی چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، برایتان حلال کنم. بله، با معجزه پیشتان آمده ام. پس، در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید و از من اطاعت کنید. ۵۰ در حقیقت، خدا صاحب اختیار من و شماست. او را بپرستید که راه درست زندگی همین است.» ۵۱

ولی وقتی عیسی بی دینی مردم را به عیان دید، پرسید: «چه کسی یاور من است در راه حفظ دین خدا؟» یاران مخصوصش جواب دادند: «ما یاوران دین خداییم؛ چون خدا را باور داریم. تو هم شاهد باش که ما همه تسلیم فرمان اویم.» ۵۲

خدایا، به آنچه تو فرستاده‌ای ایمان آورده‌ایم و دنباله‌رو پیامبرت بوده‌ایم؛ پس ما را با شاهدان^۱ همنشین کن. « ۵۳

بدخواهان برای کشتن عیسی نقشه کشیدند. خدا هم بر ضدشان نقشه کشید. البته خدا ماهرترین نقشه‌کشنده است. ۵۴ نقشه خدا این بود که فرمود: «عیسی، خودم تو را برمی‌دارم و زنده به طرف خودم بالا می‌آورم و از دست بی‌دین‌های ناپاک نجات می‌دهم. تا روز قیامت هم، همیشه پیروان واقعی‌ات^۲ را برتر از بی‌دین‌ها قرار می‌دهم. البته آخر سر، به سوی من است برگشتنتان؛ در نتیجه در هر چیزی که سرش اختلاف داشته‌اید، بینتان داوری می‌کنم. ۵۵ پس بی‌دین‌ها را در دنیا و آخرت به غذایی سخت گرفتار می‌سازم و دیگر هیچ یآوری نخواهند داشت. ۵۶ اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای خوب کرده‌اند، خدا پاداششان را کامل می‌دهد. بله، خدا بدکارها را دوست ندارد.» ۵۷

این داستان را که به دقت برایت می‌خوانیم، از نشانه‌های حقانیت توست و پند حکیمانه است. ۵۸ در واقع، داستان آفرینش عیسی، از نظر خدا، مثل آفرینش آدم است که بدنش را از خاک آفرید و بعد به او دستور داد: «موجود زنده باش.» در لحظه، همان شد! ۵۹ آنچه درباره عیسی گفته می‌شود، همه از طرف خداست؛ پس حتی برای لحظه‌ای، شک به دلت راه نده! ۶۰

اگر بعد از این حقایقی که درباره عیسی به دستت رسیده، باز درباره او چون و چرا کردند، به آن‌ها پیشنهاد مباحثه^۳ بده؛ یعنی بگو: «بیایید این‌ها را یکجا جمع کنیم؛ فرزندانمان و فرزندانانتان و بانوانمان و بانوانت و خودمان^۴ و خودتان. بعد، کار را به خدا واگذار کنیم و با تضرع و زاری، لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم.» ۶۱

۱. «شاهدان» یعنی شاهدان کارهای مردم یا شاهدان بر یگانگی خدا.

۲. با توجه به سفارش حضرت عیسی علیه السلام به پیروی از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، در آیه ۶ سوره صف (ص ۵۵۲)، پیروان واقعی حضرت مسیح علیه السلام مسلمانان هستند.

۳. اگر بعد از آوردن دلیل کافی و قانع‌کننده برای ثابت کردن مطلبی مهم، طرف مقابل از روی لجبازی از قبولش خودداری کند، می‌توان او را به مباحثه دعوت کرد. چگونگی‌اش در همین آیه آمده است.

۴. برای چنین رویداد سرنوشت‌سازی، پیامبر صلی الله علیه و آله فقط چهار نفر را با خود آورد: حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به مصداق «نساءنا» آورد و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را برای «ابناءنا». می‌ماند «انفسنا»: ایشان با آوردن امیرالمؤمنین نشان داد که علی علیه السلام جان محمد صلی الله علیه و آله است و جز پیامبری، تمام ویژگی‌های او را داراست. جالب اینکه اسقف منطقه نجران وقتی چشمش به این جمع پنج نفره افتاد، از مباحثه منصرف شد.

بله، قصه واقعی عیسای مسیح همین است. معبودی جز خدا نیست و قطعاً خداست همان شکست‌ناپذیرِ کاردرست. ۶۲

بعد از جریان مباحله، اگر باز هم از پذیرش حق سرپیچی کنند، خدا حال خراب‌کارهای لجاجت‌پز را خوب می‌داند. ۶۳

به اهل کتاب پیشنهاد بده: «بیایید بر سر اصول و ارزش‌هایی که بین ما و شما مشترک است، تمرکز کنیم؛ فقط خدا را عبادت کنیم و بت نپرستیم و افرادی از خودمان را به جای خدا ارباب‌های خود ندانیم.» اگر با این پیشنهاد هم مخالفت کردند، بگویید: «بدانید که ما در حال به این اصل مشترک عمل می‌کنیم.» ۶۴

اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم با همدیگر چون و چرا می‌کنید و او را دنباله‌رو دین خود می‌دانید؟! تورات و انجیل که بعد از او فرستاده شده! پس چرا عقلتان را به کار نمی‌اندازید؟! ۶۵

هان! شما همان‌هایی هستید که درباره موضوعات مرتبط با دین خودتان، که اتفاقاً اطلاعی هم از آن‌ها داشتید، با مسلمانان جرّوبحث کردید و محکوم شدید! حالا چطور درباره آیین ابراهیم و ارتباط آن با دین خودتان چون و چرا می‌کنید که از آن اطلاعی هم ندارید؟! بله، خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. ۶۶

ابراهیم نه یهودی بود، نه مسیحی؛ بلکه انسانی بود میانه‌رو و تسلیم دستورهای خدا. هرگز هم بت پرست نبود. ۶۷

در حقیقت، نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم همان پیروان او هستند و این پیامبر یعنی محمد و نیز مسلمانان. خدا هم کس و کار مؤمنان است. ۶۸

گروهی از اهل کتاب آرزو دارند که گمراهتان کنند؛ در حالی که دارند خودشان را گمراه می‌کنند؛ ولی نمی‌فهمند! ۶۹

اهل کتاب! چرا نشانه‌های پیامبری محمد را قبول نمی‌کنید، با اینکه در تورات و انجیل هم آن نشانه‌ها را دیده‌اید؟! ۷۰

اهل کتاب! چرا حق را وارونه جلوه می‌دهید و حقیقت را آگاهانه کتمان می‌کنید؟! ۷۱

بعضی یهودی‌ها به بعضی دیگر پیشنهاد کردند: «اول روز وانمود کنید به دین و قرآنی که بر مسلمانان فرستاده شده است، ایمان آورده‌اید و آخر روز از ایمان خود برگردید! شاید آن‌ها هم از دین اسلام برگردند. ۷۲ همچنین، در بازگو کردن مطالب مشترک تورات و قرآن به کسی، جز پیروان دینتان، اعتماد نکنید! نکنند معلوم شود مثل کتابی که به شما داده‌اند، به دیگران هم داده می‌شود! یا اینکه در قیامت، پیش خدا علیه شما حرفی بزنند!»

جواب بده: «در واقع، هدایت واقعی فقط هدایت خداست و فضیلت نبوت هم به دست اوست که به هرکس شایسته ببیند، می‌دهد؛ چون خدا روزی گستر داناست. ۷۳ بله، هرکه را لایق ببیند، با لطف ویژه‌اش می‌نوازد؛ زیرا خدا لطف بسیار دارد.» ۷۴

البته در بین اهل کتاب، کسانی هستند که اگر اعتماد کنی و هزار سکه طلا هم به آن‌ها بدهی، به تو پس می‌دهند. کسانی هم هستند که اگر اعتماد کنی و سکه‌ای طلا هم به آن‌ها بدهی، به تو پس نمی‌دهند؛ مگر آنکه بالای سرشان پایستی تا مالت را پس بگیری!

دلیل این کار زشتشان آن است که به خیال خودشان می‌گویند: «بقیه مردم حق ندارند به کارهای ما اعتراض کنند! چون ما نژاد برتریم.» آن‌ها با این حرف، آگاهانه به خدا دروغ می‌بندند. ۷۵ چرا، دیگران حق اعتراض دارند. آنان که سر قولشان بمانند و مراقب رفتارشان باشند، خدا دوستشان دارد. بله، او خودمراقبان را دوست دارد. ۷۶

در مقابل، کسانی که تعهد دین‌داری و قسم‌های خود را به قیمت ناچیز مادی می‌فروشدند، در آخرت بهره‌ای ندارند و خدا روز قیامت، نه با آن‌ها محبت‌آمیز حرف می‌زند و نه به آن‌ها توجهی می‌کند. همچنین، در این دنیا توفیق پاک‌سازی از گناهان به آن‌ها نمی‌دهد و در آخرت دچار عذابی زجرآور می‌شوند. ۷۷

عده‌ای از عالمان یهودی، وقت خواندن دست‌نوشته‌های خود، لحنشان را جوری تغییر می‌دهند که خیال کنید آن‌ها جزو کتاب خداست؛ درحالی‌که جزو کتاب خدا نیست. تازه، ادعا می‌کنند: «آن دست‌نوشته‌ها را خدا فرستاده!» درحالی‌که خدا نفرستاده است و آن‌ها آگاهانه این دروغ‌ها را به خدا نسبت می‌دهند. ۷۸

محال است^۱ خدا به انسانی کتاب آسمانی و بسمت رهبری و پیامبری بدهد، بعدش او به مردم و به ویژه به عالمان این‌طور دستور دهد: «به جای بندگی خدا، بندگان من باشید!» بلکه دستور می‌دهد: «شما که کارتان یاد دادن کتاب آسمانی و خواندن آن است، پس بیایید عالمانی خداجو^۲ باشید!» ۷۹

همین‌طور، دستور نمی‌دهد: «فرشتگان و پیامبران را ارباب‌های خود بگیرید.» یعنی بعد از آنکه در برابر خدا تسلیم شدید، باز دستورتان می‌دهد به بی‌دینی؟! ۸۰ این‌طور بود که خدا از پیامبران و پیروانشان قول گرفت: «هر وقت کتاب آسمانی و حکمت به شما دادم و در آینده، پیامبری آمد که کتاب آسمانی‌تان را تأیید کرد، باید به او ایمان بیاورید و یاری‌اش کنید.»^۳ بعد، خدا از پیامبران پرسید: «به این موضوع اقرار می‌کنید؟ و درباره‌اش از پیروانتان تعهد محکم می‌گیرید؟» جواب دادند: «بله، اقرار می‌کنیم.» فرمود: «پس، شما شاهد باشید و من هم با شما شاهد هستم. ۸۱ آن‌هایی که از این‌ها بعد سرپیچی و عهدشکنی کنند، افرادی منحرف‌اند.» ۸۲

با این همه دلیل‌های روشن، بی‌دین‌ها چطور دنبال چیزی جز دین خدا هستند؟! با آنکه تمام ساکنان آسمان‌ها و زمین، خواسته و ناخواسته، فقط در برابر او سر تسلیم فرود آورده‌اند و دست‌آخر، فقط به سوی او برشان می‌گردانند؟! ۸۳

۱. بنی اسرائیل دو نوع تهمت به حضرت عیسی علیه السلام می‌زدند: ۱. فرزندی خدا؛ ۲. دعوت مردم به پرستش خودش. آیه‌های قبل در جواب تهمت اول بود و از اینجا به بعد در جواب تهمت دوم است.
 ۲. خداجو و رتانی کسی است که با خدا ارتباط عمیق دارد و عالم خداجو و دانشمند رتانی کسی است که راه پیامبران را برود و با رفتار پسندیده و گفتار مفید خود، به آگاه کردن مردم کمک کند.
 ۳. هر پیامبری مأموریت داشته است که اصل رسالت پیامبران قبلی و خطوط کلی اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی‌شان را تأیید کند؛ البته برخی احکام جزئی را که تاریخ‌مصرشان محدود بوده، تغییر می‌داده و روش مناسب با زمان خود را اجرامی کرده است.

پیامبر! بگو: «ایمان آورده ایم به خدا و به آنچه بر ما فرستاده شده و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از نسل یعقوب^۱ فرستاده شده و به آنچه به موسی و عیسی و به همه پیامبران از طرف خدا داده شده است. در اصل نبوت، بین هیچ کدامشان فرق نمی گذاریم و در برابر خدا، کاملاً تسلیمیم.»^{۸۴}

هرکه دنبال دین دیگری به جز اسلام باشد، آن دین هرگز از او پذیرفته نمی شود و در آخرت هم سرمایه عمرش را باخته است.^{۸۵}

خدا دیگر چطور دست گروهی را بگیرد که بعد از اسلام آوردنشان بی دین شده اند؟! با آنکه آن ها قبول داشتند که پیامبر اسلام برحق است و نشانه های روشنی هم دستشان رسیده بود. بله، خدا دست مردم بدکار را نمی گیرد.^{۸۶}

جزایشان این است: لعنت خدا و همه فرشتگان و مردم بر آن ها!^{۸۷} همیشه از رحمت خدا دورند. نه از عذابشان کم می کنند و نه مهلت فرار به آن ها می دهند؛^{۸۸} مگر کسانی که بعد از آن همه رفتار زشت، توبه کنند و خراب کاری ها و خطاهای گذشته را جبران سازند؛ چون خدا آمرزنده مهربان است.^{۸۹}

البته کسانی که بعد از اسلامشان بی دین شوند و با کارهای زشت، بی دینی شان را بیشتر کنند و بعد، از روی ناچاری، در لحظه جان کندن توبه کنند، توبه آن ها هرگز قبول نخواهد شد^۲ و آن ها همان گمراهان واقعی اند.^{۹۰}

کسانی که بی دین شوند و در حال بی دینی از دنیا بروند، اگر برای رهایی خودشان از عذاب، تمام زمین را هم از طلا پر کنند و بدهند، از هیچ کدامشان قبول نخواهد شد. بله، عذابی زجرآور نصیبشان می شود و هیچ یآوری نخواهند داشت!^{۹۱}

۱. نگاه کنید به پاورقی آیه ۱۳۶ سوره بقره (ص ۲۱).

۲. آیه های ۱۷ و ۱۸ سوره نساء (ص ۸۰) در همین زمینه است. البته این جور افراد اگر در لحظه های پایانی عمر و قبل از احتضار، یعنی قبل از دیدن فرشته مرگ یا بعضی نشانه های زندگی برزخ، از کارهای زشت گذشته خودشان واقعاً پشیمان باشند و توبه کنند، ان شاء الله خدای مهربان توبه شان را قبول خواهد کرد.

فقط وقتی به مقام خوبان^۱ می‌رسید که از چیزهای دوست‌داشتنی تان در راه خدا هزینه کنید. هر چیزی هم در راه خدا هزینه کنید، خدا آن را می‌داند. ۹۲

قبل از آمدن تورات، همهٔ خوراکی‌ها برای یهودی‌ها حلال بود؛ مگر آنچه یعقوب بر خودش ممنوع کرده بود.^۲ بگو: «اگر راست می‌گویید که بعضی خوراکی‌ها از اول حرام بوده است، تورات را بیاورید و از رویش بخوانید تا حرفتان را ثابت کنید!»^۳ ۹۳

بعد از این توضیحات، کسانی که دربارهٔ حرام‌ها و حلال‌ها نسبت دروغ به خدا می‌دهند، واقعاً بدکارند! ۹۴ بگو: «حالا که خدا راست گفته است و شما یهودی‌ها دروغ، دنباله‌رو دین ابراهیم میانه‌رو و یکتاپرست باشید.» ۹۵

اولین عبادتگاهی که در زمین برای همهٔ مردم ساخته شده، همان خانهٔ کعبه است^۴ که در مکه قرار دارد و مایهٔ برکت و هدایت همیشگی جهانیان است. ۹۶ در آنجا نشانه‌های واضح از جمله مقام ابراهیم^۵ قرار دارد و هرکه وارد حریم کعبه شود، در امان است.

خدا زیارت این خانه را برای آن‌هایی که سلامت جسمی و توان مالی دارند، واجب کرده است؛ البته هرکه با نرفتن به حج بی‌دینی کند، به خودش ضرر می‌زند؛ چون خدا از همهٔ جهانیان بی‌نیاز است. ۹۷

سؤال کن: «اهل کتاب! با اینکه خدا می‌بیند چه می‌کنید، چرا آیه‌ها و نشانه‌هایش را باور نمی‌کنید؟!» ۹۸

باز پیرس: «اهل کتاب! چرا مانع دین‌داری مسلمانان می‌شوید و با شبهه‌پراکنی، راه مستقیم خدا را کج نشان می‌دهید؟! حال آنکه خودتان از درستی این راه، خوب خبر دارید و خدا هم بی‌خبر نیست که چه می‌کنید!» ۹۹

مسلمانان! اگر دنباله‌رو عده‌ای از اهل کتاب شوید که کارشان فقط تفرقه‌اندازی است، بعد از اسلام آوردنتان، به بی‌دینی برتان می‌گردانند! ۱۰۰

۱. دربارهٔ خوبی و خوبان، یاورقی آیهٔ ۱۹۳ همین سوره را ببینید.

۲. حضرت یعقوب علیه السلام بعضی خوردنی‌ها مثل گوشت شتر و شیر آن را مصرف نمی‌کرد؛ شاید چون برای سلامتی‌اش ضرر داشت یا برای ساده‌زیستی یا... .

۳. بعضی خوراکی‌ها به علت کارهای ناشایست بنی‌اسرائیل بر آن‌ها حرام شده بود (آیهٔ ۱۴۶ سورهٔ انعام، ص ۱۴۷). بنی‌اسرائیل می‌گفتند: «حرام بودن این خوراکی‌ها از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است، نه به خاطر ارتکاب کارهای زشت از طرف ما!»

۴. خانهٔ کعبه را حضرت آدم علیه السلام ساخت... به آیهٔ ۱۲۷ سورهٔ بقره (ص ۲۰) و یاورقی اش نگاه کنید.

۵. دربارهٔ مقام ابراهیم علیه السلام آیهٔ ۱۲۵ سورهٔ بقره (ص ۱۹) را ببینید.

چطور حاضرید با دنباله‌روی از آن‌ها، دینتان را بر باد دهید؟! با اینکه آیه‌های خدا برایتان خوانده می‌شود و پیامبرش هم بین شماست. هرکه خودش را به خدا بسپارد، او را ناخودآگاه به راه درست زندگی برده‌اند. ۱۰۱

مسلمانان! در مراقبت از رفتارتان سنگ تمام بگذارید. نکنند از دنیا بروید و مسلمان واقعی نباشید! ۱۰۲ همگی حول محور خدا بچرخید و پراکنده نشوید! نعمت باارزش خدا به خودتان را به یاد آورید: دشمن همدیگر بودید و خدا دل‌هایتان را به هم مهربان کرد و با عنایتش، میانتان برادری برقرار شد؛ همین‌طور، فراموش نکنید زمانی را که داشتید در آتش جنگ و جنایت می‌سوختید و او از آن نجاتتان داد. خدا نشانه‌های لطفش را این‌طور برایتان روشن می‌کند تا سربه‌راه شوید! ۱۰۳

بین شما همیشه باید گروهی باشند که بقیه را به خوبی سفارش کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند. آنان همان مردم خوشبخت‌اند. ۱۰۴
مثل یهودی‌ها و مسیحی‌هایی نباشید که پراکنده شدند و بعد از دلیل‌های واضحی که دیدند، دچار اختلاف دینی شدند! البته عذابی بی‌اندازه در انتظارشان است؛ ۱۰۵

روزی که عده‌ای روسفیدند و عده‌ای روسیاه! از روسیاهان می‌پرسند: «این بود رسمش که بعد از ایمان آوردنتان، بی‌دینی کنید؟! حالا بچشید عذاب را به‌سزای اینکه بی‌دینی می‌کردید.» ۱۰۶ از آن طرف، کسانی که روسفیدند، همیشه در سایهٔ لطف خدا زندگی خواهند کرد. ۱۰۷

این‌ها همه، آیه‌های خداست که به درستی برایت می‌خوانیم. خدا هرگز نمی‌خواهد به موجودات جهان ستمی روا دارد؛ ۱۰۸

چون آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌هاست، فقط مال خداست و همه کارها به او ختم می‌شود. ۱۰۹

بله، شما مسلمانان وظیفه‌شناس بهترین گروهی هستید که برای خدمت به مردم آفریده شده‌اند؛ چون امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و خدا را باور دارید. اهل کتاب هم اگر به پیامبر اسلام ایمان می‌آوردند، برایشان بهتر بود؛ ولی فقط بعضی‌هایشان مسلمان شدند و بیشترشان منحرف باقی ماندند! ۱۱۰

دشمنان، به ویژه یهودی‌ها، هرگز نمی‌توانند به شما ضربه کاری بزنند؛ ولی کمی در دسر برایتان درست می‌کنند. اگر هم با شما بجنگند، فوری پا به فرار می‌گذارند. هیچ وقت هم رنگ پیروزی را نمی‌بینند! ۱۱۱ یهودی‌ها هر جای دنیا که باشند، خفت و خواری باید بر سرشان سایه افکن باشد؛ مگر اینکه مسلمان شوند یا پناهنده به این و آن. همچنین، گرفتار خشم خدا شده‌اند و داغ بیچارگی بر پیشانی‌شان زده شده است؛ برای اینکه آیه‌ها و نشانه‌های خدا را قبول نمی‌کردند و پیامبران را ناجوانمردانه به شهادت می‌رساندند. این کارها در این ریشه داشت که نافرمانی و سرکشی می‌کردند! ۱۱۲

البته همه اهل کتاب مثل هم نیستند: گروهی از آن‌ها مسلمان شده‌اند و در بندگی خدا مصمم‌اند و در دل شب آیه‌های قرآن زمزمه می‌کنند و سر به سجده می‌گذارند. ۱۱۳ همچنین، به خدا و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و برای انجام کارهای خوب سر از پا نمی‌شناسند. بله، آنان جزو شایستگان‌اند. ۱۱۴ چنین کسانی در قبال هر کار خوبی که کرده‌اند، بی‌مهری نمی‌بینند؛ زیرا خدا رفتار خوب خودمراقبان را می‌داند. ۱۱۵

گروهی هم که مسلمان نشده‌اند، از اموال و اولادشان در برابر خشم خدا هیچ کاری ساخته نیست. این جماعت، جهنمی‌اند و آنجا ماندنی. ۱۱۶

داستان اموال و امکاناتی که برای اهداف مادی و دنیایی خودشان هزینه می‌کنند، مثل باد سخت و سوزانی است که به زراعت جماعتی که به خودشان بد کرده‌اند، بوزد و یکسره نیست و نابودش کند! بله، خدا که به آن‌ها بد نکرده است؛ بلکه خودشان به خودشان بد می‌کنند. ۱۱۷

مسلمانان! سفرهٔ دلتان را پیش هر کس و ناکسی باز نکنید؛ چون که آن‌ها از رساندن هیچ زبانی به شما کوتاهی نمی‌کنند و آرزو دارند همیشه در سختی باشید! از لابه‌لای حرف‌هایشان کینه‌توزی پیدا است. تازه، کینه‌ای که در دل دارند، عمیقتر است! بله، اگر عقلمان را به کار بیندازید، نشانه‌های دشمن را مثل روز برایتان روشن کرده‌ایم. ۱۱۸

هان! شما ببید که با آن‌ها دوستی می‌کنید؛ ولی آن‌ها دوستتان ندارند، با آنکه تمام کتاب‌های آسمانی را قبول دارید. وقتی با شما روبه‌رو می‌شوند، به دروغ می‌گویند: «خدا و آیه‌هایش را قبول داریم.» اما وقتی با خودشان تنها می‌شوند، از شدت عصبانیت از دست شما، انگشتانشان را می‌گزند! بگو: «از این عصبانیت بمیرید!»^۲ خدا خوب می‌داند هر آنچه را در دل‌ها می‌گذرد. ۱۱۹ اگر کمترین خیری به شما برسد، ناراحت می‌شوند! به عکس، اگر حادثهٔ تلخی برایتان اتفاق بیفتد، کیف می‌کنند! اگر در برابر سختی‌ها صبر کنید و مراقب اوضاع باشید، توطئه‌هایشان آسیبی به شما نمی‌رساند؛ چون خدا به رفتارشان احاطه دارد. ۱۲۰

در جنگ احد^۳ دم صبح از خانواده‌ات خداحافظی کردی تا رزمندگان اسلام را برای مبارزه، در سنگرهایشان مستقر کنی. خدا شنوای داناست. ۱۲۱

۱. منظور اهدافی از این قبیل است: راحت‌طلبی بیشتر یا جلوگیری از پیشرفت دین یا کسب خوش‌نامی و شهرت.

۲. کلام به یادماندنی شهید مظلوم، آیت‌الله بهشتی رحمته‌الله علیه، برگرفته از همین آیه است: «به آمریکا بگویید از دست ما عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر!»

۳. از اینجا تا آیهٔ ۱۷۹، بخشی از ماجراهای تلخ و شیرین جنگ احد می‌آید.

آن وقت، دو گروه از شما تصمیم گرفتند از وسط راه برگردند و سستی کنند؛ ولی چون خدا یارشان بود، ماندند. مؤمنان باید فقط به خدا توکل کنند. ۱۲۲
خدا در جنگ بدر هم، با آنکه از نظر نظامی ضعیف بودید، کمکتان کرد؛ پس الان هم آمادگی نظامی و روحیه خود را حفظ کنید تا شکر نعمتش را به جا آورده باشید. ۱۲۳

کمک خدا به این صورت بود که به رزمندگان گفتی: «دیگر، بهتر از این چه می خواهید؟! خدا با سه هزار فرشته ای که به زمین می فرستد، تعداد و توانتان را زیاد می کند.» ۱۲۴ بهتر از این نمی شود! امروز هم اگر صبر و استقامت کنید، در حملات برق آسای دشمن به شما، خدا تعداد و توانتان را زیاد می کند، با پنج هزار فرشته ای که خودشان را علامت گذاری کرده اند. ۱۲۵ خدا فرشتگان را نه برای جنگیدن، بلکه تنها برای روحیه دادن به شما و آرامش دل هایتان فرستاد؛ وگرنه پیروزی فقط دست خدای شکست ناپذیرِ کاردرست است. ۱۲۶

خدا کمکتان کرد تا از این طریق، خط مقدم دشمن را تارومار کند یا مجبورشان سازد که با خواری و خفت عقب نشینی کنند یا به آن ها توفیق توبه دهد یا اگر توبه نکنند، عذابشان کند. البته، اختیار هیچ یک از این کارها مستقلاً دست تو نیست! ۱۲۷ ۱۲۸ آسمان ها و زمین و آنچه در آن هاست، فقط مال خداست؛ پس هرکه را لایق ببیند، می آموزد و هرکه را مستحق عذاب ببیند، مجازات می کند. خدا آمرزنده مهربان است. ۱۲۹

مسلمانان! ربا نخورید، آن هم ربای با سود چند برابر!^۱ و در حضور خدا مراقب بده بستان های مالی تان باشید تا خوشبخت شوید. ۱۳۰ بترسید از آتشی که برای رباخوارهای بی دین آماده کرده اند. ۱۳۱ بله، دنباله رو خدا و رسولش باشید تا لطفش شامل حالتان شود. ۱۳۲

۱. این آیه تا آیه ۱۳۸، درباره جنگ اُحد نیست؛ بلکه برخی مسائل فقهی و اخلاقی و اعتقادی را مطرح می کند.
۲. ربای درقرض دو نوع دارد که هر دو حرام است: ۱. ربای عادی: محاسبه سود فقط از اصل پول (بقره، ۲۷۵)؛
۲. ربای تصاعدی (ربای مرکب): محاسبه سود، هم از اصل و هم از سود!

سرعت بگیرید برای رسیدن به آمرزش خدا و بهشتی که به پهنای آسمان ها و زمین است و برای کسانی که مراقب رفتارشان باشند آماده شده است؛ ۱۳۳ همان هایی که به وقت راحتی و سختی، در راه خدا هزینه می کنند^۱ و در عصبانیت، خودشان را کنترل می کنند و خطاهای مردم را ندیده می گیرند. خدا چنین درستکارانی را دوست دارد. ۱۳۴

همین طور، بهشت آماده شده است برای کسانی که اگر از روی غفلت کار زشتی انجام دهند یا به خودشان بد کنند، فوری به یاد خدا می افتند و از گناهانشان آمرزش می خواهند. مگر جز خدا چه کسی گناهان را می آمرزد؟! در ضمن، چون به زشتی گناه واقف اند، بر انجام دوباره آن پافشاری نمی کنند. ۱۳۵ پاداش چنین کسانی آمرزش خداست و باغ هایی پر درخت که در آن ها جوی ها روان است و همیشه آنجا ماندنی اند. خوب پاداشی است پاداش اهل عمل! ۱۳۶

البته قبل از شما حوادث عبرت آموزی پیش آمده است. به گوشه و کنار دنیا سفر کنید و ببینید آخر عاقبت کسانی که آیه های خدا را دروغ دانستند، چه شد! ۱۳۷ این قرآن برای عموم مردم آن حوادث را توضیح می دهد. همچنین، دست کسانی را می گیرد که مراقب رفتارشان اند و نیز مایه عبرتشان است. ۱۳۸ از شکست خوردن در احد^۲، ضعف به خودتان راه ندهید و روحیه تان را نیازید؛ چون شما واقعاً برترید، به شرطی که واقعاً ایمان داشته باشید ۱۳۹ اگر در جنگ احد شما ضربه ای خوردید، در جنگ بدر هم دشمن ضربه ای مشابه خورد.

طبق مصلحت، روزهای پیروزی و شکست را بین مردم دست به دست می کنیم تا خدا کسانی را که واقعاً ایمان آورده اند، معلوم کند و از بینتان گواهانی بر کارهایتان بگیرد... خدا بدکارها را دوست ندارد. ۱۴۰

۱. «کمک به نیازمندان» آنقدر مهم و راه گشاست که حتی در حال «سختی» به آن سفارش شده ایم. در ضمن، کمک به نیازمندان حتماً که نباید «مالی» باشد! حمایت های «عاطفی»، «فکری»، «آبرویی»... هم از مصادیق آن است و حتی گاهی مهم تر از حمایت مالی!

۲. از اینجا ماجرای جنگ احد ادامه می یابد.

... و تا مؤمنان را خالص کند و بی‌دین‌ها را کم‌کم معدوم سازد و... ۱۴۱
 نکند خیال کرده‌اید همین‌طور آزمایش نشده داخل بهشت می‌شوید و خدا از
 بینتان کسانی را که در عرصهٔ جهاد و مقاومت فعال هستند، شناسایی نخواهد
 کرد؟! ۱۴۲

قبل از آنکه با شهادت روبه‌رو شوید، مشتاقانه آرزویش می‌کردید. پس چطور
 شد، به محض آنکه در جنگ احد فرصت شهادت پیش آمد، فقط تماشاچی
 شدید! ۱۴۳

محمد پیامبری بیش نیست که قبل از او هم پیامبرانی آمدند و رفتند. اگر او
 بمیرد یا شهید شود، آیا عقب‌گرد می‌کنید و از اسلام دست می‌کشید؟! هرکه به عقب
 برگردد، هیچ ضرری به خدا نمی‌رساند. در ضمن، خدا به شکرگزاران ثابت قدم
 پاداش خواهد داد. ۱۴۴

تا خدا نخواهد، هیچ‌کس نمی‌میرد. این سرنوشتی معین است. هرکه خواهان
 مال دنیا باشد، از آن به او می‌دهیم. هرکه هم خواهان پاداش آخرت باشد، از آن
 به او می‌دهیم. بله، به شکرگزاران ثابت قدم پاداش خواهیم داد. ۱۴۵
 چه پیامبران زیادی که مردانِ خداجوی فراوانی در کنارشان جنگیدند؛ پس
 در مقابل سختی‌هایی که در راه خدا کشیدند، خم به ابرو نیاوردند و ضعفی از
 خود نشان ندادند و سر تسلیم در برابر دشمن فرود نیاورند! خدا چنین رزمندگان
 مقاومی را دوست دارد. ۱۴۶

تنها حرفشان این بود: «خدایا، گناهان ما و زیاده‌روی ما در کارهایمان را
 ببخش. قدم‌هایمان را محکم کن و بر جماعت بی‌دین پیروزمان فرما.» ۱۴۷ خدا
 هم، پیروزی و پایداری در این دنیا و پاداش پسندیدهٔ آخرت را به آنان داد. آخر،
 خدا درستکاران را دوست دارد. ۱۴۸

مسلمانان! اگر از بی دین ها فرمان ببرید، شما را به دوران غم بار گذشته می برند و از دین اسلام برمی گردانند. در نتیجه، سرمایه عمرتان را می یازید! ۱۴۹ به آن ها تکیه نکنید؛ بلکه خدا همه کاره شماست و او بهترین یاری دهنده است. ۱۵۰

به همین زودی ها دلهره عجیبی در دل بی دین ها می اندازیم؛ چون آن ها چیزهایی را شریک خدا در کاروبار عالم کرده اند که خدا دلیلی بر درستی این باور نفرستاده است. جایگاه بی دین ها آتش است و بد جایی است جایگاه بدکارها! ۱۵۱

در جنگ اُحد، خدا وعده خودش به شما را عملی کرد. وقتی به فرمانش کار دشمنان را می ساختید. در شروع جنگ، خدا پیروزی را در یک قدمی تان گذاشته بود؛ ولی وقتی آن را از شما دریغ کرد که سهل انگاری کردید و در حفظ سنگرها دو دسته شدید و از دستور فرماندهی طفره رفتید: بعضی هایتان به طمع دنیا سنگرها را ترک کردید و دنبال غنائم رفتید و بعضی هایتان هم به شوق آخرت تا پای جان ایستادید. به هر حال، خدا از پیروزکردنتان بر دشمن صرف نظر کرد تا امتحانتان کند؛ البته دست آخر از اشتباهتان درگذشت. آخر، خدا به مؤمنان لطف دارد. ۱۵۲

وقتی از میدان جنگ فرار می کردید و پیامبر از پشت سرتان صدا می زد که برگردید، جز نجات جانتان به فکر هیچ کس و هیچ چیز نبودید! اینجا بود که خدا از لطف خودش کاری کرد که برای همه سهل انگاری هایتان حسابی غمگین و پشیمان شوید تا دیگر به خاطر پیروزی و غنیمتی که از دست داده اید و زخم هایی که برداشته اید، سرخورده نشوید. بله، خدا آگاه است که چه می کنید. ۱۵۳

۱. از آیه بعد، ماجرای شب بعد از جنگ اُحد مطرح می شود: شب پراضطرابی بود. مسلمانان پیش بینی می کردند که نیروهای دشمن دوباره به مدینه برگردند و کار آنان را یکسره کند. اینجا بود که خدا زمندگان اسلام را به خواب آرام بخشی فرو برد؛ اما منافقان و افراد ضعیف ایمان و ترسو تمام شب را در میان انبوهی از افکار پریشان، بیدار ماندند.

خدا بعد از آن پشیمانی و غم شدید، شما را به خواب سبک آرام بخشی فرو برد؛ البته تنها گروهی از شما خوابشان برد و گروهی دیگر که به فکر جانشان بودند، خواب به چشمانشان نیامد و عین همان دوران جاهلیت، به خدا بدبین شدند!

می پرسیدند: «نباید ما هم در تصمیم گیری ها دخالتی داشته باشیم؟!»^۱ بگو: «اختیار کارها همه دست خداست.» بماند که حرف هایی در دل هایشان پنهان کرده بودند که برای تورو نمی کردند! مثلاً با خودشان می گفتند: «اگر ما هم در تصمیم گیری ها دخالتی داشتیم و برحق بودیم، حتماً جنگ را می بردیم و در اینجا کشته نمی شدیم!»

بگو: «اگر در خانه هایتان هم بودید، کسانی که قرار بود در راه خدا شهید شوند، با پای خودشان به محل شهادتشان می رفتند. بله، خدا مقدر کرد که جنگ در بیرون شهر مدینه باشد تا خدا نیت هایتان را امتحان کند و اگر لایق باشید، ناخالصی های دل هایتان را برطرف کند و... . بله، خدا خوب می داند هر آنچه را در دل ها می گذرد.»^{۱۵۴}

البته عده ای که به وقت درگیری دو طرف در جنگ احد پا به فرار گذاشتند، شیطان بود که پایشان را لغزاند، در نتیجه بعضی گناہانی که مرتکب شده بودند. باز، دست آخر خدا از اشتباهاتشان درگذشت؛ چون خدا آمرزنده بردبار است.^{۱۵۵}

مسلمانان! مثل بی دین هایی نباشید که درباره اطرافیان شما که به سفر یا جنگ می رفتند و دیگر بر نمی گشتند، می گفتند: «اگر پیشمان مانده بودند، نمی مردند یا کشته نمی شدند!» شما از این رفتارها نداشته باشید تا خدا همین را داغ حسرتی بر دل هایشان قرار دهد. آخر، زندگی و مرگ دست خداست و او کارهایتان را می بیند.^{۱۵۶}

اگر در راه خدا شهید شوید یا بمیرید، آن آمرزش و لطف خدا که نصیبتان می شود، بهتر از تمام ثروتی است که بی دین ها و منافق ها در زندگی جمع می کنند.^{۱۵۷}

۱. مثلاً می گفتند که اگر پیامبر به حرفشان گوش می داد و برای جنگ با دشمن، از شهر مدینه خارج نمی شدند، این همه تلفات برایشان در پی نداشت!

اگر بمیرید یا شهید شوید، آن پایان زندگی نیست؛ بلکه شما را دسته جمعی به محضر خدا می‌برند. ۱۵۸

به لطف خدا بود که با فراری‌های جنگ احد به نرمی و ملایمت رفتار کردی. اگر خشن و سنگدل بودی، از دوروبرت پراکنده می‌شدند! پس، از خطاهایشان چشم‌پوش و برایشان آموزش بخواه.

تازه، در کارها با آن‌ها مشورت کن. وقتی هم تصمیم به انجام کاری گرفتی، به خدا توکل کن که خدا اهل توکل را دوست دارد. ۱۵۹ اگر خدا کمکتان کند، کسی حریفتان نمی‌شود و اگر رهایتان کند، جز او چه کسی کمکتان می‌کند؟! بنابراین، مؤمنان باید فقط به خدا توکل کنند. ۱۶۰

در ضمن، محال است پیامبری در تقسیم غنائم خیانت کند. هر که خیانت کند، روز قیامت با همان خیانتش حاضر می‌شود! بعد، در عدالت محض، کارهای هر کس را کامل به او پس می‌دهند. ۱۶۱

آیا آنانی که دنبال رضای خدایند، مثل آن‌هایی‌اند که گرفتار خشم خدا شده و جایشان جهنم است؟! آن بد سرانجامی است! ۱۶۲ بله، آنان که در طلب رضای خدایند، پیش خدا بلندمرتبه‌اند و خدا می‌بیند چه می‌کنند. ۱۶۳

به یقین، خدا به مسلمانان نعمتی بزرگ بخشید: در بینشان پیامبری از خودشان فرستاد که آیه‌هایش را به دقت برایشان بخواند و جانشان را از آلودگی‌ها پاک کند و کتاب آسمانی و حکمت^۱ یادشان دهد؛^۲ در حالی که قبلاً واقعاً غرق گمراهی بودند. ۱۶۴

به شما در جنگ احد تلفاتی وارد شد؛ با آنکه در جنگ بدر تلفات سنگین‌تری به دشمن وارد کرده بودید. آن وقت باز هم لب به اعتراض گشودید: «آخر، این تلفات چطور بر ما وارد شد؟!». بگو: «به دلیل حرف‌نشنوی خودتان بود!» وگرنه، خدا از عهده هر کاری برمی‌آید. ۱۶۵

۱. برای توضیح «حکمت»، پاورقی آیه ۱۲۹ سوره بقره (ص ۲۰) را ببینید.

۲. در اینجا تزکیه جلوتر از تعلیم آمده و در آیه ۱۲۹ سوره بقره، به عکس. شاید علتش این باشد: تزکیه مقدم بر تعلیم است و تعلیم مقدمه تزکیه.

صدماتی که به وقت درگیری دو طرف در جنگ اُحد به شما وارد شد، به خواست خدا بود تا مؤمنان واقعی را معلوم کند و... ۱۶۶ و کسانی را هم که دورویی می‌کنند، معلوم کند: همان‌هایی که وقتی شنیدند: «بیاید در راه خدا بجنگید یا دست‌کم از خودتان دفاع کنید»، گفتند: «اگر می‌دانستیم که جنگی در کار است، همراهی‌تان می‌کردیم!»

آن‌ها در آن روز به بی‌دینی نزدیک‌تر بودند تا به ایمان؛ برای اینکه دل و زبان‌شان یکی نبود. خدا بهتر می‌داند چه چیزهایی کتمان می‌کنند؛ ۱۶۷ همان‌هایی که در خانه نشستند و به جبهه نیامدند و دربارهٔ اطرافیان‌شان گفتند: «اگر به حرف ما گوش کرده بودند و به جبهه نمی‌رفتند، کشته نمی‌شدند!» بگو: «اگر واقعاً راست می‌گویید، مرگ را از خودتان دور کنید!» ۱۶۸

هرگز خیال نکن کسانی که در راه خدا شهید شده‌اند، مرده‌اند! بلکه به طور ویژه زنده‌اند و در حضور خدا به آنان روزی مخصوص می‌دهند. ۱۶۹ از پاداشی که خدا از سربزرگوارانی به آنان داده است، خوشحال‌اند و دربارهٔ هم‌زمان‌شان که هنوز به آنان نپیوسته‌اند، این‌طور مژده می‌گیرند: نه ترسی بر آنان غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورند. ۱۷۰ همین‌طور، نعمتی فراوان و لطفی سرشار از خدا مژده می‌گیرند و اینکه می‌فهمند خدا پاداش مؤمنان را پایمال نمی‌کند. ۱۷۱

این رزمندگان بعد از برگشتن از جنگ، با وجود مجروحیت، حرف خدا و رسولش را برای تعقیب دشمن گوش کردند. از بین‌شان، کسانی که مأموریت‌شان را به بهترین وجه انجام دادند و از دستورهای نظامی سرپیچی نکردند، پاداشی بزرگ می‌گیرند؛ ۱۷۲ همانان که وقتی یکی از نفوذی‌های دشمن گفت: «دشمن نیروهایش را برای حمله به شما بسیج کرده‌است؛ از آن‌ها بترسید»، اتفاقاً این خبر روحیه‌شان را تقویت کرد و گفتند: «همین‌که خدا هست، برایمان بس است و او خوب تکیه‌گاهی است!» ۱۷۳

۱. آیه بعد تا پایان آیه ۱۷۵، ماجرای «حمره‌الأسد» را توضیح می‌دهد: جنگ اُحد که تمام شد، سپاه دشمن در راه بازگشت به مکه به فکر حملهٔ مجدد و ریشه‌کنی اسلام افتاد. پیامبر ﷺ همهٔ رزمندگان و حتی مجروحان را برای مقابلهٔ دوباره با دشمن فراخواند و در منطقه‌ای خارج از مدینه، به نام حمره‌الأسد، خیمه زد. سپاه دشمن بعد از فهمیدن موضوع و مشاهدهٔ آمادگی رزمندگان اسلام، فرار را برقرار ترجیح داد.

دست آخر، پیروزمندانه و سربلند و بی هیچ تلفاتی، از جبهه برگشتند. در واقع، آنان دنبال رضای خدا بودند؛ چراکه خدا لطف بسیار دارد. ۱۷۴

آن نیروی نفوذی دشمن که می‌خواست شما را از سپاه دشمن بترساند، شیطان به تمام معنا بود! اگر ایمانتان واقعی است، از سپاه دشمن نترسید؛ بلکه تنها از من حساب ببرید. ۱۷۵

مبادا کسانی که در بی‌دینی و نافرمانی سرازیر می‌شوند، غصه‌دارت کنند! آن‌ها هیچ ضرری به خدا نخواهند رساند. به عکس، خدا می‌خواهد بهره‌ای در آخرت نداشته باشند و عذابی بی‌اندازه در انتظارشان است. ۱۷۶

البته همه کسانی که بی‌دینی را به قیمت از دست دادن سرمایه‌ی ایمان به دست آورده‌اند، هیچ ضرری به خدا نخواهند رساند و عذابی زجرآور در پیش دارند. ۱۷۷

کسانی که بی‌دینی می‌کنند، خیال نکنند مهلتی که به آن‌ها می‌دهیم، به سودشان تمام می‌شود! به آن‌ها مهلت می‌دهیم، فقط برای اینکه به سهل‌انگاری بیشتری مبتلا شوند! بله، عذابی خفت‌بار نصیبشان می‌شود. ۱۷۸

در جامعه‌ی شما، مؤمن و منافق مخلوط‌اند و خدا بنا ندارد مؤمنان را در این وضع نگه دارد. پس آزمایشتان می‌کند تا افراد پلید و پاک را از هم جدا سازد.

همین‌طور، خدا بنا ندارد از اسرار غیبی آگاهتان کند؛ ولی به پیامبران برگزیده‌ی خودش اسرار غیبی را می‌گوید. بنابراین خدا و پیامبران را باور کنید. اگر ایمان واقعی داشته باشید و مراقب رفتارتان باشید، پاداشتان بزرگ خواهد بود. ۱۷۹

کسانی که بخل می‌ورزند و از نعمت‌هایی که خدا از سر لطفش به آن‌ها داده است، به نیازمندان نمی‌دهند، خیال نکنند که این کار به سودشان است. اتفاقاً به ضررشان تمام می‌شود! چون روز قیامت چیزهایی که درباره‌اش بخیل بودند، طوق لعنتی می‌شود بر گردنشان! آخر سر هم، فقط خدا وارث آسمان‌ها و زمین است. خدا از کارهایتان آگاه است. ۱۸۰

۱. این آیه تا آیه ۱۸۰، گویا نتیجه‌گیری از آیه‌های هفتادگانه گذشته است که درباره جنگ اُحد نازل شد و آن اینکه: خدا حتماً همه مردم روی زمین را در زندگی آزمایش خواهد کرد تا هم مؤمن از کافر شناخته شود و هم مؤمنان رتبه‌بندی شوند.

البته خدا طعنهٔ یهودی‌هایی را که می‌گفتند: «خدا فقیر است و ما ثروتمندیم!» شنید. این حرفشان را و به شهادت رساندنِ ناجوانمردانهٔ پیامبران را حتماً ثبت می‌کنیم و به آن‌ها در قیامت خواهیم گفت: «بچشید عذاب سوزان جهنم را!» (۱۸۱) این عذاب، تقاص همان کارهایی است که قبلاً کرده‌اید؛ وگرنه، خدا که به بندگان کمترین ظلمی نمی‌کند. ۱۸۲

همان یهودی‌ها بهانه می‌آوردند: «خدا به ما سفارش کرده که حرف هیچ پیامبری را باور نکنیم تا اینکه برای ما یک قربانی بیاورد که به نشانهٔ قبولی، طعمهٔ آتش بشود!»

به آن‌ها بگو: «قبل از من هم پیامبران زیادی آمدند، با معجزه‌های فراوان و با همین پیشنهادی که شما دادید. اگر راست می‌گویید، چرا شهیدشان کردید؟!» (۱۸۳) پس، اگر یهودی‌ها تو را دروغگو می‌دانند، موضوع تازه‌ای نیست: پیامبران قبل از تو را هم با داشتن معجزه‌ها و کتاب‌های پندآموز و روشنگر^۲ دروغگو دانستند. (۱۸۴) بالاخره، هرکسی طعم مرگ را می‌چشد و فقط در روز قیامت، به طور کامل پاداش داده می‌شوید. هرکه را از آتش جهنم دور سازند و داخل بهشتش کنند، کامیاب است. بله، زندگی دنیا فقط وسیلهٔ گول خوردن است. ۱۸۵

حتماً با مال و جانتان امتحان و آزمایش می‌شوید و از جنگ روانی شدید یهودی‌ها و بت‌پرست‌ها حتماً حرف‌های آزاردهندهٔ بسیاری می‌شنوید؛ ولی اگر صبوری کنید و مراقب رفتارتان باشید، این نشانهٔ ارادهٔ قوی است. ۱۸۶

۱. نسبت دادن پیامبرکشی به یهودی‌ها زمان پیامبر اسلام ﷺ با آنکه آن‌ها هیچ پیامبری را نکشته بودند، برای این بود که متأسفانه آن‌ها هم عین گذشتگانشان فکر می‌کردند و به این کار زشت اجدادشان راضی بودند. اگر هم فرصتش پیش می‌آمد، به چنین گناه بزرگی دست می‌زدند.

۲. منظور از «کتاب‌های روشنگر» کتاب‌های آسمانی پیامبران اولوالعزم است که بیشتر، احکام قانون‌گذاری در آن بوده و اعلام آیین جدید می‌کرده است و منظور از «کتاب‌های پندآموز» کتاب‌های سایر پیامبران است که در آن معمولاً موعظه‌های دل‌نشین اخلاقی بوده است.

خدا از عالمان دینی قول و قرار گرفت که مطالب کتاب آسمانی را برای مردم توضیح دهند و کتمان‌ش نکنند؛ ولی کتاب الهی را به کناری پرت کردند و آن را به قیمت ناچیز مادی فروختند؛ راستی که بد معامله‌ای کردند! ۱۸۷

این‌ها و به‌ویژه عالمان یهودی که برای کارهای زشتشان سرخوش‌اند و دوست دارند برای کارهای خوبی که نکرده‌اند، تعریف و تمجید بشنوند، خیال نکن، بلکه اصلاً خیال نکن که راه فراری از عذاب دارند؛ بلکه به عکس، عذابی زجرآور در انتظارشان است! ۱۸۸ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در اختیار خداست و خدا هر کاری می‌تواند بکند. ۱۸۹

به راستی، در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در رفت و آمد شب و روز، نشانه‌هایی از یکتایی خدا برای مردم عاقل هست؛^۱ ۱۹۰

همان‌ان که در همه حال، در نماز و غیرنماز، و ایستاده و نشسته و به پهلو خوابیده، خدا را یاد می‌کنند و دربارهٔ آفرینش آسمان‌ها و زمین به فکر فرو می‌روند: «خدایا، این جهان با عظمت را بی‌هدف نیافریده‌ای. تو پاکی. پس ما را از عذاب جهنم دور نگه دار. ۱۹۱ خدایا، هر که را در آتش بیندازی، واقعاً خواروارش کرده‌ای و بدکارها هیچ یآوری ندارند. ۱۹۲ خدایا، ما شنیدیم ندای کسی را که این‌طور به ایمان دعوت می‌کرد: 'به صاحب‌اختیاران ایمان بیاورید.' ما هم ایمان آوردیم. خدایا، گناهان ما را ببوشان و بدی‌هایمان را محو کن و کاری کن که وقت مرگ، هم‌ردیف خوبان^۲ باشیم. ۱۹۳ خدایا، پاداشی را که از زبان پیامبرانت به ما وعده داده‌ای، به ما بده و روز قیامت خواروارمان نکن. آخر، تو برخلاف وعده‌ات عمل نمی‌کنی.» ۱۹۴

۱. معصومان بزرگوار علیهم‌السلام به ما سفارش کرده‌اند که از نیمه‌شب‌ها به بعد، وقتی از خواب بیدار می‌شویم، نگاهی به آسمان بیندازیم و این آیه و چهار آیهٔ بعدش را بخوانیم.

۲. ابرار از «بَرّ» (خشکی و صحرا) می‌آید. آنان در بخشیدن مالی که دوستش دارند، دلی به وسعت صحرا دارند و این حالت خوبشان همیشگی است. همین‌طور، دل‌وجانشان در پذیرش معارف الهی بسیار کوشاست و اعضا و جوارحشان در کار خیر.

خدا هم به آنان این طور جواب مثبت داد: «من نمی‌گذارم کارهای هیچ کدامتان به هدر برود، چه مرد باشد چه زن؛ چون همگی از یک نوعید. پس کسانی که در راه خدا مهاجرت کردند یا از خانه و زندگی‌شان تبعید شدند و در راه من آزار دیدند و جنگیدند و شهید شدند، حتماً گناهانشان را محو می‌کنم و در باغ‌هایی پردرخت هم جایشان می‌دهم که در آن‌ها جوی‌ها روان است. این پاداشی از طرف خداست و خداست که بهترین پاداش‌ها در اختیار اوست.» ۱۹۵

پیشرفت مادی ملت‌های بی‌دین در سرزمین‌های دیگر، مبادا تحت تأثیر قرارت دهد! ۱۹۶ این‌ها خوشی‌های زودگذر و ناچیز دنیا است. آخرش، جایگاهشان جهنم است و آن بد جایگاهی است! ۱۹۷

ولی کسانی که در حضور خدا مراقب رفتارشان باشند، باغ‌های پردرختی نصیبشان می‌شود که در آن‌ها جوی‌ها روان است و آنجا ماندنی‌اند. این پذیرایی از طرف خداست. البته نعمت‌های دیگری هم پیش خدا هست که برای خوبان بهتر است. ۱۹۸

بین اهل کتاب هم، هستند کسانی که به خدا و قرآنی که به شما داده شده و به کتاب‌های آسمانی دیگری که به خودشان داده شده است، ایمان دارند و در برابر خدا متواضع‌اند و آیات و احکام خدا را به قیمت ناچیز مادی نمی‌فروشند. پاداششان پیش خدا محفوظ است؛ چون خدا به سرعت حسابرسی می‌کند. ۱۹۹
مسلمانان! در زندگی شخصی صبور باشید^۱ و در زندگی اجتماعی صبرهایتان را یک کاسه کنید. همچنین، در برابر فتنه‌ها هم بستگی‌تان را تقویت کنید و در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید تا خوشبخت شوید. ۲۰۰

سوره نساء

به نام خدای خوب مهربان

مردم! در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید؛ همان‌که از یک انسان آفریدتان و همسرش را هم از جنس او آفرید و از آن زوج، مردان و زنان زیادی در دنیا پراکند. بله، در حضور خدایی مراقب رفتارتان باشید که برای درخواست هایتان به او قسم می‌خورید و نیز با خویشان قطع رابطه نکنید. خدا در همه حال مراقب شماست. ۱

اموال یتیمان را وقتی بزرگ شدند، به خودشان برگردانید؛ بی‌آنکه اموال نامرغوبتان را با اموال مرغوبشان عوض کنید یا اموالشان را با اموالتان یکجا بالا بکشید! این‌ها گناهی بزرگ است. ۲

اگر واقعاً می‌ترسید که با دختران بدون پدر به عدالت رفتار نکنید، با آن‌ها ازدواج نکنید؛ بلکه با دو یا سه یا چهار زن دیگری که بر شما حلال‌اند، ازدواج کنید. ۱ باز اگر می‌ترسید که بین چند همسر به عدالت رفتار نکنید، ۲ به یک زن آزاد یا کنیزها که حقوق کمتری دارند، اکتفا کنید. عمل به این سفارش‌ها از انحرافاتن پیشگیری می‌کند. ۳

مهریه بانوان را با رغبت و هدیه‌وار به آن‌ها بپردازید. اگر بخشی از مهریه را از ته دل به شما بخشیدند، حلال و گوارایتان باد. ۴

اموال سفیهان ۳ که به هر حال، جزو سرمایه مؤثر در جامعه است، اگر در اختیارتان هست، دست خودشان ندهید؛ ولی از سودش، هزینه‌های زندگی‌شان را تأمین کنید و این را با خوش برخوردی برایشان توضیح دهید. ۵

همچنین، یتیمان را امتحان کنید: در سن ازدواج، اگر دیدید به رشد فکری و بلوغ مالی رسیده‌اند، اموالشان را فوری به آن‌ها برگردانید. با زیاده‌روی و شتاب‌زدگی و از ترس اینکه مبادا بعد از بزرگ شدنشان به شما اعتراضی کنند، به اموالشان دست‌درازی نکنید. اگر فرد سرپرست بی‌نیاز است، بهتر است مزد زحمتش برای یتیمان را بر ندارد؛ اما اگر نیازمند بود، عرفاً به اندازه کاری که می‌کند، بردارد. وقتی هم اموال یتیمان را به خودشان برمی‌گردانید، بهتر است شاهد بگیرید؛ اگرچه همین بس که خدا حسابرس باشد. ۶

۱. ازدواج دائم با بیش از چهار زن حرام است.

۲. آیه ۱۲۹ همین سوره و باورقی‌اش را حتماً بخوانید.

۳. «سفیه» یعنی فرد کم‌فکری که عقل معاش ندارد و ثروتش را هدر می‌دهد. در مقابل، «رشید» کسی است که می‌تواند مالش را مدیریت کند. قانون مدنی ما هجده سالگی را مرز این دو حالت دانسته است.

همه بچه‌ها، خواه دختر باشند یا پسر، از اموالی که پدر و مادر و بستگان نزدیک، بعد از مرگ به جا می‌گذارند، سهمی از ارث می‌برند؛ چه آن مال کم باشد چه زیاد. رعایت این سهم‌ها واجب است. ۷

وقت تقسیم ارث، اگر قوم و خویشی که ارث نمی‌برد و نیز یتیمان و فقیران حاضر شدند، چیزی از ارث را به آن‌ها بدهید و با ملایمت و مهربانی با آن‌ها حرف بزنید. ۸ کسانی که نگران آینده بچه‌های خردسالی هستند که بعد از مرگشان به جا می‌گذارند، باید از ظلم کردن به بچه‌های یتیم دیگران بترسند و در حضور خدا مراقب رفتارشان باشند و حساب شده با یتیمان برخورد کنند. ۹ کسانی که اموال یتیمان را بالا می‌کشند، در واقع دارند شکم‌های خودشان را از آتش پر می‌کنند! به همین زودی‌ها هم در جهنم سرخ و سوخته می‌شوند! ۱۰

حال، درباره چگونگی ارث بردن بچه‌هایتان، خدا این‌طور به شما سفارش می‌کند: سهم پسر به اندازه سهم دو دختر است. اگر بچه‌هایتان دو دختر یا بیشتر از دو دختر باشند، دوسوم میراثتان سهم آن‌هاست. اگر بچه‌تان فقط یک دختر باشد، نصف میراث به او می‌رسد.

همچنین، سهم هریک از پدر و مادر فرد از دنیا رفته، یک ششم است. این در صورتی است که او بچه‌ای دارد؛ اما اگر بچه‌ای ندارد و فقط پدر و مادرش از او ارث می‌برند، سهم مادر یک سوم است و بقیه آن به پدر می‌رسد. البته اگر شخص از دنیا رفته برادرانی^۱ دارد، مادرش همان یک ششم را ارث می‌برد و پنج ششم باقی مانده به پدر می‌رسد.

همه این سهم‌ها بعد از وصیتی است که درباره مالش می‌کند یا بعد از بدهی‌هایی است که دارد. شما نمی‌دانید کدام یک از والدین و بچه‌هایتان برایتان سودمندترند!^۲ خدا این سهم‌ها را واجب کرده است؛ چون خدا دانای کار درست است. ۱۱

۱. برادران پدرمادری یا فقط پدری، نه برادران مادری.

۲. برای همین، در چگونگی تقسیم بندی ارث نباید خلاف سهم‌هایی عمل کنیم که خدای کار درست مشخص کرده است. شاید از فرزندی که مایلید ارث بیشتر به او برسد، منفعتی معنوی به شما نرسد یا او فرزندی بی‌وارد که برای جامعه مفید نباشد. به عکس، شاید از فرزندی که شما دوست ندارید به او ارث برسد، فرزندان صالحی به یادگار بماند و مایه افتخار و آموزش شما در دنیا و برزخ و قیامت شود.

اگر زنانان از دنیا بروند و بچه‌ای^۱ حتی از شوهران قبلی‌شان نداشته باشند، نصف ارثشان به شما می‌رسد؛ اما اگر بچه‌ای حتی از شوهران قبلی‌شان داشته باشند، یک چهارم ارثشان به شما می‌رسد. این سهم‌ها بعد از وصیتی است که دربارهٔ مالشان می‌کنند یا بعد از تصفیۀ بدهی‌هایی است که دارند.

حال، اگر شما از دنیا بروید و بچه‌ای حتی از همسران دیگر نداشته باشید، یک چهارم ارثتان به زنان فعلی‌تان می‌رسد و اگر بچه‌ای حتی از همسران دیگر نداشته باشید، یک هشتم ارثتان به آن‌ها می‌رسد.^۲ این سهم‌ها نیز بعد از وصیتی است که دربارهٔ مالتان می‌کنید یا بعد از تصفیۀ بدهی‌هایی است که دارید.

اگر مرد یا زنی از دنیا برود که والدین و بچه‌ای ندارد و فقط یک برادرِ مادری یا یک خواهرِ مادری دارد، یک ششم ارث به او می‌رسد؛^۳ اما اگر آنان بیشتر از یک نفر بودند، همگی‌شان به طور مساوی در یک سوم ارث شریک‌اند. این سهم‌ها هم بعد از وصیتی است که دربارهٔ مال می‌شود^۴ یا بعد از تصفیۀ بدهی‌هایی است که فرد دارد؛ البته به شرط اینکه با تنظیم وصیت یا اعتراف به بدهی، قصد ضرر زدن به وارثان در کار نباشد. خدا این سهم‌ها را تعیین کرده است و خدا دانای بردبار است.^۵ ۱۲

این‌ها خط‌قرمزهای خداست. کسانی را که از او و پیامبرش اطاعت کنند، وارد باغ‌هایی پردرخت می‌کند که در آن‌ها جوی‌ها روان است و آنجا ماندنی‌اند. این است کامیابی بزرگ! ۱۳ ولی آن‌هایی را که از دستور خدا و پیامبرش تخلف کنند و از خط‌قرمزهای خدا بگذرند، به جهنم می‌برد که آنجا ماندنی‌اند و عذابی خفت‌بار نصیبشان می‌شود. ۱۴

۱. منظور از بچه در این آیه، عام است: بچه و نوه و نتیجه و نبیره و... .

۲. اگر مردی از دنیا برود و چند همسر داشته باشد، آنان همان یک‌چهارم یا یک‌هشتم ارث را بین خودشان تقسیم می‌کنند.

۳. سهم ارث برادران و خواهران پدرمادری یا فقط پدری، در آیهٔ پایانی همین سوره آمده است.

۴. هرکسی می‌تواند وصیت کند که تا یک سوم اموالش را در راه کارهای خیر به مصرف برساند.

۵. بردباری خدا یعنی اینکه خدا در فرصت مناسب به حساب گناهکار خواهد رسید!

زن های مسلمانی که به عمل زشت زنا یا همجنس بازی آلوده می شوند، برای شهادت دادن برضدشان چهار مرد مسلمان را به دادگاه دعوت کنید. اگر آن چهار نفر شهادت دادند، آن زن ها را آن قدر در بازداشت خانگی نگه دارید تا مرگ سراغشان بیاید یا اینکه خدا در زمان مناسب، مجازات دیگری برایشان تعیین کند.^{۱۵}

زن و مرد مسلمانی را که رابطه نامشروع دارند، مجازات کنید؛ ولی اگر قبل از اینکه در دام قانون بیفتند، توبه کنند و درستکار شوند، دیگر کاری به کارشان نداشته باشید. آخر، خدا توبه پذیری مهربان است.^{۱۶}

البته خدا توبه را فقط از کسانی می پذیرد که کار زشتی از سر ندانم کاری انجام می دهند و خیلی زود به اشتباهشان پی می برند و توبه می کنند. خدا هم توبه شان را می پذیرد. خدا دانای کار درست است.^{۱۷}

از آن طرف، توبه دردی از این دو گروه دوانمی کند: اول، کسانی که همیشه کارهای زشت می کنند و وقتی مرگ سراغشان می آید،^۲ از روی ناچاری می گویند: «من الان توبه کردم!» دوم، کسانی که به موقع توبه می کنند؛ ولی بعداً با بی دینی از دنیا می روند. برای این دو گروه عذابی زجرآور آماده کرده ایم.^{۱۸}

مسلمانان! برایتان حلال نیست که زنان شوهرمرده را به ارث ببرید و به این بهانه، ازدواج با آن ها را حق خود بدانید. معمولاً هم آنان بدشان می آید.^۳ دیگر اینکه بانوانتان را تحت فشار نگذارید تا قسمتی از مخارج زندگی یا مهریه ای را که به آنان داده اید، از چنگشان دریاورید؛ مگر که مرتکب فحشا بشوند.

همچنین، با بانوانتان خوش رفتاری کنید و اگر احیاناً از آنان خوشستان نمی آید، فوری به فکر جدایی نیفتید؛ چه بسا از چیزی خوشستان نیاید و خدا خیر بسیاری در آن گذاشته باشد.^۴ ۱۹

۱. بخشی از مجازاتی که خدا بعدها تعیین فرمود، در ابتدای سوره نور آمده است و بخشی از آن در روایات.
 ۲. لحظه جان دادن همان زمان احتضار است، نه روزهای پایان عمر و نه حتی زمان مرگ حتمی. هنگام احتضار در همه تکالیف الهی، از جمله توبه، به روی انسان بسته می شود؛ چون که انسان در حال مرگ در دالان ورودی عالم برزخ است و فرشتگان قبض روح را می بیند و دیگر از خودش اختیاری ندارد؛ اما کسی که احتمالاً به روزهای پایان زندگی رسیده است، مثل مریضی که دکترها جوایش کرده اند، همه تکالیف از جمله توبه پر عهده او هست؛ از این رو می تواند توبه کند و توبه اش قبول می شود. کسی هم که مرگش را حتمی می بیند، مثلاً در لحظه سقوط هواپیما یا غرق شدن در آب یا اعدام، اگر چه توبه اش دیر شده است، ممکن است خدای مهربان توبه او را بپذیرد. در این باره، بد نیست آیه ۹۰ سوره آل عمران (ص ۶۱) را هم بخوانید.

۳. برای توضیحات بیشتر، آیه ۲۲ همین سوره و پانوشتش را هم ببینید.

۴. مانند اینکه زندگی را به خوبی سروسامان دهد یا بچه های سالم و صالحی بیاورد و تربیت کند.

اگر در این فکرید که همسری به جای همسر فعلی تان بگیری و حتی هزار سکه طلا به او داده‌اید، حق ندارید چیزی از آن را از او پس بگیرید. آیا با دست‌درازی به مهریه‌اش، می‌خواهید مات و مبهوتش کنید و مرتکب سهل‌انگاری فاحشی شوید؟! ۲۰ چطور اجازه چنین کاری به خود می‌دهید؟! با آنکه با همدیگر رابطه عاشقی و عاطفی داشته‌اید و همسرانتان، وقت عقد ازدواج، برای پرداخت مهریه قول مردانه از شما گرفته‌اند. ۲۱

هرگز با بانوانی ازدواج نکنید که پدرانتان قبلاً به ازدواج خودشان درآورده‌اند؛^۱ البته ازدواج‌های قبل از وضع این قانون، فقط تا به امروز درست است.^۲ ازدواج با نامادری خیلی زشت و نفرت‌انگیز است و بد راه‌وروشی است! ۲۲

ازدواج با این زن‌ها هم بر شما حرام است: مادرانتان، دخترانتان، خواهرانتان، عمه‌هایتان، خاله‌هایتان، برادرزاده‌هایتان، خواهرزاده‌هایتان، مادران رضاعی تان که به شما شیر داده‌اند، خواهران رضاعی تان که از راه شیر خوردن به شما محرم شده‌اند، مادرزن‌هایتان و نیز دخترانی که بانوانتان از شوهرهای قبلی‌شان آورده‌اند و معمولاً تحت سرپرستی شما بزرگ می‌شوند؛ البته به شرط آنکه با آن بانوان هم‌بستر شده باشید. اگر با آنان هم‌بستر نشده باشید، پس از وفات یا طلاق آن بانوان ازدواج با دخترانشان اشکالی ندارد. به علاوه، حرام است برایتان ازدواج با بانوان پسرهای تنی‌تان و نه بانوان پسرخوانده‌هایتان. همچنین، تا وقتی زنی همسر شماست، حرام است که با خواهرش ازدواج کنید؛ البته ازدواج با دو خواهر، قبل از وضع این قانون، فقط تا به امروز درست است.^۳ بله، خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۲۳

۱. در زمان جاهلیت، اگر مردی می‌مرد یا یکی از همسرانش را طلاق می‌داد، فرزندان پدر یا نامادری‌شان ازدواج می‌کردند یا شوهرش می‌دادند و مهریه‌اش را خودش می‌گرفتند! البته وارث اگر فرزند آن زن بود، با او ازدواج نمی‌کرد؛ ولی حق داشت شوهرش بدهد و مهریه‌اش را بردارد. اسلام این کار زشت را حرام کرد. آیهٔ ۱۹ همین سوره را هم ببینید.

۲. یعنی کسانی که قبلاً چنین ازدواج‌های زشتی انجام داده‌اند، گناهی برگردنشان نیست و بچه‌های متولدشدهٔ این‌گونه ازدواج‌ها حرام‌زاده نیستند؛ هرچند زن و مرد باید به سرعت از همدیگر جدا شوند.

۳. نگاه کنید به یاورقی دوم آیهٔ ۲۲ همین سوره.

ازدواج با بانوان شوهردار هم برایتان حرام است؛ مگر کنیزی که شوهر دارد.^۱ این احکام را خدا برایتان واجب کرده است. غیر از بانوان نام برده^۲ بانوان دیگر برایتان حلال اند و آزادید که با پرداخت مهریه و رعایت پاک دامنی و خودداری از روابط نامشروع، با آن‌ها ازدواج کنید.

به بانوانی هم که با آن‌ها ازدواج موقت می‌کنید، واجب است مهریه توافقی شده را بپردازید؛ البته کم‌وزیاد کردن مبلغ مهریه یا مدت ازدواج، پس از توافق اولیه، با رضایت دو طرف اشکالی ندارد.^۳ بله، خدا دانای کاردرست است.^{۳۴} هر کدامتان که از نظر مالی توانایی کافی برای ازدواج با بانوان پاک دامن آزاد ندارد، با کنیزان مسلمانی ازدواج کند که دیگران صاحبشان اند. البته خدا از ایمانتان آگاه‌تر است. همگی تان اعضای یک پیکرید؛ پس با اجازه صاحبانشان با آنان ازدواج کنید و مهریه‌شان را منصفانه و محترمانه به خودشان بدهید. البته بهتر است با کنیزان پاک دامنی ازدواج کنید که روابط نامشروع یا دوست پسر ندارند. وقتی کنیزان بتوانند پاک دامن باشند،^۴ اگر باز هم به کار زشت زنا آلوده شدند، مجازاتشان نصف مجازات بانوان آزاد است.

پیشنهاد ازدواج با کنیزان، برای آن‌هایی است که به علت بی‌همسری، می‌ترسند دچار فشارهای روحی و جسمی شوند. باین همه، اگر صبر کنید و با کنیزان ازدواج نکنید، برایتان بهتر است.^۵ خدا آموخته مهربان است.^{۲۵} خدای خواهد احکام زندگی را برایتان توضیح دهد و به راه و رسم‌های درست پیشینیان راهنمایی تان کند و نظر لطف بر شما بیندازد. آخر، خدا دانای کاردرست است.^{۲۶}

۱. اگر مسلمانی با خریدن یا اسیرگرفتن، صاحب کنیزی می‌شد، رابطه کنیز با شوهرش بدون خواندن طلاق قطع می‌شد و بدون خواندن عقد به مسلمان محرم می‌شد؛ اما تا عده‌اش تمام نمی‌شد، نمی‌توانستند نزدیکی کنند. در ضمن، در جماع‌ای که برده‌داری بی‌قید و بند رایج بوده است، احکامی مانند همین نگه داشتن عده را باید مترقی دانست.
۲. منظور پانزده گروه زنانی است که در این آیه و دو آیه قبلیش نام برده شد.
۳. البته اگر توافق کنند که مدت ازدواج را بیشتر کنند، مرد باید مدت باقی مانده را به زن ببخشد. بعد، دوباره عقد جدید بخوانند. در ازدیاد مبلغ مهریه هم می‌توانند مصالحه کنند.
۴. یعنی زمینه پاک دامنی برایشان فراهم باشد و صاحبانشان به روابط نامشروع مجبورشان نکنند. آیه ۳۳ سوره نور (ص ۳۵۴) هم در این باره است.
۵. چون برای کنیز خیلی سخت است که هم خدمتکار صاحبش باشد و هم همسر فردی دیگر. فقر فرهنگی کنیزان و مشکلات حقوقی فرزندانشان را هم باید در نظر گرفت.

بله، خدا می‌خواهد به شما لطف کند؛ اما کسانی که خودشان اسیر شهوت پرستی‌اند، می‌خواهند شما مسلمانان هم به‌کلی در دام انحراف‌های اخلاقی بیفتید! ۲۷

خدا می‌خواهد با آسان‌گیری در برنامه ازدواج، کارت‌ان را راحت کند؛ زیرا انسان در برابر شهوت‌های جنسی، ضعیف و کم‌اراده آفریده شده است. ۲۸
مسلمانان! اموال همدیگر را با کلاهبرداری و از راه نامشروع به جیب‌نزنید؛ البته اگر معامله‌ای با رضایت خودتان و از راه شرعی صورت بگیرد، تصرف در مال درست است.

خودکشی یا کشتن همدیگر نیز ممنوع! خدا همیشه با شما مهربان است. ۲۹
هرکس از روی سرکشی و ستم، به جان و مال مردم بیفتد، در آتشی مهیب سرخ‌وسوخته‌اش خواهیم کرد و این کار برای خدا آسان است. ۳۰
از گناهان بزرگی که از ارتکابش نهی می‌شود، اگر کاملاً دوری کنید، گناهان کوچکی را که از دستتان در رفته است، بدون توبه محو می‌کنیم^۱ و در جایگاهی شایسته جایتان می‌دهیم. ۳۱

خدا شما را با ویژگی‌های مختلف بر همدیگر برتری داده است. از سرِ حسادت و تنگ‌نظری، برتری‌های همدیگر را آرزو نکنید. بهره‌ای نصیب مردها می‌شود در نتیجه کار و تلاششان. بهره‌ای هم نصیب زن‌ها می‌شود در نتیجه کار و تلاششان.^۲
به جای حسادت و آرزوهای بیهوده، نعمت‌های تمام‌نشدنی خدا را از خودش بخواهید. آخر، خدا همه آرزوها و تلاش‌هایتان را می‌داند. ۳۲

برای هر انسانی وراثتی معین کرده‌ایم: پدر و مادر و قوم و خویش و کسانی که به آن‌ها تعهد^۳ داده‌اید. پس سهم هر کدامشان را بپردازید؛ چون خدا شاهد همه چیز است. ۳۳

۱. زیرا با توبه، خدا از «همه» گناهان می‌گذرد. توبه یعنی: ۱. پشیمانی؛ ۲. تکرار نکردن؛ ۳. جبران خراب‌کاری‌ها.

۲. پس، هم ویژگی‌های خدادادی مهم است و هم تلاش خود انسان.

۳. یعنی تعهدهای ازدواج، عتق، ضمان جریزه و امامت. توضیح این تعهدها در کتاب‌های فقهی آمده است.

مدیریت خانواده^۱ با مرد خانه یعنی شوهر است؛ چون خدا نوعاً مردان را از نظر توان و تصمیم‌گیری در موفقیت‌های حساس، مقدّم بر بانوان قرار داده است و نیز برای آنکه هزینه‌های زندگی را مردان تأمین می‌کنند.^۲ بانوان شایسته همیشه گوش به فرمان شوهرانشان اند^۳ و به پاس حقوقی که خدا برای زن در نظر گرفته، نگهدارِ اسرار و آبروی خانواده‌اند. بانوانی را که نشانه‌های نافرمانی و ناسازگاری در آن‌ها می‌بینید، اول نصیحتشان کنید. اگر اثر نکرد، به آن‌ها در رختخواب بی‌محلّی کنید و اگر باز هم فایده نداشت، ملائیم و محدود تنبیهشان کنید.^۴ اگر در هر مرحله‌ای از شما اطاعت کردند، دنبال بهانه‌ای برای ادامه دادن اذیتشان نباشید، که خدا بلندمرتبه بزرگ است.^{۳۴} اگر نگران قهر و جدایی زن و شوهر بودید، یک داور از طرف خانواده مرد و یک داور از طرف خانواده زن تعیین کنید تا به اختلافشان رسیدگی کنند. اگر داوران قصد سازش دادن داشته باشند، خدا موفقشان می‌کند؛ زیرا خدا نیت‌ها و کارهایتان را می‌داند و از آن‌ها کاملاً آگاه است.^{۳۵}

خدا را عبادت کنید و چیزی را به جای او نپرستید و تا می‌توانید در خدمت پدر و مادر باشید. در خوبی کردن به اینان هم سنگ تمام بگذارید: قوم و خویش، یتیمان، نیازمندان، همسایه‌هایی که فامیل شمایند، حتی همسایه‌هایی که نسبت فامیلی با شما ندارند، همنشین‌ها،^۶ مسافران و بردگان. خدا خیال باف‌های خودپسند را دوست ندارد؛^{۳۶} همان کسانی که بخل می‌ورزند و دیگران را هم به بخیل بودن تشویق می‌کنند و نعمت‌هایی را که خدا از سر بزرگواری به آن‌ها داده است، کتمان می‌کنند. برای چنین بی‌دین‌های نمک‌نشناسی، عذابی خفت‌بار آماده کرده‌ایم.^{۳۷}

۱. مدیریت جامعه و کارهایی که در آن باید دائم با مردم سروکله زد هم به دو دلیل به‌عهده مردان است: ۱. توانمندی طبیعی و بدنی مردان؛ ۲. آسانی ارتباط با مردم برای مردان. در این باره، آیه ۲۲۸ سوره بقره (ص ۳۶) را هم ببینید.
۲. البته سپردن مسئولیت اداره خانواده و جامعه به مردان، لزوماً امتیاز و افتخاری برایشان نیست؛ برای همین، نه مردان باید مغرور شوند و نه زنان، سرخورده. فقط بندگی خدا مایه برتری و امتیاز زن و مرد است.
۳. بنا بر فقه اسلامی، زن فقط در دو چیز باید اطاعت کامل از شوهر کند: امور زناشویی و بیرون رفتن از خانه.
۴. تنبیه بدنی زن نباید از روی خشونت و عقده‌گشایی باشد یا با تحقیر و فحاشی همراه شود. نیز نباید سرخی، کبودی، زخم، خون‌ریزی و شکستگی ایجاد کند؛ بلکه باید به اندازه‌ای باشد که زن به خودش بیاید و متوجه رفتار ناپسند خود شود.
۵. سه آیه برای حل سه ناسازگاری: ۱. آیه قبل: چگونگی رفتار در برابر ناسازگاری زن؛ ۲. این آیه: راه حل ناسازگاری زن و شوهر؛ ۳. آیه ۱۲۸ همین سوره: شیوه برخورد با ناسازگاری شوهر.
۶. مانند همسر و فرزند و همکار و هم‌کلاس و شریک و ...

همچنین، آن‌ها همان کسانی‌اند که اموالشان را برای خودنمایی انفاق می‌کنند. نه خدا را باور دارند و نه روز قیامت را. شیطان همنشین این ریاکارهاست و اگر شیطان همنشین کسی باشد، بد همنشینی است او! ۳۸

چه می‌شد که آن‌ها خدا و روز قیامت را باور داشتند و از چیزهایی که خدا روزی‌شان کرده است، بدون بخل و ریا، در راه خدا هزینه می‌کردند؟! خدا نیت‌ها و کارهایشان را می‌داند. ۳۹

همین خدا به اندازه ذره‌ای به بندگانش ستم نمی‌کند و اگر کوچک‌ترین کار خوبی هم باشد، چندین برابرش می‌کند و از پیش خودش هم پاداشی بزرگ می‌دهد. ۴۰
وقتی در قیامت، از هر ملتی شاهدی بر کارهایشان حاضر کنیم و تو را هم شاهد کارهای همگان، احوال مردم چطور خواهد بود؟! ۴۱ آن روز، کسانی که در دنیا بی‌دینی کردند و پیامبر را نافرمانی، آرزو می‌کنند با خاک یکسان می‌شدند و چنین روزی را نمی‌دیدند. بله، با این همه شاهد، دیگر نمی‌توانند هیچ حرفی را کتمان کنند! ۴۲

مسلمانان! برای خواندن نماز، در حال مستی داخل مسجد نشوید تا وقتی که بدانید در نماز چه می‌گویید.^۱ در حال جنابت هم پا به مسجد نگذارید تا اینکه غسل کنید؛ مگر آنکه فقط قصد عبور از مسجد داشته باشید.
اگر بیمار بودید و آب برایتان ضرر داشت، یا در سفر بودید و آب پیدا نکردید، آن وقت، در دو جا، با خاک پاک تیمم کنید: بعد از اینکه از دست شویی آمدید یا اینکه با بانوان تماس جنسی داشتید.

تیمم این‌طور است: دو کف دست را روی خاک بزنید و به پیشانی و پشت دست‌هایتان بکشید. بله، خدا خطاب‌خشی باگذشت است.^۲ ۴۳
مگر ندیدید یهودی‌هایی که بهره کمی از تورات برده‌اند، خریدار گمراهی‌اند و دوست دارند که شما هم از مسیر حق منحرف شوید؟! ۴۴

۱. از این جمله می‌فهمیم که بهتر است نمازگزار در هر حالی که از هوشیاری لازم و تمرکز حواس کافی برخوردار نباشد، از خواندن نماز خودداری کند، مانند حال خواب‌آلودگی، کسالت، کم‌توجهی و پرخوری.

۲. آیه بعد تا آیه ۵۸، بعضی افراد خودپسند و متکبری را توصیف می‌کند که درباره‌شان در آیه‌های ۳۶ تا ۴۲ همین سوره خواندیم.

خدا دشمنانتان را بهتر می‌شناسد و همین بس، بلکه همین بس که خدا خودش حامی و یاورتان باشد. ۴۵ آن دشمنان یهودی‌هایی‌اند که با دهن‌کجی و از سر کینه‌توزی به پیامبر می‌گفتند: «از تو گفتن و از ما نشنیدن!» و با تغییر لحن و به‌کار بردن عبارتهای دوپهلو او را مسخره می‌کردند. البته هدف اصلی‌شان بی‌ادبی و طعنه‌زدن به اسلام بود!

اگر به جای این‌ها می‌گفتند: «گوش به فرمان توایم»، «ایمان آوردنمان را بشنو» و «هوایمان را داشته باش»، برای‌شان بهتر و منطقی‌تر بود؛ ولی خدا برای بی‌دینی‌شان لعنتشان کرد. همین است که جزء ۴۶ کمی از آن‌ها اسلام نمی‌آورند. ۴۶

اهل کتاب! به کتابی که فرستاده‌ایم و تأییدکننده همان تورات و انجیلی است که دست شماست، ایمان بیاورید؛ قبل از آنکه فهم آدم‌هایی مثل شما را کور کنیم و در نتیجه به عقب‌گرد و ادارشان کنیم یا همان‌طور که حرمت شکن‌های شنبه را لعنت کردیم، آن‌ها را نیز لعنت کنیم؛^۲ زیرا دستور خدا همیشه عملی می‌شود! ۴۷

خدا این عقیده را که برایش در کاروبار عالم شریکی قائل باشند، بی‌توبه نمی‌آمرزد؛ ولی گناهان دیگر را برای هرکه صلاح بداند، حتی بی‌توبه می‌بخشد!^۳ بلکه، هرکه برای خدا شریکی قرار بدهد، سهل‌انگاری بزرگی کرده است! ۴۸

ندیدی یهودی‌های نژادپرستی را که از خودشان تعریف می‌کنند؟! این‌طورها نیست. خداست که هرکس را شایسته بداند، می‌ستاید و به اندازه سر‌مویی به آن‌ها ستم نمی‌شود. ۴۹ بین که چطور به خدا نسبت دروغ می‌دهند^۴ و همین‌که این خودستایی را منتسب به خدا می‌دانند، بس است برای اثبات اینکه این یک سهل‌انگاری فاحشی باشد. ۵۰ مگر ندیدی همین یهودی‌هایی که بهره‌ناچیزی از تورات برده‌اند، به بت‌ها ایمان می‌آورند. تازه برای خوشایند بت‌پرست‌ها ادعا می‌کنند که بت‌پرست‌ها از مسلمانان هدایت‌یافته‌ترند؟! ۵۱

۱. مانند «إِسْمَعِ عَزِيزٌ مُّسْمِعٌ» به معنای «بشنو که نشنوی!» یک عبارت کاملاً دوپهلو که ما در فارسی امروزی معادل رایجی برایش نیافتیم. «نشنوی» یعنی خبر خوب نشنوی یا خبر بد نشنوی و مانند «راعنا» که منظور از آن را در پاورقی آیه ۱۰۴ سوره بقره (ص ۱۶) توضیح داده‌ایم.

۲. داستان‌شان در آیه‌های ۱۶۳ تا ۱۶۶ سوره اعراف (ص ۱۷) آمده است.

۳. اما با توبه، خدای مهربان همه گناهان را می‌بخشد: آیه ۵۳ سوره زمر (ص ۴۶۴).

۴. ادعاهایی که به خدا نسبت می‌دادند، کم نبود! پاورقی آیه ۸۰ سوره بقره (ص ۱۲) را ببینید.

این‌ها را خدا لعنت کرده است و هر که را خدا لعنت کند، هرگز یآوری برایش پیدا نخواهی کرد. ۵۲ مگر آن‌ها سهمی از قدرت و ثروت دارند؟! که اگر هم داشتند، سرسوزنی به مردم نمی‌دادند! ۵۳ یا اینکه به پیامبر و اهل بیتش، برای جایگاهی که خدا از سر بزرگواری به آن‌ها داده، حسودی می‌کنند؟! چه حسادت بیجایی! ما که به پیامبران ابراهیمی^۱ هم کتاب و حکمت^۲ دادیم و حکومت قدرتمندی در اختیارشان گذاشتیم. ۵۴

به هر حال، عده‌ای از آن‌ها به پیامبر ایمان آوردند. بعضی هم از او رو گرداندند و همین بس که جهنم سوزان جزایشان باشد. ۵۵

بله، بی‌دین‌ها، به‌ویژه یهودی‌هایی را که آیه‌ها و نشانه‌های ما را باور نکردند، در آتشی مهیب سرخ و سوخته خواهیم کرد. هر وقت پوستشان جزغاله شود، پوست تازه به جایش می‌رویانیم تا دم‌به‌دم عذاب را بچشند! بله، خدا شکست‌ناپذیر کار درست است. ۵۶ اما کسانی را که ایمان آوردند و کارهای خوب کردند، به باغ‌هایی پردرخت خواهیم برد که در آن‌ها جوی‌ها روان است و همیشه آنجا ماندنی‌اند. در آنجا، همسرانی زیبا و پاک دارند و زیر سایه‌هایی دلپذیر و آرام بخش جایشان می‌دهیم. ۵۷

خدا به شما دستور می‌دهد که تمام امانت‌ها^۳ را به وقتش به صاحبانش برگردانید. وقتی هم بین مردم داوری می‌کنید، عادلانه داوری کنید. خدا چه پندهای گران‌بهای به شما می‌دهد! همان خدا امانت‌داری‌هایتان را می‌بیند و قضاوت‌هایتان را می‌شنود. ۵۸ مسلمانان! از خدا اطاعت کنید و نیز از پیامبر و امامان معصوم فرمان ببرید و هر وقت در چیزی اختلاف کردید، برای حلش به کتاب خدا و سنت پیامبر مراجعه کنید؛ البته اگر به خدا و روز قیامت معتقدید. عمل به این‌ها خوبی و خوش‌عاقبتی را برایتان به همراه می‌آورد. ۵۹

۱. منظورش پیامبرانی از نسل حضرت ابراهیم است: داوود، سلیمان، یوسف، موسی، عیسی و پیامبران بنی اسرائیل علیهم‌السلام.

۲. برای توضیح حکمت، نگاه کنید به پاورقی آیه ۱۲۹ سوره بقره (ص ۲۰).

۳. رعایت امانت به چیزهای مالی محدود نمی‌شود و مسائل اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، حکومتی و فردی را هم در بر می‌گیرد. دستورهای دینی، سیاست‌های اجتماعی و سیاسی، اموال عمومی، اسرار و آبروی مردم، زمان و عمر، دانش‌ها و تجربه‌ها، اعضا و جوارح انسان و... نمونه‌هایی از امانت‌های الهی است که باید به درستی و با جدیت در حفظ آن‌ها کوشید.

کسانی که به خیال خام خود به قرآن و کتاب‌های آسمانی قبل از تو ایمان آورده‌اند، مگر ندیدی که برای داوری در حل اختلافاتشان می‌خواهند به طاغوت^۱ مراجعه کنند؟! با آنکه دستور مؤگد به آن‌ها داده شد که از رفتن پیش طاغوت خودداری کنند. بله، شیطان می‌خواهد آن‌ها را در گرداب بی‌پایان گمراهی بیندازد! ۶۰

وقتی به آن‌ها بگویی: «برای داوری در حل اختلافات خودتان به سمت قرآن و پیامبر بیاوید»، منافق‌ها را می‌بینی که از پذیرش دعوتت به شدت خودداری می‌کنند! ۶۱

وقتی در نتیجه رفتن پیش طاغوت به در دسر می‌افتند و برای توجیه این کار زشتشان پیشت می‌آیند، دیگر با چه رویی به خدا قسم می‌خورند که: «جز خیرخواهی و سازش بین دو طرف دعوا، منظوری نداشته‌ایم»؟! ۶۲ خدا که می‌داند در دلشان چه می‌گذرد! پس، از آن‌ها کناره بگیر؛ ولی پندشان بده و وقتی تنه‌ایند، با حرف‌هایی شفاف راهنمایی‌شان کن. ۶۳

هر پیامبری فرستادیم، بدون استثنا، واجب بود که به فرمان خدا اطاعتش کنند. این منافق‌هایی که با مراجعه به طاغوت به خودشان جفا کردند، اگر به جای توجیه کارهایشان، پیشت می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر هم برایشان آمرزش می‌خواست، آن وقت می‌دیدند که خدا توبه‌پذیری مهربان است. ۶۴

نه، به خدا قسم! آن‌ها ایمان واقعی نمی‌آورند؛ مگر آنکه در دعواهایشان فقط تورا به داوری انتخاب کنند و تازه، از رأیی که می‌دهی، در دل احساس ناراحتی نکنند و در عمل هم، در بست تسلیم حکم تو باشند. ۶۵

۱. سران طاغوت، دادگاه‌های طاغوت و حتی جادوگران و فالگیران و هرکسی که مدعی غیب‌گویی است، مصداق طاغوت است و مراجعه به او، حرام.

۲. این آیه توسل و شفاعت را تأیید می‌کند: آمدن توبه‌کاران به محضر پیامبر ﷺ و دست‌به‌دامان او شدن، توسل است و طلب آمرزش پیامبر ﷺ برای آنان، شفاعت.

این که دین آسانی است. اگر بر آن‌ها واجب کرده بودیم که: «همدیگر را بکشید یا ترک وطن کنید»^۱ باز هم جزعه کمی از آن‌ها اطاعت نمی‌کردند. اگر به پندهایی که به آن‌ها می‌دهند، عمل می‌کردند، برایشان بهتر بود و در تثبیت ایمانشان، مؤثرتر. ۶۶ در آن صورت، پاداشی بزرگ از طرف خودمان به آنان می‌بخشیدیم ۶۷ و آنان را به راه درست زندگی می‌بردیم. ۶۸

آنانی که در همه حال از خدا و پیامبر اطاعت کنند، هم مسیر با افرادی اند که خدا به آنان نعمت ویژه داده است؛ یعنی با پیامبران و آدم‌های با صداقت و شاهدان اعمال و شایستگان. آنان خوب رفقایی در مسیر شدند! ۶۹ این همه لطف از طرف خداست و همین بس که خدا احوال بندگانش را می‌داند. ۷۰

مسلمانان! آمادگی و هوشیاری خود را در برابر دشمن حفظ کنید و با توجه به اوضاع، گروه‌گروه یا همگی دسته‌جمعی به جبهه‌ها بروید. ۷۱

البته بین شما کسانی پیدا می‌شوند که در رفتن به جبهه کوتاهی می‌کنند. آن وقت اگر شکست بخورید و تلفاتی بر شما وارد شود، ذوق‌زده می‌گویند: «خدا به ما رحم کرد که همراهشان نبودیم!» ۷۲ اما اگر پیروزی و غنیمتی از طرف خدا نصیبتان شود، درحالی‌که انگارانه‌انگار بین شما و آن‌ها آشنایی و ارتباطی بوده، ماتم‌زده می‌گویند: «ای کاش ما هم همراهشان بودیم و سهم فراوانی از غنیمت به دست می‌آوردیم!» ۷۳

کسانی که زندگی پست دنیا را به قیمت به دست آوردن آخرت می‌فروشند، باید در راه خدا بجنگند. به هرکه در راه خدا بجنگد و شهید شود یا پیروز، پاداشی بزرگ هدیه خواهیم داد. ۷۴

۱. خدای انتقام‌گیرنده، بعضی از ملت‌های گذشته را با مجازات‌های سختی مثل کشتن هم یا ترک وطن تنبیه می‌کرد؛ مانند یهودی‌های زمان موسی علیه السلام که بعد از پرستش گوساله، موظف شدند که گوساله پرست‌هایشان را بکشند. نگاه کنید به آیه ۵۴ سوره بقره (ص ۸).

چه تان شده که در راه خدا و نجات مردان و زنان و کودکان مستضعفی که زیر سلطه دشمن اند، نمی جنگید؟! آن مستضعفان همیشه از خدا خواسته اند: «خدایا، ما را از این شهری که مردمش ستمکارند، بیرون ببر و از طرف خودت، بله از طرف خودت یار و یابوری برای ما قرار بده.» ۷۵

کسانی که ایمان واقعی دارند، در راه خدا می جنگند و کسانی که بی دین اند، در راه طاغوت می جنگند. با یاران شیطان بجنگید که پیروزی از آن شماست؛ چون که نقشه شیطان نقش بر آب است. ۷۶

به کسانی که قبل از آمدن دستور جهاد، خواهان جنگ با ستمکارها بودند، گفته شد: «فعلاً دست نگه دارید و نماز را درست بخوانید و صدقه بدهید.» همین که دستور جنگ صادر شد، مگر ندیدی گروهی از آن ها همان قدر از دشمن ترسیدند که باید از خدا ترسید و حتی بیشتر! پس اعتراض کردند: «خدایا، چرا جنگ را بر ما واجب کردی؟! چرا این چندروزه دنیا را به ما مهلت ندادی؟!»

بگو: «خوشی های زندگی دنیا ناچیز و زودگذر است؛ در حالی که سرخوشی های آخرت برای خودمراقبان بهتر است. در آنجا سر مویی هم به شما ستم نمی شود. ۷۷ هر کجا باشید، اگر چه در ساختمان های بلند و محکم، مرگ سراغتان می آید!» هر زمان خوشی و نعمتی نصیبشان شود، می گویند: «این از طرف خداست» و اگر سختی و بلایی دامن گیرشان شود، می گویند: «این از پا قدم نحس توست!» بگو: «همه اش از طرف خداست.» این جماعت چه شان شده که این قدر دیریک مطلب را می فهمند؟! ۷۸

هر خوشی و نعمتی شامل حال می شود، سبب سازش خداست؛ ولی هر حادثه تلخی برایت پیش بیاید، سبب سازش خودت هستی.^۱ تو را برای مردم، به پیامبری فرستادیم و همین بس که خدا گواه باشد. ۷۹

۱. همه حوادث خیر و شرّ عالم از طرف خداست و به قول حافظ:

گر رنج پیشت آید و گر راحت، ای حکیم
نسبت مکن به غیر که این ها خدا کند
خدای مهربان منشأ همه خوبی های عالم است؛ از این رو علاوه بر آنکه رخدادهای خیر از طرف خداست، سبب سازش هم خداست؛ اما حوادث ناگوار از طرف خداست، ولی سبب سازش کارهای خود انسان است: خدای مهربان ابتدا به انسان نعمت می دهد؛ ولی با ناشکری و کارهای بد انسان، آن نعمت ها را پس می گیرد و او را دچار سختی ها و مصیبت هایی می کند. البته سختی هایی که انسان برای امتحان و نه تنبیه به آن ها مبتلا می شود، جای خودش را دارد.

هرکه از پیامبر اطاعت کند، در واقع از خدا اطاعت کرده و هرکه سرپیچی کند، مسئولیتش با خودش است. تو را هم نفرستاده‌ایم تا مراقبشان باشی! ۸۰

رودر روی تو می‌گویند: «گوش به فرمانیم!» ولی تا از پیشت بیرون می‌روند، عده‌ای از آن‌ها جلسه‌های مخفی شبانه‌ای در جهت خلاف گفته‌های تو تشکیل می‌دهند. خدا توطئه‌های شبانه‌شان را ثبت می‌کند؛ بنابراین اعتنا نکن به آن‌ها و توکل کن به خدا. همین بس که خدا حامی‌ات باشد. ۸۱

پس چرا درباره همه قرآن به صورت جامع فکر نمی‌کنند؟! اگر از طرف غیر خدا بود، ناهماهنگی بسیاری در آن پیدا می‌کردند. ۸۲

وقتی خبری از پیروزی یا شکست رزمندگان به دستشان برسد، فوری بین مردم پخشش می‌کنند؛ در صورتی که اگر راست و دروغ چنین اخباری را از پیامبر و مسئولان امر جویا شوند، آنان درستی و نادرستی و چگونگی اطلاع‌رسانی‌اش را تشخیص می‌دهند. اگر خدا با این سفارش‌ها، در حقتان لطف و بزرگواری نکند و از شیطنت منافقان پرده برندارد، با تبلیغات منفی‌شان بیشترتان گول شیطان را می‌خورید. ۸۳

به هر حال، یک‌تنه در راه خدا مبارزه کن: تو فقط مسئول ادای وظیفه خودت هستی. البته مسلمانان را به حضور در جبهه تشویق کن؛ به امید اینکه خدا شر دشمنان بی‌دین را از سرتان کم کند. آخر، قدرت خدا بیشتر است و مجازاتش زجرآورتر. ۸۴

هرکس واسطه کار خیری شود، سهمی از آن می‌برد و هرکس واسطه کار شری شود، در آن شریک است؛ چون که خدا مراقب همه چیز و همه کاری هست. ۸۵

چنانچه سلام و تعارفی با شما کردند، یا به صورتی بهتر جواب دهید یا دست‌کم به همان صورت؛ زیرا خدا همه چیز را محاسبه می‌کند. ۸۶

۱. پخش شایعه و خبرهای دروغ در جامعه اسلامی ما متأسفانه رایج‌تر از گذشته شده است. خیلی‌ها، به‌جای زندگی آرام و عاقلانه، جذب خبرهای هیجانی و غافلگیرانه می‌شوند. رسانه‌ها و شبکه‌های بدخواه خارجی هم، تا می‌توانند، خبرهای حاشیه‌ای و التهاب‌آفرین را با بزرگ‌نمایی منتشر می‌سازند. در این شلوغ‌بازار پردروغ و پرشایعه، عمل به این سفارش قرآن بسیار راهگشاست.

جز خدا هیچ معبودی نیست. او روز قیامت حتماً جمعتان می‌کند که جای هیچ شک و شبهه‌ای در آمدنش نیست. از خدا راستگوتر کیست؟ ۸۷

چه تان شده که درباره منافقان دچار دودستگی شده‌اید؟! با اینکه خدا به سزای کارهای زشتشان سرنگونشان کرده است. یعنی می‌خواهید کسانی را به راه بیاورید که خدا به حال خود رهایشان کرده؟! کسانی را که خدا به حال خودشان رها کند، هیچ راهی برای نجاتشان پیدا نخواهی کرد! ۸۸

آرزو می‌کنند همان طور که خودشان بی‌دین اند، شما هم بی‌دین شوید تا مثل هم باشید! پس، با منافقانِ فتنه‌گر خارج‌نشین طرح دوستی نریزید؛ تا آنکه با پذیرش واقعی اسلام، به جمع مسلمانان مهاجرت کنند. اگر از این کار سرپیچی کردند، هر کجا گیرشان آوردید، دستگیر و اعدامشان کنید و هرگز از میانشان یار و یابوری نگیرید؛ ۸۹

مگر آنکه به کشوری پناهنده شوند که بین شما و آن‌ها پیمان صلح بسته شده باشد یا درحالی پیشتان بیایند که از جنگ و گریز با شما یا با مردم خودشان به ستوه آمده‌اند. اگر خدا می‌خواست، بر شما مسلطشان می‌کرد و آن وقت با شما می‌جنگیدند. پس اگر کاری به کارتان نداشتند و با شما نجنگیدند، بلکه پیشنهاد صلح و سازش دادند، خدا دیگر اجازه نمی‌دهد به آن‌ها دست‌درازی کنید. ۹۰

به گروه دیگری برمی‌خورید که می‌خواهند هم از طرف شما خاطر جمع باشند و هم از طرف کشور خودشان! هر وقت هم برای فتنه‌گری علیه شما دعوت شوند، با سر می‌روند! اگر این‌ها ول‌کن شما نبودند و پیشنهاد صلح و سازش به شما ندادند و دست از سرتان برنداشتند، هر کجا گیرشان آوردید، دستگیر و اعدامشان کنید. در نبرد با این گروه و نابودی‌شان، دستتان را کاملاً باز گذاشته‌ایم! ۹۱

هیچ مسلمانی حق ندارد مسلمان دیگری را بکشد؛ مگر آنکه از روی اشتباه باشد. حال، هرکس مسلمانی را به اشتباه کشت، باید بردهٔ مسلمانی را آزاد کند و به خانوادهٔ مقتول خون بها بپردازد؛ مگر اینکه آن‌ها خون بها را ببخشند.

اگر مقتول اهل کشوری باشد که دشمن شما مسلمانان اند، ولی خودش مسلمان بوده، آزاد کردن یک بردهٔ مسلمان کافی است؛ اما اگر مقتول اهل کشوری باشد که با کشور شما پیمان صلح بسته‌اند، پرداخت خون بها به خانوادهٔ مقتول و آزاد کردن یک بردهٔ مسلمان، هر دو، لازم است. هر که نمی‌تواند بنده آزاد کند، به جایش دو ماه پشت سرهم روزه بگیرد. این تخفیفی از طرف خداست و خدا دانایی کار درست است. ۹۲

هر که مسلمانی را به عمد و به دلیل نفرت از مسلمانی اش بکشد، مجازاتش جهنم است که آنجا ماندنی است. خدا هم بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و برایش عذابی بی‌اندازه آماده کرده است. ۹۳

مسلمانان! وقتی برای نبرد در راه خدا عازم جبهه‌ها هستید، در طول سفر حواستان را جمع کنید و به کسی که با زبان به شما اعلام می‌کند: «مسلمانم»، فوری نگویید: «تو مسلمان نیستی» تا به این بهانه او را بکشید و به غنیمت‌های زودگذر مادی برسید!

اگر واقعاً دنبال غنیمتید، غنیمت‌های مادی و معنوی فراوانی پیش خدا هست. شما هم آن ابتدا که خواستید مسلمان شوید، با زبان بیان کردید! و خدا به شما نعمتی بزرگ بخشید که اسلام را در شما درونی کرد. پس حواستان را جمع کنید تا به افراد بی‌گناه آسیبی نرسد؛ زیرا خدا از کارهایتان آگاه است. ۹۴

مسلمانانی که نقص عضو ندارند و به جبهه نمی‌روند، هرگز مساوی نیستند با رزمندگان داوطلبی که با مال و جانشان در راه خدا می‌جنگند. خدا رزمندگانی را که با مال و جانشان می‌جنگند، برتری داده است بر کسانی که در جبهه شرکت نمی‌کنند. البته خدا به همهٔ مسلمانان پاداش‌های شایسته و عده داده است؛ اما رزمندگان اسلام را بر مسلمانانی که در جبهه شرکت نمی‌کنند، با این پاداش ممتاز برتری داده است: رتبه‌های عالی و آموزش و بزرگواری خودش. خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۹۵ ۹۶

وقتی فرشتگان جان کسانی را می‌گیرند که با ماندن در دیار کفر به خودشان بد کرده‌اند، از آن‌ها می‌پرسند: «وضع دین داری تان چطور بود؟» جواب می‌دهند: «در سرزمینمان، برای رعایت دین داری، تحت فشار بودیم.» فرشتگان می‌گویند: «مگر زمین خدا پهناور نبود؟ چرا به جاهای دیگر مهاجرت نکردید؟» بنابراین، جایگاهشان جهنم است و آن بد سرانجامی است! ۹۷

فقط مردان و زنان و کودکانی استثنایند که واقعاً در تنگنا به سر می‌برند و چاره‌ای جز ماندن ندارند و راه به جایی نمی‌برند. ۹۸ امید است که خدا از سر تقصیراتشان بگذرد. آخر، خدا خطاب‌بخشی با گذشت است. ۹۹

مسلمانانی که برای حفظ دینشان مهاجرت کنند، سرزمین‌های بسیاری برای زندگی سالم و راحت پیدا خواهند کرد. هر که به قصد مهاجرت به دیاری که دین خدا و رسولش در آن برقرار است، از خانه‌اش خارج شود و بعد، بین راه، مرگ سراغش بیاید، پاداشش با خداست. خدا هم که آمرزندهٔ مهربان است. ۱۰۰

وقتی به مسافرت می‌روید و می‌ترسید که بی‌دین‌ها غافلگیرتان کنند و آسیبی به شما برسانند، اشکالی ندارد که نمازهای چهاررکعتی را شکسته بخوانید؛ زیرا بی‌دین‌ها دشمن علنی شما نیستند. ۱۰۱

۱. این آیه دربارهٔ نماز مسافر است. در ابتدا، دستور شکسته خواندن نماز، مخصوص مسافری بوده که از دشمن می‌ترسیده است؛ اما بعدها، پیامبر خدا ﷺ اجرای این دستور را برای هر مسافری لازم دانستند. دربارهٔ نماز مسافر و احکام آن، نگاه کنید به آیه‌های ۲۳۸ و ۲۳۹ سوره بقره (ص ۳۹) و نیز رسالهٔ توضیح المسائل مراجع.

وقتی در جبهه، کنار رزمندگان هستی و می‌خواهی برایشان نماز جماعت بخوانی، اول گروهی از رزمندگان به تو اقتدا کنند و سلاحشان همراهشان باشد. بعد از سجده‌های رکعت اول، نیت فرادا کنند و نمازشان را زودتر تمام کنند. آن وقت پشت سرتان بروند و مراقب دشمن باشند تا گروه دیگری که نماز نخوانده‌اند، بیایند و به رکعت دوم تو اقتدا کنند، البته با حفظ آمادگی و همراه داشتن سلاحشان. دشمن منتظر کوچک‌ترین فرصت است که به محض اینکه از اسلحه و امکانات غافل شیدی، یک دفعه به شما حمله کند!

البته اگر به علت بارندگی یا بیماری، حمل سلاح برایتان سخت است، اشکالی ندارد که سر نماز سلاح‌هایتان را زمین بگذارید؛ ولی آمادگی‌تان را کامل حفظ کنید. به یقین، خدا برای دشمنان بی‌دین عذابی خفت‌بار آماده کرده است. ۱۰۲

وقتی می‌خواهید نماز بخوانید، به تناسب موقعیت، با نماز ایستاده یا نشسته یا به پهلو خوابیده، خدا را یاد کنید و وقتی از شر دشمن خاطر جمع شدید، نماز را به طور معمول بخوانید؛ چون نماز، واجبی است که باید آن را در وقتش خواند! ۱۰۳

در تعقیب کردن دشمن سستی و کوتاهی نکنید. در این راه، اگر شمارنج و سختی می‌کشید، آن‌ها هم مثل شمارنج و سختی می‌کشند؛ با این فرق که شما از خدا پیروزی و پاداشی امید دارید که آن‌ها ندارند و خدا دانایی کار درست است. ۱۰۴

ما قرآن دادگستر را به سوی تو فرستادیم تا با راه‌وروشی که خدا در قضاوت یادت داده است، بین مردم داوری کنی. در قضاوت‌هایت هم طرف‌دار خائنان نباش. ۱۰۵

۱. نهی‌های شبیه به این که مخاطبش پیامبر ﷺ است، «دفعی» است، نه «رفعی»؛ یعنی برای پیشگیری و هشدار است، نه اینکه گناهی از ایشان سر زده باشد و این‌ها برای بازداشتن او باشد.

همچنین، از خدا آمرزش بخواه که خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۱۰۶ دفاع بیجا نکن از مسلمانانی که با کارهای زشت، به خودشان خیانت می‌کنند؛^۱ زیرا خدا خیانتکاران سهل‌انگار را دوست ندارد. ۱۰۷

آن‌ها از مردم خجالت می‌کشند و خیانت‌هایشان را مخفی می‌کنند؛ اما از خدا خجالت نمی‌کشند! درحالی‌که وقتی در جلسه‌های مخفی شبانه برای اثبات بی‌گناهی‌شان نقشه می‌کشند، خدا حاضر و ناظر است. بله، خدا به کارهایشان احاطه دارد. ۱۰۸

گیرم که شما در زندگی این دنیا از آن خیانتکاران طرف‌داری کردید! خب، روز قیامت و در برابر خدا، چه کسی حمایت می‌کند از آنان؟ هان؟! یا چه کسی اوضاعشان را سروسامان می‌دهد؟! ۱۰۹

هرکه کار بدی انجام دهد یا به خودش بد کند، آن وقت از خدا آمرزش بخواهد، خواهد دید که او آمرزندهٔ مهربان است. ۱۱۰ بله، هرکه مرتکب هرگونه سهل‌انگاری شود، فقط به زیان خودش کار کرده است و خدا دانای کاردرست است. ۱۱۱

البته هرکه از او خطایی سر بزند یا مرتکب سهل‌انگاری شود، بعد آن را به شخص بی‌گناهی نسبت دهد، یقیناً زیر بار تهمت و گناه فاحشی رفته است. ۱۱۲ اگر لطف و بزرگواری خدا در حَقّت نبود، گروهی از آن‌ها قصد داشتند از قضاوت عادلانه منحرف کنند! ولی آن‌ها فقط خودشان را منحرف می‌کنند و هیچ ضرری به تو نخواهند زد.

خدا قرآن و حکمت^۲ را بر تو فرستاد و چیزهایی یادت داد که نمی‌توانستی یاد بگیری. بله، لطف خدا به تو بی‌اندازه است. ۱۱۳

۱. یکی از مسلمانان زره مسلمان دیگری را دزدید. دزد بدجنس همین‌که متوجه شد به او ظنن شده‌اند، زره را در خانهٔ کسی انداخت و دزدی را به او نسبت داد! کار به دادگاه کشید. خانواده و خویشان فرد مظنون از پیامبر ﷺ خواستند که به نفع آن‌ها داوری کند! این آیه تا آیهٔ ۱۲۵ دربارهٔ قضاوت نازل شد.

۲. برای توضیح حکمت، نگاه کنید به پاورقی آیهٔ ۱۲۹ سورهٔ بقره (ص ۲۰).

در خیلی از حرف‌های درگوشی‌شان خیری نیست. البته اگر کسی مردم را از این راه به صدقه دادن یا کارهای پسندیده یا اصلاح امور مردم دعوت کند، کار خیر انجام داده است. بله، هرکه برای به دست آوردن رضایت خدا چنین کند، پاداشی بی اندازه به او خواهیم داد. ۱۱۴

از آن طرف، بعد از آنکه حقیقت برای کسی معلوم شد، اگر از در مخالفت با پیامبر خدا دربیاید و راهی جز راه مسلمانان واقعی در پیش بگیرد، در همان راه اشتباهی که انتخاب کرده، رهایش می‌سازیم و با آتش جهنم سرخ و سوخته‌اش می‌کنیم و آن بد سرانجامی است! ۱۱۵

خدا این عقیده را که برایش در کاروبار عالم شریکی قائل باشند، بی توبه نمی‌آمرزد؛ ولی گناهان دیگر را برای هرکه صلاح بدانند، حتی بی توبه می‌بخشد! بله، هرکه برای خدا شریکی قرار بدهد، دچار گمراهی بی پایانی شده است! ۱۱۶

آن‌ها به جای خدا فقط بت‌های بی خاصیت را می‌پرستند. در واقع، فقط شیطان سرکش را می‌پرستند ۱۱۷ که خدا لعنتش کرده است. او با گستاخی گفته: «از میان بندگانت، سهم معینی را حتماً به فرمان خودم درمی‌آورم، ۱۱۸ مسلماً آن‌ها را به گمراهی می‌کشم، قطعاً با آرزوهای دورودراز سرگرمشان می‌کنم و صد البته دستورشان می‌دهم به خرافات؛ مثلاً گوش حیوان چهارپا را بشکافند تا مقدس شود! ۱ و بی شک دستورشان می‌دهم تا آفرینش خدا را دست‌کاری کنند.» ۲

بله، آن‌هایی که زیر چتر دوستی شیطان بروند نه خدا، به ورشکستگی جبران‌ناپذیر افتاده‌اند؛ ۱۱۹ زیرا شیطان وعده پوچ به آن‌ها می‌دهد و در دام آرزو گرفتارشان می‌کند؛ حال آنکه وعده‌هایش همه گول‌زننده است. ۱۲۰ آن‌ها جایگاهشان جهنم است و هیچ راه فراری از آن پیدا نمی‌کنند. ۱۲۱

۱. اما با توبه، خدای مهربان همه گناهان را می‌بخشد: آیه ۵۳ سوره زمر (ص ۴۶۴).

۲. بیشتر مردم هند هم اکنون گاو را حیوانی مقدس می‌دانند.

۳. مانند تغییر جنسیت، همجنس‌بازی، اعتیاد، تخریب محیط زیست، انتشار گازهای گلخانه‌ای، استفاده ناپجا و افراطی از مواد و عناصر طبیعی در ساخت تسلیحات ممنوعه، سقط جنین، گسترش خوراکی‌های ناسالم، زیاده‌روی در جراحی زیبایی و لاغری، غرق کردن مردم در فضای مجازی و دور کردنشان از زندگی واقعی و ...

اما مسلمانانی را که کارهای خوب کرده‌اند، در باغ‌های پردرختی جای می‌دهیم که در آن‌ها جوی‌ها روان است و همیشه آنجا ماندنی‌اند. خدا وعده‌ای داده که راستِ راست است. از خدا راست‌گوتر کیست؟! ۱۲۲

امتیازخواهی و برتری‌جویی نه به دلخواه شماست نه به دلخواه اهل کتاب! ملاکش عمل است: آن‌هایی که کار زشتی بکنند، به سزایش مجازات می‌شوند و در پیشگاه خدا برای خودشان یار و یآوری پیدا نمی‌کنند. ۱۲۳ آن‌هایی هم که کارهای خوب بکنند، به شرط باایمان بودن، چه مرد باشند چه زن، وارد بهشت می‌شوند و به اندازهٔ سِر سوزنی به آن‌ها ستم نمی‌شود! ۱۲۴

چه کسانی در دین‌داری بهتر از آن‌هایی‌اند که خودشان را با تمام وجود، تسلیم خدا کرده‌اند و دنباله‌رو دین ابراهیم میانه‌رو هستند؟! البته با این قید که نیکوکار هم باشند. خدا ابراهیم را دوست خود می‌دانست. ۱۲۵ آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال خداست و خدا به همه چیز و همه کس احاطه دارد. ۱۲۶

پیامبر! دربارهٔ حقوق ارث و ازدواج بانوان توضیح بیشتری از تو می‌خواهند. بگو: «خداست که دربارهٔ بانوان و حقوق دختران بدون پدر جواب می‌دهد. در ابتدای همین سوره هم قسمتی از آن برایتان خوانده شد.

آن دختران را از حقوق فردی و اجتماعی^۱ محروم می‌سازید و خودتان هم از ازدواج با آن‌ها دوری می‌کنید! همچنین، دربارهٔ پسران کم‌سئی^۲ که از ارث محروم‌شان می‌کنید^۳ و اینکه به طور کلی با یتیمان چطور به عدالت رفتار کنید، خدا برایتان توضیح می‌دهد. البته هر کار خوبی که برای بانوان و پسران و یتیمان بکنید، خدا آن را می‌داند.» ۱۲۷

۱. یعنی نه ارثشان را در اختیارشان می‌گذارید و نه اجازهٔ ازدواج به آن‌ها می‌دهید.

۲. مردم زمان جاهلیت ارث فرزندان کم‌سن‌وسال را نمی‌دادند و می‌گفتند: «ما به کسی ارث می‌دهیم که به جنگ رفته و با دشمن جنگیده و از حریف خانواده و طایفه دفاع کرده باشد.»

اگر زنی نشانه‌های ناسازگاری یا بی‌مه‌ری در شوهرش ببیند، بد نیست که با کوتاه آمدن از بعضی حقوق خود، با شوهرش به خوبی سازش کند؛ چون که به هر حال، صلح بهتر از اختلاف و جدایی است. بماند که خودخواهی و تنگ نظری در وجود انسان‌ها، مانع گذشت و بزرگواری‌شان می‌شود! البته اگر با بانوانتان خوش رفتاری کنید و مراقب رفتارشان باشید، خدا از این رفتارشان آگاه است. ۱۲۸

شما مردانی که چند همسر دارید، اگر خودتان را هم بکشید، محال است بتوانید علاقه مساوی به همه آن‌ها داشته باشید! ولی خب اگر یکی از آن‌ها را کمتر دوست دارید، رابطه سردی با او در پیش بگیرید و مثل زنی بی‌شوهر، به حال خودش رهاش نکنید! اگر با بانوانتان مهربانی کنید و مراقب رفتارشان باشید، خدا هم چهره‌آمرزنده و مهربانش را نشانتان می‌دهد. ۱۲۹

اگر زن و شوهری ناچار به طلاق شوند، خدا با پیدا کردن همسری مناسب برای هر کدامشان، در سایه رحمت گسترده خودش بی‌نیازشان می‌کند؛ چون خدا روزی گستر کاردرست است ۱۳۰ و چون آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال خداست.

هم به اهل کتاب که قبل از شما زندگی می‌کردند و هم به شما مسلمانان سفارش کرده و می‌کنیم که در مسائل همسرداری، مراقب رفتارشان باشید. اگر به این سفارش‌های سودمند گوش ندهید، دودش به چشم خودتان می‌رود. آخر، آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال خداست و او بی‌نیاز ستودنی است. ۱۳۱

بله، آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال خداست و همین بس که چنین خدایی همه‌کاره عالم باشد ۱۳۲ و همین خدا اگر ببیند نالایقید، مردم! شما را از بین می‌برد و به جایتان مردم دیگری به وجود می‌آورد. بله، خدا می‌تواند چنین کند. ۱۳۳

هر که خوشبختی دنیا می‌خواهد، بداند که خوشبختی دنیا و آخرت پیش خداست. خدا نیازهایتان را می‌شنود و می‌بیند. ۱۳۴

۱. عدالت در این آیه، درباره‌ی علاقه قلبی و گرایش درونی است که رعایتش واجب نیست؛ زیرا در اختیار انسان نیست. البته این نباید بهانه‌ای باشد که مرد طوری به بعضی زنان توجه کند که از زنان دیگرش غافل شود و آن‌ها احساس بی‌شوهری کنند؛ اما عدالت در آیه ۳ همین سوره، درباره‌ی مادیات و حقوق همسرداری است؛ مانند تأمین هزینه زندگی، مسکن، پوشاک، مسافرت و مسائل زناشویی. رعایت آن عدالت واجب است که آن هم از عهده برخی مردان برمی‌آید.

۲. بعد از آمدن این آیه، پیامبر ﷺ دست مبارکش را به پشت شانه سلیمان فارسی زد و به حاضران فرمود: «آن ملتی که می‌آیند و در قبول اسلام و دعوت الهی، از شما عرب‌ها جلو می‌افتند، هم‌وطنان این مرد هستند.»

مسلمانان! در راه اجرای عدالت با تمام توان ایستادگی کنید و هر جا لازم است، برای رضای خدا شهادت دهید؛ هر چند به ضرر خودتان یا پدر و مادرتان یا خویشانتان باشد.

ثروت یا فقر هر یک از دو طرف دعوا در گواهی تان تأثیری نگذارد؛ چون برای حمایت از آنان، خدا اولویت دارد. پس برای اینکه طبق عدالت رفتار کرده باشید، دل بخواهی ملاحظه کسی را نکنید. اگر با زبان بازی شهادت ناحق دهید یا از زیر بار شهادت دادن شانه خالی کنید، خدا از این کارهایتان آگاه است. ۱۳۵

مسلمانان! واقعاً باور داشته باشید خدا را و پیامبرش را و قرآنی را که بر او فرستاده و کتاب‌های آسمانی را که قبلاً فرستاده است. هر که خدا، فرشتگان‌ش، کتاب‌هایش، پیامبرانش و روز قیامت را باور نداشته باشد، دچار گمراهی بی‌پایانی شده است. ۱۳۶

کسانی که اسلام بیاورند، آن وقت بی‌دین شوند، بعد دوباره اسلام بیاورند، باز بی‌دین شوند و با کارهای ناپسند، بی‌دینی‌شان را تشدید کنند، محال است خدا آن‌ها را بیامزد یا به راه بهشت ببرد. ۱۳۷

به این منافقان مژده بده که عذاب زجرآوری چشم‌به‌راهشان است! ۱۳۸ همان‌هایی که با دشمنان بی‌دین طرح دوستی می‌ریزند، نه با مسلمانان. که چه بشود؟ که عزت و آبرو از آن‌ها گدایی کنند؟! نخیر! عزت و آبرو یکسره دست خداست. ۱۳۹

خدا این مسئله را برایتان توضیح داده است^۱ که هر وقت در مجلسی بودید و شنیدید که آیه‌هایش را انکار و تمسخر می‌کنند، با آن‌ها همنشین نکنید، مگر که مشغول حرفی دیگر شوند؛ وگرنه شما هم در عمل مثل آن‌ها خواهید بود!^۲ بله، خدا همه منافق‌ها و بی‌دین‌ها را در جهنم جمع خواهد کرد. ۱۴۰

۱. برای مطالعه بیشتر، نگاه کنید به آیه ۹۰ سوره آل عمران (ص ۶۱).

۲. در آیه ۶۸ سوره انعام (ص ۱۳۵). در آنجا «رؤیت» (دیدن) آمده است و در اینجا «سماع» (شنیدن). بنا بر این دو آیه، حکم شنیدن و دیدن انکار و دست‌انداختن معارف و احکام خدا برابر است با گفتن آن‌ها!

۳. در برابر انکار و تمسخر دین خدا، اگر سکوت کنیم و بنشینیم، دو گناه کرده‌ایم: ۱. ترک نهی از منکر؛ ۲. حضور در مجلس حرام. این ممنوعیت شامل فضای مجازی و رسانه‌ای هم می‌شود.

منافق‌ها کسانی‌اند که با فرصت‌طلبی، چشم‌به‌راه اتفاقاتی‌اند که برایتان پیش می‌آید: اگر پیشرفتی از طرف خدا به دست آورید به شما می‌گویند: «مگر ما با شما نبودیم؟!» اما اگر موفقیتی نصیب دشمنان بی‌دین شود، به آن‌ها می‌گویند: «مگر به سودتان جنگ روانی راه نینداختیم و از پیوستن شما به مسلمانان منتان نکردیم؟!» خدا، روز قیامت، بینتان داوری می‌کند. البته خدای برای تسلط کامل بی‌دین‌ها بر مسلمانان باز نخواهد کرد. ۱۴۱

منافق‌ها به خیال خودشان می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ درحالی‌که او فریبشان را به خودشان برمی‌گرداند. وقتی به نماز می‌ایستند، با بی‌حالی به نماز می‌ایستند! در برابر مردم ریا می‌کنند و ذکر خدا را فقط ظاهری و بی‌محتوا می‌گویند! ۱۴۲

منافق‌ها بین دین‌داری و بی‌دینی هاج‌وواج شده‌اند! بیشتر مردم هم نمی‌فهمند که آن‌ها آخرش با مسلمانان‌اند یا با بی‌دین‌ها! بله، کسانی که خدا به حال خود رهایشان کند، دیگر راهی برای نجاتشان پیدا نخواهی کرد. ۱۴۳

مسلمانان! به جای مسلمانان با دشمنان بی‌دین طرح دوستی نریزید. می‌خواهید با این کار دلیل واضحی علیه خودتان دست خدا بدهید؟! ۱۴۴

منافق‌ها در قعر جهنم‌اند و دیگر هیچ یآوری برایشان نخواهی یافت! ۱۴۵
مگر کسانی که توبه کنند، کارهای نادرستشان را جبران سازند، خودشان را به خدا بسپارند و فقط برای خدا دین‌داری کنند که در این صورت، آن‌ها در کنار مؤمنان قرار می‌گیرند و خدا به مؤمنان پاداشی بزرگ خواهد داد. ۱۴۶ اگر شکرگزار نعمت‌های خدا و باایمان باشید، چرا خدا باید عذابتان کند؟! خدا که قدرشناسی آگاه است. ۱۴۷

۱. منافق‌ها با فریب‌کاری، تظاهر به اسلام و ایمان می‌کنند تا از این فرصت سوءاستفاده کنند؛ اما خدا بارها کردن آن‌ها به حال خودشان و در نتیجه، غرق شدنشان در منجلاب گناه و بدبختی، فریبشان را به خودشان برمی‌گرداند؛ یعنی همین فریب‌کاری‌شان مایهٔ بدبختی‌شان می‌شود.

۲. منافق فقط برای مال و مقام دنیوی ذکر خدا بر لب دارد، حتی اگر دائم‌الذکر باشد؛ و الا اگر ذکر خدا از روی اخلاص باشد، کم و کوتاهش هم پذیرفته می‌شود و چیزی را هم که خدا ببیند، کم نیست.

خدا بدگوییِ علنی را دوست ندارد؛ ولی کسی که به او ستم شده، می‌تواند چنین کند و آن هم در حدّ همان ظلم. حواستان باشد: خدا شنوایی داناست. ۱۴۸

خوبیِ دیگران را چه آشکار کنید چه مخفی، اشکالی ندارد و اگر از بدی‌شان بگذرید، خدا هم گذشت‌کننده‌ای تواناست. ۱۴۹

کسانی که خدا و پیامبرانش را درست و کامل باور ندارند، یعنی می‌خواهند در ایمان آوردن به خدا و پیامبرانش فرق بگذارند، به این صورت که می‌گویند: «بعضی از پیامبران را قبول داریم و بعضی دیگر را نه!» و می‌خواهند در این میان به راه دلخواه خودشان بروند، آن‌ها با این باورهای نیم‌بند، حقیقتاً بی‌دین‌اند و برای این بی‌دین‌ها عذابی خفت‌بار آماده کرده‌ایم. ۱۵۰

ولی کسانی که خدا و پیامبرانش را باور دارند و در اصل نبوت بین هیچ‌یک از پیامبران فرق نمی‌گذارند، خدا پاداششان را خواهد داد. آخر، خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۱۵۲

با اینکه قرآن هست، یهودی‌ها از تو می‌خواهند کتاب دیگری از آسمان برایشان بفرستی! اما این بهانه است؛ زیرا عجیب‌ترش را از موسی خواستند و گفتند: «خدا را نشانمان بده تا او را با چشم ببینیم!» بابت همین درخواست نابجایشان، صاعقه‌ای مرگ‌بار آن‌ها را فرا گرفت! تازه، بعد از آن همه معجزه‌ها و دلیل‌های واضح بر نادرستی بت‌پرستی، به گوساله‌پرستی رو آوردند! ولی از سر این تقصیرشان هم گذشتیم و موسی را بر بت‌پرست‌ها و گوساله‌پرست‌ها کاملاً پیروز کردیم. ۱۵۳

برای تعهدگرفتن از آن‌ها، کوه طور را بلند کردیم و بالای سرشان نگه داشتیم و گفتیم: «با نهایت تواضع، از در بزرگ شهر آریحا وارد شوید» و نیز گفتیم: «از دستور ممنوع بودن ماهیگیری در روزهای شنبه سرپیچی نکنید». بله، برای عمل به دستورات تورات از آن‌ها تعهد محکم گرفتیم؛ ۱۵۴

۱. این داستان‌ها در چند جای قرآن به صورت جدا جدا یا یکجا آمده است، برای نمونه در آیه‌های ۵۰ به بعد سورهٔ بقره (ص ۸). این همه تکرار و تأکید بر حوادثی که بر سر مردم بنی‌اسرائیل آمده است، شاید برای این باشد که همهٔ مردم دنیا و به‌ویژه مسلمانان همیشه در خطر روبه‌رو شدن با این‌طور حوادث هستند.

ولی به خاطر: ۱. پیمان شکنی هایشان؛ ۲. باور نکردن آیه‌ها و نشانه‌های خدا؛ ۳. به شهادت رساندن ناجوانمردانه پیامبران؛ ۴. این بهانه‌شان که: «فهم ما کور است!» و البته این طور نیست؛ بلکه خدا از سرب‌بی دینی‌شان مُهر بدبختی بر دل هایشان زده و در نتیجه جز عده کمی‌شان ایمان نمی‌آوردند؛ ۵. نپذیرفتن حرف مریم و تهمت بزرگی که به او زدند؛ ۱۵۶

۶. اینکه با افتخار گفتند: «ما پیامبری را کشتیم که نامش عیسی بن مریم بود و لقبش مسیح.» در صورتی که نه او را کشتند و نه به‌دارش کشیدند؛ بلکه شخصی هم قیافه او را کشتند! البته آن‌هایی که در چگونگی کشته شدن عیسی اختلاف دارند، در اصل کشته شدنش هم مرددند و از سرنوشتش اطلاع درستی ندارند و فقط به حدس و گمان تکیه کرده‌اند. یقیناً او را نکشته‌اند؛ ۱۵۷ بلکه خدا او را زنده به سوی خود بالا برد؛ چراکه خدا شکست‌ناپذیر کار درست است. ۱۵۸ در ضمن، همه یهودی‌ها و مسیحی‌هایی که در آخرالزمان زندگی می‌کنند، بعد از ظهور عیسی و قبل از مرگش، حتماً به او ایمان می‌آورند^۱ و او هم روز قیامت درباره آن‌ها شهادت می‌دهد؛ ۱۵۹

بله، به خاطر این همه ظلمی که از یهودی‌ها سر زد؛ ۷. همچنین مانع شدنشان از بندگی خدا؛ ۸. رباخواری‌شان، با آنکه از آن منع شده بودند؛ ۹. و بالا کشیدن مال مردم، در دنیا و آخرت گرفتار عذاب شده و می‌شوند؛ از جمله، برخی چیزهای پاک و پاکیزه‌ای را که برایشان حلال بود، حرام کردیم^۲ و برای بی‌دین‌هایشان هم عذابی زجرآور آماده ساخته‌ایم؛ ۱۶۰ ۱۶۱

اما عالمان ثابت قدم اهل کتاب و مؤمنان‌شان و به‌ویژه اهل نماز و نیز اهل صدقه، واقعاً باور دارند آنچه را برای تو و پیامبران قبل از تو فرستاده شده است. بله، به همه آنانی که خدا و روز قیامت را باور دارند، پاداشی بزرگ خواهیم داد. ۱۶۲

۱. یعنی یهودی‌ها او را به پیامبری می‌پذیرند و مسیحی‌ها از خدادانستن او دست می‌کشند و این وقتی است که حضرت عیسی علیه السلام هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام، از آسمان فرود می‌آید و از باران آن حضرت می‌شود و پشت سرش نماز می‌خواند و یهودی‌ها و مسیحی‌ها نیز به آنان ایمان می‌آورند.

۲. برخی از آنچه بر یهودی‌ها حرام شد، در آیه ۱۴۶ سوره انعام (ص ۱۴۷) آمده است.

باید هم به همهٔ پیامبران ایمان بیاورند، چون ما همان طور به توحی کردیم که به نوح و پیامبران بعدش هم وحی کردیم. بله، به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از نسل یعقوب^۱ و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کردیم و به داوود هم کتاب زیور^۲ دادیم. ۱۶۳

در کل، هم به پیامبرانی که داستانشان را قبلاً برایت گفته‌ایم، وحی کردیم و هم به پیامبرانی که داستانشان را برایت نگفته‌ایم. به علاوه، خدا با موسی به طور ویژه حرف زد. ۱۶۴ این پیامبران مژده‌رسان و هشداردهنده بودند تا بعد از آمدن پیامبران، دیگر عذر و بهانه‌ای برای مردم در برابر خدا باقی نماند. بله، خدا شکست‌ناپذیر کار درست است. ۱۶۵

به هر حال، اگر قرآن را قبول ندارند، خدا با همین معجزه‌اش شهادت می‌دهد به درستی قرآنی که به علم خودش برایت فرستاده است. فرشتگان هم به درستی‌اش شهادت می‌دهند؛ اما همین بس که خدا شاهد باشد. ۱۶۶ البته کسانی که بی‌دینی کنند و با نپذیرفتن قرآن مانع بندگی خدا شوند، دچار گمراهی بی‌پایانی شده‌اند. ۱۶۷

بله، کسانی که بی‌دینی کنند و با مانع شدن از بندگی خدا، به خودشان و دیگران بد کنند، محال است خدا آن‌ها را بیامرزد و به راهی ببرد، ۱۶۸ جز به راه جهنم که همیشه آنجا ماندنی‌اند! این برای خدا آسان است. ۱۶۹

مردم! همان پیامبری که انتظارش را می‌کشیدید، با دین و کتاب آسمانی به سویتان آمده است؛ پس ایمان بیاورید که به نفعتان است. اگر هم ناشکری و بی‌دینی کنید، دودش به چشم خودتان می‌رود؛ چون آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال خداست و او دانای کار درست است. ۱۷۰

۱. معنای «اسباط» در پاورقی آیهٔ ۱۳۶ سورهٔ بقره (ص ۲۱) آمده است.

۲. کتاب‌های آسمانی که به پیامبران داده شد، دو گونه بود: ۱. پنج کتاب پنج پیامبر اولوالعزم که احکام قانون‌گذاری در آن بود و اعلام آیین جدید می‌کرد؛ ۲. کتاب‌هایی بدون احکام تازه، مانند زیور، شامل پندها و راهنمایی‌ها و دعاها.

مسیحی‌ها! در معارف دینتان تحریف و بزرگ‌نمایی نکنید و دربارهٔ خدا جز حقیقت نگویند. عیسیای مسیح، پسر مریم، فقط پیامبر خدا بود و البته مخلوق ویژه‌اش و روحی از طرف او که به مریم هدیه داد. بنابراین، به خدا و پیامبران‌اش ایمان بیاورید و نگویند: «سه خدا هست.» به نفعتان است که از این حرف‌ها دست بردارید. خدا فقط معبود بی‌گانه است و شأنش بالاتر از این است که فرزندی داشته باشد؛ زیرا آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال اوست. همین بس که چنین خدایی همه‌کارهٔ عالم باشد. ۱۷۱

مسیح از اینکه بندهٔ او باشد، هرگز سرپیچی نکرده و نمی‌کند. فرشتگان نزدیک به خدا هم همین‌طور. خدا افرادی را که از پرستش او سرپیچی کنند و شاخ‌وشانه بکشند، به همین زودی‌ها در پیشگاه خودش یکجا احضار می‌کند. ۱۷۲

پس به کسانی که ایمان آورده و کارهای خوب کرده‌اند، کامل پاداش می‌دهد و تازه، از سر بزرگواری‌اش آنان را به رشد و تعالی می‌رساند؛ اما کسانی را که از پرستش او خودداری کرده‌اند و در برابرش شاخ‌وشانه کشیده‌اند، به عذابی زجرآور دچار می‌کند و دیگر، برای خودشان جز خدا یار و یاورى پیدا نمی‌کنند. ۱۷۳

مردم! دلیلی بسیار روشن، یعنی قرآن، برایتان آمده است. بله، نور روشنگر قرآن را بر شما تابانده‌ایم. ۱۷۴ خدا کسانی را که باورش کنند و به او پناه ببرند، زیر چتر لطف و بزرگواری‌اش می‌گیرد و برای رسیدن به خودش، آنان را به راه درست زندگی می‌برد. ۱۷۵

پيامبر! دربارهٔ ارث برادران و خواهران از تو می پرسند. بگو: «خداست که دربارهٔ آن ها به شما جواب می دهد: اگر برادری از دنیا برود و والدین و بچه ای نداشته باشد و فقط یک خواهر پدرمادری یا پدری تنها داشته باشد، نصف ارث به او می رسد.^۱ در ضمن، اگر آن خواهر بمیرد و والدین و بچه ای نداشته باشد، آن برادر تمام دارایی اش را به ارث می برد. حال، اگر دو خواهر باشند، دوسوم ارث به آن ها می رسد و اگر چند برادر و خواهر باشند، همهٔ ارث را می برند؛ این طور که سهم هر برادر، به اندازهٔ سهم دو خواهر است.» خدا آیات و احکامش را برایتان توضیح می دهد تا مبدا گمراه شوید. خدا هر چیزی را می داند. ۱۷۶

سورهٔ مائده

به نام خدای خوب مهربان

مسلمانان! به تمام قراردادهای خودتان پایبند باشید. گوشت دام های زبان بسته برایتان حلال است؛ مگر آن دام هایی که نامشان در دو آیهٔ بعد برایتان می آید. البته در حال إحرام، دام های وحشی را شکار نکنید.^۲ خدا به هر کاری صلاح بداند، فرمان می دهد. ۱

مسلمانان! به اعمال و آداب حج بی احترامی نکنید. احترام این ها را هم نگه دارید: ماه حرام^۳ و قربانی های بی نشان و نشان دار^۴ و حاجیان خانهٔ خدا که دنبال لطف و رضایت خدا هستند.

وقتی از احرام خارج شدید، اجازه دارید شکار کنید.^۵ کینه توزی اهل مکه، همان ها که مانع ورودتان به مسجد الحرام می شدند، و ادارتان نکند که به حقوقشان تجاوز کنید. در کارهای خوب و رعایت حقوق دیگران به همدیگر کمک کنید و در سهل انگاری و تجاوز به حقوق دیگران، به همدیگر کمک نکنید. در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید که مجازات خدا شدید است! ۲

۱. احکام ارث برادران و خواهران فقط مادری، در آیهٔ ۱۲ همین سوره آمد.

۲. در حال إحرام، حدود بیست کار بر حاجی حرام است، از جمله شکار که البته امروزه به ندرت پیش می آید.

۳. دربارهٔ «ماه حرام» یاورقی آیهٔ ۱۹۴ سورهٔ بقره (ص ۳۰) را ببینید.

۴. چهارپایان نشاندار یعنی چهارپایانی که علامت گذاری شان می کنند تا همه بدانند آن ها برای مراسم قربانی حج در نظر گرفته شده اند و نباید کاری به کارشان داشته باشند.

۵. دربارهٔ شکار در حال احرام، آیه های ۹۴ تا ۹۶ همین سوره را بخوانید.

خوردن این‌ها بر شما حرام است: حیوان مرده، خون، گوشت خوک، حیوان حلال‌گوشتی که با نام غیر خدا سر بریده شود، حیوانی که خفه شده یا با کتک خوردن یا پرت شدن از بلندی یا با شاخ زدن حیوان دیگری تلف شده باشد و نیز نیم‌خوردهٔ درندگان؛ مگر آنکه تا نمرده‌اند، سرشان را ببرید. حیوانی هم که در برابرت‌ها قربانی شده و گوشتی که با قمار بازی تقسیم کرده‌اید، بر شما حرام است. همهٔ این کارها انحراف از دستوره‌ای خداست. البته هرکه به گرسنگی شدید دچار شود و به اندازهٔ ضرورت و با بی‌میلی مجبور به خوردنشان شود، سهل‌انگاری نکرده؛ زیرا خدا آمرزندهٔ مهربان است. امروز با انتخاب جانشین پیامبر، دشمنان بی‌دینتان از نابودی دینتان ناامید شدند؛ بنابراین دیگر از آن‌ها نترسید و فقط از من حساب ببرید. امروز مجموعهٔ دینتان را کامل کردم، نعمت ولایت را بر شما تمام ساختم و راضی‌ام از اینکه دینتان اسلام باشد. ۳

از تو می‌پرسند که چه خوردنی‌هایی برایشان حلال است؟ بگو: «همهٔ چیزهای پاک و پاکیزه برایتان حلال است. از صیدی بخورید که حیوانات شکاری دست‌آموزتان می‌گیرند. این شکار کردن را از آموخته‌های خدادادی‌تان به آن‌ها یاد داده‌اید. وقت فرستادن حیوان شکاری نام خدا را ببرید. برای تفریح و خوش‌گذرانی سراغ شکار نروید؛ زیرا خدا به سرعت حسابرسی می‌کند.» ۴

بله، امروز همهٔ چیزهای پاک و پاکیزه برایتان حلال است. هم غذاهای اهل کتاب برای شما حلال است و هم غذاهای شما برای آن‌ها.

همچنین، با پرداخت مهریه و رعایت پاک‌دامنی و خودداری از رابطهٔ نامشروع و دوست‌دختربازی^۲ می‌توانید با بانوان پاک‌دامن مسلمان و بانوان پاک‌دامن اهل کتاب ازدواج کنید.

البته هرکه با سوءاستفاده از این راحت‌گیری در ازدواج با اهل کتاب، دچار سهل‌انگاری در اعتقادات و واجبات دینی شود، کارهای خوبش هم هدر می‌رود و در آخرت نیز سرمایهٔ عمرش را باخته است! ۵

۱. منظور روز هجدهم ذی‌حجهٔ سال دهم هجری است که حضرت محمد ﷺ در منطقهٔ غدیر خم و به دستور خدای حکیم، حضرت علی (ع) را صریحاً به ولایت و جانشینی خود و به امامت و حکومت مسلمانان انتخاب کرد.

۲. این آیه و آیهٔ ۲۵ سورهٔ نساء (ص ۸۲)، داشتن دوست‌دختر و دوست‌پسر را به صراحت نکوهش می‌کنند. در عوض، مسلمانان را به ازدواج سالم تشویق می‌کنند، از هر نوعی که باشد.

مسلمانان! وقتی می‌خواهید نماز بخوانید، اول وضو بگیرید؛ به این ترتیب که صورت و دست‌هایتان تا آرنج را بشویید و جلوی سرتان را مسح کنید. روی پاهایتان را هم تا برآمدگی روی پا، اگر جُنُب بودید، غسل کنید. اگر بیمار بودید و آب برایتان ضرر داشت، یا در سفر بودید و آب پیدا نکردید، آن وقت، در دو جا، با خاک پاک تیمم کنید: بعد از اینکه از دست شویی آمدید یا اینکه با بانوان تماس جنسی داشتید.

تیمم این‌طور است: دو کف دست را روی خاک بزنید و به پیشانی و پشت دست‌هایتان بکشید. خدا که نمی‌خواهد به شما سخت بگیرد؛ بلکه می‌خواهد پاکتان سازد و نعمتش را بر شما تمام کند تا شکر کنید. ۶

نعمت بزرگ خدا یعنی اسلام را در حق خود فراموش نکنید و نیز تعهدی را که در قبول اسلام از شما گرفت. منظور، وقتی بود که گفتید: «گوش به فرمانیم.» در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید که خدا خوب می‌داند هر آنچه را در دل‌ها می‌گذرد. ۷

مسلمانان! برای رضای خدا با تمام توان ایستادگی کنید و هر جا لازم است، برای اجرای عدالت شهادت دهید. کینه‌توزی یکی از دو طرفِ دعا شما را در دام بی‌عدالتی نیندازد.

طبق عدالت رفتار کنید که با تقوآمداری بیشتر جور درمی‌آید. در حضور خدا شهادتِ ناحق ندهید و از شهادتِ بحق خودداری نکنید که خدا آگاه است که

چه می‌گویید. ۸

خدا به مسلمانانی که کارهای خوب کرده‌اند، وعدهٔ آمرزش و پاداشی بزرگ داده

است. ۹

اما بی‌دین‌هایی که نشانه‌های ما را دروغ بدانند، جهنمی‌اند! ۱۰
مسلمانان! نعمت خدا به خودتان را فراموش نکنید: همان وقت‌هایی که دشمنانتان، برای نابودی اسلام، قصد دست‌درازی به شما داشتند؛ ولی خدا شترشان را از سرتان کم کرد. در حضور خدا، مراقب باشید عهدشکنی نکنید. مؤمنان باید فقط به خدا توکل کنند. ۱۱

خدا از یهودی‌های بنی‌اسرائیل تعهد محکم گرفت؛ این طور که برای گروه‌های دوازده‌گانه‌شان، دوازده نفر از خودشان را سرپرست کردیم. خدا شرط کرد: «حتماً هوایتان را دارم. اگر نماز را با آدابش بخوانید، صدقه بدهید، پیامبران را باور کنید، حامی‌شان باشید و در کل، کارهای خوب پیش خدا پس‌انداز کنید،^۱ در عوض این‌ها حتماً گناهان کوچکی را که از دستتان در رفته است، بدون توبه محو می‌کنم^۲ و حتماً در باغ‌هایی پردرخت جایتان می‌دهم که در آن‌ها جوی‌ها روان است. پس اتمام حجت می‌کنم: بعد از این، هر کدامتان بی‌دینی و عهدشکنی کند، قطعاً راه درست را گم کرده است.» ۱۲

برای عهدشکنی‌شان، لعنتشان کردیم و دل‌هایشان را سفت و سخت ساختیم. به همین خاطر، مطالب تورات را تغییر می‌دادند یا کم‌وزیاد می‌کردند. آن وقت، بخش مهمی از حرف‌هایی را فراموش کردند که آن‌ها را به خود می‌آورد.

تازه، هر بار، متوجه خیانت جدیدی از آن‌ها می‌شوی! مگر عده کمی‌شان که خیانت نمی‌کنند. با این حال فعلاً از آن‌ها گذشت کن و به رویشان نیاور که خدا درستکاران را دوست دارد. ۱۳

۱. «قرض الحسنه» در فرهنگ قرآنی هر کار خیری را در بر می‌گیرد: قرض دادن به دیگران، عبادت‌کردن مانند نماز و روزه، کارهای خدماتی مثل ساختن مدرسه و مسجد و درمانگاه، دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی و... آیة ۲۴۵ سوره بقره (ص ۳۹) و پاورقی‌اش را هم ببینید.

۲. گاهی خدای مهربان شرط بخشش بی‌توبه گناهان کوچک را انجام کارهای بزرگ می‌داند مثل همین آیه و گاهی شرطش را ترک گناهان بزرگ می‌داند مثل آیة ۳۱ سوره نساء (ص ۸۳) و گاهی هر دو مثل آیة ۶۵ همین سوره.

همچنین، از کسانی که ادعا می‌کردند «مسیحی واقعی ماییم»، تعهد محکم گرفتیم؛ اما آن‌ها هم بخش مهمی از حرف‌هایی را فراموش کردند که آن‌ها را به خود می‌آورد. ما هم بینشان تا روز قیامت دشمنی پایدار و کینه‌ریشه‌دار انداختیم. خدا از کارهای مودبانه و زشتشان باخبرشان خواهد کرد. ۱۴

ای اهل کتاب، فرستاده‌ی ما محمد به سویتان آمده است. خیلی از مطالب تورات و انجیل را که همیشه مخفی می‌کردید، او برایتان آشکار می‌کند و از خیلی پنهان‌کاری‌هایتان هم چشم می‌پوشد.

بله، این کتاب نورانی و روشنگر، یعنی قرآن، از طرف خدا به سوی شما آمده است تا خدا با آن، آنانی را که دنبال رضای اویند، به راه‌های سلامت و خوشبختی راهنمایی کند و آنان را زیر نظر خودش از تاریکی‌های اعتقادی و اخلاقی به طرف نور معرفت و پاکی بیرون بکشد و به راه درست زندگی ببرد. ۱۵ ۱۶

کسانی که عقیده دارند: «خدا همان مسیح پسر مریم است»، حتماً بی‌دین شده‌اند. پیامبر! به آن‌ها هشدار بده: «اگر خدا اراده کند که مسیح پسر مریم و مادرش و همه ساکنان روی زمین را نابود کند، در برابر اراده‌اش از دست چه کسی کوچک‌ترین کاری ساخته است؟! فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست، فقط در اختیار خداست؛ زیرا او هرچه بخواهد، می‌آفریند. بله، خدا از عهده هر کاری برمی‌آید.» ۱۷

یهودی‌ها و مسیحی‌ها ادعا می‌کنند: «ما فرزندان و دوستان خداییم!»^۱ بگو: «پس چرا خدا به سزای گناهانتان عذابتان می‌کند؟! نه، این‌طور نیست؛ بلکه شما هم بشری هستید از جمله مخلوقات خدا.» خدا هم هرکه را لایق ببیند، می‌آمزد و هرکه را مستحق عذاب ببیند، عذاب می‌کند؛ زیرا فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌هاست، فقط در اختیار خداست و به او ختم می‌شود آخر عاقبت همه. ۱۸

ای اهل کتاب، فرستاده ما محمد در دورانی به سویتان آمد که مدتی طولانی پیامبری نیامده بود^۲ و خیلی از مطالب تورات و انجیل را که مخفی می‌کردید، برایتان آشکار کرد تا روز قیامت نگویید: «برای ما مژده‌رسان و هشداردهنده‌ای نیامد.» الان دیگر مژده‌دهنده و هشداردهنده‌ای برایتان آمده است. بله، خدا از عهده هر کاری برمی‌آید. ۱۹

یادتان بیاید که موسی به قومش گفت: «مردم! لطف‌های خدا را در حق خودتان فراموش نکنید، وقتی بینتان پیامبرانی فرستاد و شما را صاحب اختیار خودتان کرد و چیزهایی به شما داد که به هیچ‌یک از جهانیان نداده بود. ۲۰

مردم! به سرزمین مقدس و حاصلخیز شامات^۳ وارد شوید که خدا برایتان مقدرش کرده است. به دشمن پشت نکنید و پا به فرار نگذارید که آن وقت، شکست سختی خواهید خورد.» ۲۱

گفتند: «موسی! در آن سرزمین جماعتی زورگو زندگی می‌کنند. تا آن‌ها از آنجا کوچ نکنند، ما پایمان را آنجا نخواهیم گذاشت! اول، آن‌ها از آنجا بروند. بعدش ما می‌رویم آنجا!» ۲۲

دو نفر از مردم خداترس که خدا نعمت ایمان و شجاعت به آنان داده بود، پیشنهاد کردند: «از دروازه اصلی شهر، یک دفعه به آن‌ها حمله کنید! پایتان که به شهر برسد، دیگر بیروزی تان حتمی است. اگر ایمان واقعی دارید، فقط به خدا توکل کنید.» ۲۳

۱. نگاه کنید به پاورقی آیه ۷۸ سوره بقره (ص ۱۲).

۲. در فاصله زمانی بین حضرت موسی و حضرت عیسی علیه السلام خیلی پیامبران آمدند؛ اما از زمان حضرت عیسی صلی الله علیه و آله تا زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله، یعنی حدود شش صد سال، حداکثر سه چهار پیامبر آمد. این دوران به «دوران فترت» معروف است.

۳. منطقه شامات شامل کشورهای فلسطین، لبنان، سوریه و اردن می‌شود. آیه ۱۳۷ اعراف (ص ۱۶۶)، ۹۳ یونس (ص ۲۱۹) و ۱۰۴ اسراء (ص ۲۹۲) را هم نگاه کنید.

ولی آن‌ها حرفشان را تکرار کردند: «نه موسی، تا وقتی آن‌ها آنجا هستند، ما ابداً پایمان را آنجا نخواهیم گذاشت. اصلاً خودت و خدایت بروید و با آن‌ها بجنگید. ما هم همین‌جا منتظر پیروزی تان می‌نشینیم!» ۲۴

موسی گفت: «خدایا، من و برادرم فقط اختیار خودمان را داریم؛ پس خودت بین ما و این جماعت منحرف داوری کن.» ۲۵ خدا فرمود: «حالا که سرپیچی و بی‌ادبی کردند، و رودشان به آن سرزمین چهل سال ممنوع شد! در این مدت، در بیابان‌ها آواره و سرگردان می‌مانند. دیگر هم به حال این جماعتِ منحرف افسوس نخور.» ۲۶

پیامبر! داستان واقعی هابیل و قابیل را برای یهودی‌ها و مسیحی‌ها بخوان: هر کدامشان برای نزدیک شدن به خدا یک قربانی تقدیم کرد. از هابیل پذیرفته شد، ولی از قابیل نه. او از روی حسادت، برادرش را تهدید کرد: «حتماً می‌کشمت!» هابیل جواب داد: «من کاره‌ای نیستم. خدا فقط از خودمراقبان می‌پذیرد. ۲۷ تو اگر به قصد کشت، به من دست‌درازی کنی، من جز برای دفاع دستم را رویت بلند نمی‌کنم. من نه از تو، بلکه از خدایی می‌ترسم که صاحب جهانیان است. ۲۸ من که بدم نمی‌آید بارگناهان من و خودت را به دوش بکشی^۱ و با این کار، جهنمی شوی! خب مجازات اهل ظلم همین است.» ۲۹

نفس سرکشِ قابیل برایش کشتنِ برادرش را کاری سبک جلوه داد، تا اینکه بالاخره او را کشت و در نتیجه، سرمایه‌ی عمرش را بر باد داد! ۳۰ بعد از مدتی، خدا به کلاغی مأموریت داد که زمین را برای مخفی کردن چیزی بگند تا به قابیل نشان دهد که جسد برادرش را چطور دفن کند. قابیل با خودش گفت: «خاک بر سرم! یعنی من نمی‌توانم مثل این کلاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟!» دست‌آخر، از کار خودش حسابی پشیمان شد. ۳۱

۱. یعنی قاتل، علاوه بر گناه آدم‌کشی، با ظلمی که به مقتول کرده و حق حیات را از او گرفته است، گناهان مقتول را هم به دوش خواهد کشید.

برای پیشگیری از چنین جنایت‌هایی، به بنی اسرائیل گوشزد کردیم که هرکس انسانی را بکشد، بی‌آنکه مقتول، کسی را کشته یا در جامعه خراب‌کاری کرده باشد، انگار همهٔ مردم را کشته است! در مقابل، هرکس انسانی را از مرگ نجات بدهد، انگار به همهٔ مردم زندگی بخشیده است! البته پیامبران ما برای برقراری صلح و صفا میان بنی اسرائیل، دلیل‌های روشنی آوردند؛ باین همه خیلی‌هایشان در جامعه مشغول قتل و غارت شدند. ۳۳

مجازات افراد شروری که با خدا و رسولش مُحاربه^۲ می‌کنند و با خراب‌کاری‌های برنامه‌ریزی شده امنیت جامعه را برهم می‌زنند، این است: به تناسب جرمشان و بدون ترحم، آن‌ها را بکشند یا به صُلابه بکشند یا چهار انگشت دست راست و چهار انگشت پای چپشان را قطع کنند یا از شهرشان تبعیدشان کنند. تازه، این‌ها رسوایی آن‌ها در دنیاست و در آخرت هم عذابی بی‌اندازه نصیبشان می‌شود. ۳۳ اگر قبل از اینکه بتوانید دستگیرشان کنید، توبه کنید، مجازات‌های بالا را درباره‌شان اجرا نکنید؛ زیرا بدانید خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۳۴

مسلمانان! در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید و دنبال راه‌های نزدیک شدن به خدا باشید و در راه او مبارزهٔ همه‌جانبه کنید تا خوشبخت شوید. ۳۵ البته کسانی که بی‌دینی کنند، حتی به فرض محال، دو برابر تمام دارایی‌های زمین را داشته باشند و برای رهایی خودشان از عذاب روز قیامت هزینه‌اش کنند، هرگز از آن‌ها قبول نخواهد شد و عذابی زجرآور در انتظارشان است. ۳۶

۱. چون یک انسان شاید بتواند منشأ خیرات فراوانی در دنیا شود یا نسل فراوانی از او به دنیا بیاید یا با کشته شدن یا نجات یافتن او سنت شَرّ و خیری در عالم پایه‌گذاری شود یا عمل زشت و خوب قاتل و ناجی در هر فرصتی که برایشان پیش بیاید، تکرارشدنی باشد یا اینکه چون ما انسان‌ها زنجیروار به هم وصلیم و همگی متعلق به یک پیکریم، با مفقود شدن یا در جای خود ماندن یکی، کل این سلسله و پیکره ناقص شود یا کامل بماند. در قتل‌های همه یا بیشتر این‌ها اتفاق افتاد.

۲. «مُحاربه» یعنی اقدام مسلحانه و زُعب‌آور، برای تجاوز به جان و مال و ناموس مردم، مانند گروگان‌گیری و ترور و سرقت و بمب‌گذاری و ...

دائم می‌خواهند از آتش فرار کنند؛ ولی نمی‌توانند از آنجا فرار کنند. آخر، عذابشان دائمی است. ۳۷

چهار انگشت دست راست مرد و زن دزد را به سزای کار زشتی که کرده‌اند و به عنوان مجازات الهی، قطع کنید. خدا شکست‌ناپذیر کار درست است. ۳۸ اما کسی که بعد از دزدی و قبل از اینکه بتوانید دستگیرش کنید، توبه کند و مال دزدی را به صاحبش برگرداند، خدا به او لطف می‌کند و مجازات دزدی در حقش اجرا نمی‌شود؛ چون خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۳۹ مگر نمی‌دانی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در اختیار اوست: هر که را مستحق عذاب ببیند، مجازات می‌کند و هر که را لایق آمرزش ببیند، می‌آمرزد. آخر، خدا از عهدهٔ هر کاری برمی‌آید. ۴۰

پیامبر! مبادا کسانی که در بی‌دینی و نافرمانی سر از پا نمی‌شناسند، غصه‌دارت کنند: از منافق‌ها گرفته که به زبان می‌گویند: «اسلام آورده‌ایم» ولی در دل ایمان نیاورده‌اند، تا یهودی‌ها، منظور، یهودی‌های ساده‌لوحی است که هم دروغ‌بافی زمامدارانشان را می‌شنوند و هم برای عالمانشان خبرچینی می‌کنند؛ همان عالمانی که مطالب تورات را تغییر می‌دهند یا کم‌وزیاد می‌کنند و به آن عوام ساده‌لوح می‌گویند: «پیامبر اسلام اگر همانی را به شما گفت که ما گفتیم، از او قبول کنید؛ وگرنه از او دوری کنید!»

البته آن‌هایی که خدا از سر بی‌لیاقتی‌شان بخواهد گرفتارشان کند، در برابر خواستهٔ خدا کاری از دستت برایشان ساخته نیست. آن‌ها کسانی‌اند که خدا نخواسته است وجودشان را پاک کند. در دنیا با خفت و خواری زندگی می‌کنند و در آخرت هم عذابی بی‌اندازه در انتظارشان است. ۴۱

این عوام یهود، خبرچین اند و آن عالمان یهود، حرام خوار! اگر برای قضاوت بیشتر آمدند، بینشان داوری کن و اگر به صلاح نمی دانی، از آن ها رو بگردان. اگر از آن ها رو گرداندی، هرگز به تو ضرری نمی زند. حال، اگر خواستی داوری کنی، به عدالت بینشان داوری کن که خدا مردم عادل را دوست دارد. ۴۲

اصلاً با چه رویی تو را به داوری می طلبند؟! با آنکه تورات که حکم خدا در آن است، در اختیارشان است و با وجود این، از آن رو می گردانند! آخر، آن ها تورات را هم باور ندارند! ۴۳

ما تورات را فرستادیم که در آن، راهنمایی ها و روشنگری های ارزشمندی بود. پیامبرانی که تسلیم دستورهای خدا بودند و نیز عالمان خداجو و روحانیان یهودی که حفظ تورات بر عهده شان گذاشته شده بود و بر اصالت تورات گواه بودند، بر اساس همین کتاب برای یهودی ها داوری می کردند.

پس شما عالمان یهودی هم در اجرای احکام الهی از مردم نترسید و فقط از من حساب ببرید و آیات و احکام مرا به قیمت ناچیز مادی نفروشید. آن هایی که بر اساس آنچه خدا فرستاده است، داوری نکنند، واقعاً بی دین اند. ۴۴

در تورات، قصاص^۱ را برای جرم های عمدی، بر یهودی ها واجب کردیم، این طور که: جان در برابر جان، چشم در برابر چشم، بینی در برابر بینی، گوش در برابر گوش، دندان در برابر دندان و... در کل، زخم ها و ضربه های عمدی قصاص دارند.

البته هرکه از حق قصاص خودش گذشت کند، مایه آمرزشی است برای گناهان خودش. آن هایی که بر اساس آنچه خدا فرستاده است، داوری نکنند، واقعاً ستمکارند. ۴۵

به دنبال پیامبران گذشته، عیسی بن مریم را فرستادیم که کتاب آسمانی موجود در آن زمان یعنی تورات را قبول داشت و به او انجیل دادیم که در آن، راهنمایی‌ها و روشنگری‌های ارزشمندی بود و تأییدکننده کتاب آسمانی موجود در آن زمان، یعنی تورات. همچنین انجیل، راهنما و پندی بود برای خودمراقبان. ۴۶

به مسیحی‌ها دستور دادیم بر اساس آنچه خدا در انجیل فرستاده، داوری کنند. آن‌هایی که بر اساس آنچه خدا فرستاده است، داوری نکنند، واقعاً منحرف‌اند. ۴۷ این قرآن را حساب شده و هدف‌دار به سوی تو فرستادیم که تأییدکننده کتاب‌های آسمانی موجود است و به علاوه، از همه نظر به آن‌ها سراسر است. بنابراین، بر اساس آنچه خدا فرستاده، بین همه داوری کن و با دنباله‌روی از هواوهوس آن‌ها از احکام قرآن رو برنگردان. برای هر گروهی از شما راه و روش روشنی در نظر گرفتیم.

اگر خدا می‌خواست، همه شما را امتی یکدست با یک دین قرار می‌داد؛ ولی چنین نکرد، تا با نعمت‌ها و استعداد‌های مختلفی که به شما داده است، امتحانتان کند. بنابراین، به جای بحث‌های اختلافی و بی‌فایده، در کارهای خوب از همدیگر سبقت بگیرید. به سوی خداست برگشتن همه‌تان و او از هر چیزی که سرش اختلاف داشته‌اید، باخبرتان می‌کند. ۴۸

علاوه بر فرستادن قرآن، به تو دستور دادیم: «بر اساس آنچه خدا فرستاده است، بین مردم داوری کن و تابع میل آن‌ها نباش و مواظب باش تو را از آنچه خدا به سوی تو فرستاده است، به انحراف نکشانند. اگر از دعوت و داوری‌ات سربلندی کردند، بدان که خدا می‌خواهد به مجازات بعضی گناهانشان گرفتارشان کند؛ چون خیلی از مردم منحرف‌اند. ۴۹ نکند آن‌ها دنبال قوانین دوران جاهلیت‌اند؟! البته برای گروهی که دنبال یقین‌اند، چه قانون‌گذاری بهتر از خداست؟!» ۵۰

مسلمانان! با یهودی‌ها و مسیحی‌ها طرح دوستی نریزید؛ چون وقت رودرویی با شما، آن‌ها هوای همدیگر را دارند! هر کدامتان دوست صمیمی آن‌ها شود، جزو همان‌ها محسوب می‌شود و خدا دست چنین مردم بدکاری را نمی‌گیرد. ۵۱

می‌بینی کسانی که بیماری سیاسی دارند، در دوستی با اهل کتاب سراز پا نمی‌شناسند و در توجیه این کارشان می‌گویند: «می‌ترسیم اتفاق ناگواری برایمان بیفتد و به کمکشان نیاز پیدا کنیم.» ولی شاید خدا از طرف خودش پیروزی یا گشایشی نصیب مسلمانان کند تا در نتیجه، آن بیمار دل‌ها از توهم‌هایی که در دل داشتند، پشیمان شوند. ۵۲ آن وقت است که مسلمانان به آن‌ها می‌گویند: «این اهل کتاب همان‌هایی‌اند که سفت و سخت به خدا قسم می‌خوردند که همیشه با شما نیستند؟!» با این کارشان، کارهای خوبی هم که احیاناً از آن‌ها سرزده است، هدر رفت و سرمایه‌ی عمرشان را باختند! ۵۳

مسلمانان! اگر عده‌ای از شما با تمایل به دشمن، در دین خودشان ثابت قدم نباشند، خدا مردمی را به صحنه خواهد آورد که: آنان را دوست دارد و آنان هم او را دوست دارند، در برخورد با مسلمانان نرم و فروتن‌اند و در برابر دشمنان بی‌دین سرسخت و قاطع‌اند، در راه خدا می‌جنگند و از سرکوفتِ هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌ترسند. این لطف خداست که به هر ملتی شایسته بداند، می‌دهد؛ زیرا خدا روزی گستر داناست. ۵۴

همه‌کاره‌تان فقط خداست و پیامبرش و مؤمنانی مانند علی بن ابی‌طالب که نماز را با آدابش می‌خوانند و در حال رکوع صدقه می‌دهند. ۵۵ هر که خدا و پیامبرش و این‌طور مؤمنان را به سرپرستی خودش بپذیرد، از حزب خداست و حزب خداست که پیروز است. ۵۶

مسلمانان! با کسانی از اهل کتاب که دینتان را مسخره می‌کنند و به آن متلک می‌پرانند و نیز با بی‌دین‌ها طرح دوستی نریزید. اگر واقعاً مسلمانید، در حضور خدا مراقب ارتباطاتتان با آن‌ها باشید. ۵۷

۱. این است گوشه‌ای از شرح حال سیاست‌مداران غربزده دوتابعیتی در کشورهای اسلامی.

۲. به آیه ۸۹ انعام (ص ۱۳۸) و ۲۴ توبه (ص ۱۹۰) هم نگاه کنید.

۳. این آیه به آیه ولایت معروف است و روایت‌های بسیاری از شیعه و سنی در این باره هست.

وقتی با اذان، مردم را برای خواندن نماز دعوت می‌کنید، نماز را مسخره می‌کنند و به آن متلک می‌پرانند! چون آن‌ها جماعتی‌اند که عقلشان را به کار نمی‌اندازند. ۵۸

بگو: «اهل کتاب، آیا عقده‌گشایی و عیب‌جویی‌تان از ما جز برای این است که ما خدا و قرآنی را که بر ما نازل شده و کتاب‌های آسمانی را که قبلاً فرستاده شده، باور کرده‌ایم و نیز برای اینکه بیشترتان منحرفید؟!» ۵۹

بگو: «گیرم که این باورها بد باشد! از سرانجامی بدتر از آن از نظر خدا باخبرتان کنم؟! آن‌هایی که خدا لعنتشان کرد و از آن‌ها خشمگین شد و بعضی‌شان را به صورت بوزینه و خوک درآورد و نیز آن‌هایی که در برابر طاغوت سر تسلیم فرود آوردند. بله، آن‌ها ایند که جایگاهشان بدتر است و از راه درست منحرف‌ترند.» ۶۰

وقتی پیشتان می‌آیند، ادعا می‌کنند: «اسلام آورده‌ایم.» درحالی‌که با بی‌دینی پیشتان می‌آیند و با همان بی‌دینی هم بیرون می‌روند! خدا بهتر می‌داند چه نیت‌ها و نقشه‌های شومی در سر می‌پرورانند. ۶۱

خیلی‌هایشان را می‌بینی که در زدن حرف‌های گناه‌آلود، تجاوز به حقوق مسلمانان، ربا و رشوه‌خواری سراز پا نمی‌شناسند. راستی که کارهای زشتی می‌کنند! ۶۲

چرا عالمانِ خدا جو و روحانیان اهل کتاب آن‌ها را از حرف‌های گناه‌آلود و حرام‌خواری‌شان نهی نمی‌کنند؟! راستی که سکوت زشت و موذیان‌ه‌ای در پیش گرفته‌اند! ۶۳

یهودی‌ها به مسخره می‌گفتند: «دست خدا تنگ است!»^۱ دست خودشان تنگ باد! و به سزای این حرفشان لعنت خدا بر آن‌ها! نخیر، دست خدا خیلی هم باز است و هرطور صلاح بداند، روزی می‌دهد. البته معارفی که به سوی تو فرستاده شده، سرکشی و بی‌دینی خیلی‌هایشان را زیاده‌تر می‌کند!

ما هم تا روز قیامت، بینشان دشمنی پایدار و کینه‌ریشه‌دار انداختیم. برای نابودی اسلام، هر بار آتش افروزی کنند، خدا خاموشش می‌کند. همه تلاششان را برای خراب‌کاری در جامعه به کار می‌بندند. خدا خراب‌کارها را دوست ندارد. ۶۴

۱. اشاره می‌کند به آیه‌های ۱۶۳ تا ۱۶۶ سوره اعراف (ص ۱۷).

۲. با شنیدن آیه‌هایی که کمک به نیازمندان را قرض‌دادن به خدا می‌داند، مانند ۲۴۵ سوره بقره (ص ۳۹)، یهودی‌ها به طعنه می‌گفتند: «این چه خدای فقیر و بخیلی است که برای روزی‌رساندن به بعضی بندگان، از بعضی دیگرشان کمک می‌خواهد؟!»

اگر اهل کتاب واقعاً ایمان داشته باشند^۱ و از گناهان بزرگ دوری کنند، گناهان کوچکی را که از دستشان در رفته است، بدون توبه محو می‌کنیم و در باغ‌هایی پُرناز و نعمت جایشان می‌دهیم. ۶۵ همین طور، اگر آن‌ها به تورات و انجیل و کتاب‌های آسمانی که به سویشان فرستاده شده است، واقعاً عمل می‌کردند، از برکت‌های آسمان و زمین برخوردار می‌شدند. فقط گروهی از آن‌ها میانه‌رو و گوش به فرمان اند؛ ولی خیلی‌هایشان بد رفتار می‌کنند! ۶۶

پیامبر! فرمان خدا را شفاف به مردم اعلام کن و بگو که جانشینت کیست. اگر این کار را نکنی، مأموریت پیامبری‌ات را به سرانجام نرسانده‌ای! خدا از شرّ مردم منافق و موذی حفظت می‌کند؛ چون خدا جماعت بی‌دینی را که فرمان خدا در انتخاب جانشین تو را نپذیرند، در رسیدن به اهدافشان موفق نمی‌کند. ۶۷

بگو: «ای اهل کتاب، تا وقتی به تورات و انجیل و کتاب‌های آسمانی که به سویتان فرستاده شده است، واقعاً عمل نکنید، هیچ ارزش و اعتباری ندارید!» البته قرآنی که به سوی تو فرستاده شده، سرکشی و بی‌دینی خیلی‌هایشان را زیاده‌تر می‌کند. بنابراین، تو دیگر به حال این جماعت بی‌دین افسوس نخور. ۶۸

البته از کسانی که اسلام آورده‌اند و یهودی‌ها و صابئی‌ها و مسیحی‌ها،^۲ آن‌هایی‌شان که خدا و روز قیامت را واقعاً باور دارند و کار خوب می‌کنند، نه ترسی بر آنان غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورند. ۶۹

از بنی اسرائیل تعهد محکم گرفتیم و پیامبرانی به سویشان فرستادیم. هر بار که پیامبران چیزی برایشان می‌آوردند که باب میلشان نبود، عده‌ای را دروغگو می‌دانستند و عده‌ای را شهید هم می‌کردند! ۷۰

۱. آیه ۶۲ بقره (ص ۱۰) و ۶۹ همین سوره را درباره ایمان واقعی و نیز آیه ۳۱ نساء (ص ۸۳) و ۱۲ همین سوره را درباره بخشش بی‌توبه گناهان کوچک ببینید.

۲. این آیه به «آیه تبلیغ» معروف است. آیه سوم همین سوره را هم نگاه کنید.

۳. آیه ۶۲ سوره بقره (ص ۱۰) را هم ببینید.

یهودی‌ها خیال می‌کردند که چون نژاد برترند، مجازاتی در کار نیست؛ پس خودشان را به کوری و کری زده بودند! اما خدا لطف کرد و به آن‌ها فهماند که ملاک برتری، بندگی خداست؛ ولی باز خیلی‌هایشان خود را در کوری و کری نگه داشتند. خدا می‌بیند که چه می‌کنند.^{۷۱}

کسانی که عقیده دارند: «خدا همان مسیح، پسر مریم، است!» بی‌دین شده‌اند؛ درحالی‌که مسیح می‌گفت: «بنی اسرائیل، خدایی را پرستید که صاحب اختیار من و شماست؛ چون هرکه در عبادت خدا به شریکی معتقد باشد، خدا بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاهش آتش خواهد بود. بدکارها هم هیچ یآوری ندارند.»^{۷۲}

همچنین، کسانی که عقیده دارند: «خدا یکی از سه معبود است!» بی‌دین شده‌اند. معبودی جز معبود یگانه نیست و اگر به این حرف‌های بی‌اساسی که می‌گویند، پایان ندهند، هر کدامشان که با اصرار بر این حرف‌ها بی‌دینی کنند، حتماً دچار عذابی زجرآور می‌شوند.^{۷۳} پس چرا به درگاه خدا توبه نمی‌کنند و از او آموزش نمی‌خواهند؟! حال آنکه خدا آمرزندهٔ مهربان است.^{۷۴}

مسیح، پسر مریم، فقط پیامبری بود که قبل از او هم پیامبرانی آمدند و رفتند و مادرش هم بانوی باصداقتی بود که به یگانگی خدا و آمدن پیامبران اقرار می‌کرد. هر دو هم مثل بقیهٔ انسان‌ها غذا می‌خوردند. ببین چطور آیه‌هایمان را برایشان توضیح می‌دهیم و آن وقت ببین چطور با پرستش مسیح و مادرش از مسیر حق به انحراف کشیده می‌شوند؟!^{۷۵}

بپرس: «به جای خدا، چیزهایی را می‌پرستید که اختیار سود و زیانتان را ندارند؟! درحالی‌که تنها خدا خواسته‌هایتان را می‌شنود و نیازهایتان را می‌داند.»^{۷۶}

هشدار بده: «ای اهل کتاب، در معارف دینتان به ناحق تحریف و بزرگ‌نمایی نکنید و تابع میل بت‌پرست‌هایی نباشید که قبل از این گمراه شدند^۲ و تازه، خیلی‌ها را هم به گمراهی کشانند و در نتیجه خودشان هم از راه درست دورتر شدند.»^{۷۷}

۱. آیهٔ ۸۰ بقره (ص ۱۲) و ۲۴ آل عمران (ص ۵۳) را هم ببینید.

۲. عقیدهٔ مسیحی‌ها در سه‌گانه‌پرستی، شاید از سه‌گانه‌پرستی آیین بودایی و برهمنی هند و چین ریشه گرفته است. بوداییان به سه خدا، یعنی برهما و ویشنو و شیوا، اعتقاد دارند. مسیحیان هم به سه خدا، یعنی آب و ابن و روح القدس، معتقدند.

از بین بنی اسرائیل، آن‌هایی که با عقاید باطل بی‌دین شدند، گرفتار لعن داوود و عیسی بن مریم شدند. این لعن به سزای این بود که از دستورهای پیامبران نافرمانی کردند و دائم از خط‌قرمزهای الهی می‌گذشتند. ۷۸. همدیگر را نیز نهی از منکر نمی‌کردند. با ترک این واجب سازنده، واقعاً کار زشتی می‌کردند! ۷۹. خیلی‌هایشان را می‌بینی که با بت‌پرست‌های بی‌دین طرح دوستی می‌ریزند. واقعاً که زشت است آنچه خودشان برای خودشان از پیش می‌فرستند! در نتیجه، گرفتار خشم خدا می‌شوند و در عذاب جهنم ماندنی‌اند. ۸۰. اگر خدا و پیامبر و آنچه را به سویی فرستاده شده است، واقعاً باور داشتند، با بت‌پرست‌های بی‌دین طرح دوستی نمی‌ریختند؛ ولی خیلی‌هایشان منحرف‌اند. ۸۱.

سرسخت‌ترین مردم در دشمنی با مسلمانان، یهودی‌ها و بت‌پرست‌هایند! در مقایسه با آن‌ها و در برخی مواضع، نزدیک‌ترین مردم در دوستی با مسلمانان، مسیحی‌هایند. این برای آن است که در بینشان کشیش‌های اهل علم و راهب‌های خداترس به چشم می‌خورند و همچنین، برای اینکه نوعاً مسیحی‌ها در برابر حق گردن‌کلفتی نمی‌کنند! ۸۲.

وقتی مسیحی‌های واقعی به آنچه بر پیامبر فرستاده شده، گوش فرا می‌دهند، بر اثر شناختی که از حقیقت پیدا می‌کنند، می‌بینی که مثل ابر بهار می‌گریند! آنان می‌گویند: «خدا یا، اسلام آوردیم؛ پس ما را همنشین کسانی کن که به یکتایی خدا و برحق بودن این پیامبر گواهی می‌دهند. ۸۳.

چه عذری داریم که خدا و آنچه را از حق به ما رسیده، باور نکنیم؟! درحالی که امیدواریم خدا طوری با شایستگان قرارمان دهد که کم‌کم جزو شان شویم.» ۸۴

خدا هم، به پاس حرف‌های صادقانه‌شان، به آنان باغ‌هایی پردرخت پاداش می‌دهد که در آن‌ها جوی‌ها روان است و آنجا ماندنی‌اند. این است پاداش درستکاران! ۸۵ اما کسانی که بی‌دینی کنند و آیه‌ها و نشانه‌های ما را دروغ بدانند، جهنمی‌اند. ۸۶

مسلمانان! چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای استفاده‌تان حلال کرده است، بر خودتان ممنوع نکنید؛ ولی از خط‌قرمزها عبور نکنید! چون که خدا دوست ندارد آن‌هایی را که از خط‌قرمزها بگذرند. ۸۷ از چیزهای پاک و پاکیزه‌ای که خدا روزی‌تان کرده است، استفاده کنید و در حضور خدایی که باورش دارید، خودسرانه حلال یا حرام نکنید. ۸۸

برای قسم‌هایتان به خدا از روی لقلقهٔ زبان، خدا به شما سخت نمی‌گیرد؛ ولی برای قسم‌های جدی‌تان بازخواستتان خواهد کرد.

اگر قسمتتان را شکستید، جریمه‌اش دادن یک وعده غذا به ده فقیر است، آن‌هم از غذاهایی که معمولاً به خانوادهٔ خود می‌دهید؛ یا دادن یک دست لباس به هریک از آن‌ها یا آزادکردن یک برده. هرکه توان انجام دادن هیچ‌یک از این سه کار را ندارد، باید سه روز پشت سرهم روزه بگیرد. این است جریمهٔ قسم‌هایی که می‌خورید و می‌شکنید. به هر حال، مراقب قسم‌هایتان باشید. خدا آیات و احکامش را این‌طور برایتان توضیح می‌دهد تا شکر کنید. ۸۹

مسلمانان! شراب‌خواری و قماربازی و بت‌پرستی و بخت‌آزمایی از کارهای پلید و پلشت شیطانی است؛ پس به کلی از آن‌ها دوری کنید تا خوشبخت شوید. ۹۰

شیطان می‌خواهد با شراب‌خواری و قماربازی، تخم دشمنی و کینه‌توزی بینتان بکارد و از یاد خدا و نماز بازتآن بدارد؛ پس با این همه مفسد، نمی‌خواهید تمامش کنید؟! ۹۱ از خدا و پیامبر اطاعت کنید و از مخالفت با آنان بترسید. اگر سرپیچی کنید، بدانید وظیفهٔ پیامبر ما فقط رساندن صریح پیام الهی است. ۹۲

مسلمانان درستکاری که قبل از این ممنوعیت شدید، لب به شراب زده‌اند یا قماربازی کرده‌اند، گناهی به گردنشان نیست؛ البته به شرطی که مراقب رفتارشان باشند و واقعاً ایمان بیاورند و کارهای خوب بکنند. باز می‌گوییم: مراقب رفتارشان باشند و واقعاً ایمان بیاورند. بله، مراقب رفتارشان باشند و خوبی کنند؛ چون خدا درستکاران را دوست دارد. ۹۳

مسلمانان! خدا شما را در حال احرام^۱ به شکار حیوانی که در دسترس و تیررستان باشد، امتحان می‌کند تا معلوم کند چه کسی از ترس عذابِ ندیده^۲ از خدا حساب می‌برد. پس هرکه با شکارکردن در حال احرام در این آزمون مردود شود، عذابی زجرآور در انتظار اوست! ۹۴

مسلمانان! حیوانات وحشی را در حال احرام شکار نکنید. هر کدامتان عمداً حیوانی را شکار کند، باید برای کفاره‌اش گوسفند یا گاو یا شتری هم‌هیكل آن، قربانی کند و این هم‌هیكلی را باید دو کارشناس عادل از میان خودتان تأیید کنند. این قربانی باید در مکه انجام شود.^۳ اگر قربانی ممکن نشد، به اندازهٔ قیمتش به تعدادی فقیر، یک وعده غذا بدهد. اگر هم توان مالی نداشت، به تعداد آن فقیران روزه بگیرد، تا کیفر کارش را بچشد. البته شکارهای قبل از این قانون را خدا می‌بخشد؛ اما هرکه بعد از این شکار کند، خدا از او انتقام می‌گیرد؛ چون خدا شکست‌ناپذیر انتقام‌گیر است. ۹۵

۱. دربارهٔ احرام و شکارکردن در حال احرام، آیه‌های اول و دوم همین سوره و پاورقی‌هایشان را هم ببینید.

۲. منظور جهنمی است که در دنیا دیدنی نیست.

۳. البته قربانی کفارهٔ شکار در حال احرام حج باید در منطقهٔ منا انجام شود.

ماهگیری و خوردن جانوران حلال گوشت دریایی، برای شما حایبان مُحرم و هم کاروانیانی که مُحرم نیستند، حلال است؛ اما شکار همه حیوانات خشکی، تا وقتی در حال اِحرامید، بر شما حرام است. در حضور خدایی مراقب رفتارتان باشید که دسته جمعی به محضرش برده می شوید. ۹۶

خدا خانه محترم کعبه و همچنین، ماه های محترم^۱ و قربانی های بی نشان و نشان دار^۲ را مایه قوام جامعه بشری قرار داده است. این احکام حساب شده برای آن است که بدانید خدا آنچه را در آسمان ها و زمین است، می داند. بله، اساساً خدا هر چیزی را می داند. ۹۷ بدانید خدا خلاف کارها را به شدت مجازات می کند و البته برای خطا کارها آموزنده مهربان است. ۹۸ پیامبر جز رساندن پیام خدا وظیفه ای ندارد و خدا می داند چه ها مطرح می کنید و چه ها کتمان! ۹۹

پیامبر، بگو: «پلید و پاک هرگز یکی نیستند؛ هر چند مبهوت تعداد فراوان و شوکت پلیدها شوید. پس ای مردم عاقل، مبادا تحت تأثیر اکثریت قرار بگیرید! بلکه دنباله رو آیین پاک خدا باشید تا خوشبخت شوید.» ۱۰۰

مسلمانان! از پیامبر چیزهایی نپرسید که اگر جوابتان داده شود، برای اجرایش به زحمت و دردسر می افتید. اگر وقتی آیه های قرآن فرستاده می شود، با اصرار و لجاجت از آن چیزها پرسید، جوابتان داده می شود.^۳ خدا از تکلیف های طاقت فرسا چشم پوشیده است؛ زیرا خدا آموزنده بردبار است.^۴ ۱۰۱ برخی اقوام قبل از شما این طور سؤال های بیجا را مطرح می کردند؛ ولی بعد از شنیدن جواب، از عمل کردن به آن ها سر باز می زدند! ۱۰۲ خدا حرمت خاصی برای استفاده از بحیره، سائبه، و صیله و حام^۵ در نظر نگرفته است؛ ولی بی دین ها با سخت گیری به خودشان، به خدا دروغ می بندند و بیشترشان عقلشان را به کار نمی اندازند. ۱۰۳

۱. درباره «ماه های محترم» پاورقی آیه ۱۹۴ سوره بقره (ص ۳۰) را ببینید.

۲. به پاورقی آیه ۲ همین سوره نگاه کنید.

۳. درباره پرسش های بیجا، برای نمونه، داستان گاوبنی اسرائیل را در آیه های ۶۷ تا ۷۳ سوره بقره (ص ۱۰) بخوانید. ۴. این آیه به هیچ وجه راه پرسش های آموزنده و سازنده را به روی مردم نمی بندد؛ بلکه فقط متمرکز است بر پرسش ها و کنجکاوی های نابجا و بی فایده که قرار هم نیست پاسخ داده شود.

۵. بحیره: شتری که دهمین بچه اش نر بود. سائبه: شتری که نذر بت ها می کردند. و صیله: گوسفندی که دوقلو زاییده بود. حام: شتری که در خدمت صاحبش بود تا پیر و ناتوان می شد. اعراب جاهلی بی دلیل استفاده از بعضی حیوانات اهلی را بر خودشان ممنوع کرده بودند: خوردن گوشت، سوار شدن، چیدن پشم و... گاهی هم بی استفاده و بیهوشی می کردند. هنوز هم در برخی کشورها از این جنس خرافه ها رایج است.

وقتی از آن‌ها خواسته می‌شود: «به سوی قرآن و پیامبر بیایید.» جواب می‌دهند: «نه! بلکه چیزهایی که دیدیم پدرانمان دنبال آن‌اند، برایمان بس است!» یعنی حتی اگر پدرانشان چیزی نمی‌دانسته‌اند و در راه درست نبوده‌اند، باز هم باید دنباله‌رو آن‌ها باشند؟! ۱۰۴

مسلمانان! مراقب خودتان باشید؛ چون اگر در راه درست باشید، گمراهی گمراهان به شما ضرری نمی‌زند. به سوی خداست برگشتن همه‌تان و او از کارهایتان باخبرتان می‌کند. ۱۰۵

مسلمانان! وقتی مرگ یکی از شما نزدیک است و می‌خواهید وصیت کنید، دو مسلمان عادل را شاهد بگیرید. اگر به کشوری غیراسلامی سفر کردید و نزدیک بود دچار حادثهٔ مرگ شوید و شاهد مسلمانی پیدا نکردید، دو نفر از اهل کتاب را شاهد بگیرید.

بعد از فوت یکی از خودتان و در وقت شهادت دادن، اگر به راستگویی‌شان شک داشتید، بعد از نماز جماعت نگهشان دارید تا به خدا قسم بخورند: «وصیتی را که از میّت شنیدیم، به هیچ قیمت تغییر نمی‌دهیم؛ هرچند مربوط به بستگان نزدیکمان باشد. شهادتی را هم که خدا به عهده‌مان گذاشته است، مخفی نمی‌کنیم؛ وگرنه سهل‌انگار خواهیم بود.» ۱۰۶

اگر مشخص شد که آن دو شاهد دروغ گفته‌اند، دو نفر از وارثان میّت که آن دو شاهد به ضررشان حرف زده‌اند، به جایشان قرار بگیرند و به خدا قسم بخورند: «شهادت ما درست‌تر از شهادت آن‌هاست و هرگز بنای تجاوز از حق را نداریم؛ وگرنه ظلم کرده‌ایم.» ۱۰۷

این کار بهتر است تا آن دو شاهد، شهادتشان را درست‌تر ادا کنند یا بیشتر بترسند که مبادا بعد از قسم خوردنشان، پای قسم وارثان میّت وسط کشیده شود. به هر حال، در حضور خدا مراقب رفتارتان باشید و این طور پندها را گوش کنید؛ چون خدا دست جماعت منحرف را نمی‌گیرد. ۱۰۸

به فکر روزی باشید که خدا پیامبران را جمع می‌کند و می‌پرسد: «به دعوتتان چه جوابی دادند؟!» پاسخ می‌دهند: «در برابر علم تو ما هیچ نمی‌دانیم. تو خودت تمام اسرار را کاملاً می‌دانی.» ۱۰۹

به یاد بیاور وقتی را که خدا فرمود: «عیسی بن مریم! فراموش نکن نعمت‌هایم را در حق خودت و مادرت: وقتی تو را به واسطه روح القدس، یعنی برترین فرشته خود، توانایی دادم تا بتوانی در نوزادی هم مثل بزرگ‌سالان، عاقلانه و پیامبرانه با مردم حرف بزنی. همچنین، یادت بیاید که به تو کتاب آسمانی و حکمت^۱ و تورات و انجیل یاد دادم. باز، فراموش نکن که از گِل چیزی می‌ساختی شبیه پرنده واقعی؛ بعد در آن فوت می‌کردی؛ پس با اجازه من پرنده‌ای جاندار می‌شد! تازه، با اجازه من کور مادرزاد و جُزّامی را هم شفا می‌دادی و مرده‌ها را با اجازه من، زنده از قبر بیرون می‌آوردی. دیگر اینکه از شرّ یهودی‌ها نجات دادم، همان وقت که این معجزه‌های روشن را برایشان می‌آوردی و بی‌دین‌هایشان می‌گفتند: 'این‌ها فقط جادو جنبل‌های رایج است!'» ۱۱۰

وقتی هم به یاران مخصوص عیسی پیام دادم که: «به من و فرستاده‌ام ایمان بیاورید»، گفتند: «ایمان آورديم. تو شاهد باش که ما همگی تسلیم توایم.» ۱۱۱
همین یاران مخصوص عیسی بن مریم به او گفتند: «آیا خدا مصلحت می‌داند که برایمان از آسمان سفره‌ای آماده و پُرغذا بفرستد؟» او هشدار داد: «در حضور خدا مراقب درخواست‌هایتان باشید، اگر ایمان واقعی دارید.» ۱۱۲ گفتند: «می‌خواهیم از آن غذا بخوریم و دل‌هایمان آرام بگیرد^۲ و با همه وجود لمس کنیم که به ما راست گفته‌ای و خودمان بر این معجزه شهادت بدهیم.» ۱۱۳

۱. توضیح حکمت در یاورقی آیه ۱۲۹ سوره بقره (ص ۲۰) آمده است.

۲. درباره آرامش دل، به آیه ۲۶۰ سوره بقره (ص ۴۴) نگاه کنید.

عیسی بن مریم دعا کرد: «خدایا، ای صاحب اختیار ما، برایمان از آسمان سفره‌ای آماده و پُرغذا بفرست که هرساله، ما و آیندگانمان چنین روزی را عید بگیریم. در ضمن، معجزه‌ای هم از طرف تو باشد. خوردن این غذا را روزی مان کن که تو بهترین روزی دهنده‌هایی.» ۱۱۴

خدا جواب داد: «آن سفرهٔ آماده و پُرغذا را برایتان می‌فرستم؛ ولی بعدش هر کدامتان بی‌دینی کند، طوری عذابش می‌کنم که احدی از جهانیان را آن طور عذاب نکرده باشم!» ۱۱۵

بدان که در قیامت خدا از عیسی بن مریم می‌پرسد: «آیا تو به مردم گفتی: 'غیر از خدا، من و مادرم را هم بپرستید؟!'

عیسی جواب می‌دهد: «خدایا، پناه بر تو! محال است حرف ناروایی بگویم که حقّ گفتنش را ندارم. اگر چنین حرفی زده بودم، حتماً آن را می‌دانستی؛ چون تو از آنچه در وجودم می‌گذرد، باخبری؛ ولی من از آنچه در ذات توست، بی‌خبرم و تو خودت تمام اسرار را کاملاً می‌دانی. ۱۱۶ فقط چیزهایی را به آن‌ها گفتم که به من فرمان دادی: 'خدایی را بندگی کنید که صاحب اختیار من و شماست.' تا وقتی بینشان بودم، شاهد و ناظرشان بودم و همین‌که مرا برداشتی و زنده به طرف خودت بالا بردی،^۱ تو خودت مراقبشان بودی. بله، تو شاهد همه چیز. ۱۱۷ اگر مجازاتشان کنی، آن‌ها بندگان توآند و اختیارشان با توست. اگر هم بیامری شان، کسی حق اعتراض ندارد؛ زیرا تو شکست‌ناپذیر کاردرستی.» ۱۱۸

خدا هم می‌فرماید: «امروز روزی است که صداقت راستگویان به نفعشان تمام می‌شود: باغ‌هایی پردرخت نصیبشان می‌شود که در آن‌ها جوی‌ها روان است و همیشه آنجا ماندنی‌اند. خدا از آنان راضی است و آنان هم از خدا راضی‌اند. این است کامیابی بزرگ! ۱۱۹ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌هاست، فقط در اختیار خداست و او از عهدهٔ هر کاری برمی‌آید.» ۱۲۰

۱. دربارهٔ سرنوشت حضرت عیسی علیه‌السلام آیه‌های ۵۴ و ۵۵ آل عمران (ص ۵۷) و آیه‌های ۱۵۷ تا ۱۵۹ نساء (ص ۱۰۳) را ببینید.

سوره انعام

به نام خدای خوب مهربان

خدا را سپاس که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را پدید آورد. آن وقت، بی‌دین‌ها برای خدا همتا می‌تراشند! ۱

هم‌اوست که شما را از گِل آفرید و مدتی برای زندگی‌تان مشخص کرد؛ البته مدت قطعی عمرتان را خدا می‌داند و بس. آن وقت، شما در یکتایی‌اش شک و شبهه می‌کنید! ۲ او یگانه خدای آسمان‌ها و زمین است که هم ظاهر و باطنتان را می‌داند و هم کارهای خوب یا بدتان را می‌داند. ۳

هر نشانه‌ای از نشانه‌های خدا برایشان می‌آید، اعتنایی به آن نمی‌کنند. ۴ در نتیجه، حرف حق را همین‌که به گوششان می‌رسد، دروغ می‌دانند؛ پس همان پیش‌بینی‌هایی که مسخره‌اش می‌کردند، بالاخره در حَقشان به واقعیت خواهد پیوست. ۵

مگر نمی‌بینند که قبل از آن‌ها، چه ملت‌های زیادی را نابود کردیم؟! اتفاقاً امکاناتی به آن‌ها داده بودیم که به شما نداده‌ایم! ۶ باران‌های پی‌درپی برایشان فرستادیم و نهرهای پرآب در سرزمین‌هایشان روان ساختیم؛ ولی به‌سزای گناهانشان نابودشان کردیم و نسل‌های تازه‌ای به‌جایشان روی کار آوردیم. ۶ حتی به‌فرض، نوشته‌ای روی کاغذ برایت می‌فرستادیم و با دست‌انسان لمسش

می‌کردند، باز هم می‌گفتند: «این‌ها همان حرف‌های سحرآمیز رایج است!» ۷ بهانه هم می‌آوردند: «چرا فرشته‌ای محمد را در مأموریتش همراهی نمی‌کند؟!» به‌فرض هم، فرشته‌ای با او می‌فرستادیم، باز ایمان نمی‌آوردند. آن وقت، کارشان تمام بود و دیگر مهلتی به آن‌ها داده نمی‌شد! ۸

۱. اَجَلٌ دُوْ كُوْنِهٍ اِسْت: ۱. اَجَلٌ مَعْلُوْقٌ: غیبر حتمی و تغییری پذیر؛ ۲. اَجَلٌ مُّسَمًّا: حتمی و تغییری ناپذیر. اَجَلٌ مَعْلُوْقٌ مَرگ زودرس است و اَجَلٌ مَسْمًا مَرگ طبیعی. به‌جز حوادث و بلاها، برخی گناهان مثل قطع رحم و عاق والدین نیز مَرگ طبیعی را به مَرگ زودرس تبدیل می‌کنند.

۲. درباره مقدار امکانات ملت‌های گذشته، آیه ۴۵ سوره سبأ (ص ۴۳۳) را ببینید.

حتی اگر بنایمان این بود که خود پیامبر از جنس فرشته‌ها باشد،^۱ باز او را به قیافهٔ انسان می‌فرستادیم^۲ و آن وقت هم، به خیال خودشان، دربارهٔ او به اشتباهشان می‌انداختیم! ۹ البته پیامبران قبل از تو را هم، دست می‌انداختند؛ پس همان عذاب‌هایی به جانشان افتاد که مسخره‌اش می‌کردند. ۱۰

بگو: «به گوشه‌وکنار دنیا سفر کنید و ببینید آخرعاقبت کسانی که آیه‌های خدا را دروغ می‌دانستند، چه شد!» ۱۱

از انکارکننده‌های معاد پرس: «آنچه در آسمان‌ها و زمین است، مال کیست؟» خودت بگو: «مال خداست؛ همان که بنایش را بر مهربانی گذاشته است. او روز قیامت حتماً جمع‌تان می‌کند که جای هیچ شک و شبهه‌ای در آمدنش نیست. به هر حال، آن‌هایی که سرمایهٔ عمرشان را از کف داده‌اند، ایمان نمی‌آورند. ۱۲ آنچه به طور دائم در آسمان‌ها و زمین آرام‌وقرار گرفته، فقط مال خداست و او شنوای داناست.» ۱۳

پرس: «یعنی کسی غیر از خدای پدیدآورندهٔ آسمان‌ها و زمین را ولی نعمت خودم بدانم؟! درحالی‌که او به همه غذا می‌دهد؛ ولی خودش بی‌نیاز از غذاست!» باز خودت جواب بده: «من مأمورم سرآمد مسلمانان باشم. به من دستور رسیده: 'مبادا برای لحظه‌ای حتی، بت پرست شوی.'» ۱۴

ادامه بده: «می‌ترسم که اگر نافرمانی خدا کنم، گرفتار عذاب روزی هولناک شوم. ۱۵ آن روز از هرکه عذاب برداشته شود، خدا به او رحم کرده و این است کامیابی درخشان!» ۱۶

اگر خدا ضرری به تو بزند، کسی جز خودش نمی‌تواند برطرفش کند. اگر هم سودی به تو برساند، کسی جز خودش نمی‌تواند آن را از تو بگیرد. بله، خدا از عهدهٔ هر کاری برمی‌آید. ۱۷ او بر بندگان خودش مسلط است و اوست کاردرست آگاه. ۱۸

۱. این بهانه‌جویی بت پرستان در آیهٔ ۱۴ سورهٔ فصلت (ص ۴۷۸) آمده است.

۲. هر پیامبری عهده‌دار رهبری و تربیت مردم است و سرمشق عملی آنان؛ پس لازم است که از جنس خود مردم باشد و همهٔ غریبه‌ها و ویژگی‌های انسانی در او جاری باشد. فرشته حتی اگر دیدنی شود، نمی‌تواند الگو باشد؛ چون نه از نیازهای انسان چندان آگاه است، نه از گرایش‌ها و خواسته‌های او خیلی اطلاع دارد.

پیرس: «برای اثبات توحید و نبوت، شهادت چه کسی از همه مهم تر است؟»
و پاسخ بده: «خدا بهترین شاهد بین من و شماست. این قرآن به من وحی شده
تا با آن به شما هشدار دهم و به هرکسی که قرآن در دسترسش قرار بگیرد. آیا باز
هم گواهی می‌دهید که در کنار خدا معبودهای دیگری هست؟!» اضافه کن: «من
که چنین شهادتی نمی‌دهم!» و ادامه بده: «او معبودی بیگانه است. من هم دیگر
کاری به بت‌هایتان ندارم.» ۱۹

اهل کتاب محمد را همان قدر خوب می‌شناسند که بچه‌هایشان را می‌شناسند!
ولی آن‌هایی که سرمایه عمر خود را از کف داده‌اند، ایمان نمی‌آورند. ۲۰ چه
کسانی بدکارتر از آن‌هایی‌اند که به خدا نسبت دروغ می‌دهند یا آیه‌هایش را دروغ
می‌دانند؟! بله، چنین بدکارهایی خوشبخت نمی‌شوند. ۲۱

روزی را تصور کن که همه بت‌پرست‌ها را جمع می‌کنیم و از آن‌ها می‌پرسیم:
«کجا بیدت‌هایی که خیال می‌کردید باید پرستیده شوند؟!» ۲۲ تازه، عذر بدتر
از گناهشان این است: «قسم به خدایی که صاحب اختیارمان است، ما اصلاً
بت‌پرست نبوده‌ایم!» ۲۳ ببین چطور در آنجا هم به خودشان دروغ می‌گویند! و
آن بت‌های ساختگی‌شان از جلوی چشم آن‌ها غیب می‌شود! ۲۴

بعضی از بت‌پرست‌ها به قرآن خواندنت ظاهراً خوب گوش می‌دهند؛ ولی
به‌سزای لج‌بازی‌شان پرده غفلتی بردل‌هایشان می‌کشیم تا حقیقت را نفهمند
و گوش‌هایشان را سنگین می‌کنیم تا آن‌ها نشنوند! در کل، هر معجزه‌ای ببینند،
باور نمی‌کنند. وقتی هم که با جارو و جنجال پیشت می‌آیند، می‌گویند: «این قرآن
چیزی جز افسانه‌های گذشتگان نیست!» ۲۵

آن‌ها، هم مردم را از پیروی قرآن باز می‌دارند و هم خودشان از قرآن دوری
می‌کنند؛ درحالی‌که ندانسته، دارند خودشان را به نابودی می‌کشاند! ۲۶ کاش
وقتی لب‌پرتگاه جهنم نگهشان می‌دارند، می‌دیدید که آرزو می‌کنند: «ای کاش
به دنیا برمان می‌گردانند و آیه‌های خدا را دروغ نمی‌دانستیم و جزو مؤمنان
می‌شدیم!» ۲۷

نه، چون حقیقتِ کارهای زشتشان که همان جهنم است برایشان آشکار می‌شود، این طور آرزو می‌کنند؛ وگرنه به فرض محال هم، به دنیا برشان گردانند، باز سراغ همان کارهایی می‌روند که از آن نهی می‌شدند! آن‌ها قطعاً دروغ‌گویند. ۲۸ همین‌ها بودند که می‌گفتند: «جز همین زندگی ما خبری نیست. بعد از مرگ هم ابداً زنده نمی‌شویم!» ۲۹

کاش وقتی در برابر خدا نگهشان می‌داشتند، می‌دیدید که خدا می‌پرسد: «زنده شدن بعد از مرگ راست نبود؟!» می‌گویند: «چرا، به خدا قسم که راست بود.» خدا می‌فرماید: «پس بچشید عذاب را به سزای اینکه باور نمی‌کردید.» ۳۰ بله، کسانی که دیدار خدا را دروغ می‌دانند، سرمایه‌ی عمرشان را از کف داده‌اند. پس وقتی حادثه‌ی قیامت یک دفعه سراغشان می‌آید، درحالی‌که بار سنگین گناهانشان را به دوش می‌کشند، می‌گویند: «افسوس بر ما که درباره‌ی قیامت کوتاهی کردیم!» بدانید که بد باری به دوش می‌کشند! ۳۱

زندگی دنیا فقط بازیچه و سرگرمی است و سرای آخرت برای کسانی که مراقب رفتارشان باشند، بهتر است. پس چرا عقلتان را به کار نمی‌اندازید؟! ۳۲ خوب می‌دانیم که حرف‌های بی‌جای بت پرست‌ها حسابی غصه‌دارت می‌کند؛ در واقع، آن‌ها تو را دروغ‌گو نمی‌دانند؛ بلکه چنین بدکارهایی آیه‌ها و نشانه‌های خدا را انکار می‌کنند. ۳۳ قبل از تو هم پیامبرانی دروغ‌گو شمرده شدند؛ اما در برابر دروغ‌ها و آزارها صبوری کردند تا آنکه بالاخره یاری مان شامل حالشان شد. وعده‌های خدا تغییرناپذیر است. البته تا الان فقط بخشی از سرگذشت تلخ و شیرین پیامبران به دست رسیده است. ۳۴

چنانچه تحمل بی‌اعتنایی‌شان برایت سنگین است، اگر می‌توانی به عمق زمین یا به اوج آسمان بروی تا معجزه‌ی دیگری برایشان بیاوری، این کار را بکن! ولی باز باور نمی‌کنند. اگر خدا خودش می‌خواست، همه‌شان را به زور هم که شده، به راه راست می‌برد! پس برای لحظه‌ای حتی، از ایمان نیاوردنشان غصه‌دار

فقط زنده دلانی که گوش شنوا دارند، دعوت را می‌پذیرند؛ اما مرده دل‌های بت پرست، بعد از آنکه خدا در قیامت زنده‌شان کند، گوش شنوا پیدا می‌کنند. بله، فقط به سوی او برگردانده می‌شوند. ۳۶

بت پرست‌ها می‌گفتند: «جز قرآن، چرا خدا معجزه‌ای بر محمد نمی‌فرستد؟!» بگو: «خدا می‌تواند معجزه‌ای بفرستد؛ ولی بیشترشان نمی‌دانند که این کار به مصلحت نیست.» ۳۷ هر چرنده‌ای در زمین و هر پرنده‌ای در هوا مقصد و مقصودی دارد، مثل شما آدم‌ها: دسته جمعی می‌برندشان به محضر خدا. بله، در کتاب آفرینش چیزی را از قلم نینداخته‌ایم. ۳۸

کسانی که آیه‌ها و نشانه‌های ما را دروغ می‌دانند، کز لاله‌هایی‌اند در تاریکی نادانی و گمراهی! خدا هر که را نالایق بداند، به حال خودش رهایش می‌کند و هر که را لایق بداند، در راه درست زندگی می‌گذارد. ۳۹

از بت پرست‌ها پرس: «به نظر تان، البته صادقانه بگویید، اگر عذاب الهی سراغتان بیاید یا لحظه قیامت برسد، غیر خدا را صدا می‌زنید؟!» ۴۰ نه، بلکه فقط او را صدا می‌زنید و بت‌ها را فراموش می‌کنید. او هم اگر صلاح بداند، مصیبتی را که به خاطرش او را صدا می‌زدید، برطرف می‌کند. ۴۱

برای مردمانِ قبل از تو پیامبران متعددی فرستادیم؛ ولی ایمان نیاوردند. پس گرفتار سختی و رنجشان کردیم تا به خودشان بیایند و به درگاه ما زاری کنند. ۴۲ چرا وقتی سختی‌های ما سراغشان آمد، زاری نکردند و بلکه به عکس، دل‌هایشان سفت و سخت شد و شیطان کارهایشان را رنگ و لعاب داد؟! ۴۳

بعد، وقتی حرف‌هایی را فراموش کردند که آن‌ها را به خود می‌آورد، درهای همه‌گونه نعمتی را به رویشان باز کردیم تا به کل غافل شوند. وقتی هم از آن همه نعمت سرخوش شدند، یک دفعه گرفتار عذابشان کردیم؛ پس به یک باره سرخورده شدند. ۴۴

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ که بالاخره ریشهٔ چنین جماعت بدکاری قطع شد. ۴۵
از بت پرست‌ها بپرس: «به نظر شما اگر خدا شنوایی و بینایی‌تان را بگیرد و فهمتان
را کور کند، کدام معبود جز خدا آن را به شما پس می‌دهد؟!» بین چطور آیه‌های
خودمان را به صورت‌های گوناگون بیان می‌کنیم؛ اما آن‌ها باز از کنارش به راحتی رد
می‌شوند! ۴۶

باز بپرس: «به نظر شما اگر عذاب الهی با علامت و اعلام قبلی یا بی‌مقدمه و
غافلگیرانه سراغتان بیاید، آیا جز جماعت بدکار کسی نابود خواهد شد؟!» ۴۷
پیامبران را فقط مژده‌رسان و هشداردهنده فرستادیم. آنانی که ایمان بیاورند و
رفتارشان را اصلاح کنند، نه ترسی بر آنان غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورند؛ ۴۸ ولی
کسانی که آیه‌ها و نشانه‌های ما را دروغ بدانند، به‌سزای همین نافرمانی، عذاب
دامن‌گیرشان می‌شود. ۴۹

به بت پرست‌ها بگو: «ادعا نمی‌کنم که گنجینه‌های رحمت خدا پیش من است.
به خودی خود علم غیب هم ندارم. ادعا هم نمی‌کنم که من فرشته‌ام؛ بلکه فقط
دنباله‌رو چیزی هستم که به من وحی می‌شود.» بپرس: «کوردل با بینای حقیقت
یکی است؟! پس چرا فکرتان را به کار نمی‌اندازید؟!» ۵۰

با این قرآن به کسانی هشدار بده که می‌ترسند دسته‌جمعی به محضر خدا برده
شوند و ترسشان از این است که جز او حامی و شفاعت‌کننده‌ای نداشته باشند. با
این هشدار شاید مراقب رفتارشان شوند. ۵۱

مردم مستضعفی را که هر صبح و شب خدا را صدا می‌زنند و دنبال رضایتش
هستند، برای به دست آوردن دل خواص متکبر از دوروبرت دور نکن! نه چیزی از
حساب و کتاب آن‌ها به عهدهٔ توست و نه چیزی از حساب و کتاب تو به عهدهٔ آنان،
تا برای آن بخواهی از خودت دورشان کنی و در نتیجه از بدکارها شوی. ۵۲

ثروت‌مندان را با مستضعفان این طور آزمایش می‌کنیم تا درباره‌شان با نیش و کنایه بگویند: «آیا از بین ما مردم، همین گداگرسنه‌هایند که خدا نعمت بزرگ اسلام به آن‌ها داده؟!»، دقیقاً! مگر خدا حال شکرگزاران را بهتر نمی‌داند؟! ۵۳

کسانی که به آیه‌های ما ایمان آورده‌اند، هر وقت پیشت آمدند، بگو: «خوشابه‌حالتان! خدا بنایش را بر مهربانی گذاشته است؛ این طور که هرکس کار بدی از سر ندانم‌کاری انجام دهد و بعد از پی بردن به اشتباهش توبه کند و خطای گذشته‌اش را جبران سازد، البته که خدا آمرزندهٔ مهربان است.» ۵۴ آیه‌هایمان را این طور توضیح می‌دهیم تا با برملا شدن راه و رسم گناهکارها، بشود راه را از چاه تشخیص داد و ... ۵۵

به بت پرست‌ها گوشزد کن: «من نهی شده‌ام از پرستش بت‌هایی که به جای خدا می‌پرستید.» بعد بگو: «تابع میل شما نیستیم؛ وگرنه گمراه می‌شوم و از صف هدایت یافته‌ها بیرون خواهم رفت.» ۵۶

بگو: «من از طرف خدا معجزه‌ای همچون قرآن در دست دارم که آن را دروغ می‌دانید. در عوض، عذابی فوری می‌خواهید که دست من نیست؛ زیرا کارها همه در اختیار خداست. او حق را از باطل جدا می‌کند و بهترین داورها هم هست.» ۵۷

بگو: «اگر عذابی که می‌خواهید زودتر بیاید، دست من بود، دعوی بین من و شما قبل از این‌ها یکسره شده بود! البته که خدا حال بدکارها را بهتر می‌داند.» ۵۸

راه‌های رسیدن به غیب تنها پیش خداست و کسی جز او آن‌ها را نمی‌داند. هرچه در خشکی‌ها و دریاهاست می‌داند. هر برگ‌ی از درخت بیفتد و هر دانه‌ای در عمق زمین فرو برود و هر محصول تر و خشکی به زمین بیفتد، او می‌داند و بس. بله، همهٔ رویدادهای جهان در کتابی روشن^۱ ثبت است. ۵۹

۱. این کتاب مانند کتاب‌های رایج بین ما نیست؛ بلکه همان کتاب علم خداست که شرق و غرب عالم را فرا گرفته و تغییر و تحریف در آن، راه ندارد و همهٔ موجودات و حرکت‌های آفرینش در آن ثبت و ضبط است. شاید این همان «لوح محفوظ»، «أم‌الکتاب»، «امام مبین»، «کتاب» و «کتاب مکنون» است که در آیه‌های دیگر آمده‌اند: رعد، ۳۹ (ص ۲۵۴)، نمل، ۷۵ (ص ۲۸۳)، فاطر، ۱۱ (ص ۴۳۵)، یس، ۱۲ (ص ۴۴۰)، زمر، ۶۹ (ص ۴۶۶)، زخرف، ۴ (ص ۴۸۹)، واقعه، ۷۸ (ص ۵۳۷) و بروج، ۲۲ (ص ۵۹۰).

اوست کسی که شب‌ها وقت خوابیدن، جانتان را می‌گیرد؛ درحالی‌که کارهای در طول روزتان را می‌داند. روز که شد، وقت بیدار شدن جانتان را برمی‌گرداند تا... آن هنگام که مرگ حتمی‌تان برسد. دست‌آخر، به سوی اوست برگشتنتان. بعد، شما را از کارهایتان باخبر می‌کند. ۶۰

او بر بندگانش مسلط است و فرشتگانی را برایتان می‌فرستد: هم برای حفظتان از حوادث و هم برای ثبت کارهایتان. پس وقتی زمان مرگ یکی از شما برسد، مأموران دیگر ما، بدون کوتاهی، جانش را می‌گیرند. ۶۱ آخر سر، آن مرده‌ها فقط به سوی خدا، همه‌کاره حقیقی‌شان، برگردانده می‌شوند. حواستان باشد: داوری فقط در اختیار اوست و او سریع‌ترین حسابرس است. ۶۲

بپرس: «در بدترین وضعیت صحرا و دریا، چه کسی از شر حوادث ناگوار نجاتتان می‌دهد؟ درحالی‌که نالان و نهان، صدایش می‌زنید: 'اگر از این مخمصه نجاتمان بدهد، حتماً شکرگزارش می‌شویم!'» ۶۳ بگو: «خداست که از آن گرفتاری و بلکه از هر اندوه شدیدی نجاتتان می‌دهد؛ ولی شما زیر حرفتان می‌زنید و باز به بت پرستی رو می‌آورید!» ۶۴ بگو: «هم اوست که می‌تواند عذابی از زمین و آسمان بر سرتان بباراند یا شما را در قالب گروه‌ها و احزاب مختلف به جان هم بیندازد و طعم جنگ و خون‌ریزی با همدیگر را به شما بچشاند.» ببین چطور آیه‌هایمان را به صورت‌های گوناگون بیان می‌کنیم تا خوب بفهمند! ۶۵ ولی قومت این طور عذاب‌ها را، با اینکه حق است، دروغ دانستند.

بگو: «من همه‌کاره‌تان نیستم تا مانع انکار کردن‌هایتان شوم. ۶۶ هر خبری به وقتش اتفاق می‌افتد و بالاخره خواهید فهمید.» ۶۷

هر وقت در مجلسی بودی و دیدی که مشغول انکار و تمسخر آیه‌های ما هستند، ترکشان کن؛ مگر که مشغول حرفی دیگر شوند. اگر احياناً شیطان از یادت برد،^۲ به محض یادآوری، همنشینی با این جماعت بدکار را قطع کن. ۶۸

۱. در این باره، آیه ۴۲ سوره زمر (ص ۴۶۳) را هم بخوانید.

۲. ظاهر خطاب در این آیه پیامبر ﷺ است؛ ولی به فرینه آیه ۱۴۰ سوره نساء (ص ۱۰۰) که فرمود: «هر وقت در مجلسی بودید و شنیدید که آیه‌هایش را انکار و تمسخر می‌کنند، با آن‌ها هم‌نشینی نکنید»، مخاطب اصلی‌اش مسلمان‌هایند؛ زیرا نه تنها از پیامبران گناهی سرنمی‌زند، بلکه دستورهای الهی را فراموش هم نمی‌کنند. به قول معروف: «به در می‌گوید تا دیوار بشنود!»

البته کسانی که مراقب رفتارشان باشند، شریک جرم آن یاوه‌گوها نیستند؛ ولی به هر حال، به یادشان می‌آوریم تا به گناه انکار و مسخره کردن آیه‌های الهی آلوده نشوند. ۶۹

به حال خودشان رها کن کسانی را که بازی و سرگرمی را برنامه خود قرار داده‌اند و زندگی دنیا و زرق و برقش گولشان زده است. با این قرآن مردم را به خودشان بیاور تا مبادا کسی در قیامت، گرفتار کارهای زشت خودش شود. آخر، آنجا جز خدا حامی و شفاعت‌کننده‌ای ندارد و برای نجات از عذاب، هر گرامتی هم بدهد، از او گرفته نمی‌شود! آن‌ها گرفتار کارهای خودشان‌اند و به‌سزای بی‌دینی‌هایشان، نوشیدنی جوشان و عذابی زجرآور نصیبشان می‌شود! ۷۰

بگو: «به جای خدا بت‌هایی را بپرستیم که سود و زیانی به ما نمی‌رسانند؟! یعنی بعد از آنکه خدا راهنمایی‌مان کرد، به گذشته تاریکمان برگردیم؟! درست مثل شخص حیرانی که شیاطین او را به دره سقوط می‌کشاند. البته، در همان حال، دوستان خوبی هم دارد که به راه درست دعوتش می‌کنند: «بیا سمت ما.»

بگو: «فقط راهنمایی خدا راهنمایی واقعی است و به ما دستور رسیده که تسلیم صاحب جهانیمان باشیم.» ۷۱ همچنین، به ما امر شده: «نماز را با آدابش بخوانید و در حضور خدا، مراقب رفتارتان باشید. او همان است که شما را دسته‌جمعی به محضرش می‌برد.» ۷۲

اوست که آسمان‌ها و زمین را بر اساس حکمت آفرید. به محض اینکه به قیامت دستور بدهد: «باش»، به سرعت به وجود می‌آید؛ چون دستورش واقع‌شدنی است. روزی که در شیپور قیامت بدمند، معلوم خواهد شد که فرمانروایی همه عالم در اختیار اوست^۱ و او دانای پنهان و پیداست و اوست کاردرست آگاه. ۷۳

به این ماجرا دقت کن: ابراهیم از عمویش، آزر، پرسید: «واقعاً بت‌هایی بی‌جان را می‌پرستی؟! من که تو و هم‌فکرانت را سخت در اشتباه می‌بینم!» ۷۴ این‌طور، واقعیت‌های پشت‌صحنهٔ آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نشان می‌دادیم تا جزو یقین‌کنندگان شود و... ۷۵

وقتی تاریکی شب فرا رسید، ابراهیم سیارهٔ زهره را دید. به ستاره‌پرست‌ها گفت: «این است صاحب‌اختیار من!» اما همین‌که در آسمان محو شد، گفت: «من چیزی را که محو شود، دوست ندارم.» ۷۶

وقتی چشمش به ماه تابان افتاد، به ماه‌پرست‌ها گفت: «این است صاحب‌اختیار من!» ولی تا ماه غروب کرد، گفت: «اگر خدا راهنمایی‌ام نکرده بود، ردخور نداشت که جزو جماعت گمراه می‌شدم.» ۷۷

وقتی خورشید درخشان را دید، به خورشیدپرست‌ها گفت: «این است صاحب‌اختیار من! این از همه بزرگ‌تر است.» اما همین‌که خورشید هم غروب کرد، گفت: «مردم! من دیگر کاری ندارم به آنچه می‌پرستید. ۷۸ من، با میان‌روی و با تمام وجودم، به کسی رو می‌آورم که همهٔ آسمان‌ها و زمین را پدید آورده است و من هرگز بت‌پرست نخواهم شد.» ۷۹

مردمش با او چون و چرا کردند. ابراهیم گفت: «آیا با من دربارهٔ خدا چون و چرا می‌کنید، درحالی‌که او مرا راهنمایی کرده؟! من از خشم خیالی خدایانتان نمی‌ترسم. جز به خواست خدا آسیبی به من نخواهد رسید؛ زیرا خدا به همه چیز علم دارد. پس چرا به خود نمی‌آیید؟! ۸۰ چطور شد که من باید از قهر و غضب بت‌های شما بترسم؛ اما شما، با اینکه خدا دلیلی بر درستی بت‌پرستی نفرستاده است، از این کار غلطتان نترسید؟! پس اگر واقعاً می‌دانید، بگوئید که کدام یک از ما دو گروه، سزاوارِ در امان بودن از عذاب است؟ ۸۱

۱. «رَبِّ» در اینجا کسی است که جهان را می‌گرداند، نه اینکه می‌آفریند. بت‌پرست‌ها برای خدا شریکی «در خلقت» قائل نبودند؛ بلکه می‌گفتند: «خدای بزرگ بت‌های ما را آفریده و تدبیر و ادارهٔ آفرینش را به آن‌ها واگذارده است.» در دنیای امروز نیز از این باورهای شرک‌آلود و خرافی می‌توان سراغ گرفت.

البته مؤمنانی که ایمانشان را به ظلمی همچون بت پرستی آلوده نساخته‌اند، فقط آنان در امن و امان‌اند و راه درست را پیدا کرده‌اند.» ۸۲

این‌ها دلیل‌هایی بود که به دل ابراهیم انداختیم تا در برابر مردم، از خود دفاع کند. هرکه را شایسته بدانیم، چندین درجه بالا می‌بریم؛ زیرا خدا کاردرست داناست. ۸۳

به ابراهیم، اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و دست تک‌تکشان را گرفتیم. البته قبل از آن به نوح کمک کرده بودیم. از نسل ابراهیم، دست اینان را هم گرفتیم: داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون. بله، به درستکاران این‌طور پاداش می‌دهیم. ۸۴ دست زکریا، یحیی، عیسی و الیاس را هم گرفتیم. آنان همه جزو شایستگان بودند. ۸۵ دست اسماعیل، یسح، یونس و لوط را هم گرفتیم و همگی‌شان را بر جهانیان برتری دادیم ۸۶ و نیز گروهی از پدران و فرزندان و برادرانشان را برتری دادیم و آنان را برگزیدیم و به راه درست زندگی سوقشان دادیم.

۸۷

این است هدایت خدا: دست هریک از بندگانش را که لایق ببیند، با آن هدایت می‌گیرد؛ درحالی‌که اگر بت پرستند، تمام تلاش‌هایشان بر باد می‌رود. ۸۸

اینان کسانی‌اند که به ایشان کتاب آسمانی و سمت رهبری و پیامبری دادیم؛ پس اگر مردم این نعمت‌ها را ناشکری کنند، آن را می‌سپاریم به گروه دیگری که ناشکری‌اش نکنند. ۸۹ بله، این پیامبران کسانی‌اند که خدا دستشان را گرفته است؛ پس راهشان را ادامه بده. به مردم هم بگو: «برای راهنمایی‌تان مزدی که از شما نمی‌خواهم!» این پیامبر و کتابش فقط مایهٔ به‌خودآمدن جهانیان است. ۹۰

یهودی‌هایی که ادعا می‌کنند: «خدا برای راهنمایی مردم بر هیچ بشری چیزی نفرستاده»، خدا را آن‌طور که باید و شاید نشناخته‌اند. بپرس: «تورات را که موسی آورد و سراسرش راهنمایی و نور بود، چه کسی فرستاد؟ همان کتابی که آن را به صورت ورق‌پاره‌هایی درآوردید! آنچه به دلخواهتان بود، آشکار می‌کردید و بخش زیادی را مخفی می‌ساختید؛ در صورتی که چیزهایی از تورات یاد گرفته بودید که نه شما و نه پدران‌تان بدون تورات نمی‌توانستید یاد بگیرید!» بگو: «خداست که همه را فرستاده.» آن وقت، به حال خودشان رهایشان کن تا سرگرم غوطه خوردن در عقاید پوچشان باشند! ۹۱

این قرآن کتابی است پُر خیر و برکت که آن را فرستادیم تا مؤید کتاب‌های آسمانی موجود باشد^۱ و تا به مردم مکه و ساکنان اطرافش هشدار دهی و... البته کسانی که آخرت را باور دارند و مراقب نمازهایشان هستند، قرآن را هم باور دارند. ۹۲

چه کسانی بدکارتر از آن‌هایی‌اند که به خدا نسبت دروغ می‌دهند یا ادعا می‌کنند: «به ما وحی شده»، در حالی که چیزی به آن‌ها وحی نشده است یا ادعا می‌کنند: «ما هم مثل آنچه خدا فرستاده، خواهیم فرستاد»؟!

کاش این بدکارها را در لحظه‌های سخت جان‌کندن می‌دیدید که فرشتگان دستانشان را به طرف آن‌ها دراز می‌کنند و بر سرشان فریاد می‌زنند: «جان بکنید! امروز خواروار می‌شوید، به سزای حرف‌های بیجایی که درباره خدا می‌گفتید و در برابر آیه‌ها و نشانه‌هایش شاخ‌وشانه می‌کشیدید.» ۹۳

همان‌طور که شما را اول بار تنها آفریدیم، حالا هم تک‌وتنها پیشمان آمده‌اید! بله، همه داشته‌های دنیایی‌تان را که به شما داده بودیم، پشت سرتان رها کرده‌اید و دست خالی آمده‌اید! راستی، بت‌هایی را که خیال می‌کردید در انجام دادن کارهایتان بین ما و شما واسطه هستند، همراهتان نمی‌بینیم! بین شما و آن‌ها جدایی افتاده و چیزهایی که خیال می‌کردید تکیه‌گاهتان هستند، از جلوی چشمتان غیبشان زده است. ۹۴

خدا دانه و هسته را می شکافت. موجود زنده را از دل مادّه بی جان بیرون می کشد و مادّه بی جان را از موجود زنده^۱. این است خدا. پس چرا از مسیر حق به انحراف کشیده می شوید؟! ۹۵

هم او شکافنده شب است، برای بیرون کشیدن سپیده دم و شب را مایه آرامش کرده و خورشید و ماه را معیاری برای محاسبه زمان. این است اندازه گیری آن شکست ناپذیر دانا. ۹۶

هم اوست که ستاره ها و سیاره ها را برایتان علامت هایی کرده تا در تاریکی های صحرا و دریا راهتان را پیدا کنید. بله، نشانه هایمان را توضیح می دهیم برای مردم خوش فهم. ۹۷ اوست کسی که همه تان را از یک انسان به وجود آورده و می آورد. بعضی هایتان به دنیا آمده اند و بعضی های دیگر به دنیا می آیند. بله، نشانه هایمان را توضیح می دهیم برای مردم خوش فکر. ۹۸

اوست که از آسمان برف و باران می فرستد. به برکتش، گیاهان گوناگون می روینیم و به آن ها برگ و ساقه می دهیم و از درون ساقه، دانه های روی هم چیده شده درمی آوریم. از شکوفه نخل خرما، خوشه هایی به هم پیوسته و آویزان بیرون می کشیم و باغ هایی از انواع انگور و درختان زیتون و انار پدید می آوریم که بعضی در شکل و رنگ و طعم و بو شبیه هم اند و بعضی مختلف. میوه دادن این درختان و طرز رسیدنش را خوب تماشا کنید. در آفرینش همه این ها نشانه هایی از یکتایی خداست برای مردم باایمان. ۹۹

ولی بت پرست ها برای خدا در کاروبار عالم، شریک هایی از جن در نظر می گیرند؛ با اینکه جئیان را هم، خدا آفریده است. تازه، با ندانم کاری، برای او پسران و دخترانی می تراشند.^۲ خدا مبراست از توصیف هایی که می کنند و برتر از آن. ۱۰۰ او خالق خلاق آسمان ها و زمین است. با توجه به اینکه خدا همسری ندارد، چطور ممکن است بچه ای داشته باشد؟! همه چیز را او آفریده است و او هر چیزی را می داند. ۱۰۱

۱. مانند بیرون آمدن تخم از شکم پرنده، خشک شدن شاخه درخت، در آمدن ناخن و مو، رشد کردن فردی بدکار در خانواده ای درستکار و... البته همه مواد جامد حیات دارند؛ ولی در مقایسه با جانوران «بی جان» اند.

۲. بعضی هایشان می گفتند: «خدا یا دختری از جئیان ازدواج کرده است و فرشتگان دختر و پسر نتیجه این ازدواج اند!» آیه ۱۵۸ سوره صافات (ص ۴۵۲) هم در این باره است.

بله، این است خدایی که صاحب اختیار شماست. معبودی جز او نیست و او آفریننده هر چیزی است. پس او را بپرستید؛ چون او همه کاره موجودات است. ۱۰۲
 البته چشم‌ها نمی‌توانند او را ببینند؛ ولی او نگاه‌ها را زیر نظر دارد؛ چون او نکته‌سنج و آگاه است. ۱۰۳

بله، زمینه‌های بسیاری برای فهم درست، از طرف خدا برایتان آمده است: هرکه با چشم بصیرت نگاهشان کند، به خودش سود می‌رساند و هرکه خودش را به کوری بزند، به خودش ضرر می‌زند. بگو: «به هر حال، من مراقبتان نیستم.» ۱۰۴ این طور، آیه‌هایمان را به صورت‌های گوناگون بیان می‌کنیم تا آن وقت به طعنه بگویند تو قرآن را از دیگران یاد گرفته‌ای! نخیر، بلکه تا برای مردم خوش فهم توضیحش بدهیم و... ۱۰۵
 دنباله‌رو چیزی باش که از طرف خدا به تو وحی شده است. معبودی جز او نیست. از بت پرست‌ها هم رو بگردان. ۱۰۶ اگر خدا آن‌ها را لایق می‌دید، به حال خود رهایشان نمی‌کرد تا بت پرستند. تو را مراقب آن‌ها نکرده‌ایم. همه کاره‌شان هم نیستی. ۱۰۷
 مسلمانان! به مقدسات بت پرست‌ها فحش ندهید! وگرنه، آن‌ها هم با ندانم‌کاری و برای تلافی، به خدا و مقدساتان فحش می‌دهند. کارهای هر گروهی را این طور در نظرشان رنگ و لعاب داده‌ایم. دست آخر، به سوی خداست برگشتنشان و او از کارهایشان باخبرشان می‌کند. ۱۰۸

بت پرست‌ها سفت و سخت به خدا قسم می‌خورند که اگر معجزه‌ای برایشان بیاید، مسلمان می‌شوند. بگو: «اختیار معجزه‌ها دست خداست.» تازه، نمی‌دانید که! اگر معجزه‌ای هم برایشان بیاید، ایمان نمی‌آورند. ۱۰۹
 به سزای آنکه قبل از آمدن معجزه‌ها ایمان نیاوردند، این بار هم دل و دیدگان‌شان را زیرورو می‌کنیم تا بعد از معجزه هم ایمان نیاورند و آن‌ها را در سرکشی‌شان رها می‌کنیم که کوردل باقی بمانند! ۱۱۰

حتی به فرض محال، ما فرشته‌ها را هم به سویشان بفرستیم و مرده‌ها با آن‌ها به حرف دربیایند و هر چیز دیگری را با آن‌ها روبه‌رو کنیم تا آن چیزها به حقایق تو شهادت دهند، باز هم محال است ایمان بیاورند؛ مگر آنکه خدا به آن‌ها توفیق دهد؛ ولی بیشترشان این را نمی‌دانند. ۱۱۱

این طور، در برابر هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انسی و جنی علم کردیم که حرف‌هایی جذاب و فریبنده، بین خودشان ردوبدل کنند. اگر خدای خواست، به زور جلویشان را می‌گرفت تا این کارها را نکنند. پس فعلاً آن‌ها را با خیال بافی‌هایشان، به حال خودشان رها کن ۱۱۲ تا در نتیجه آن ارتباطات شیطانی، دل‌های کسانی که آخرت را باور نمی‌کنند، به همان حرف‌ها متمایل شود و از آن خوششان بیاید و هر بلایی که خواستند، سر خودشان بیاورند!... ۱۱۳

با اینکه خدا قرآن را گویا و شفاف برایتان فرستاده است، آیا جز او را به داوری انتخاب کنم؟! اهل کتاب به خوبی می‌دانند که قرآن حساب شده و هدف‌دار از طرف خدا فرستاده شده است؛ پس برای لحظه‌ای حتی، شک به دلت راه نده! ۱۱۴ پیام خدا، با آمدن اسلام و قرآن و براساس راستی و عدالت، به مرحله شکوفایی رسیده است و چیزی توانایی تغییر دادن پیام‌هایش را ندارد؛ چون اوست شنوای دانا. ۱۱۵

در احکام و معارف دینی، اگر دنبال‌رو بیشتر مردم روی زمین باشی، تو را از راه خدا به در خواهند کرد! زیرا آن‌ها فقط دنبال‌رو بافته‌های ذهنی خودشان هستند و فقط به حدس و گمان تکیه می‌زنند. ۱۱۶ البته خدا بهتر می‌داند وضع و حال آن‌هایی را که از راهش به در شده‌اند یا در راه درست قرار دارند. ۱۱۷ اگر آیه‌های خدا را واقعاً باور دارید، از حیوانات حلال‌گوشتی بخورید که وقت سربریدن، نام خدا بر آن‌ها برده شده است. ۱۱۸

چه تان شده که از حیوانات حلال گوشتی نمی‌خورید که وقت سربردن، نام خدا بر آن‌ها برده شده است؛ در صورتی که خدا شفاف گفته که چه چیزهایی را برایتان حرام کرده است؛^۱ مگر اینکه برای حفظ جانتان، به خوردن چیزهای حرام مجبور شوید. خیلی‌ها خودسرانه و بدون آگاهی، با حلال و حرام کردن چیزها، مردم ساده‌لوح را گمراه می‌کنند. خدا خوب می‌داند وضع و حال آن‌هایی را که از خط‌قرمزهای الهی بگذرند. ۱۱۹

دست از گناهان بکشید؛ خواه ضرر و زشتی‌شان را بدانید، خواه ندانید. کسانی که مرتکب گناه می‌شوند، به سزای غوطه‌ور شدن‌شان در منجلاب بدی‌ها مجازات خواهند شد. ۱۲۰

از حیوانات حلال گوشتی که وقت سربردن، نام خدا را بر آن‌ها نبرده‌اند، نخورید؛ چون این کار انحراف از فرمان خداست. شیطان‌ها، دوستان بی‌دینشان را وسوسه می‌کنند تا درباره خوردن این گوشت‌ها، با شما بگومگو کنند. اگر با آن‌ها هم عقیده و هم عمل شوید، البته که به همان اندازه بی‌دین هستید!^۲ ۱۲۱

کسی را در نظر بگیرید که دل مرده است و با راهنمایی‌هایمان زنده‌اش می‌کنیم و نوری به دستش می‌دهیم تا بین مردم بتواند راه درست را با آن پیدا کند و برود. آیا او مانند کسی است که گرفتار تاریکی‌های اعتقادی و اخلاقی است و بیرون بیا هم نیست؟! کارهای زشتی که بی‌دین‌ها می‌کردند، این‌طور در نظرشان رنگ و لعاب داده شد. ۱۲۲

همچنین، به گناهکارهای سرشناس هر شهر و دیاری امکانات و فرصت کافی می‌دهیم؛ ولی دست‌آخرا این می‌شود که به گول زدن مردم در آن شهرها مشغول می‌شوند؛ اما بی‌آنکه بفهمند، دارند خودشان را گول می‌زنند! ۱۲۳

وقتی آیه‌ای خطاب به آن‌ها بیاید، باریش‌خند و تکبر می‌گویند: «هرگز ایمان نمی‌آوریم؛ تا آنکه همان مقام و امتیازی را به ما بدهند که به پیامبران الهی داده‌اند!» بگو: «خدا بهتر می‌داند که پیامبری‌اش را به چه کسی بدهد.» آن گناهکارهای سرشناسی که مردم را گول می‌زنند، به سزای نقشه‌های شومشان، به همین زودی‌ها در پیشگاه خدا دچار خواری و عذابی سخت می‌شوند. ۱۲۴

۱. خدا در آیه ۱۱۵ سوره نحل (ص ۲۸۰) خوردن برخی غذاها را ممنوع کرده است.

۲. بی‌دینی سه نوع است: ۱. بی‌دینی اعتقادی ۲. بی‌دینی زبانی ۳. بی‌دینی عملی. عمل نکردن به دستورهای دین و سهل‌انگاری در آن‌ها سرآز بی‌دینی عملی در خواهد آورد. خدا در جای‌جای قرآن، بی‌دینی بعضی مسلمان‌ها را گوشزد کرده است.

در ضمن، مسلمان‌های مقیم یا مسافر در کشورهای غیراسلامی مراقب‌اند که غذای حلال تهیه کنند؛ زیرا می‌دانند که خوراک پاک چه تأثیر عمیقی در سلامت زندگی و سعادت آخرتشان می‌گذارد.

هرکه را خدا لایقِ راهنمایی بداند، ظرفیت درونی اش را برای پذیرش اسلام بیشتر می‌کند و هرکه را بخواهد از سرب‌بی‌لیاقتی اش به حال خود رها کند، ظرفیت درونی اش را برای پذیرش حق آن‌قدر کم می‌کند که انگار می‌خواهد جانش دربیاید! خدا کسانی را که او و آیه‌هایش را باور نمی‌کنند، این‌طور به پلیدی می‌کشاند. ۱۲۵

این است راه و روش تغییرناپذیر خدا. به یقین، آیه‌ها و نشانه‌هایمان را برای مردمی توضیح می‌دهیم که می‌خواهند به خود بیایند. ۱۲۶ به پاس کارهای خوبی که می‌کردند، برایشان پیش خدا سرای آرامش مهیاست و کس و کارشان خداست. ۱۲۷

روز قیامت که خدا همگان را جمع کند، شیطان‌ها را این‌طور سرزنش می‌کند: «خیلی از انسان‌ها را گمراه کردید.» انسان‌هایی که دوست شیطان‌ها بودند، اعتراف می‌کنند: «خدایا، ما به همدیگر فایدهٔ دوطرفه رساندیم^۲ و گذشت و گذشت، تا به سرانجامی رسیدیم که تو برایمان تعیین کرده بودی.»^۳ خدا هم حکم می‌کند: «آتش جایگاهتان است که آنجا ماندنی هستید؛ مگر آنکه خدا چیز دیگری بخواهد؛ چون خدا کار درست داناست.»^۴ ۱۲۸ بله، سرپرستی بدکارها را به دلیل کارهای ناپسندشان، این‌طور به همدیگر وامی‌گذاریم. ۱۲۹

در قیامت، خدا از آن‌ها می‌پرسد: «ای جماعت جن و انس، مگر پیامبرانی از جنس خودتان برای شما نیامدند که آیه‌هایمان را برایتان بخوانند و دیدار امروزتان را به شما هشدار دهند؟!» جواب می‌دهند: «به ضرر خودمان شهادت می‌دهیم که آمدند و هشدار هم دادند.» بله! زندگی دنیا و زرق و برقش فریبشان داد و حالا به ضرر خودشان گواهی می‌دهند که بی‌دین بوده‌اند. ۱۳۰

۱. همان‌طور که پرواز به آسمان، بدون وسایل، ناممکن است، پذیرش حقیقت برای لجاجت‌های بی‌لیاقت هم نشدنی است.

۲. یعنی ما با دنباله‌روی از شیطان‌ها دنبال هوس‌رانی بودیم و شیطان‌ها از گمراه کردن ما لذت می‌بردند.

۳. امروزه هم گروه‌های شیطان‌پرست به صورت‌های گوناگون و در بیشتر کشورهای جهان به فعالیت‌های غیرانسانی و پلید مشغول‌اند و جوانان صاف و ساده را به خودشان جذب می‌کنند و به پوچی و تباهی می‌کشاند.

پیامبران آمده‌اند تا مردم را باخبر کنند. آخر، خدا بنا ندارد شهرهایی را که مردمش از حقایق بی‌خبرند، ظالمانه نابود کند. ۱۳۱

هر آدم و جنّی، متناسب با کارهایش، درجاتی دارد و خدا از کارهایی که می‌کنند، بی‌خبر نیست. ۱۳۲ همچنین، خدا بی‌نیاز مهربان است و به شما بد نمی‌کند؛ ولی اگر ببیند نالایقید، شما را از بین می‌برد و مردم دیگری به جایتان می‌آورد؛ همان طور که شما را از نسل مردمان گذشته به وجود آورد. ۱۳۳ آنچه به شما وعده داده می‌شود، البته آمدنی است و شما نمی‌توانید حریف خدا شوید. ۱۳۴

بگو: «قوم من! هر کاری از دستتان برمی‌آید، بکنید! من هم به وظیفه‌ام عمل می‌کنم. بالاخره خواهید فهمید چه کسی عاقبت به خیر می‌شود! معلوم است که بدکارها خوشبخت نمی‌شوند.» ۱۳۵

بت پرست‌ها از محصولات کشاورزی و دام‌هایی که خود خدا می‌آفریند، مقداری برای خدا کنار می‌گذاشتند و مقداری برای بت‌هایشان! به خیال خودشان می‌گفتند: «این سهم خداست. این هم سهم بت‌هایمان!» سهم بت‌هایشان به خدا نمی‌رسید؛ اما سهم خدا به هر بهانه‌ای به بت‌هایشان می‌رسید! چقدر بد تقسیم‌بندی می‌کنند! ۱۳۶

همچنین، کاهنان بت‌خانه‌ها کشتن فرزندان را در نظر خیلی از بت‌پرست‌ها، رنگ‌ولعاب می‌دادند تا دست‌آخر آن‌ها را به نابودی بکشانند و همان اندک اعتقادشان به دین ابراهیمی را هم هرچه بیشتر با خرافات در هم کنند. اگر خدا می‌خواست، به زور جلوبیشان را می‌گرفت تا این کارها را نکنند؛ ولی فعلاً آن‌ها را با خیال بافی‌هایشان به حال خودشان رها کن. ۱۳۷

بت پرست‌ها به خیال خودشان می‌گفتند: «دست زدن به این دام‌ها و محصولات کشاورزی ممنوع است و جز کسی که ما بخواهیم، یعنی کاهنان بتخانه‌ها، حق استفاده از آن‌ها را ندارد!» چهارپایانی هم داشتند که سوارشدن بر آن‌ها کلاً حرام بود^۱ و نیز چهارپایانی که در سفر حج سوارشان نمی‌شدند! این دروغ‌ها را به خدا می‌بستند. خدا هم سزای این دروغ‌بافی‌هایشان را خواهد داد. ۱۳۸

همچنین می‌گفتند: «خوردن بچه‌های این دام‌ها در صورتی که زنده به دنیا بیایند، مخصوص مردان ماست و بر زنان حرام است؛ اما اگر مرده به دنیا بیایند، همگی می‌توانند از آن استفاده کنند!» خدا سزای دروغ‌بافی‌هایشان را خواهد داد؛ زیرا او کار درست داناست. ۱۳۹

البته کسانی که از روی حماقت و ندانم‌کاری، بچه‌هایشان را می‌کشند و با دروغ بستن به خدا استفاده از برخی چیزهایی را که خدا روزی‌شان کرده، ممنوع می‌کنند، سرمایه‌ عمرشان را بر باد می‌دهند. این افراد گمراه شده‌اند و دیگر هم کسی دستشان را نمی‌گیرد. ۱۴۰

اوست کسی که باغ‌هایی پدید آورد که بعضی نیاز به داریست^۲ دارند و بعضی نه. نخلستان‌ها و کشتزارهایی هم با محصولات گوناگون و درختان زیتون و انار پدید آورد که بعضی در شکل و رنگ و طعم و بو شبیه هم‌اند و بعضی مختلف. وقتی باغ‌ها و مزارع به بار می‌نشینند، از میوه و محصولش استفاده کنید و وقت چیدن، حق نیازمندان را از آن بدهید و زیاده‌روی و ریخت و پاش نکنید که خدا اسراف‌کارها را دوست ندارد! ۱۴۱

اوست که از رده‌ چهارپایان، حیواناتی باربر و گوشتی آفرید. از این نعمت‌هایی که روزی‌تان کرده‌ایم، استفاده کنید و با حرام دانستن آن‌ها، پا جای پای شیطان نگذارید که او دشمن علنی شماست! ۱۴۲

۱. در آیه ۱۰۳ سوره مائده و پاورقی اش (ص ۱۲۴)، نام‌نشانان آمده است.

۲. تکیه‌گاهی برای شاخ و برگ برخی درخت‌ها، مثل موانگور، برای اینکه بتوانند روی پا بایستند و قد بکشند.

منظور از آن چهارپایان چهارجفت حیوان نرو ماده است: یک جفت گوسفند و یک جفت بز... از بت پرست‌ها بپرس: «خدا نرهای آن‌ها را حرام کرده یا ماده‌ها را یا بچه‌هایی را که در شکم ماده‌هاست؟! اگر راست می‌گویید، جواب سؤالم را با دلیل و مدرک بدهید!» ۱۴۳... یک جفت شتر و یک جفت گاو هم هست. باز بپرس: «خدا نرهای آن‌ها را حرام کرده یا ماده‌ها را یا بچه‌هایی را که در شکم ماده‌هاست؟! اصلاً وقتی خدا آن‌ها را حرام می‌کرد، حاضر و شاهد بودید؟! پس چه کسانی بدکارتر از آن‌هایی‌اند که بخواهند با دروغ بستن به خدا مردم ساده لوح را گمراه کنند؟! خدا این‌طور بدکارها را در اهدافشان موفق نمی‌کند. ۱۴۴

بگو: «در بین آیات و احکامی که به من وحی شده، چیزی نمی‌بینم که خوردنش برای مصرف‌کننده‌ها حرام باشد؛ مگر مثل حیوان مرده یا خونی که وقت سربریدن حیوان بیرون می‌ریزد یا گوشت خوک، که این‌ها همه پلیدند، یا حیوانی که وقت سربریدن، از سر نافرمانی، نام غیرخدا بر آن برده‌اند. البته کسی که برای حفظ جانش، آن‌هم با بی‌میلی و به اندازهٔ ضرورت، مجبور به خوردنش شود، گناهی به گردنش نیست؛ زیرا خدا آمرزندهٔ مهربان است.» ۱۴۵

بر یهودی‌ها استفاده از هر حیوان غیرشُم‌چاکی^۱ را حرام کردیم و پیه و چربی گاو و گوسفند را هم بر آن‌ها حرام کردیم؛ به جز چربی‌هایی که بر پشت و پهلوهایشان چسبیده یا مخلوط با استخوان است. این ممنوعیت‌ها را به سزای سرکشی‌هایشان وضع کردیم.^۲ ما در تمام این حرف‌ها راست‌گوییم. ۱۴۶

۱. غیرشُم‌چاک یعنی چهارپا و پرندۀ‌ای که بین انگشتانش شکاف ندارد؛ بلکه مثل اسب و شتر، یک تکه است یا مثل مرغابی و اردک، پرده‌ای نازک بین انگشتانش قرار دارد.

۲. فهرستی از کارهای زشتی که یهودیان انجام می‌دادند، در آیه‌های ۱۵۵ تا ۱۶۰ سورهٔ نساء (ص ۱۰۳) آمده است.

پس اگر تو را دروغگو دانستند، بگو: «خدا لطفی سرشار دارد؛ ولی عذاب سختش درباره گناهکارها ردخور ندارد.» ۱۴۷

البته بت پرست‌ها برای توجیه این قانون تراشی‌هایشان خواهند گفت: «اگر خدا می‌خواست، ما و پدرانمان بت نمی‌پرستیدیم و چیزی را حرام نمی‌کردیم!» آن قبلی‌ها هم پیامبران را این‌طور دروغگو دانستند تا دست‌آخر طعم تلخ عذابمان را چشیدند. اگر خدا تأییدشان می‌کرد که عذابشان نمی‌کرد! بگو: «دلیل معتبری برای ادعاهایتان دارید که برای ما رو کنید؟! آخر، شما فقط دنباله‌رو بافته‌های ذهنی خودتان هستید و فقط به حدس و گمان تکیه می‌زنید.» ۱۴۸

در ادامه بگو: «در عوض، خدا دلیل قانع‌کننده‌ای دارد و آن اینکه اگر می‌خواست، همه‌تان را به زور هم که شده، به راه درست می‌آورد.» ۱۴۹ همچنین بگو: «گواهانتان را بیاورید که شهادت بدهند خدا این‌ها را حرام کرده است!» پس اگر به دروغ شهادت دادند، تو با آن‌ها هم صدا نشو. همچنین، تابع میل این دو گروه نباش: یهودی‌هایی که آیه‌های ما را دروغ می‌دانند و بت پرست‌هایی که آخرت را باور نمی‌کنند و بت‌ها را هم رتبه خدا می‌دانند! ۱۵۰

به همه بگو: «بیایید چیزهایی را که خدا فرمان داده است، برایتان بخوانم: چیزی را به جای او نپرستید. تا می‌توانید در خدمت پدر و مادر باشید.^۲ بچه‌هایتان را از سر فقر و نداری نکشید؛ چون روزی شما و آن‌ها را ما می‌دهیم. دورویر کارهای زشت نگردید، چه آشکار باشد و چه مخفی. آدم بی‌گناهی را که خدا جانش را محترم می‌داند، نکشید؛ مگر اینکه شرعاً حَقُّش باشد. خدا به شما این‌طور سفارش کرده است تا عقلمتان را به کار بیندازید. ۱۵۱

۱. پس همین‌طور که باید با اختیار خودتان ایمان بیاورید، معلوم است که با اختیار خودتان بی‌دینی می‌کنید! خدا دوست دارد که همه به راه درست «بروند»؛ ولی کسی را به اجبار «نمی‌برد» و فقط راهنمایی می‌کند.

۲. دوتلنگر شبیه به هم در این آیه هست. دومی را در پاورقی آیه ۲۳ سوره اسراء (ص ۲۸۴) بخوانید و اولی را در اینجا: در زبان عربی «إحسان» را هم با «إلی» می‌آورند و هم با «ب». اگر با «إلی» بیاید، یعنی نیکی بی‌واسطه یا با واسطه؛ اما اگر با «ب» بیاید یعنی فقط نیکی بی‌واسطه و مستقیم! همچنین، «ب» معنای الصاق و اتصال می‌دهد. بله، خدای مهربان دوست ندارد که پدر و مادر را به خانه سالمندان بفرستیم یا با گرفتن پرستار، محترمانه ترکشان کنیم!

همچنین، به اموال یتیم دست نزنید، مگر برای حفظ و افزایش آن، تا اینکه او به رشد کافی برسد. پیمان‌ه و ترازویان را درست و دقیق کنید. عمل به این سفارش‌ها سخت نیست؛ چون هرکس را فقط به اندازه توانش مسئول می‌دانیم. وقتی نظر خود را می‌گویید، انصاف را رعایت کنید؛ هرچند دربارهٔ نزدیکانتان باشد. دست‌آخر اینکه به دین‌داری‌تان پایبند باشید. خدا به شما این‌طور سفارش کرده است تا به خودتان بیايید. ۱۵۲ این است راه درست من. پس، از این راه بروید، نه از راه‌های انحرافی که از راه خدا دورتان می‌کند. خدا به شما این‌طور سفارش کرده است تا مراقب رفتارتان شوید.» ۱۵۳

این ده فرمان را به پیامبران گذشته هم رساندیم. بعد، به موسی تورات را دادیم تا نعمت‌هایمان را برای عمل‌کنندگان به این توصیه‌ها کامل کنیم و توضیح بیشتری دربارهٔ تمام مسائل لازم بدهیم و تا مایهٔ راهنمایی و رحمت برایشان باشد. باشد که دیدارِ خدا را باور کنند. ۱۵۴

این قرآن کتابی است پُرخیبر و برکت که آن را فرستادیم؛ پس به آن عمل کنید و راه مخالفت با آن را در پیش نگیرید تا لطف خدا شامل حالتان شود. ۱۵۵ بله، قرآن را فرستادیم تا بهانه نیاورید: «کتاب آسمانی فقط برای یهودی‌ها و مسیحی‌ها فرستاده شده بود و ما واقعاً از محتوای کتاب‌هایشان بی‌خبر بودیم!» ۱۵۶

یا نگوئید: «اگر برایمان کتاب آسمانی فرستاده بودند، هدایت یافته‌تر از آن‌ها بودیم!» خب، این هم قرآن! پراز دلیل‌های روشن و راهنمایی و رحمت است و از طرف خدا برایتان آمده. با وجود این، چه کسانی بدکارتر از آن‌هایی‌اند که آیه‌های خدا را دروغ بدانند و از کنارش به راحتی رد شوند؟! کسانی را که به همین راحتی از کنار آیه‌هایمان رد می‌شوند، برای همین بی‌اعتنایی‌شان، گرفتارِ عذابی سخت خواهیم کرد. ۱۵۷

آن‌ها نکند فقط منتظر همین‌اند که فرشتگان عذاب سراغشان بیایند؟! یا خودِ خدا در قیامت؟! یا بعضی از نشانه‌های عذابش؟! روزی که بعضی از نشانه‌های عذابش بیاید، دیگر سودی ندارد ایمان آوردن کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا ایمان داشتن کسی که در مدت ایمانش کار خیری نکرده است. به هر حال، بگو: «منتظر بمانید که ما هم منتظر می‌مانیم!» ۱۵۸

عده‌ای که با دینشان برخورد گزینشی می‌کنند و به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شوند، دیگر کاری به کارشان نداشته باش! حسابشان با خداست. آن وقت از کارهایی که می‌کردند، باخبرشان می‌کند. ۱۵۹

آنانی که کار خوب به قیامت بیاورند، ده برابرش نصیبشان می‌شود و آن‌هایی که کار بد به قیامت بیاورند، فقط به همان اندازه مجازات می‌بینند. به هر حال، به هیچ‌یک از این دو دسته ستم نمی‌شود. ۱۶۰

بگو: «خدا مرا به راه درست زندگی برده است: دینی مستحکم، همان دین ابراهیمِ میانه‌رو. بله، او هرگز بت پرست نبود.» ۱۶۱ بگو: «نماز و عبادت‌هایم و زندگی و مرگم، همه، برای خداست که صاحب اختیار جهانیان است؛ ۱۶۲ درحالی‌که هیچ‌گونه شریکی ندارد. به من دستور داده شده که این‌طور باشم. بله، من سرآمد مسلمانانم.» ۱۶۳ بالاخره بگو: «با آنکه خدا صاحب اختیار همه چیز است، دنبال خدایی غیر از او باشم؟! هرکه کاری بکند، فقط به عهده خودش است و کسی بار گناه کسی را به دوش نمی‌کشد. دست آخر، به سوی خداست برگشتنتان و او از هر چیزی که سرش اختلاف داشته‌اید، باخبرتان می‌کند.» ۱۶۴

اوست که شما را جانشین نسل‌های گذشته در زمین کرده است و با استعداد‌های مختلف، بر همدیگر برتری تان داده تا با چیزهایی امتحانتان کند که در اختیار تان گذاشته است. خدا خلاف کارها را به سرعت مجازات می‌کند و در برخورد با خطاکارها آمرزندهٔ مهربان است. ۱۶۵

سوره اعراف

به نام خدای خوب مهربان

الف، لام، میم، صاد. ۱

قرآن کتاب بزرگی است که به سوی تو فرستاده شده است تا با آن، به عموم مردم هشدار بدهی و مؤمنان را به خود بیاوری؛ پس دلواپس تبلیغش نباش. ۲

دنباله رو قرآنی باشید که از طرف خدا به سویتان فرستاده شده است و به جای او دنبال ارباب‌های دیگر راه نیفتید. حیف که کمتر به خود می‌آیید! ۳

چه شهرهای زیادی را نابود کردیم؛ این طور که در حال خواب شبانه یا وقت استراحت روزانه، عذابمان سراغشان آمد. ۴ وقتی عذابمان سراغشان آمد، حرفی برای گفتن نداشتند، جز آنکه اعتراف کنند: «واقعاً که ما بد کردیم.» ۵

در آخرت، مردمی را که پیامبران به سویشان فرستاده شدند، حتماً بازخواست می‌کنیم و از خود پیامبران هم دربارهٔ مردم حتماً می‌پرسیم. ۶ بعد، با آگاهی کامل، گزارش یک عمر زندگی‌شان را حتماً به خودشان می‌دهیم؛ چون در هیچ صحنه‌ای غایب نبوده‌ایم! ۷

تنها وسیلهٔ سنجش کارها، در آن روز، حق است: آنانی که کارهایشان با ارزش و نزدیک به حق است، خوشبخت‌اند ۸ و آن‌هایی که کارهایشان بی‌ارزش و دور از حق است، سرمایهٔ عمرشان را با نپذیرفتن آیه‌ها و نشانه‌های ما از کف داده‌اند. ۹

در زمین به شما سکونت و اختیار عمل دادیم و در آن وسایل زندگی در اختیارتان گذاشتیم. حیف که کمتر شکر می‌کنید! ۱۰ خمیرمایه‌تان را از گل آفریدیم. بعد، به شما شکل و شمایل دادیم. آن وقت به فرشتگان فرمان دادیم: «در برابر آدم سجده کنید.» همه سجده کردند، جز ابلیس که تن به سجده نداد! ۱۱

فرمود: «وقتی دستور سجده دادم، چه چیز باعث شد که سجده نکنی؟!»
 جواب داد: «من از او بهترم: مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گِل!» ۱۲ فرمود: «از این
 مرتبه پایین برو. در حدّ تو نیست که در این مقام تکبر کنی! برو بیرون! تو دیگر
 خوار و بی‌عزتی.» ۱۳

گفت: «تا روزی که مردم دوباره زنده می‌شوند، مهلتم بده.» ۱۴ فرمود: «به
 تو مهلت می‌دهم.» ۱۵ گفت: «حالا که از راه به درم کردی، در راه درست تو در
 کمینشان می‌نشینم. ۱۶ آن وقت، از جلو و عقب و چپ و راست به سروقتشان
 می‌آیم! خواهی دید که بیشترشان شکرگزار نیستند.» ۱۷

خدا اعلام کرد: «از این موقعیت، اخراجی! آن‌هم با خفت و خواری! شک نکن
 که جهنم را پری می‌کنم از تو و همه آن‌هایی که دنبال راه می‌افتند. ۱۸ و تو ای
 آدم، با همسرت در این باغ ساکن شوید و از هر جا و هر چیزش که دوست دارید،
 استفاده کنید؛ ولی نزدیک این درخت نشوید و از آن نخورید؛ وگرنه بد خواهید
 دید!» ۱۹

شیطان برای اینکه جنبه‌های حیوانی آدم و حواری که برایشان پوشیده بود،
 نشانشان بدهد،^۱ با تظاهر به دلسوزی و سوسه‌شان کرد و گفت: «خدا شما را فقط
 به این انگیزه از این درخت نهی کرد که مبادا با خوردن میوه‌هایش فرشته شوید
 یا در این باغ برای همیشه بمانید!» ۲۰ و جلویشان سفت و سخت قسم خورد که:
 «من خیرخواه شمایم!» ۲۱

بالاخره آن‌ها را با فریب، از مقامشان پایین کشید: همین‌که از میوه آن درخت
 چشیدند، لباس‌های بهستی از تنشان افتاد و اندام جنسی‌شان آشکار شد. آن‌ها
 فوراً مشغول چسباندن برگ درختان باغ به خودشان شدند! خدا هم خطابشان
 کرد: «مگر از نزدیک شدن به آن درخت نهیتمان نکردم و نگفتم که شیطان دشمن
 علنی شماست؟!» ۲۲

۱. این هدف ابتدایی، مقدمه‌ای بود برای هدف اصلی او: بی‌آبرو کردن آدم و حواری و نالایق کردنشان برای رسیدن
 به کمال و نماینده خدا شدن.

آدم و حوّا دست به دعا گفتند: «خدایا، ما به خودمان بد کردیم. اگر ما را نیامری و به ما رحم نکنی، حتماً سرمایه عمرمان را می‌بازیم.»^{۲۳}

خدا به آدم و حوّا و شیطان دستور داد: «همگی از این مرتبه پایین بروید؛ درحالی‌که دشمن همدیگر می‌شوید و تا مدتی هم روی زمین زندگی می‌کنید و از نعمت‌های دنیا بهره‌مند می‌شوید.»^{۲۴} و دربارهٔ نسلی که از آدم خواهد آمد، فرمود: «روی زمین به دنیا می‌آیید و همان جا می‌میرید و روز قیامت از آن خارج می‌شوید.»^{۲۵}

فرزندان آدم! به شما لباس دادیم تا اندام جنسی‌تان را بپوشاند و مایهٔ زینت‌تان باشد؛ البته مراقبت از رفتار، بله این مراقبت، لباس بهتری است. همین لباس از نشانه‌های لطف خداست تا مردم به خودشان بیایند.^{۲۶}

آی آدم‌ها، مبادا شیطان گولتان بزند؛ همان‌طور که پدر و مادرتان را گول زد و از آن باغ بیرونشان کرد، آن‌هم با وضعیتی که لباسشان را از تنشان درآورد تا اندام جنسی‌شان را نشانشان بدهد! نکته اینجاست که شیطان و دارودسته‌اش از جایی شما را می‌بینند که شما آن‌ها را نمی‌بینید! البته شیطان‌ها را سرپرست فقط کسانی می‌کنیم که ایمان نمی‌آورند.^{۲۷}

وقتی این افراد کار زشتی می‌کنند، می‌گویند: «دیدیم پدرانمان دنبال آن‌اند. اصلاً خدا به این کارها فرمانمان داده!» هشدارشان بده: «خدا هرگز به کار زشت

فرمان نمی‌دهد. چرا از روی نادانی، چیزی به خدا نسبت می‌دهید؟!»^{۲۸}

بگو: «خدا به رعایت عدالت و اعتدال دستور داده است و به اینکه در هر نمازی، با تمام وجودتان، به خدا توجه کنید و از ته دل صدایش بزنید.» همان‌طور که اول بار آفریدتان، دوباره و در حالی زنده می‌شوید که خدا طبق لیاقت افراد، دست عده‌ای را گرفته است و عده‌ای هم به حال خودشان رها شده‌اند؛ زیرا زیر چتر دوستی شیطان‌ها رفته بودند، نه خدا. تازه خیال هم می‌کردند در راه درست‌اند!^{۲۹} ۳۰

۱. دربارهٔ آفرینش آدم و سجدهٔ فرشتگان، آیه‌های ۳۰ به بعد بقره (ص ۶) و ۱۱۵ به بعد طه (ص ۳۲۰) را هم ببینید.

فرزندان آدم! آراستگی ظاهری و باطنی تان را در هر نماز رعایت کنید. در زندگی بخورید و بنوشید؛ ولی ریخت و پاش نکنید که خدا اسراف کارها را دوست ندارد! ۳۱
 پیرس: «استفاده از زیورها و خوراکی های پاک و پاکیزه ای را که خدا برای بندگانش آفریده، چه کسی ممنوع کرده است؟!» و بگو: «این نعمت ها، در زندگی این دنیا، برای مؤمنان است و دیگران هم استفاده می کنند؛ اما روز قیامت تمام نعمت ها در بست برای مؤمنان است!» برای مردم خوش فهم، آیه های خود را این طور توضیح می دهیم. ۳۲

بگو: «خدا این ها را یقیناً ممنوع کرده است: هر کار زشتی چه آشکار باشد چه مخفی، هرگونه سهل انگاری و سرکشی به ناحق، اینکه چیزی را شریک خدا بدانید که خدا دلیلی بر درستی اش نفرستاده و اینکه حرف هایی به خدا نسبت بدهید از روی نادانی. ۳۳

هر ملتی برای مدتی در دنیا زندگی می کند؛ وقتی دوران شان رو به آخر باشد، هرگز نمی توانند حتی برای لحظه ای آن را عقب و جلو ببندازند. ۳۴

فرزندان آدم! وقتی پیامبرانی از بین خودتان به سوی تان آمدند تا آیه هایم را برایتان بخوانند، از آنان پیروی کنید. آنانی که مراقب رفتارشان باشند و خراب کاری های خودشان را اصلاح کنند، نه ترسی بر آنان غلبه می کند و نه غصه می خورند؛ ۳۵ ولی کسانی که آیه هایمان را دروغ بدانند و در برابرش شاخ و شانه بکشند، جهنمی اند و آنجا ماندنی! ۳۶

بنابراین، چه کسانی بدکارتر از آن هایی اند که به خدا نسبت دروغ می دهند یا آیه هایش را دروغ می دانند؟! این جماعت از نعمت های دنیا به مقداری نصیبشان می شود که برایشان معین است. پس وقتی مأموران ما سر وقتشان می آیند، در لحظات گرفتن جان شان می پرسند: «حالا کجا ایند آن بت هایی که به جای خدا می پرستیدید؟!» جواب می دهند: «از جلوی چشممان گم و گور شدند!» بله، آن ها به ضرر خودشان اعتراف می کنند که بی دین بوده اند! ۳۷

در آن لحظه، خدا دستور می‌دهد: «به گروه‌هایی از جَبَّان و آدمیانِ قبل از خودتان ملحق شوید.» هر بار گروهی داخل آتش می‌شود، گروه دیگر را لعنت می‌کند! وقتی همگی در آنجا جمع شوند، پیروان دربارهٔ پیشوایانشان می‌گویند: «خدایا، این‌ها بودند که گمراهمان کردند. پس آتش عذابشان را دوچندان کن.» می‌فرماید: «هر کدامتان دوچندان عذاب می‌شوید؛ ولی دلیلش را نمی‌دانید!»^۱

۳۸ حال، پیشوایان به پیروانشان می‌گویند: «خون شما که رنگین‌تر از ما نیست تا عذابتان کمتر از ما باشد!» بله، بچشید عذاب را در نتیجهٔ کارهای زشتی که می‌کردید!^{۳۹}

در حقیقت، کسانی که آیه‌های ما را دروغ بدانند و در برابرش شاخ‌وشانه بکشند، درهای آسمان^۲ به رویشان باز نمی‌شود و اگر پشت گوششان را دیدند، بهشت را هم خواهند دید!^۳ گناهکارها را این‌طور به‌سزای اعمالشان می‌رسانیم.

۴۰ زیرا اندازه و رواندازشان آتش جهنم است! بدکارها را این‌طور به‌سزای اعمالشان می‌رسانیم. ۴۱

اما کسانی که ایمان آورده و کارهای خوب کرده‌اند، بهشتی‌اند و آنجا ماندنی. البته هرکس را فقط به اندازهٔ توانش مسئول می‌دانیم. ۴۲ در آنجا، هر کینه و کدورتی را از دل‌هایشان ریشه‌کن کرده‌ایم. از زیر پایشان جوی‌ها روان است. می‌گویند: «خدا را شکر که ما را به این نعمت‌ها رساند. اگر خدا دستمان را نمی‌گرفت، محال بود به این نعمت‌ها برسیم. وعده‌های فرستاده‌های خدا واقعاً درست از آب درآمد.» بالاخره، ندایی گوششان را نوازش می‌دهد: «این است آن بهشتی که عوض کارهایتان، برایتان به یادگار مانده است!»^{۴۳}

۱. عذاب پیشوایان دوچندان است؛ چون خودشان گمراه شدند و پیروانشان را هم گمراه کردند. عذاب پیروان نیز دوچندان است؛ چون گمراه شدند و به پیشوایانشان هم کمک کردند و سیاهی‌لشکر آن‌ها بودند تا پیشوایان بتوانند اهداف شوم و شیطانی‌شان را اجرا کنند! البته این دوچندان «به‌تناسب» جرم هر گروه در نظر گرفته می‌شود. آیه‌های ۲۷ به بعد سورهٔ صافات (ص ۴۴۷) و ۵۹ به بعد سورهٔ ص (ص ۴۵۶) را هم ببینید.

۲. منظور از درهای آسمان، راه‌های آسمان غیب است، نه این آسمانی که بالای سر ماست.

۳. در متن آیه «حتی یلج الجمل فی سم الخیاط» آمده به معنای «رد شدن طناب یا شتر از تهِ سوزن» و چون این عبارت کنایه از محال است، ما معادل فارسی امروزی‌اش را در ترجمه آورده‌ایم.

بهشتیان جهنمیان را صدا می‌زنند و می‌پرسند: «ما رسیدیم به آنچه خدا به ما وعده داده بود. شما هم رسیدید به آنچه خدا به شما وعده داده بود؟!» صدای «بله» شان بلند می‌شود. اینجاست که فریادزننده‌ای با صدای بلند در بین دو گروه اعلام می‌کند: «لعنت خدا بر بدکارها!»^{۴۴} همان‌هایی که مانع بندگی خدا می‌شوند و راه مستقیم خدا را کج نشان می‌دهند و آخرت را باور ندارند.^{۴۵}

بین بهشتیان و جهنمیان دیواری است که بر بلندی‌هایش مردان و زنان بزرگی^۲ هستند که همه را از حال و روزشان می‌شناسند. آنان به بهشتیانی که هنوز واردش نشده‌اند، ولی دل توی دلشان نیست که زودتر وارد شوند، مژده می‌دهند: «نگران نباشید. به سلامت داخل بهشت می‌شوید.»^{۴۶}

وقتی چشم بهشتیان منتظر به جهنمی‌ها می‌افتد، می‌گویند: «خدایا، ما را همنشین این بدکارها نکن!»^{۴۷}

بعد، آن انسان‌های بزرگ که جهنمیان را با مشخصات کامل می‌شناسند، صدایشان می‌زنند و سرزنش می‌کنند: «دیدید ثروت اندوزی و شاخ و شانه کشیدن‌های همیشگی‌تان، دردی از شما دوا نکرد؟! ۴۸ این بهشتی‌های منتظر آیا همان‌هایی نیستند که قسم می‌خوردید لطف خدا هرگز شامل حالشان نمی‌شود؟!» و بعد، رو به بهشتی‌ها: «پا به بهشت بگذارید که دیگر نه ترسی بر شما غلبه می‌کند و نه غصه می‌خورید.»^{۴۹}

جهنمی‌ها بهشتیان را با التماس صدا می‌زنند: «از آب یا نعمت‌هایی که خدا روزی‌تان کرده است، کمی هم به ما بدهید!» جواب می‌شنوند: «خدا این نعمت‌ها را بر بی‌دین‌ها ممنوع کرده!»^{۵۰} همان‌هایی که بازی و سرگرمی را دین و هدف خود قرار داده بودند و زندگی دنیا و زرق و برقش گولشان زده بود. امروز فراموششان می‌کنیم؛ همان‌طور که آن‌ها دیدار امروزشان را به باد فراموشی سپرده بودند و آیه‌های ما را انکار می‌کردند.^{۵۱}

۱. در روایات آمده است که این فریادزننده امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است.

۲. حضرت محمد و آل طاهرینش (علیهم السلام) برترین افراد این گروه‌اند.

بله، برایشان کتابی آوردیم و با آگاهی کامل توضیحش دادیم تا مایهٔ راهنمایی همه باشد و لطفی برای مؤمنان. ۵۲

انکارکننده‌ها نکند فقط منتظر وعده و وعید قرآن‌اند؟! روزی که وعده و وعیدش فرا برسد، کسانی که قبلاً آن را به باد فراموشی سپرده بودند، با افسوس می‌گویند: «وعده‌های فرستاده‌های خدا واقعاً درست از آب درآمد. حالا، شفاعت‌کننده‌هایی پیدا می‌شوند تا برایمان پادرمیانی کنند؟ یا ممکن است که به دنیا برمان گردانند و کارهای گذشته‌مان را جبران کنیم؟» نه! چون که سرمایهٔ عمرشان را از کف داده‌اند و بت‌های ساختگی‌شان هم از جلوی چشم آن‌ها غیبشان زده است! ۵۳

در واقع، صاحب‌اختیاران خدایی است که آسمان‌ها و زمین را و آنچه میان آن‌هاست، در طول شش مرحله آفرید. آن وقت، بر مقام فرمانروایی جهان تکیه زد. او شب و روز را در طول سال کم‌کم بلند و کوتاه می‌کند.^۱ خدا به دستورش، خورشید و ماه و ستارگان را در خدمتتان آفریده است. بدانید آفرینش و ادارهٔ عالم، همه، دست اوست. چه پربرکت است خدایی که صاحب جهانیان است! ۵۴

خدا را نالان و نهان صدا بزنید، ولی زیاده‌روی نکنید؛^۲ زیرا او اهل زیاده‌روی را دوست ندارد. ۵۵ بعد از برقراری امنیت و آرامش، در جامعه هرج و مرج راه نیندازید و خدا را با بیم و امید صدا بزنید تا درستکار شوید؛ چون سایهٔ لطف خدا بر سر درستکاران همیشه گسترده است. ۵۶

او خدایی است که بادها را می‌فرستد تا مژده‌رسان باران رحمتش باشند. پس وقتی ابرهای بارور را حمل کنند، به طرف سرزمین‌های مرده سوقشان می‌دهیم و آن وقت از آن‌ها برف و باران می‌فرستیم تا به برکتش انواع محصولات کشاورزی را پرورش دهیم: مردگان را هم همین‌طور از قبرها بیرون می‌آوریم! این مثال‌ها را می‌آوریم تا به خودتان بیابید! ۵۷

۱. هر قدر از خط استوا دورتر و به قطب شمال و جنوب نزدیک‌تر شویم، بلند و کوتاه شدن شب‌ها و روزهای سال بیشتر به چشم می‌آید. در ایران هم این پدیدهٔ شگفت‌انگیز هر سال تکرار می‌شود.

۲. منظور از زیاده‌روی این‌هاست: خواسته‌های بیجا و غیرمعقول، داد و فریاد زدن، رعایت نکردن آداب دعا، طول دادن دعا بیشتر از حال و حوصله، ریاکاری در دعا و اصلاً دعا نکردن از روی غرور یا ناامیدی.

زمین حاصلخیز، با اجازه خدا، گل و گیاهش می‌روید؛ ولی از زمینِ شوره‌زار و نامرغوب، جز مشتی گیاه بی‌فایده، چیز دیگری نمی‌روید. از دل پاک و ناپاک هم همین‌طور! بله، آیه‌هایمان را این‌طور به صورت‌های گوناگون برای شکرگزاران بیان می‌کنیم. ۵۸

نوح را برای هدایت قومش فرستادیم. ^۱ او گفت: «مردم! فقط خدا را پرستید که معبودی جز او ندارید. من می‌ترسم گرفتار عذابِ روزی هولناک شوید!» ۵۹

در جواب دعوتش، خواص جامعه گفتند: «از نظر ما، واقعاً که غرق گمراهی هستی.» ۶۰ نوح گفت: «مردم! در وجود من هیچ انحرافی نیست؛ بلکه فرستاده‌ای هستم از طرف صاحب‌اختیار جهانیان ۶۱ که پیام‌هایش را با جدیت به شما می‌رسانم و خیرخواهتان هستم و چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید. ۶۲ نکند تعجب کرده‌اید که تذکرات خدا به زبان آدمی مثل خودتان برایتان بازگو می‌شود؟ آن هم برای اینکه درباره کارهایتان به شما هشدار دهد و هم مراقب رفتارتان باشید و هم لطف خدا شامل حالتان شود.» ۶۳ دست‌آخر به دروغگویی متهمش کردند. ما هم او و کسانی را نجات دادیم که در آن کشتی عظیم همراهش بودند و کسانی را غرق کردیم که آیه‌هایمان را دروغ دانستند؛ چون مردمی بی‌بصیرت بودند. ۶۴ برای هدایت قوم عاد هم همشهری‌شان هود را فرستادیم. او گفت: «مردم! فقط خدا را پرستید که معبودی جز او ندارید. پس چرا مراقب رفتارتان نیستید؟!» ۶۵

خواص بی‌دین جامعه در جواب دعوتش گفتند: «از نظر ما، واقعاً که غرق حماقت و نادانی هستی و یقین داریم که تو دروغگویی.» ۶۶ هود با ادب و آرامش گفت: «مردم! من دچار هیچ‌گونه حماقتی نیستم؛ بلکه فرستاده‌ای هستم از طرف صاحب‌اختیار جهانیان ۶۷

۱. خدای دانا پس از گفتن مسائل اساسی و کلی درباره خداشناسی، معاد، هدایت بشر، احساس مسئولیت و... به داستان برخی پیامبران بزرگ مانند نوح، هود، صالح، لوط، شعیب و موسی (علیهم‌السلام) اشاره می‌کند تا نمونه‌های زنده این بحث‌ها را در لابه‌لای تاریخ پُرماجرا و عبرت‌انگیز زندگی‌شان نشان دهد.

که پیام‌هایش را با جدّیت به شما می‌رسانم و برایتان خیرخواهی قابل‌اعتمادم. ۶۸ نکنند تعجب کرده‌اید که تذکرهاى خدا به زبان آدمی مثل خودتان برایتان بازگو می‌شود؟ آن‌هم برای اینکه دربارهٔ کارهایتان به شما هشدار دهد. یادتان باشد که بعد از هلاکت قوم نوح، خدا شما را جانشین آن‌ها کرد و به شما بدن‌هایی ننومند و نیرومند داد! پس به یاد نعمت‌های خدا باشید تا خوشبخت شوید.» ۶۹ قوم هود با گستاخی گفتند: «آیا سراغمان آمده‌ای که فقط خدا را بندگی کنیم و بت‌هایی را که پدرانمان می‌پرستیدند، رها کنیم؟! اگر راست می‌گویی، آن عذابی که ما را از آن می‌ترسانی، به سرمان بیاور!» ۷۰

اینجا بود که هود آخرین حرفش را زد: «دیگر قهر و غضبِ خدا بر شما حتمی شد! آیا با من بر سر بت‌های بی‌جانی جار و جنجال می‌کنید که شما و پدرانتان به دروغ نام خدایان رویشان گذاشته‌اید و خدا هم دلیلی بر درستی حرفتان نفرستاده است؟! از این به بعد، منتظر عذاب باشید. من هم در کنارتان منتظر می‌مانم!» ۷۱

دست آخر، هود و همراهانش را از سر لطفمان نجات دادیم و ریشهٔ کسانی را کندیم که آیه‌هایمان را دروغ می‌دانستند و آن‌ها را باور نکردند! ۷۲

برای هدایت قوم ثمود هم همشهری‌شان صالح را فرستادیم. او گفت: «مردم! فقط خدا را بپرستید که معبودی جز او ندارد. الان، برایتان از طرف خدا معجزه‌ای آمده است: این ماده شتر که معجزهٔ خداست، نشانهٔ راستگویی من است. رهایش کنید تا در زمین خدا بچرد. آزاری به او نرسانید تا مبادا عذابی زجر آوردامن‌گیرتان شود!» ۷۳

یادتان بماند که بعد از هلاکت قوم عاد، خدا شما را جانشین آن‌ها کرد و در سرزمینی مناسب جایتان داد که حالا در دشت‌هایش ساختمان‌های بلند و باشکوه می‌سازید و در کوه‌هایش خانه می‌تراشید. پس به یاد نعمت‌های خدا باشید و با خیره‌سری، در جامعه خراب‌کاری نکنید.» ۷۴

ولی خواص متکبر جامعه به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «شما مطمئنید که صالح واقعاً از طرف خدا فرستاده شده؟!» آن مستضعفان گفتند: «البته که ما به چیزهایی که صالح مأمور رساندن آن است، ایمان داریم.» ۷۵
اما آن خواص مغرور در ادامه گفتند: «ولی ما عقایدی را که شما باور کرده‌اید، اصلاً قبول نداریم.» ۷۶

بالاخره، شتر صالح را کشتند و متکبرانه از فرمان خدا سرپیچی کردند و گفتند: «صالح، اگر تو واقعاً جزو پیامبرانی، آن عذابی که ما از آن می‌ترسانی، به سرمان بیاور!» ۷۷

سرانجام، زلزله ویرانگری در برشان گرفت و آن وقت زیر آوار خانه‌هایشان به زنان درآمدند. ۷۸ در نهایت، صالح ترکشان کرد. وقت عزیمت، رو به اجسادشان گفت: «پیام خدا را کامل به شما رساندم و به اندازه کافی خیرخواهتان بودم؛ ولی روی خوش به خیرخواهی مثل من نشان ندادید!» ۷۹

لوط را هم برای هدایت قومش فرستادیم. به آن‌ها هشدار داد: «آیا مرتکب آن کار بسیار زشتی می‌شوید که تابه حال کسی از مردم دنیا انجامش نداده است؟! ۸۰ شما، برای ارضای شهوت، به جای زن‌ها سراغ مردها می‌روید! اصلاً شما جماعتی شهوت‌ران هستید!» ۸۱

قومش جوابی برای گفتن نداشتند؛ برای همین یک صدا شدند: «لوط و خانواده‌اش را از شهرتان بیرون کنید؛ چون که آن‌ها جماعتی خشکه مقدس اند!»^{۸۲} پس لوط و خانواده‌اش را نجات دادیم، جز زنش را که با جامانده‌ها گرفتار عذاب شد! ^{۸۳} بقیهٔ مردم شهر را هم با گل‌هایی سفت، سنگ باران کردیم. پس ببین آخرعاقبت گناهکارها چه شد! ^{۸۴}

برای هدایت مردم شهر مدین^۱ هم همشهری‌شان شعیب را فرستادیم. او گفت: «مردم! فقط خدا را پرستید که معبودی جز او ندارید. در ضمن، برایتان از طرف خدا، معجزه‌ای بر پیامبری من آمده است؛^۲ پس پیمان‌ه و ترازویتان را درست و دقیق کنید و از حق مردم چیزی کم نگذارید و بعد از برقراری امنیت و آرامش، در جامعه هرج و مرج راه نیندازید. عمل به این دستورها به نفعتان است، اگر باور داشته باشید!»^{۸۵}

سر راه مؤمنان ننشینید که با زور و تهدید، مانعشان از بندگی خدا شوید و با شبهه‌پراکنی، راه مستقیم خدا را کج نشان دهید. به یاد آورید که ضعیف و کم جمعیت بودید؛ آن وقت، خدا قوی و پُر جمعیتان کرد. خوب بررسی کنید و ببین آخرعاقبت خراب‌کارها چه شد! ^{۸۶}

اگر گروهی از شما چیزهایی را که من به آوردنش مأمور شده‌ام، باور کرده‌اند و گروهی باور نکرده‌اند، پس صبر کنید و با همدیگر مسالمت‌آمیز زندگی کنید^۳ تا خدا بینمان داوری کند که او بهترین داورهاست.»^{۸۷}

۱. مدین شهری در مناطق مرزی اردن و عربستان سعودی بود و مردمی تجارت‌پیشه و مرفه داشت. در میان‌شان بت‌پرستی رایج بود و همین‌طور گران‌فروشی و کم‌فروشی و تقلب در معامله.

۲. معجزهٔ حضرت شعیب علیه السلام در قرآن نیامده است و در روایات هم مطلب روشنی در این باره نیست.

۳. مسلمانان در عین عمل به وظایف فردی و اجتماعی خود، باید خویشان‌دار باشند و آستانهٔ تحملشان را بالا ببرند. قرار که نیست همهٔ مردم دنیا یک‌شبه عوض شوند! تجربه هم نشان داده است که بردباری در برابر باورها و رفتارهای مخالفان، پیامدهای مثبت دارد و برخوردهای چگشی و احساسی، برعکس.